



مطالعات زن و خانواده

فصلنامه علمی مطالعات زن و خانواده
پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)
دوره ۱۲، شماره ۲، پیاپی ۳۳، تابستان ۱۴۰۳





فصلنامه علمی

مطالعات زن و خانواده

بهار ۱۴۰۳

دوره ۱۲، سالی ۳۲، شماره ۱



این نشریه در اتمار مقالات حوزه زن و خانواده با انجمن مشاوره ایران همکاری می کند

صاحب امتیاز: پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)

سردبیر: دکتر انسیه خزعلی

مدیر مسئول: دکتر سیده فاطمه موسوی

اعضای هیأت تحریریه

دکتر سیمین حسینیان

اسناد مشاوره دانشگاه الزهراء (س)

دکتر فریبا شایگان

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین

دکتر جمیله علم الهدی

دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شهید بهشتی (س)

دکتر یاسر رضاپور میرصالح

دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه اردکان پرد

دکتر رضا خجسته مهر

رئیس انجمن روان‌شناسی خانواده ایران و اسناد مشاوره دانشگاه شهید چمران اهواز

دکتر غلامرضا جمشیدپناه

اسناد دانشگاه تهران

دکتر الهام امین‌زاده

دانشیار حقوق عمومی دانشگاه تهران

دکتر غلامرضا دهشیری

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)

دکتر سیده فاطمه موسوی

دانشیار روان‌شناسی دانشگاه الزهراء (س)

دکتر محمدجواد جاوید

اسناد حقوق عمومی دانشگاه تهران

دکتر محمدتقی ایمان

اسناد علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

مدیر اجرایی: دکتر سمانه‌سادات سدیدپور

ویراستار ادبی و علمی:

دکتر سمانه‌سادات سدیدپور

ویراستار انگلیسی:

دکتر فرشاد لواف پور نوری

طراح و صفحه‌آرا:

دکتر سمانه‌سادات سدیدپور

ناشر:

دانشگاه الزهراء (س)

ترتیب انتشار:

فصلنامه

شماره پروانه انتشار:

۲۶۹۲ - ۲۳۴۵

شماره پروانه علمی-پژوهشی:

۳/۲۶۰۹۴

شمارگان: چاپ الکترونیکی

نشانی دفتر مجله:

تهران، میدان ونک، خیابان ونک، دانشگاه

الزهراء، ساختمان خوارزمی، طبقه ششم،

پژوهشکده زنان

تلفکس:

۸۸۰۴۹۸۰۹ (۲۱) ۹۸ +

آدرس وبگاه:

http://jwfs.alzahra.ac.ir

پست الکترونیک:

jwfs@alzahra.ac.ir

کد پستی:

۱۹۹۳۸۹۱۱۷۶



مطالعات زن و خانواده

حق چاپ ۱۳۹۱ پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (ع)

بهد حقوق از آن ناشر است. چاپ، باز نشر و کپی از این فصلنامه یا بخش بانی از آن، به هر شکل، نیازمند اجازه کتبی ناشر است.

چاپ شده در جمهوری اسلامی ایران

درجه علمی-پژوهشی فصلنامه مطالعات زن و خانواده، از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تاریخ ۹۱/۲/۱۱ شماره ۹۴/۲۶۰۳/۳ ابلاغ شد.

طبق آیین نامه ارزیابی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، از تاریخ ۹۹/۲/۰۸ تمامی نشریات مصوب، نشریات علمی

قدما می شوند.

راهنمای نویسندگان

فصلنامه «مطالعات زن و خانواده»، نشریه علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء^(س) است که اقدام به انتشار مقالات اصیل منتج از یافته‌های پژوهشی، مقالات کیفی، موردی و مقالات نظریه‌پردازی در حوزه زن و خانواده می‌کند.

نویسندگان محترم موظف اند جهت تسریع در فرایند بررسی و داوری، فرمت نشریه را کاملاً رعایت نمایند و پیش از ارسال مقاله نسبت به عدم ارسال همزمان مقاله به نشریه دیگر تا حصول نتیجه متعهد شوند، لذا، هنگام ارسال مقاله (فرم تعهد) و (فرم تعارض منافع نویسندگان) توسط نویسنده مسئول تکمیل و در سامانه بارگذاری شود.

این نشریه با احترام به قوانین اخلاق در نشریات تابع قوانین کمیته اخلاق در انتشار (COPE) بوده و از آیین‌نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی پیروی می‌نماید.

این فصلنامه در ارزیابی مقاله از سامانه مشابهت‌یاب «سمیم نور» و «همیاب» استفاده می‌کند.

مقالات را دو داور، داور تطبیقی و دبیر تخصصی ارزیابی می‌نمایند و در هر مرحله از ارزیابی امکان عدم پذیرش مقاله وجود دارد.

پس از صدور نامه پذیرش، هیچ‌گونه تغییری در اطلاعات شناسنامه‌ای مقاله داده نخواهد شد، لذا نویسندگان محترم در هنگام ثبت مقاله در سامانه مجله، اطلاعات همه نویسندگان مقاله را به طور دقیق به فارسی و انگلیسی ثبت نمایند. بعد از انتشار مقاله، دفتر مجله هیچ تعهدی نسبت به تغییر اطلاعات نویسندگان ندارد.

اجزای یک مقاله

یک مقاله پژوهشی به ترتیب شامل بخش‌های زیر است:

- عنوان مقاله به فارسی (B Zar-Bold: 14)
- نام نویسندگان (به ترتیب) (B Nazanin: 12) و وابستگی سازمانی آن‌ها در پانویس (B Mitra: 9) (نویسنده مسئول) در مقابل وابستگی نویسنده مسئول قرار گرفته و ایمیل وی درج می‌شود.
- تیتیر چکیده (B Nazanin: 14) و متن چکیده کوتاه (بین ۲۰۰ تا ۲۵۰ واژه) به زبان فارسی (B Nazanin: 11)
- چکیده فارسی و چکیده انگلیسی باید منطبق برهم بوده، در مقالات پژوهشی شامل مقدمه و هدف پژوهش، روش‌شناسی، نمونه و شیوه نمونه‌گیری، ابزارهای پژوهش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری است. دقت شود که بخش‌های یادشده مجزا نوشته نمی‌شوند.
- در مقالات مروری، چکیده دربرگیرنده هدف پژوهش، منابع داده‌ها، روش مطالعه، تعداد مطالعات انجام‌شده و معیارهای انتخاب، یافته‌ها (جمع‌بندی اطلاعات و ارتباط بین جملات و سازماندهی یافته‌ها و نتایج حاصل از مرور مطالعات انجام شده) و نتیجه‌گیری و کاربردهای آن در حوزه مربوطه است.
- تیتیر واژگان کلیدی (B Nazanin-Bold: 11): واژه‌ها بین ۳ تا ۵ واژه (B Nazanin: 11)

- Title of Paper (Times New Roman-Bold: 14)
- The Authors (Times New Roman-Bold: 10) and affiliation in footnote (Times New Roman: 9) (Corresponding author) is typed in front of the Corresponding author' name with an email.
- Abstract (Times New Roman-Bold: 11) the text of abstract (between 200-250 words) (Times New Roman: 11)
- Keywords (Times New Roman-Bold: 11) between 3-5 words (Times New Roman: 11)

- تیتیر مقدمه (B Lotus-Bold: 14) و متن مقدمه (B Lotus: 12)

این بخش شامل بیان هدف، مسأله، تعریف واژگان نوظهور (متغیرهای مورد مطالعه)، مروری بر پیشینه نظری و تجربی پژوهش، ضرورت مطالعه و نوآوری پژوهش به سایر پژوهش‌های مشابه است. نویسنده باید تلاش کند تا بستری مناسب (که همسو با اهداف نشریه است) برای پرداخت به موضوع مورد مطالعه پیدا کرده و با شروع از گروه مورد مطالعه، متغیرهای وابسته (ملاک) و مستقل (پیش‌بین) خود را در این بستر و در رابطه با یکدیگر یک به یک مورد توجه قرار دهد. مطالب بهم‌پیوسته باید انسجام روایی و محتوایی داشته باشد و حلقه‌های یک زنجیره را تشکیل دهد، نه زنجیره‌های گسسته و خواننده در پیدا کردن حلقه اتصال آن‌ها دچار سردرگمی شود، خلاء پژوهش و سوالاتی که در خلال پژوهش‌های پیشین به آنها پاسخ داده نشده و نویسنده قصد دارد در این مطالعه به آنها پاسخ دهد، مشخص شود.

- تیتیر روش‌شناسی پژوهش (B Lotus-Bold: 14) و متن روش‌شناسی پژوهش (B Lotus: 12)

این بخش شامل اطلاعاتی در مورد جامعه، نمونه، روش نمونه‌گیری و معیارهای ورود و خروج و تمامی مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه است.

- تیتیر ابزارهای پژوهش (B Lotus-Bold: 14) و متن ابزارهای پژوهش (B Lotus: 12)

این بخش شامل اطلاعاتی در مورد سازنده، سال، تعداد گویه‌ها، خرده‌آزمون‌ها، طیف نمره‌گذاری، شیوه نمره‌گذاری، روایی و پایایی ابزار در پژوهش‌های داخلی و خارجی (ترجیحاً در نمونه مشابه با پژوهش حاضر) و پایایی ابزار در پژوهش حاضر باشد)

- تیتیر شیوه اجرای پژوهش (B Lotus-Bold: 14) و متن شیوه اجرای پژوهش (B Lotus: 12)

این بخش شامل نحوه گردآوری داده‌ها و مراحل اجرای پژوهش اعم از اخذ مجوزها، نحوه رعایت اخلاق پژوهش، کسب رضایت شرکت‌کنندگان و حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی و... است.

▪ تیتیر یافته‌ها (B Lotus-Bold: 14)

این بخش شامل خلاصه‌ای از یافته‌های بدست آمده از داده‌های جمع‌آوری شده و نتایج مربوط به تحلیل آزمون‌های آماری است که در قالب جداول و نمودارها گزارش می‌شود. تعداد جداول حداکثر تا ۴ جدول و تعداد نمودارها نیز حداکثر ۳-۲ نمودار است. مفروضه‌های اجرای آزمون آماری به کار رفته در پژوهش در قالب متن و نه جدول پیش از گزارش جداول بیان شود.

▪ عناوین جداول (بالای آن و وسط چین) (B Nazanin-Bold: 11) و متن جدول (B Nazanin: 11) باشد. تمامی اعداد در جداول و نمودارها به فارسی و با دو رقم اعشار (علامت /) گزارش می‌شوند.

▪ تیتیر بحث و نتیجه‌گیری (B Lotus-Bold: 14)

این بخش به خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش اشاره دارد و به تفسیر و شرح آنها می‌پردازد، همسویی و ناهم‌سویی نتایج با یافته‌های پژوهش‌های مشابه قبلی مقایسه و با استفاده از مباحث نظری پرداخت شده در بخش مقدمه، تبیین می‌شوند، لذا نویسنده ابتدا پس از بیان هدف پژوهش و یافته‌های پژوهش به صورت مجزا، به بیان پژوهش‌های همسو و ناهم‌سو پرداخته و صرفاً بر اساس پیشینه تجربی و نظری بحث شده در مقدمه (ونه دریافت‌های شخصی نویسنده) به تبیین این همسویی و ناهم‌سویی می‌پردازد. و در پایان، پس از ذکر محدودیت‌های پژوهش، پیشنهادات برخاسته از نتایج پژوهش و کاربرد نتایج در عمل برای پژوهشگرانی که ممکن است در حوزه پژوهش حاضر مطالعه کنند، بیان می‌شود.

در این بخش از کلی‌گویی‌های بی‌مورد چون توصیه به دست‌اندرکاران و مسئولین و برگزاری کارگاه و آموزش و... خودداری نموده و کاربرد عینی نتایج پژوهش خود را در حوزه مربوطه بیان کنید.

▪ تیتیر ملاحظات اخلاقی (B Lotus-Bold: 14) شامل تیتیرهای جزئی‌تر (B Lotus-Bold: 11) به قرار زیر است:

رعایت اخلاق پژوهش (B Lotus-Bold: 11): شامل کد اخلاق، مجوزهای اخذ شده، مستخرج از رساله و سال دفاع، مستخرج از طرح پژوهشی و بیان کد طرح (یا شماره و تاریخ قرارداد) با ذکر رعایت اصول اخلاق پژوهش‌های انسانی یا غیرانسانی است. (B Lotus: 11)

حمایت مالی (B Lotus-Bold: 11): حمایت مالی دریافت شده از سازمان یا موسسه برای انجام پژوهش را ذکر کنید و چنان‌چه بدون حمایت مالی صورت گرفته است، قید کنید. (B Lotus: 11)

سهم نویسندگان (B Lotus-Bold: 11): نقش هریک از نویسندگان و نوع همکاری آن‌ها در پژوهش و نگارش مقاله حاضر به ترتیب مشخص شود. (B Lotus: 11)

تضاد منافع (B Lotus-Bold: 11): در یک عبارت بیان شود که آیا پژوهش حاضر با منافع شخصی یا سازمان خاصی تعارض منافع دارد یا نه؟ (B Lotus: 11)

تشکر و قدردانی (B Lotus-Bold: 11): در این قسمت، از کلیه افراد حقیقی یا حقوقی که در اجرا، تحلیل یا در نقش مشاور به پژوهش حاضر کمک کرده‌اند، با ذکر دلایل سپاس، قدردانی شود.

▪ تیتیر منابع فارسی (B Lotus-Bold: 14)

کلیه منابع مندرج درون متنی باید به ترتیب حروف الفبا (نام خانوادگی) و به سبک APA نسخه ۷ در این بخش تنظیم شوند. (B Lotus: 11)

نکات مورد توجه:

- ۳۰٪ از منابع مورد ارجاع مقاله باید مربوط به ۵ سال اخیر باشد.
 - ارجاع به رساله، صرفاً در مقطع دکتری به صورت محدود و در ضرورت صورت گیرد.
 - منابع مورد ارجاع از نشریات معتبر نمایه‌شده در نمایه‌های معتبر داخلی و بین‌المللی صورت گیرد.
 - تعداد منابع مورد ارجاع در مقالات پژوهشی کم‌تر از ۳۰ منبع و در مقالات مروری کم‌تر از ۵۰ نباشد. (لازم به ذکر است مقاله مروری، با مقاله آرسویی یا کتابخانه‌ای متفاوت بوده و فقط از صاحب‌نظران حوزه مربوطه قابل انتظار و دریافت است، به گونه‌ای که بخشی از ارجاعات مقاله، حاصل سال‌ها پژوهش و مطالعات محقق در حوزه مربوطه است).
 - تک‌تک ارجاعات درون‌متنی و پایان‌متنی باید با هم مطابقت داشته باشند، به گونه‌ای که هر منبع درون‌متنی به صورت هایپرلینک منبع پایان‌متنی را نشان دهد.
 - منابع دارای DOI را حتماً با ذکر شناسه دیجیتال ذکر کنید.
 - از ارجاع به مقالات همایش بپرهیزید.
 - پس از ذکر هر منبع پایان‌متنی داخل کروشه [Link] لینک منبع مذکور را به صورت هایپرلینک ارجاع دهید، به گونه‌ای که با کلیک بر روی [Link] بتوان به منبع ارجاع شده، دست یافت. برای چگونگی هایپرلینک منابع درون‌متنی یا پایان‌متنی بر روی این لینک کلیک نمایید.
- نمونه‌های از شیوه ارجاع به منابع پایان‌متنی به صورت مقاله، کتاب و رساله به شکل زیر گزارش می‌شوند:

ارجاع به مقاله چاپ‌شده در نشریه

احمدی، خدابخش. (۱۳۹۱). مقایسه وضعیت استحکام خانواده در خانواده‌های نظامی و غیرنظامی. *مجله علوم رفتاری*. ۶ (۱): ۳۷-۳۱. DOI: [Link]

Tang, T. L., & West, W. B. (1997). The importance of human needs during peacetime, retrospective peacetime, and the Persian Gulf War. *International Journal of Stress Management*, 4(1): 47-62. DOI: https://doi.org/xxxx. [Link]

ارجاع به کتاب تألیفی

ادیبی، علی‌اصغر. (۱۳۸۷). *تکه‌انگاری: فرایندی در طراحی معماری* (ویراست....). دانشگاه تهران.

Jahoda, M. (1958). *Current concepts of positive mental health* (...ed.). Basic Books Publisher. [Link]

- کتاب ترجمه‌ای چاپی مثال:

احمدی، علی. (۱۳۸۱). فن نشر کتاب. ترجمه محسن مدیرشانه‌چی و هوشنگ خوش‌آموز. سمت. [Link]

ارجاع به وبسایت

دیلمقانی، میترا. (۱۳۷۸). دانشگاه‌های مجازی: چالش‌ها و ضرورت‌ها. مقاله ارائه شده به کنفرانس آموزش الکترونیکی ایران. بازیابی شده در ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۵. به نشانی: <http://www.wsu.edu/0dee/GLOSSARY/ARETE.HTM>.

Hooker, R. (1996). *Arete*. Retrieved April 7, 1999 from the World Wide Web: <http://www.wsu.edu/0dee/glossary/arete.htm>. [Link]

ارجاع به پایان‌نامه و منابع منتشرنشده

خامسان، احمد. (۱۳۷۴). بررسی مقایسه‌ای ادراک خود در زمینه تحولی و سلامت روانی. رساله دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، چاپ نشده.

ارجاع به فصلی از کتاب

Jahoda, M. & Jahoda, M. (1958). Title of the book chapter. In R. Hooker, & Y. Hooker (Eds.), *Title of the book* (2nd ed., pp. 15-30). Springer. [Link]

نمونه‌ای از ارجاع درون‌متنی (نقل قول غیرمستقیم) به قرار زیر است:

تعداد نویسندگان	اولین بار در متن	بارهای بعدی در متن
۱	ادیبی (۱۳۸۷)	ادیبی (۱۳۸۷)
۲	جاوید و ایزدی (۱۳۸۹)	جاوید و ایزدی (۱۳۸۹)
۳ و بیش‌تر	علیزاده و همکاران (۱۳۸۹)	علیزاده و همکاران (۱۳۹۱)

در ارجاعات درون‌متنی نقل قول شده از افراد مهم، روایات یا احادیث، علامت گیومه و ذکر شماره صفحات الزامی است.

■ تیترا (Times New Roman-Bold:12) References

کلیه منابع انگلیسی مندرج درون‌متنی باید به ترتیب حروف الفبا (نام خانوادگی) و به سبک APA نسخه ۷ در این بخش تنظیم شوند. (Times New Roman-10) چنان‌چه مقاله در مرحله داوری نیازمند اصلاح تشخیص داده شد، نویسنده موظف است همه منابع فارسی مندرج در بخش منابع فارسی پایان‌متنی را با مراجعه به سایت انگلیسی (منبع استخراج و در بخش منابع لاتین (با رعایت حفظ ترتیب الفبا) درج کند و چنان‌چه منبع یادشده دارای DOI است، در انتهای منبع قرار دهد. در آخر هر منبع فارسی به انگلیسی برگردانده شده (text in Persian) نوشته شود.

سخن سردبیر

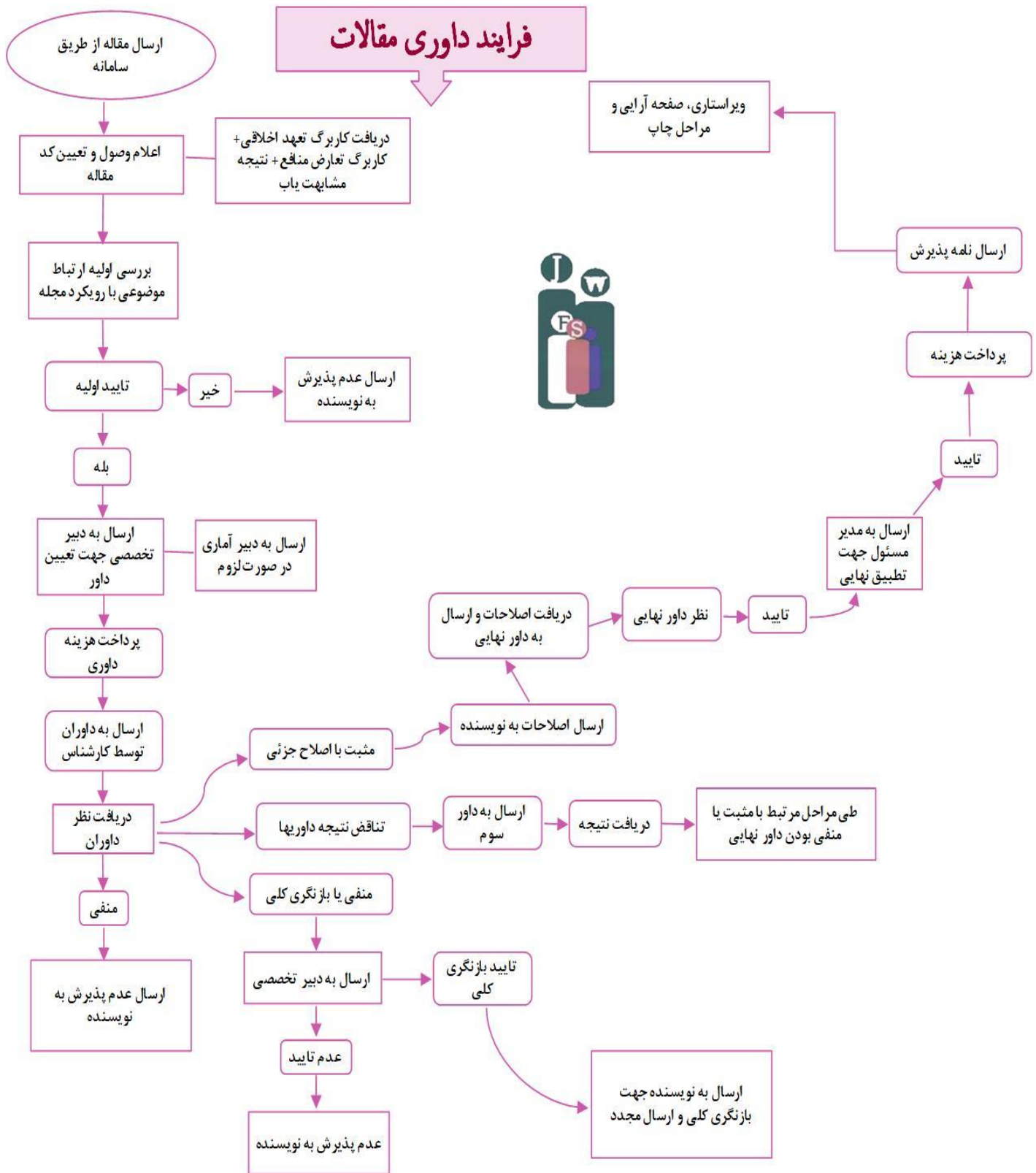
پژوهش در علوم انسانی و به صورت خاص رشته‌ها و موضوعات ویژه و پرکاربرد و مورد مراجعه عصر حاضر از دغدغه‌های اندیشمندان خصوصاً در رشته‌ها و گرایش‌هایی است که آسیب‌های اجتماعی با آن ارتباط و تعلق خاص دارد و بدون شک برنامه‌ریزی صحیح و علمی در این زمینه نیازمند پشتوانه پژوهشی استوار با رویکردهای گوناگون بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای است.

مسئله تولید علم و نظریه‌پردازی‌های جدید خصوصاً در زمینه زن و خانواده که از چالش‌های جدید عصر حاضر به شمار می‌رود، ابعاد گوناگونی را در ساحت‌های حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، روان‌شناختی و فرهنگی به خود اختصاص می‌دهد و تأثیر و تأثر مستقیم و غیرمستقیم این امور با نهاد خانواده به صورت خاص و جنس زن به صورت عام ضرورت تعمیق امور پژوهشی و بومی‌سازی آن را دوچندان می‌کند.

فصل‌نامه «مطالعات زن و خانواده»، نشریه علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهراء (س) سعی دارد تا مقالات اصیل منتج از یافته‌های مقالات نظریه‌پردازی و دارای ایده نو در حوزه زن و خانواده را در اولویت چاپ قرار دهد.

نشریه حاضر از راه‌آورد‌های تحقیقی نو و مقالات پژوهشی علمی و کاربردی استقبال می‌کند که موضوعات مورد نیاز جامعه ایران را در زمره اهداف راهبردی خویش قرار داده است.

فرایند داوری مقالات



فهرست مطالب

۱۰-۳۷

تحلیل مشارکت مدنی زنان بختیاری (تسهیل کننده‌ها و بازدارنده‌ها)

احمد حجاریان

۳۸-۷۹

زمینه‌های موثر بر هویت زنان در ایران: مرور نظام مند پژوهش‌های داخلی در دو دهه گذشته

راحله کردوانی؛ معصومه نفیسی راد

۸۰-۱۰۷

واکاوی فقهی و حقوقی کتابت نکاح

محمد روشن؛ افسون ملازاده نوران

۱۰۸-۱۳۳

نقش میانجی احساس تنهایی در رابطه استفاده از رسانه‌های اجتماعی با کیفیت زندگی مادران خانه‌دار

فاطمه غیائی؛ سولماز دبیری

۱۳۴-۱۶۷

بازجستی در طلاق قضایی ناشی از عسر و حرج معنوی زوجه با تأملی در آراء قضایی

موسی حکیمی صدر، لیلی فاطمی، ثمانه علوی

۱۶۸-۱۹۷

طراحی الگوی محتوای آموزش مددجویان زن، مطالعه‌ای کیفی

اکرم علیمردانی



Original Research

Analysis of Civil Participation of Bakhtiari Women (Facilitators and Inhibitors)

Ahmad Hajarani¹ 

¹. Postdoctoral Researcher, University of Isfahan, Isfahan, Iran (Corresponding Author)

a.hajarani@ltr.ui.ac.ir

Background and Purpose

Based on the available information within the examined society, it is evident that Bakhtiari women encounter numerous challenges in various domains when it comes to their level of civil partnership, in contrast to the Kurdish, Baloch, and Turkish ethnic groups. Despite the presence of positive cultural markers, such as increased levels of education, it is evident that there exists a substantial gap in women's involvement within many social domains, including both formal and informal spheres.

The current issue at hand relates to the recent decades, during which there has been a simultaneous transformation of the political system following the Islamic revolution and a shift in political leaders' perspectives regarding women's involvement in civil affairs. Despite the social and political advancements, such as the implementation of development programs and the notable increase in educational attainment in Kurdistan, as well as the rise in women's political engagement in this region, available evidence and indications suggest that civil partnership, particularly in relation to overall participation, has not experienced significant growth (Romina & Sadeghi, 2015). Consequently, a comprehensive and satisfactory portrayal of the situation is lacking for observers.

Based on the aforementioned introduction and the existing body of research in the domain of women's civil partnership, which predominantly adopts a quantitative methodology and relies on stakeholder perspectives, it is deemed necessary to undertake a qualitative study among Bakhtiari women that incorporates the insights and expertise of relevant professionals. Consequently, this study aims to present a framework for the civic engagement of Bakhtiari women based on the perspectives of experts and professionals. Consequently, this study aims to answer the question,

"What are the contributing factors in the development of Bakhtiari women's civil partnership?"

Method

The present investigation is a fundamental inquiry characterized by its qualitative approach and utilization of the thematic analysis method. The process of data collection was conducted in the year 2022. The duration of the interview ranged from 20 to 45 minutes. During the interview, inquiries were made regarding the presence of ethnic social stratifications and the level of Bakhtiari women's involvement in civil society.

The target population is comprised of politically and socially prominent Bakhtiari women. In other words, they appear to have more and broader knowledge about the topic of the study. Professors of higher education are among them. The participants were selected using a purposive sampling method.

In-depth, semi-structured interviews with 12 specialized academics of Shahrekord University provided the research data. Of these 12 participants, 9 participants were women, 3 participants were males, 10 participants held doctoral degrees while 2 participants held master's degrees. Due to the data saturation reached by in-depth analysis, the sufficiency of the obtained codes, and the absence of new codes in subsequent interviews, the code extraction was discontinued. In fact, the interview is the primary research method. By coding these interviews, analyzing each one, and using purposive sampling and introduction of the next expert by each interviewee, we proceeded to the next participant. This procedure served as the premise for selecting the next expert, and by achieving the desired outcomes, the interview was concluded.

Results

The data collected from the interviews were analyzed using the thematic analysis approach, wherein the primary themes were determined in order to examine the civil partnership of Bakhtiari women. A comprehensive examination of the data through thematic analysis resulted in the identification of a total of 26 fundamental concepts that serve as the basis of the study model. As organizational themes for the research problem, these concepts have been categorized into seven groups: contextual factors, motivational factors, responsibility, justice and equality, cultural factors, and management factors.

- The contextual factors covered various concepts, including age, marital status, economic and well-being status, as well as kinship and clan ties.
- Motivational factors included various concepts, including understanding and empathy, upward social mobility, confidence, and the influence of exemplary individuals (role modelling).



- The theme of responsibility includes various interconnected concepts, such as a deep sense of belonging, firm faith and understanding, and heightened awareness.
- The theme of social status encompasses multiple factors, including education, the stability of one's residence, social position, and the breadth of one's social ties.
- The concept of justice included concepts like meritocracy, socialization beyond gender, equitable distribution, amount of access, and the absence of class socialization.
- The cultural theme encompasses various elements, including ethnic affinities, religious concepts, and historical and cultural origins.
- The management theme encompasses different concepts, including management methods, futuristic thinking, and the level of development.

Discussion & Conclusion

The significance and sensitivity of women's involvement in fostering the social and economic efforts of local ethnic communities cannot be overstated. The proficiency and aptitude of women in engaging in civil partnerships have the potential to contribute to the progress and elevation of society in the era of knowledge. The objective of the present study was to analyze and reorganize the civic engagement of Bakhtiari women while also investigating the barriers and achievements associated with this phenomenon. This study employed the content analysis methodology and incorporated the perspectives of 12 knowledgeable specialists who have sufficient expertise in the relevant domain. A total of 26 fundamental concepts were selected as the foundation of the study model based on the thematic analysis of the data, which yielded 76 identified basic concepts. The research issue was organized into seven groups: contextual, motivational, responsibility, justice, social situation, cultural, and managerial factors. Paying attention to contextual factors indicates systematic thinking in participation, as participation involves a combination of interconnected processes. Contextual factors refer to the various systems that influence the orientation of civil partnerships. Contextual factors reflect the overall perspective on decision-making positions. They encompass these factors' patterns, relationships, integration, information flow, hierarchy, and positioning. Hence, given its significance, the lack of observed progress in the civic engagement of women from diverse ethnic backgrounds, including the Bakhtiari community, may be attributed, at least in part, to the underlying obstacles within the existing framework that necessitate immediate attention and elimination.

Ethical Considerations

Compliance with ethical guidelines

The current study has been conducted in accordance with the ethical guidelines for conducting research involving human subjects.

Funding: This study received no financial support from the organization or any other person.

Authors' contribution: The corresponding author takes responsibility for authoring the article's written content.

Conflict of interest: The author declared no conflict of interest with any person or organization.

Acknowledgements: The researcher expresses gratitude towards all research participants who have collaborated in the collection of research data.

Data Availability: The data supporting this study cannot be shared and made available due to confidentiality.

References

- King, N., Horrocks, C., & Brooks, J. (2018). Interviews in qualitative research. SAGE Publications Limited.[Lin]
- Putnam, R. D. (1995). Bowling Alone: Americas Declining Social Capital. *Journal of Democracy*, 6: 65-78. [Link]
- Safari, H., Danesh, P., Fakhraei, S. (2020). Sociological Analysis of Gender Gap in Economic Participation (Case Study: Urban Women of East Azarbaijan Province). *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 9 (1), 141-159. [text in persian].[Link]
- Shanker, R. (2014). Measurement of women's political participation at the local level: India experience. *Journal of Rural Development*, 1 (3), 1-8. [Link].
- Rahimi, A., Farajpahlou, H., Osareh, F., & Shahbazi, M. (2018). Developments of research in evaluation of data and information quality in information systems since the year 2000. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 33 (2), 915-944. doi: 10.35050/JIPM010.2018.085. [text in persian].[Link].
- Raeisi, S., Tafazzoli, H., Tohidfam, M., & Taheri, A. (2020). Institutional Barriers to Women's Political Participation in Baluchistan Region. *Woman in Development & Politics*, 18 (2), 313-334. doi: 10.22059/jwdp.2020.282601.1007650. [text in persian]. [Link]
- Roumina, E., & Sadeghi, V. (2015). Investigation of the Effect of Tribalism on Voting Pattern; Case Study: Nourabad Mamasani Township. *Geopolitics Quarterly*, 11 (39), 84-116. [text in persian]. [Link]
- Rodríguez-Hidalgo, A. J., Solera, E., & Calmaestra, J. (2018). Psychological predictors of cyberbullying according to ethnic-cultural origin in adolescents: a national study in Spain. *Journal of cross-cultural psychology*, 49 (10), 1506-1522. [Link].



تحلیل مشارکت مدنی زنان بختیاری (تسهیل کننده‌ها و بازدارنده‌ها)

احمد حجاریان^۱

چکیده	اطلاعات مقاله
مشارکت مدنی اقشار قومیتی در قشربندی رده‌بندی‌های اجتماعی نقش قابل توجهی ایفا می‌کند. در این راستا در پژوهش حاضر سعی شده‌است مشارکت مدنی زنان بختیاری باتوجه به نظریات کارشناسان و متخصصان و خبرگان مطالعه شود. مشارکت مدنی زنان زمینه‌های رشد گسترده‌تر را در فرایند توسعه فراهم کرده و مسایل و مشکلات جوامع در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی را از طریق همیاری و اشتراک مساعی حل می‌کنند. علی‌رغم توسعه و گسترش ابعاد مختلف زمینه‌های اجتماعی، مشارکت مدنی در بین زنان بختیاری هنوز از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نیست. در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل مضمون، بسترهای بازآرایی مشارکت مدنی زنان بختیاری شناسایی شدند. پژوهش براساس هدف از نوع کاربردی و از لحاظ ماهیت داده‌ها از نوع کیفی و نمونه آماری ۱۲ تن از زنان بختیاری که در این زمینه تخصص و تجربه کافی داشتند. اطلاعات براساس مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و مطالعه منابع و اسناد جمع آوری شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد از میان ۷۶ شناسایی مفاهیم پایه ۲۶ مفهوم پایه‌ای شناسایی شد که در ۷ دسته مضامین سازمان دهنده (عوامل زمینه‌ای، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، عدالت و برابری، موقعیت اجتماعی، عوامل فرهنگی/عوامل مدیریتی) قابل تقسیم‌بندی هستند. نتایج تحلیل‌ها حاکی از این است که باید در بازآرایی و تجدید آرایش عوامل مؤثر بر مشارکت مدنی زنان بختیاری به توانمندسازی آنان و توجه به عدالت در ساختار اجتماعی توجه کرد و لزوم دستیابی به اهداف سیاست‌ها و ساختارهای زمینه‌ای مشارکت اجتماعی را برای زنان توسعه داد.	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷ نوع مقاله: پژوهشی اصیل واژگان کلیدی مشارکت مدنی، موانع و چالش‌ها، عدالت جنسیتی، زنان بختیاری، تحلیل مضامین

ارجاع به مقاله:

حجاریان، احمد. (۱۴۰۳). تحلیل مشارکت مدنی زنان بختیاری (تسهیل کننده‌ها و بازدارنده‌ها). *مطالعات زن و خانواده*، ۱۲(۲)، ۱۰-۳۷. DOI: 10.22051/jwfs.2024.43421.2969

مقدمه

پدیده مشارکت نخستین رفتار اجتماعی است که از انسان سرزده است (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۵). درحقیقت مشارکت حق انسانی است که به لحاظ غایتی به آزادسازی و اعتماد به خویشتن و از نظر ابزاری به بسیج و نقش آفرینی توده‌های انسانی در فرایند عملی حیات اجتماعی منجر می‌شود (رودگرز^۱، ۲۰۱۸). از آنجا که مشارکت زیربنای جامعه مدنی است، یکی از پایه‌های ضروری در بحث مشارکت، مشارکت مدنی است. درحقیقت مشارکت مدنی را می‌توان به‌عنوان هر نوع تجربه تاریخی دموکراسی با حضور و مداخله افراد، گروه‌ها و نهادهای مدنی مختلف و به‌واسطه عمل به تکلیف شهروندی تعریف کرد (بنت و ورتتر^۲، ۲۰۱۹). همچنین مشارکت مدنی از اصلی‌ترین شاخص‌های توسعه اجتماعی به‌شمار می‌آید. مشارکت مدنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است به‌گونه‌ای که تمام مسایل مربوط به توسعه از مشارکت مدنی به‌عنوان مفهومی پایه‌ای یاد می‌کنند.

زنان در میان گروه‌های مختلف اجتماعی به‌ویژه در مقایسه با مردان از نظر هویت‌یابی با دشواری‌های عدیده‌ای روبرو هستند (گلدمن^۳ و همکاران، ۲۰۱۹)، به‌ویژه آنکه از منابع لازم برای معنا بخشی تعریف و بازاندیشی در نشانگان خود برخوردار نبوده و عمدتاً منابع هویتی زنان تحت الشعاع جنسیت یا خاستگاه اجتماعی و طبقاتی همسران آن‌ها قرار گرفته و همواره به خاستگاه‌هایی در ارتباط بوده که هژمونی مردانه آن‌را جهت بخشیده است. این موضوع سبب شده زنان از جایگاه مؤثر بودن در مشارکت-های مدنی خود دور شده و در چارچوب محیط خانه و فعالیت‌های متعارف خود محصور و از میدان تعاملاتی گسترده فاصله گرفته باشد (امیری و همکاران، ۱۳۹۹). با آنکه در اغلب نوشتارهای موجود در رابطه با مشارکت مدنی یکی از عوامل مؤثر در این حوزه مسئله جنسیت است ولی در اکثر آنها این مسئله به شکل یکی از شاخص‌های محوری مفهوم‌سازی و فرموله نشده است، به‌همین جهت نمی‌توان شناخت مطلوبی از آن به‌دست آورد. مرور مطالعات تجربی نشان از وجوه آسیب‌زا و مسئله‌مند مشارکت مدنی زنان در عرصه‌های رسمی و غیررسمی و مدنی است (صفری و همکاران، ۱۳۹۶).

نقش زنان در بقا و گسترش نسل ایل و پرورش آن در ساختار ایل بختیاری بسیار قابل توجه است. در واقع، ساختار اجتماعی و سیاسی ایل بختیاری نظام منسجمی است که هسته خانواده به‌واسطه آن به

¹.Rodríguez

².Bennett & McWhorter

³.Goldman



مجموعه ایل مرتبط می‌شود و نیز به مدد این سازمان ایل قادر است وظایف ویژه خود از جمله حفظ امنیت، کوچ و دامداری را انجام دهد. جایگاه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی زن در ایل بختیاری منحصر بفرد است (گلایی و حاجیلو، ۱۳۹۱). زن بختیاری مانند زن شهری در ملاعام از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی کناره‌گیری نمی‌کنند. در نتیجه حضور زنان بختیاری در مشارکت‌های مدنی به‌طور جد موضوعی مهم تلقی می‌شود. بر مبنای شواهد موجود در جامعه مورد مطالعه، میزان مشارکت مدنی زنان بختیاری نسبت به اقوام کرد، بلوچ و ترک در عرصه‌های مختلف با مشکلات عدیده‌ای روبروست. در مقوله شاخص‌های فرهنگی و بالاکس شاخص سطح تحصیلات اگر چه آمارهای موجود روند مثبت و رو به رشدی را نشان می‌دهد، اما در سایر عرصه‌ها از جمله ابعاد اجتماعی چه رسمی و چه غیررسمی فاصله زیادی مشاهده می‌شود.

حال مسئله این است که در چند دهه اخیر با تغییر نظام سیاسی پس از انقلاب اسلامی و تغییر دیدگاه دولتمردان سیاسی در رابطه با مشارکت مدنی زنان، اجرای برنامه‌های توسعه، همچنین باتوجه به تحولات اجتماعی و سیاسی، افزایش سطح تحصیلات، بالارفتن آمار تحصیل‌کردگان، افزایش مشارکت سیاسی زنان در این منطقه، شواهد و قرائین نشان می‌دهد که متناسب با ارتقای موارد مذکور، مشارکت مدنی به‌طور خاص و به تبع آن مشارکت به‌طور عام رشد چندانی نکرده است (رومینا و صادقی، ۱۳۹۴) و تصویر مناسبی را به بیننده ارائه نمی‌کند. باتوجه به مقدمه مذکور و باتوجه به پژوهش‌های مختلفی که در زمینه مشارکت مدنی زنان انجام‌شده که اکثراً رویکردی کمی و بهره‌گیری از نظرات ذینفعان داشته است، لذا مطالعه درخور که با روش کیفی و استفاده از آراء و نظرات خبرگان و صاحب‌نظران باشد در بین زنان بختیاری به‌شدت احساس می‌شود، لذا هدف از این مطالعه ارائه الگوی مشارکت مدنی زنان بختیاری با استفاده از نظرات خبرگان و متخصصان است. و در این راستا این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که عوامل مؤثر در توسعه مشارکت مدنی زنان بختیاری چیست؟

پیشینه پژوهش

در زمینه مشارکت مدنی زنان پژوهش‌های متعددی در ایران و جهان انجام گرفته است که می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره داشت:

قادرزاده و یوسفوند (۱۳۹۱) به بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در مشارکت مدنی زنان پرداختند. نتایج نشان داد در بین انواع مشارکت مدنی، مشارکت مذهبی غالب بوده و مشارکت نهادی (انجمنی)

در پایین-ترین سطح قرار داشته است. همچنین مشارکت مدنی زنان به ترتیب اثر رابطه با متغیرهای میزان منابع در دسترس زنان، گستره روابط اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، وضع تأهل و سن مربوط است.

کجباف و همکاران (۱۳۹۲) به نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی پرداختند. نتایج نشان داد جایگاه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زنان در دوره قاجار مناسب نبوده و این موضوع در گزارش‌های آنها به تصریح آورده شده است.

امینی و خسروی (۱۳۸۹) به بررسی موانع و مشکلات مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه پرداخت. نتایج بیانگر آن است تجهیز جامعه و افراد آن برای نیل به هدف توسعه ضرورتی انکارناپذیر است و در این میان، حضور فعالانه افراد برای رسیدن به چنین هدفی بسیار مهم است. زنان به عنوان نیمی از نیروی انسانی می توانند نقشی به سزا در توسعه جوامع انسانی ایفا کنند.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی مشارکت سیاسی زنان در ایران و عوامل مؤثر بر آن پرداخته اند. نتایج گویای آن است که توانمندسازی و کاهش انسداد اجتماعی ترکیبی از سه مؤلفه آگاهی، توان تصمیم‌گیری و سازمان‌دهی تشکیل شده است و اگر به حوزه مشارکت سیاسی زنان تعمیم داده شود، مستلزم افزایش آگاهی سیاسی، افزایش توان تصمیم‌گیری و سازمان‌دهی سیاسی زنان است.

آگهی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی موانع فردی و خانوادگی مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی روستا پرداختند. به این نتایج حاکی از آن است که ضعف زنان در امور محوله سیاسی، عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران، مشکلات و ضعف جسمانی، امور منزل، فعالیت در بخش کشاورزی و دامداری، پذیرش مقام تحت سلطه، نداشتن تجربه در امور سیاسی و اداری و عدم تمایل زنان نسبت به مردان به مدیریت، چالش‌های اصلی مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان است.

قادرزاده و رضازاده (۱۳۹۸) به مطالعه تجربه زیسته و درک زنان از مشارکت در نهادهای مدنی پرداختند. بازسازی معنایی تجربه و درک زنان از کنش مدنی بر سیاست حضور و تقدیس کنش‌ورزی زنانه، کارآمدی، ندای درون، برون‌رفت از ملال زندگی، و بسترزدایی فرهنگی از زنانگی بر عوامل آن دلالت دارد.

رئسی (۱۳۹۹) به بررسی موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان بلوچ پرداختند. نتایج حاکی از آنست که تنگناهای موجود در رابطه با مشارکت سیاسی زنان بلوچ از جمله: ساختار طبقاتی و سرداری،



روایت‌های قومی مذهبی، ساختار آموزشی، جامعه‌پذیری جنسیتی، خود ناباوری زنان و... از سوی دیگر همچنین به آثار و پیامدهای تنگناها از جمله: مردانه پنداشتن سیاست، ابزاری شدن زنان اشاره کرده‌است. مطالعات و پژوهش‌های متعددی به بررسی ابعاد مختلف مشارکت چه در حوزه کلان و چه در حوزه خرد در ایران انجام شده‌است. بررسی مهم‌ترین نظریات و البته محورهای مورد تأکید پژوهشگران مختلف در دنیا، راهکار مناسبی برای ترسیم نظری و تئوریک این مطالعه و بهره‌مندی از دیدگاه‌های موجود در این حوزه است. آنچه تاکنون به‌طور گسترده به آن توجه شده‌است مباحث مربوط به ابعاد (مشارکت اجتماعی، مشارکت اقتصادی و مانند آن)، موضوع مشارکت و عوامل مرتبط با آن است و در این بین، برخی از صاحب‌نظران داخلی و خارجی به مقوله مشارکت و عوامل تأثیرگذار در آن توجه داشته‌اند. لذا وجه تمایز و نوآوری این تحقیق با سایر مطالعات در استفاده از رویکرد کیفی (تحلیل مضامین) و درصدد اینک دیدگاه یک قومیت خاص (بختیاری) مورد بررسی قرارگیرد، بوده‌است.

ادبیات نظری پژوهش

مشارکت به‌ویژه مشارکت مدنی مفهوم گسترده‌ای است که تحقق عینی آن مستلزم انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی است. فعالیت‌هایی که بر تصمیم‌گیری و راهبردهای دستگاه‌های اجرایی از سطوح پایین (شهرداری نظام آموزشی) تا سطوح بالاتر (دستگاه‌های عالی و قانون‌گذاری اجرایی و قضایی) تأثیر می‌گذارند (سریع‌القلم، ۱۳۸۹). مشارکت مدنی که در معنای خود دربردارنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به‌منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاشتن بر فرآیندهای تصمیم‌گیری مربوط به امور عمومی است.

مشارکت مدنی کنشی است که پیوند و ارتباط محکم با پیش‌زمینه‌ها و انگیزه‌های انسان دارد. برای تأثیرگذاری بر مشارکت مدنی شهروندان، عوامل فردی، اجتماعی و روانی اقتصادی مؤثر هستند (شانکر^۱، ۲۰۱۴). در نتیجه مشارکت مدنی همگام با ویژگی‌های شخصی افراد فرق می‌کند. شخصیت‌های اجتماعی مسلط‌تر و بیرون‌گراتر، از نظر مدنی فعال‌ترند. موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت سنجیده می‌شود به‌طور قابل ملاحظه‌ای در مشارکت مدنی تأثیر می‌گذارد. محیط یا زمینه سیاسی نیز مهم است. از این نظر که فرهنگ سیاسی ممکن است، مشارکت، شکل و یا شکل‌های مشارکت را که مناسب تلقی می‌شود تشویق کند یا برعکس مشوق مشارکت نباشد

^۱. Shanker

(راش، ۱۳۸۷). ولی قدر مسلم این است که مشارکت از جنبه‌های مختلف، چه در نحوه، چه در نوع و چه در علت مشارکت و عدم آن، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است.

مشارکت مدنی بر دیدگاه‌هایی استوار است که اکثراً بر معیارهای انجمن، بحث مشارکت و در هم تنیدگی آن تکیه دارد. طرح مشارکت مدنی در نزد اندیشمندان متاخر متناسب با قدرت نفوذ و کارکردهای آن رشد فزاینده‌ای به خود گرفته است چنان‌که لرنر^۱ از جامعه جدید به عنوان جامعه‌ای مشارکتی نام می‌برد. رابرت پانتام بیش از پیش بر مؤلفه‌های اجتماعی اتصالی و فراگیر مشارکت مدنی پرداخته است به طوری‌که او روابط اجتماعی افراد و تعاملات آنان با یکدیگر را بنیادی‌ترین جز سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند و شبکه‌ها را به عنوان خاستگاه هنجارهای اعتماد و همیاری مطرح می‌سازد. از نظر پانتام، اشکال مشارکت مدنی را می‌توان به دو شکل زیر مورد مطالعه قرار داد: نخست، نهادی که در برگیرنده عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها، کلوپ‌ها با فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده در یک زمان و مکان مشخص است و ثانیاً مشارکت غیررسمی که خود در برگیرنده دو نوع است. درگیری اتفاقی: شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود و مشارکت پایدار: شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی است که مؤسسه و سازمان نیستند ولی نسبتاً دایم و همیشگی اند.

جفری الکساندر^۲ موضوع مشارکت مدنی را در خلال بحث از نظم اجتماعی و جامعه مدنی مطرح کرده است. جامعه مدنی، بخشی از جامعه است که از هویت و استقلال برخوردار است و علی‌رغم وابستگی به منابع و درون‌دادهایی از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، سازمان سرزمینی و ساختارها و مناسبات کهن و اولیه، به لحاظ تحلیلی و تجربی از حوزه‌های زندگی، سیاسی، اقتصادی و مذهبی متمایز می‌شود.

به اعتقاد هانتینگتون و نلسون^۳ مشارکت مدنی در قالب قومیت‌ها و نژادها از فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی پیروی می‌کند. این فرایند از طریق تحرک قومیتی و کسب منزلت‌های بالاتر طایفه‌ای، توانمندی و قدرت تأثیرگذاری طایفه در فرد ایجاد شده و نگرش نسبت به تصمیم‌گیری‌ها را فراهم می‌کند و زمینه مشارکت مدنی و فعالیت‌های قبیله‌ای و قومی را در بستری خاص افزایش می‌دهد. همچنین فرایند

^۱. Lerner

^۲. Alexander

^۳. Huntington & Nelson



توسعه از طریق یک سازمان که در واقع طایفه‌ای خاص است بر مشارکت اثر گذاشته و احتمال مشارکت-های اجتماعی را بیشتر می‌کند. براین اساس میلبراث نیز در تبیین مشارکت از ۷ عامل عمده از محرک، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های فردی، محیط و شرایط، مهارت و منابع و تعهد نام می‌برد (میلبراث و گونل^۱، ۱۳۸۶).

لرنر^۲ با مطالعه ۶ کشور خاورمیانه درباره گذر از سنت به نوگرایی سخن می‌گوید که بین شهرنشینی، سواد و میزان دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و میزان مشارکت مدنی ارتباط وجود دارد به نحوی که طوایف به سمت مدرنیته روی می‌آورند پس از آن سواد و رسانه گسترش و نتیجه آن تغییرات حرکت از جامعه‌ای سنتی به سوی جامعه مشارکتی یا مشارکت جو خواهد بود (لرنر، ۲۰۱۰). پاتنام معتقد است اقامت طولانی در محل سکونت فعلی به منزله شاخصی از ثبات اجتماعی و نداشتن تحرک جغرافیایی شناخت افراد را از یکدیگر بیشتر می‌کند و در نتیجه مشارکت تقویت می‌شود. مطالعات بوم‌نشان می‌دهد افرادی که از ۱۶ سالگی در شهر محل پژوهش اقامت داشته‌اند میزان مشارکت‌های بالاتری داشته‌اند. همچنین گرلی و موریس^۳ معتقدند پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد با شرایط و امکاناتی که فراهم می‌آورد قادر است مستقیم و غیرمستقیم بر میزان مشارکت تأثیر بگذارد بدین معنا که افراد در موقعیت‌های طبقاتی از آموزش‌های متفاوت بهره‌مند می‌شوند و با استفاده از این آموزش‌ها مهارت‌های مشارکتی و انتظارات مشارکتی متفاوتی در گروه‌های طبقاتی مختلف ایجاد می‌کنند (پوتنام، ۱۹۹۵).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع بنیادی با روش کیفی و بر مبنای روش تحلیل مضامین است. گردآوری اطلاعات در سال ۱۴۰۱ انجام شد. مدت مصاحبه نیز میان ۲۰ تا ۴۵ دقیقه بود. مصاحبه با طرح سؤالاتی در مورد قشریندی‌های اجتماعی قومیتی و همچنین چگونگی مشارکت مدنی زنان بختیاری پرسیده شد.

در این پژوهش، جامعه هدف زنان بختیاری هستند که در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی به‌نحوی مشارکت فعالی دارند. به عبارت دیگر درباره موضوع پژوهش به‌نظر می‌رسد از اطلاعات بیشتر و گسترده-

^۱ Milbrath & Lester

^۲ Lerner

^۳ Greeley & Morris

تری برخوردار باشند. از جمله می‌توان به استادان دانشگاه اشاره کرد. از نمونه‌گیری هدفمند برای انتخاب مشارکت‌کنندگان استفاده شده است.

داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های هدفمند عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۱۲ تن از اساتید دانشگاه شهرکرد و دارای تخصص به‌دست آمده است. از این تعداد (۱۲ نفر)، ۹ نفر زن و ۳ نفر مرد و همچنین ده نفر از آنها دارای مدرک دکتری و ۲ نفر دارای کارشناسی ارشد بودند. با توجه به اشباع داده^۱ با تحلیل عمیق و کفایت کدهای به‌دست آمده و همچنین پیدانشدن مفاهیم جدید در مصاحبه‌های بعدی، استخراج گویه‌ها خاتمه یافت. در واقع ابزار اصلی پژوهش مصاحبه است. با کدگذاری این مصاحبه‌ها، به تحلیل هر کدام و با نمونه‌گیری هدفمند و معرفی متخصص بعدی توسط هر مصاحبه‌شونده، به سراغ مشارکت-کننده بعدی رفته و این فرایند مبنای انتخاب متخصص بعدی بوده و همچنین با رسیدن به اهداف مورد نظر، مصاحبه‌ها اتمام یافته است.

برای تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون براون^۲ و کلارک (۲۰۰۶) استفاده شده است و همه مصاحبه‌ها به صورت خط به خط تحلیل شد. می‌توان گفت که براون و کلارک فرآیند تحلیل داده‌ها را دارای سه مرحله عمومی توصیف متن، تشریح و تفسیر متن، و ادغام و یکپارچه کردن دوباره متن می‌دانند. بنابراین تحلیل اطلاعات این پژوهش طی سه مرحله: (۱) شناسایی مباحث، ویژگی‌ها و زمینه‌ها (مفاهیم پایه‌ای)، (۲) دسته‌بندی مضامین (مضامین سازمان یافته) و (۳) مضامین فراگیر انجام شد.

برای ارزیابی کیفیت و اعتبار یافته‌های تحلیل مضمون راه‌های مختلفی مانند استفاده از کدگذاران مستقل، دریافت بازخورد از مصاحبه‌شوندگان و به‌کارگیری تطابق و همخوانی با ادبیات پژوهش و مطالعات معتبر در زمینه پژوهش وجود دارد (کینگ^۳، ۲۰۱۸). در این پژوهش با روش استفاده از کدگذاران مستقل، تحلیل‌ها اعتبارسنجی شده و ساختار مضامین پیشنهادی و کدگذاری‌ها توسط چند نفر از افراد متخصص در مطالعات علوم اجتماعی با کدگذاری مجدد نمونه‌هایی از مصاحبه‌ها انجام شد. همچنین این کدها با کدگذاری پژوهشگر مورد مقایسه قرار گرفت و در نهایت برخی از آنها مورد بازنگری قرار گرفتند.

1. Theoretical saturation

2. Braun

3. King



یافته‌ها

روش به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش تحلیل مضامین است که براساس داده‌های حاصل از مصاحبه انجام شد و هدف اصلی آن تحلیل مشارکت مدنی زنان بختیاری مضامین اصلی شناسایی شدند. در مجموع بر مبنای تحلیل مضمونی داده‌ها، ۲۶ مفهوم پایه‌ای شناسایی شد که اساس مدل پژوهش را تشکیل می‌دهند. این مفاهیم در ۷ دسته شامل: عوامل زمینه‌ای، عوامل انگیزشی، مسئولیت‌پذیری، عدالت و برابری، عوامل فرهنگی و عوامل مدیریتی به‌عنوان مضامین سازمان‌دهنده موضوع پژوهش تقسیم‌بندی شدند.

مضمون زمینه‌ای با مفاهیم: سن، وضع تأهل، وضعیت اقتصادی و رفاهی، علقه‌های خویشاوندی و طایفه‌ای.

مضمون انگیزشی با مفاهیم: تفاهم و هم‌دلی، تحرک اجتماعی، خودباوری، الگوبرداری
مضمون مسئولیت‌پذیری با مفاهیم: احساس تعلق، باور و درک، آگاهی.

مضمون موقعیت اجتماعی با مفاهیم: تحصیلات، ثبات سکونت، جایگاه اجتماعی، گستره روابط اجتماعی

مضمون عدالت با مفاهیم: شایسته‌سالاری، جامعه‌پذیری فراجنسیتی، توزیع عادلانه، میزان دسترسی، عدم جامعه‌پذیری طبقاتی

مضمون فرهنگی با مفاهیم: وابستگی‌های قومی، انگاره‌های مذهبی، پیشینه‌های تاریخی فرهنگی

مضمون مدیریتی با مفاهیم: شیوه‌های مدیریتی، آینده‌گرایی، سطح توسعه‌یافتگی

جدول ۱. مفاهیم پایه‌ای، مضامین سازمان‌دهنده و مضمون فراگیر پژوهش

تعداد	مفاهیم پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
۱۴	سن، وضع تأهل، وضعیت اقتصادی و رفاهی، علقه‌های خویشاوندی و طایفه‌ای	عوامل زمینه‌ای	الگوی مشارکت مدنی زنان بختیاری
۸	تفاهم و هم‌دلی، تحرک اجتماعی، خودباوری، الگوبرداری	عوامل انگیزشی	
۹	احساس تعلق، باور و درک، آگاهی	مسئولیت‌پذیری	
۱۵	شایسته‌سالاری، جامعه‌پذیری فراجنسیتی، توزیع عادلانه، میزان دسترسی، عدم جامعه‌پذیری طبقاتی	عدالت	
۱۲	تحصیلات، ثبات سکونت، جایگاه اجتماعی، گستره روابط اجتماعی	موقعیت اجتماعی	

۷	وابستگی‌های قومی، انگارهای مذهبی، پیشینه- های تاریخی فرهنگی	عوامل فرهنگی
۱۱	شیوه‌های مدیریتی، آینده‌گرایی، سطح توسعه- یافتگی	عوامل مدیریتی

در مرحله نخست با مصاحبه‌های انجام‌شده، ۷۶ شناسایی مفاهیم پایه به‌دست آمد که به‌علت تعداد زیاد آنها ترجیح داده‌شد فقط مفاهیم پایه‌ای و مضامین سازمان‌دهنده در پژوهش نشان داده شود و نمونه-ای از نقل قول‌های متخصصان برای هر مضمون آورده شود. بیشترین سهم کدها را مضمون عدالت و برابری، با ۱۵ کد داشته که نشان‌دهنده تأکید بیشتر کارشناسان بر این مضمون است. جهت مستند کردن مفاهیم و مضامین کشف‌شده از ادبیات نظری و مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه با خبرگان و متخصصان در این رشته و پیشینه پژوهش استفاده شده‌است.

(۱) عوامل زمینه‌ای

یکی از مقولات بنیادی یا سازمان‌دهنده در زمینه مشارکت مدنی زنان از نظر متخصصان مضمون عوامل زمینه‌ای است. به‌طور مشخص، در این پژوهش مضمون سازمان‌دهنده عوامل زمینه‌ای برآمده از سن، وضع تأهل، وضعیت اقتصادی و رفاهی و علقه‌های خویشاوندی و طایفه‌ای است. مصاحبه‌شوندگان تأثیر عوامل زمینه‌ای در مشارکت مدنی را حایز اهمیت تلقی کرده‌اند. چراکه به‌نظر می‌رسد عوامل زمینه‌ای از قبیل سن و وضعیت تأهل، الزامات و زمینه‌های لازم را برای پرورش و توسعه مشارکت مدنی فراهم می‌کند.

یکی از مفاهیم پایه‌ای تأثیرگذار در مشارکت مدنی سن است. یکی از مشارکت‌کنندگان در این باره اظهار نظر داشته‌اند: «بسیاری از افراد مبحث مشارکت مدنی را در تضاد با سن می‌دانند، به این شکل که هرچقدر سن آنها اضافه می‌شود مشارکت آنها کاسته می‌شود. ولی در ایل بختیاری اصولاً تحت تأثیر عواملی از قبیل قشربندی اجتماعی مسئله سن در مشارکت مدنی در همه رده‌های سنی، بالا است».

یکی دیگر از مفاهیم پایه‌ای در مضامین سازمان‌دهنده عوامل زمینه‌ای، مسئله تأهل است. بنا به‌نظر مشارکت‌کنندگان اصولاً حضور زنان متأهل در مشارکت مدنی بیشتر از مجردها است. اما در فرهنگ بختیاری زنان متأهل به پرداختن امور روزمره و کوچ می‌پردازند که در نتیجه آن شاهد حضور کم‌رنگ آنان در این زمینه هستیم. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص گفته است:



«به سبب سن پایین ازدواج در ایل بختیاری و ازدواج زودهنگام دختران و اینکه درآمد خانوارهای بختیاری از طریق تولید دامی تأمین می‌شود و زنان متأهل بختیاری در این نوع فعالیت تولیدی، نقش بارزی ایفا می‌نمایند در نتیجه فعالیت‌های مدنی زنان متأهل نسبت به مجرد بسیار کمتر شده است».

یکی دیگر از مفاهیم سازمان‌دهنده عوامل زمینه‌ای، مسئله وضعیت اقتصادی و رفاه و معیشت خانوار و نقش آن در مشارکت مدنی است. بر این اساس سرمایه رفاهی و پولی موجب بنیان‌های مدنی می‌شود که به نحوی جایگاه و پایگاه‌های اجتماعی انسان‌ها را تغییر می‌دهد.

در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «درحقیقت رفاه و معیشت خانواده اگر تأمین‌شود به صورت خودجوش مسئله مشارکت مدنی ارتقا می‌یابد. درحقیقت مشارکت مدنی از فرایند توسعه اقتصادی پیروی می‌کند. این فرایند از طریق تحرک اجتماعی و کسب منزلت‌های بالاتر اجتماعی توانمندی و قدرت تأثیرگذاری را در فرد تقویت کرده و نگرش فرد را نسبت به تصمیم‌گیری‌ها فراهم می‌سازد و زمینه مشارکت مدنی را افزایش می‌دهد».

یکی دیگر از مفاهیم پایه‌ای عوامل زمینه‌ای، علقه‌های خویشاوندی و طایفه‌ای ایل بختیاری است که ویژگی‌های خاص اجتماعی را پدید آورده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره گفته است: «به عبارتی، تنها حلقه‌ای که افراد، گروه‌ها، و اقوام بختیاری را به هم نزدیک و مرتبط می‌کند، بعد خویشاوندی و طایفه‌ای است. ضمن این‌که این همبستگی قومی - طایفه‌ای همچنان به قوت خود باقی می‌ماند، رابطه مکانی به عنوان یک عامل قوی ثانوی بر آن افزوده می‌شود. بنابراین، علقه‌های خویشاوندی، رابطه مکانی و ویژگی‌های اجتماعی را درهم می‌آمیزد و در نهایت بر مشارکت مدنی مؤثر واقع می‌شود».

۲) عوامل انگیزشی

انگیزه یک حالت روانی آمادگی برای انجام یک عمل که براساس تجربیات سازمان‌یافته و روی عکس العمل افراد نسبت به پدیده‌ها و موفقیت‌ها به طرز پویا مؤثر است معرفی می‌شود. درحقیقت یک آمادگی قبلی برای پاسخی مسلم، قطعی و معلوم به محرک‌های خاص، شناخت و رفتار مرتبط هستند.

عوامل انگیزشی نشانگر آمادگی ذهنی مشارکت‌کننده در مسایل مختلف از قبیل اجتماعی و مدنی است که تأثیر قابل توجهی بر اتخاذ راهبرد مشارکت مدنی دارد. تفاهم و هم‌دلی، الگوپردازی، خودباوری،

تحرك اجتماعى در جهت تحليل الگوى مشاركت مدنى زنان بختيارى جزء مقولات با اهميت شناخته شده است:

يکى از مفاهيم پايه‌اى، تحرك اجتماعى است. تحرك اجتماعى که بر اثر گسترش ارتباطات، تحصيلات، شهرنشيني و ارتقاى وضعيت اقتصادى به وجود مى آيد عامل اصلى مشارکت مدنى است. يکى از مصاحبه‌شوندگان در اين باره اظهار داشته‌اند: «اين عامل در جوامعى که فرصت‌هاى تحرك فردى در آنها محدودتر است اهميت بيشترى دارند، زيرا فرد براى رسيدن به وضع اجتماعى و اقتصادى بهتر به عنوان آخرين راه حل به فعاليت‌هاى مدنى مى پردازد که زنان بختيارى در اين مسئله نقشى چشمگير مى توانند داشته باشند».

يکى ديگر از مفاهيم پايه‌اى از ديدگاه صاحب نظران تفاهم و هم‌دلى است. هم‌دلى به معنای دیدن دنيا از زاويه ديد ديگران، توانايى‌هاى عاطفى براى تجربه هيجان‌هاى ديگران و توانايى شناختى براى فهم هيجان‌هاى اشخاص ديگر است. به بيانى ديگر توانايى انسان براى شناسايى و پاسخ‌دهى به حالات ذهنى ديگران است. اساس هم‌دلى کنار نهادن نگرش‌هاى ازپيش گرفته همراه با تعصب است. در حقيقت تعصب و هم‌دلى در مشارکت مدنى مى تواند در پيشبرد و يا عدم آن مؤثر واقع شود. هم‌دلى قومى فزاتر از هم‌دلى عمومى و شامل درک و پذيرش تفاوت‌هاى فرهنگ‌ها و اقوام ديگر است و نوعى حس و درک عميقتر است. اتحاد و وفاق، همراهى، هم‌فكرى، يک‌رنگى و پذيرش تفاوت‌ها در مشارکت مدنى از اصول ابتدائى است.

براى مثال يکى از مصاحبه‌شوندگان در مورد تأثير هم‌دلى و تعصب در ارايه الگوى مشارکت مدنى زنان بختيارى اين گونه بيان مى کند:

«تعصب طايفه‌اى در شهرستان‌ها و شهرهاى کوچک استان چهارمحال و بختيارى به عنوان نماد قوميت بختيارى نمودى ويژه دارد. اين مسئله مى تواند به صورت محله‌گرایی، روستاگرایی و گرانش‌هاى از اين دست نيز ظهور کند. ريشه اين نوع تعصبات را مى توان در غريزه آدمى جست‌وجو کرد، تمايل به گروه و تأمین‌منافع شخصى و خانوادگى از طريق توسل به گروه و افزايش قدرت تأثيرگذاري با کمک جمعيت گروه؛ تمايلى که از محرک‌هاى اصلى شکل‌دهنده جوامع ابتدائى مدنى است. اين تعصب طايفه‌اى بایستی منجر به هم‌دلى درون گروهى و پيوند و ايجاد هم‌دلى برون گروهى با ديگر اقوام شود».



یکی دیگر از مفاهیم پایه‌ای، زیرمقوله خودباوری زنان است که در مقابل خودناباوری قرار دارد. یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: «زنان بختیاری مشارکت سیاسی و اجتماعی را برای خویش در نظر نمی‌گیرند و در این امر اعتماد به نفس ندارند. در واقع این نشئت گرفته از نگاه مشترک جامعه به مسئولیت و وظائف دختران و پسران در خانه و اجتماع است، به‌طوری‌که تمامی اقشار در ایل باور دارند، مسئولیت‌های اولیه زنان خانه و فرزندپروری است و در بسیاری از عرصه‌ها همانند: اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، به مردان جایگاه برتری داده است». یکی دیگر از مفاهیم پایه‌ای به‌دست آمده از مضمون انگیزشی، الگوبرداری است. در این باره یکی از مشارکت‌کنندگان اینگونه اظهار داشته‌اند: «تمامی شاخص‌های الگوبرداری، امر توسعه را در جامعه بختیاری قوت می‌بخشد، چرا که شایستگی، مهارت، توانمندی و آگاهی، الگوهای جایگزین به‌جای خون و نژاد می‌شود؛ همچنین ارزش‌های فرهنگی - محلی و داوری شخصی با الگو در اولویت قرار می‌گیرند».

۳) مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری یک ویژگی شخصیتی است که معمولاً به‌عنوان یک نگرش در ساختار روانی و رفتاری فرد شکل می‌گیرد و یک متغیر عمده و اساسی در رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود. اهمیت احساس تعلق، باور و درک، آگاهی و پایبندی بر مشارکت مدنی زنان بختیاری مورد تأکید قرار گرفته است. در این مورد مصاحبه‌شونده‌ای می‌گوید:

«میزان مسئولیت‌پذیری زنان در ایل در انجام وظایف خانوادگی و اجتماعی موضوعیت دارد. هرچقدر میزان پایبندی فرد بیشتر باشد مشارکتی پویا تر را شاهدیم که نتیجه آن برون رفت از حالت ایستایی می‌شود». همچنین مصاحبه‌شونده دیگری مسئولیت‌پذیری را به‌عنوان بستر همه امور مربوط به مشارکت مدنی می‌داند:

«شاید بشه گفت مسولیت‌پذیری یکی از جنبه‌های رشد مشارکت مدنی در زنان بختیاری است. در حقیقت مسولیت‌پذیری در ایل بختیاری فرایندی است که زنان باید از اولین سال‌های کودکی بیاموزند تا با وظایف پرشماری که در زندگی با آنها روبه‌رو می‌شود مسئولانه برخورد کند. مسولیت حاصل سه ویژگی تشخیص، تصمیم و خلاقیت است که در ساختار ایل بختیاری این سه ویژگی نمود خود را پیدا می‌کند».

یکی از مولفه‌های پایه‌ای در مسئولیت‌پذیری، احساس تعلق است. دیدگاه یکی از مصاحبه‌شوندگان در مورد اهمیت این موضوع اینگونه نقل می‌شود: «یکی از مهمترین عناصر ایل، به‌عنوان واحد ساختار بخش، نظم دهنده و نماددهنده ایل بختیاری، هویت و تعلق مکانی است. احساس تعلق فرآیندی است که طی آن مسئولیت‌پذیری افزایش می‌یابد و به دنبال آن مشارکت مدنی تحقق می‌پذیرد».

باور و درک نیز یکی از مفاهیم پایه‌ای است که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند. «شکل‌گیری مشارکت و چگونگی عضویت و همکاری افراد جامعه در تشکلهای غیردولتی و فعالیت‌های دسته‌جمعی سازمان‌یافته تحت‌تأثیر باور و درکی است که زنان بختیاری در ساختار ایل، تحت‌تأثیر آن قرار دارند».

آگاهی از مفاهیم پایه‌ای مسئولیت‌پذیری است که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کرده‌اند. در این باره اینگونه اظهار نظر داشته‌اند: «آگاهی از حقوق و تعهدات، بستر انجام وظایف دوجانبه بین زنان ایل و وظایف اجتماعی را فراهم می‌کند. آگاهی از حقوق موجب می‌شود که مشارکت زنان در جایگاه اجتماعی و مدنی ایل باثبات‌تر، پایدارتر باشد. استمرار قوانین و مقررات جامعه و در نتیجه مسئولیت‌پذیری جوامع محلی از جمله ایلات و همچنین مشارکت و همراهی آنها با آگاهی از قوانین و مقررات رابطه مستقیم دارد و تأثیر چشمگیری در انجام هر چه بهتر مشارکت مدنی خواهد داشت».

(۴) عدالت

چهارمین مضمون سازمان‌دهنده به‌دست آمده در پژوهش، نقش عدالت و برابری در مشارکت مدنی زنان بختیاری است که هم بر اصل شایسته‌سالاری، جامعه‌پذیری فراجنسیتی، توزیع عادلانه، میزان دسترسی، عدم جامعه‌پذیری طبقاتی تأکید دارد. به عبارت دیگر لازمه موفقیت مشارکت مدنی زنان بختیاری رعایت اصل مساوات است.

در این زمینه مصاحبه‌شونده‌ای بیان می‌کند که:

«توزیع عادلانه قدرت در ساختار ایل از ابتدایی‌ترین مسایلی است که در مشارکت مدنی بایستی به عنوان یک اصل مورد قبول و عملیاتی شود. ارائه خدمات در ساختار ایل مساوی ارائه نمی‌شود و همین امر خدشه تبعیض را وارد می‌کند».

یکی از دیگر از مفاهیم پایه‌ای مسئله شایسته‌سالاری است که در تقابل با مردسالاری است. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان "مردسالاری" باتوجه به قشربندی‌های اجتماعی ایل بختیاری، به‌عنوان یکی از مهم-



ترین عوامل اثر بخش در مشارکت مدنی زنان بختیاری تلقی می‌شود، بدین معنا که توجه جایگاه زن در کدام قشر، در نظر گرفته نمی‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه می‌گوید: «زن اگر خانزاده هم باشد، در مقابل مرد طبقه دهقان از طرف مردم بیشتر حمایت می‌شود، در حقیقت اگر رقابت بین طبقات و جنسیت باشد، قدرت جنسیت بالاتر است».

مردسالاری اشاره به سلطه مردانه در هر دو افق عمومی و خصوصی دارد. در افق عمومی مردسالاری ناظر بر سلطه مردان بر همه حوزه‌های تصمیم‌گیری، اداره امور، مالکیت، اعمال قدرت، هدایت و انتخاب است. از این منظر زنان در حیطه و دایره تصمیمات مردان قرار دارند. در افق خصوصی مفهوم مردسالاری مبین اقتدار و سلطه مردان در حوزه خانواده است که در آن اداره امور خانواده، تصمیم‌گیری-ها، اعمال قدرت، اختیارات و مانند آن در حیطه وظائف پدر یا مرد خانواده قرار دارد. در این رابطه مردسالاری در ساختار ایل به طرز محسوس در حوزه خصوصی و عمومی دیده می‌شود که زن را فرو دست‌تر از مرد به حساب می‌آورند.

یکی دیگر از مفاهیم پایه‌ای در عدالت و برابری جامعه‌پذیری فراجنسیتی است که در تقابل جامعه‌پذیری جنسیتی است. زیر مقوله جامعه‌پذیری جنسیتی زنان یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مردسالاری هستند که مردسالاری بر آنها اثر گذاشته است. جامعه‌پذیری جنسیتی نقش‌هایی برای زن و مرد پدید آورده است. چنان که اندیشمندان عوامل مختلفی را موجب شکل‌گرفتن نابرابری جنسیتی می‌دانند که به‌نوعی منجر به جامعه‌پذیری جنسیتی نابرابر در جوامع می‌شود. بعضی از این عوامل در ساختار ایل صدق می‌کند. همین نگرش‌های قالبی نقش‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را از زنان سلب خواهد کرد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه بیان می‌کند: «برای نقش فرزندآوری و اداره سیاه چادر برای زنان بختیاری بیشتر از مشارکت اجتماعی زنان در امور مختلف ارزش قایل هستیم».

از مفاهیم پایه‌ای در مضمون عدالت جامعه‌پذیری طبقاتی است. فرهنگ و ذهنیت‌ها از طریق جامعه‌پذیری به عاملان انتقال می‌یابد و توسط آنها درونی می‌شود. چنین کارکرد عمدتاً در خانواده، مدارس و تربیون‌های عمومی که مهم‌ترین منابع تولیدکننده فرهنگ هستند، شکل می‌گیرد (امینی و خسروی، ۱۳۸۹). طبقه و طائفه نیز در میان مردم ایل بختیاری نهادینه شده و به‌نوعی ارزش‌گذاری اتفاق افتاده است که موجب پدید آمدن ساختار قشربندی اجتماعی گذشته‌ای که در منطقه وجود داشته است در ذهنیت‌ها، رفتار و معاشرت‌های اقوام لر همچنان دیده شود. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان

اذعان می‌کند: «با این که چهل سال از انقلاب گذشته و حاکمیت خان گذشته است، اما هنوز ذهنیت مردم همان خان سالاری است برای این که ذهنیت پدر و مادر ما همان بوده است».

از مفاهیم پایه‌ای در مضمون عدالت، توزیع عادلانه است. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان اذعان می‌کند: «نگاه عدالت محورانه در هر امری پس‌نیده است. ولی در اموری که از گذشته و تا به امروز هم مناقشه برانگیز بوده است، مسلماً داری اهمیتی دوچندان است که مشارکت زنان ایل بختیاری از مصداق آن است».

از مفاهیم پایه‌ای در مضمون سازمان یافته عدالت، میزان دسترسی است. در این زمینه یکی از مصاحبه‌شوندگان اذعان می‌کند: «به نظر می‌رسد در جریان درخواست مشارکت مدنی زنان به خاطر نگرش‌های موجود در ساختار ایل، این امر یک سوپیه باقی مانده است».

(۵) موقعیت اجتماعی

یکی دیگر از مهمترین مقولات سازمان دهنده اثر موقعیت اجتماعی است. مفاهیم پایه‌ای این مقوله به چهار دسته تقسیم شده که تحصیلات، ثبات سکونت، جایگاه اجتماعی، گستره روابط اجتماعی به عنوان اصلی ترین مضمون پایه ای مورد تأکید قرار می‌دهد و جایگاه اجتماعی را اساس مشارکت زنان می‌داند. اندیشمندان جایگاه اجتماعی را جایی می‌دانند که هر کس در ساخت اجتماع اشغال می‌کند و نیز وضع یا اعتباری می‌داند که معاصران فرد به او به طور عینی در بطن جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، تفویض می‌دارند. در همین زمینه مصاحبه‌شونده در مورد اهمیت جایگاه اجتماعی تأکید می‌کند که: «زنان بختیاری علی‌رغم گستردگی مشارکت خود در فعالیت‌های روزانه همواره به عنوان اقشاری آسیب‌پذیر در تله‌ای از محرومیت شامل بی‌قدرتی، ضعف جسمانی و فقر گرفتار هستند. محرومیتی که بالطبع جایگاه اجتماعی آنها را در فرایند مشارکت مدنی به شدت تنزل بخشیده است».

تحصیلات نیز یکی از مفاهیم پایه‌ای است که در مشارکت مدنی زنان بختیاری می‌تواند مؤثر بوده باشد. در این باره به اظهار نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان پرداخته می‌شود: «باتوجه به اینکه میزان سطح تحصیلات زنان در ایل بختیاری نسبت به سایر جوامع شهری و حتی روستایی پایین‌تر است، توقعی برای مشارکت آنان نیست. لذا پیشنهاد می‌شود که مسئولان ذی‌ربط با فراهم آوردن بسترهای مناسب در جهت بهبود وضعیت آموزش زنان و دختران ایل که موجب مشارکت بیشتر آنها می‌شود، قدم بردارند».



۶) عوامل فرهنگی

یکی دیگر از مهمترین مقولات سازمان‌دهنده اثر عوامل فرهنگی در مشارکت مدنی زنان بختیاری است. که شامل وابستگی‌های قومی، انگاره‌های مذهبی، پیشینه‌های تاریخی-فرهنگی است. ذهنیت‌های قومی و خونی یکی از ویژگی‌های اقوام بوده‌اند. به‌نوعی دلبستگی‌های قومی و فرهنگی در میان آنها ریشه دارد. و بر مناسبات و رفتارهای آنان نیز اثر می‌گذارد. این شاخصه از ویژگی‌های مردم بختیاری نیز است، چنان‌که هنوز مناسبات پیشینه قومی بختیاری در زندگی اجتماعی و سیاسی دیده می‌شود. در این باره مصاحبه‌شوندگان می‌گویند: «هنوز در بین قوم بختیاری شاهد این عبارات هستیم که می‌گویند: ما از این طائفه هستیم ما از این خانواده هستیم این‌ها رعیت ما بودند ما زمین دادیم و کار کردند به‌صورت این که طائفه هستند برای حل مسائل دولتی و سیاسی از طائفه استفاده می‌کند و این مناسبات به‌عنوان مانعی در مشارکت مدنی هنوز برقرار است».

یکی دیگر از مفاهیم پایه‌ای انگاره‌های مذهبی است. با توجه به مذهبی بودن مردم بختیاری، علمای مذهبی بر همه قشرها اثر عمیق گذاشته‌اند و در حقیقت روایت‌های مذهبی علما چهارچوب جدیدی به بحث مشارکت‌های مدنی داده‌است. چنان‌که یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره می‌گوید: «مذهب بر کلیه طبقات اجتماعی تأثیر می‌گذارد که به تبع آن مشارکت مدنی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در بسیاری موارد خرافات و اعتقادات غلط به جای اصول مذهبی قرار گرفته و مانع حضور و مشارکت زنان می‌شود». از این رو وجود انگاره‌های مذهبی یکی از ویژگی‌های اساسی منطقه بختیاری بوده که در زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم اثر عمیق دارد. در حقیقت نه تنها بر زنان و مردان اثر داشته بلکه محیط و ساختارهای اجتماعی را تحت شعاع خود قرار داده‌است.

یکی از میراث‌های فرهنگ قومی، وجود پیشینه‌های ذهنی تاریخی و فرهنگی همچنین ساختارهای اجتماعی و فرهنگی آن قوم بوده‌است. به‌طوری‌که در اذهان آن قوم ثبت شده و در زندگی و رفتار آنان دیده می‌شود. که نهایتاً با وجود تغییرات سیاسی و اجتماعی، نگرش‌های خاصی را پدید آورده‌است. در این راستا همه مصاحبه‌کنندگان پژوهش حاضر، به اتفاق نظر، اشاره کرده‌اند که هنوز ساختار قدیمی گذشته در اذهان و رفتار مردم بختیاری دیده می‌شود.

(۷) مدیریت

یکی دیگر از مقوله‌های اصلی در مشارکت مدنی زنان بختیاری که در این پژوهش شناسایی شد، بحث مدیریت و مفاهیم پایه‌ای آن است، که شامل مفاهیم پایه‌ای شیوه‌های مدیریتی، آینده‌گرایی، سطح توسعه یافتگی است.

یکی از مفاهیم پایه‌ای این مضمون سطح توسعه یافتگی است. یکی از متخصصان در مورد ضرورت این مضمون اعتقاد دارد که:

وجود نظام قشربندی‌های اجتماعی خانی و سرداری تا حال حاضر سبب مشارکت غیر عقلایی و عدم توسعه یک جامعه می‌شود و در عین حال نیز توسعه نیافتگی گذشته را در خود حفظ خواهد کرد. در این باره یکی از مصاحبه‌شوندگان بیان می‌کند: «در قرن بیست و یک با وجود این همه پیشرفت، با این که کم رنگ‌تر نشده انگار بیشتر شده است. باندبازی و فامیل بازی و سرداری در میان مردم هنوز کم نشده. ما فکر کردیم چند سال دیگه از بین می‌رود اما هنوز نه، ما ناامید شدیم».

هنگامی که ساختارهای سنتی و یا طائفه‌ای در جامعه‌ای ماندگار باشند و هنوز ریشه و انگیزه مشارکت مردم آن جامعه باشند؛ به نظر می‌رسد توسعه‌ای در آن جامعه رخ ندهد، چرا که نهادهای قانونی تا حال حاضر نتوانستند قواعد این جامعه را تنظیم کنند، بلکه طائفه و خویشاوندی در مرکزیت و سقل روابط و مشارکت مدنی و اجتماعی مردم قرار گرفته است. حال آن‌که از دیدگاه اندیشمندان مشارکت نوعی فرآیند تعاملی چند بعدی است که افراد به‌طور آگاهانه، داوطلبانه و سازمان‌یافته با در نظر گرفتن هدف‌های معین که منجر به بهره‌مندشدن از منافع جمعی می‌شوند، انجام می‌دهند. که این مشارکت سبب توسعه یک جامعه می‌شود. در نتیجه منطقه بختیاری با وجود ساختارهای سنتی و خویشاوندی که در درون خود دارد، به‌نحوی از توسعه چندان‌ی در زمینه مشارکت مدنی بهره نبرده است.

شیوه‌های مدیریتی نیز از مفاهیم پایه‌ای است که دولت در ایجاد بسترهای فرهنگی و تأکید بر گام‌هایی ضروری از جمله آموزش شهروندان، جامعه‌پذیری، جهت بخشی به مشارکت، ظرفیت‌سازی، ساماندهی گروه‌های مؤثر در قدرت، آزادسازی رسانه‌ها و انحصارزدایی می‌تواند در مسیر توسعه مشارکت مدنی قدم بردارد.

یکی از مصاحبه‌شوندگان در این باره بیان می‌کند: «تعهد شناسی دولت در مورد زنان بختیاری ضعیف است. مشارکت فعالیتی ارادی و آگاهانه است که افراد را در یک رویارویی با هم قرار می‌دهد که در بین



طوایف این مسئله پررنگ‌تر است که ایجاد این تقابل در این رابطه دوسویه مستلزم تعهدشناسی از سوی دولت است».

براساس نظر مصاحبه‌شوندگان رویه‌های مدیریتی دولت به‌علت ساختار پیچیده‌ای که دارند ممکن است در حفظ یا شکستن ساختارهای محلی و اجتماعی متفاوت عمل کند که معمولاً به نگاه دولت‌مردان سیاسی مرتبط است. از دیگر سو بخشی از شیوه‌های مدیریت و رویه‌های دولت در حفظ مشارکت زنان بختیاری نقش دارند که این موجب افزایش قدرت بخشی از قشرها در جامعه می‌شود که این خود جنبه‌های منفی در این منطقه را پدید می‌آورد. بستری که برای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مشارکت مدنی زنان لحاظ می‌گردد، باید از جنبه‌های مختلف مورد توجه قرار گیرد.

یکی دیگر از مفاهیم پایه‌ای آینده‌گرایی است. آینده‌گرایی به معنای نوعی آمادگی در فرد است که به‌واسطه آن فرد با پذیرش نوعی انضباط و برنامه‌ریزی در عمل حاضر به چشم پوشی از منافع و لذات آنی به‌خاطر کسب منافع آتی است. یکی از مصاحبه‌شوندگان این‌گونه اظهار داشته‌اند که زنان ایل بختیاری گرفتار مسایل و مشکلات دارای اولویتی هستند که آینده‌گرایی در بحث مشارکت مدنی آنان اصلاً جایگاهی ندارد درحالی‌که آینده‌گرایی مشکل‌گشای آنان است. اهمیت آینده‌نگاری مشارکت محور مبتنی بر زنان همواره با رویکردی به پایداری مورد تأکید بوده که از آن غفلت شده‌است.

بحث و نتیجه‌گیری

نقش زنان در پیش‌برد فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی قومیت‌های محلی بسیار حساس و حیاتی است. استعداد و توانایی زنان در مشارکت‌های مدنی سبب پیش‌برد و تعالی جامعه در عصر دانایی محور می‌شود. لذا هدف مطالعه حاضر بازآرایی مشارکت مدنی زنان بختیاری و بررسی موانع و پیش‌بردهای آن است. این مطالعه با استفاده از روش تحلیل مضمون و استفاده از نظرات ۱۲ متخصص و خبره که دارای تجربه کافی در این زمینه هستند تهیه شد. درمجموع بر مبنای ۷۶ شناسایی مفاهیم پایه به دست آمده بر مبنای تحلیل مضمونی داده‌ها، ۲۶ مفهوم پایه‌ای شناسایی شد که اساس مدل پژوهش را تشکیل می‌دهند. این مفاهیم در ۷ دسته شامل: عوامل زمینه‌ای، عوامل انگیزشی، مسئولیت‌پذیری، عدالت، موقعیت اجتماعی، عوامل فرهنگی و عوامل مدیریتی به‌عنوان مضامین سازمان دهنده موضوع پژوهش تقسیم‌بندی شدند.

توجه به عوامل زمینه‌ای نشانه‌ای از تفکرات نظام‌مند در مشارکت است، زیرا مشارکت ترکیبی از فرایندهای ترکیبی است. درحقیقت عوامل زمینه‌ای ترکیبی از نظام‌واره‌هایی است که طبق آن مشارکت-های مدنی جهت‌گیری می‌شود. عوامل زمینه‌ای آینده تمام‌نمای جهت‌دهی به جایگاه‌های تصمیم‌گیری، الگوهای بین آن عوامل، روابط آنها، تلفیق، جریان اطلاعات، سلسله مراتب و جایگاه آن عوامل است. پس باتوجه به اهمیت آن اگر در مشارکت مدنی زنان قومیت‌های مختلف از جمله بختیاری تاکنون آنگونه که باید و شاید شاهد تحولی نبوده‌ایم بخشی از آن مربوط به عوامل زمینه‌ای موجود در این ساختار است که نیاز مبرم به ترمیم آن است.

توجه به موقعیت اجتماعی در مشارکت اجتماعی در قومیت‌ها بایستی با احتیاط بحث شود. باتوجه به نتایج مطالعه عواملی چون سطح تحصیلات و وضعیت تأهل بر میزان مشارکت مدنی اثر می‌گذارد که با مطالعه قادرزاده و یوسفوند (۱۳۹۱) هم‌سو است. اما این نکته را نیز باید در خاطر داشت که مشارکت زنان بختیاری عمدتاً جنبه خیرخواهانه و خانوادگی دارد لذا سواد می‌تواند چندان مهم نباشد.

توجه به عدالت و برابری نقشی است که در مورد اقلیت‌ها بسیار جدی است. یکی از مصادیق آن توجه به برابری جنسیتی باتوجه به شرایط زن و مرد در نظر گرفته می‌شود. باتوجه به مردسالاری که در منطقه قوم بختیاری وجود دارد و همچنین کمی آگاهی و بی‌تفاوتی که زنان در امور مدنی نیز دارند؛ مردان سعی می‌کنند برحسب شرایط خویش، از ابزارهایی چون زنان بهره‌گیرند تا به مقاصد خود دست‌یابند که با مطالعه رئیسی (۱۳۹۹) مطابق است. زنان به دلیل سیطرگی مردان بر آنها، خود را در اختیار آنان می‌گذارند و نیز در جهت اهداف مردان، مشارکت می‌کنند. در نتیجه یکی از پیامدهای ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بختیاری، ابزاری شدن زنان است که در همسویی با تبعیض جنسیتی مطرح می‌گردد. نه تنها زن به‌عنوان الگو معرفی نمی‌شود بلکه به‌عنوان فردی که منافع جمع و مردان تأمین می‌کند، بهره گرفته می‌شود. درحقیقت از زنان در این منطقه، به‌عنوان ابزاری برای مقاصد مردان استفاده می‌شود.

باتوجه به ماهیت مشارکت مدنی و عوامل فرهنگی، تلاش می‌شود در فضای کنش، این امر تبیین نظری شود که فرهنگ چه تأثیری در مشارکت دارد. از آنجا که فرهنگ امری است که با بلوغ فکری شکل می‌گیرد، فعال‌سازی کنشگر بر حسب منطقی خردمند انجام می‌شود. برای فعال‌سازی فرد دارای فرهنگ باتوجه به بلوغ ادراکی در کنش مدنی می‌توان با مجاب کردن و اقناع فرهنگی، شخص را وارد کنش کرد.



در نتیجه تحریک، تطمیع و تشویق در این فضا (فرد متأهل) تأثیری کمتری دارد. در نتیجه کنشگر با بلوغی فرهنگی که برخاسته از قدرت منطق و فکر است در عرصه‌های مدنی حضوری فعال می‌یابد.

برخورداری از مدیریتی فراگیر و یکپارچه و تمام شمول یکی از اصلی‌ترین شروط برای تداوم مشارکت است که در هر جامعه از اساسی‌ترین نیازهای اجتماعی محسوب می‌شود و افراد جامعه باید از آن برخوردار باشند. مدیریت شایسته تعبیری است معطوف به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه را دقبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها، از اهداف آن است.

آنچه قابل توجه است رشد قابل توجه نهادهای مدنی با علایق و دغدغه‌های متنوعی است که نمود آن در بین زنان بختیاری و مشارکت آنان است. درحقیقت نوعی جنسیت‌زدایی، دربرگیرنده شدن و دموکراتیزه شدن نیز در نهادهای مدنی و در عرصه‌های عمومی جامعه در حال تقویت است. آن چه اهمیت این موضوع را دوچندان می‌کند پدیدار شدن تغییرات مذکور در بافت جامعه در حال گذار است که گفتمان شایسته‌سالاری به جای مردسالاری تغییر پیدا کرده است، ولی اثرات مرد سالاری هنوز باتوجه به ساختار آن در نوع بینش افراد پای‌برجای بوده و نقش آن در مشارکت زنان نمودی خاص دارد.

برای موضوع مشارکت مدنی زنان، مطالعات متعددی انجام و برنامه‌ها و الگوهای مختلفی در دنیا تجربه شده اما چالش اصلی، عدم هم‌پوشانی مطالعات، ارزیابی عملکرد مشارکتی، نقصان درک مشترک از مفهوم دقیق مشارکت و کمبود نظام جامع ارزیابی است. این مسئله در مورد زنان بختیاری مستثنی نیست و بایستی به عنوان دغدغه اصلی در جهت حل آن کوشید.

ملاحظات اخلاقی

رعایت اخلاق پژوهش: این مقاله با رعایت اصول اخلاق پژوهش‌های انسانی صورت پذیرفت. حمایت مالی: مطالعه حاضر بدون حمایت مالی سازمان یا شخص دیگر انجام شده است. سهم نویسندگان: نویسنده اول، نگارش را بر عهده داشتند. تضاد منافع: این پژوهش به طور مستقیم یا غیرمستقیم با منافع حقوقی و حقیقی تعارض ندارد. تشکر و قدردانی: از کلیه مشارکت‌کنندگان مطالعه از بابت همکاری، قدردانی می‌شود. دسترسی داده‌ها: داده‌های حمایت‌کننده از این مطالعه را به دلیل حفظ محرمانگی نمی‌توان به اشتراک گذاشت و در دسترس قرار داد.

منابع فارسی

- آگهی، حسین، بینانیان، اکرم، فتاحی، صابر. (۱۳۹۶). بررسی موانع فردی و خانوادگی مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی روستا (مورد مطالعه: شهرستان هرسین- دهستان شیرز). راهبردهای توسعه روستایی، ۴(۱)، ۲۱-۳۹. doi: 10.22048/rdsj.2017.68147.1611 [لینک]
- امیری، علی، مسعودی راد، ماندانا، رضایی، مریم. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر جدایی‌گزینی اکولوژیکی بر رفتارهای انتخاباتی شهروندان (مطالعه موردی: شورای شهر خرم آباد). پژوهشهای جغرافیای انسانی، ۵۲(۲)، ۶۷۵-۶۹۶. doi: 10.22059/jhgr.2019.261027.1007733 [لینک]
- امینی، علی اکبر، خسروی، محمدعلی. (۱۳۸۹). تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی زنان و دانشجویان. فصلنامه مطالعات سیاسی، ۲(۷)، ۱۲۷-۱۴۲. [لینک]
- راش، مایکل. (۱۳۷۸). جامعه و سیاست مقدمه بر جامعه‌شناسی سیاسی، مترجم، منوچهر صبوری، نشر سمت، تهران.
- رحیمی، علیرضا، فرج پهلوی، عبدالحسین، عصاره، فریده، و شهبازی، مهری. (۱۳۹۶). بررسی تحولات پژوهش‌های حوزه ارزیابی کیفیت داده‌ها و اطلاعات در نظام‌های اطلاعاتی از سال ۲۰۰۰ تا نیمه نخست ۲۰۱۵. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، ۳۳(۲)، ۹۱۵-۹۴۴. doi: 10.35050/JIPM010.2018.085 [لینک]
- رومینا، ابراهیم و صادقی، وحید. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی دهی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی). فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۱(۳)، ۸۴-۱۱۶. [لینک]
- رئیس، سیما تقضلی، حسین توحیدفام، محمد طاهری، احمدرضا (۱۳۹۹)، موانع نهادی مشارکت سیاسی زنان در منطقه بلوچستان، زن در توسعه و سیاست، ۱۸(۲)، ۳۱۳-۳۳۴. doi: 10.22059/jwdp.2020.282601.1007650 [لینک]
- سریع القلم، محمود (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- صفری، حسین، دانش، پروانه، فخرایی، سیروس. (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی شکاف جنسیتی در مشارکت اقتصادی (مورد مطالعه: زنان شهری استان آذربایجان شرقی)، فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۹(۱)، ۱۵۹-۱۴۱. [لینک]
- کجباف، علی اکبر، الهیاری، فریدون، بختیاری، سمیه. (۱۳۹۲). نقش و جایگاه زن در ایل بختیاری در دوره قاجار از دیدگاه سیاحان اروپایی (۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ ق/۱۷۹۶ تا ۱۹۲۵ م). نشریه پژوهش‌های تاریخی، ۵(۴)، ۳۹-۵۴. [لینک]
- گلایی، فاطمه حاجیلو، فتانه، (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان، مطالعه موردی: استان آذربایجان شرقی، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱(۱)، ۲۰۰-۱۷۳. doi: 10.22059/jjsr.2012.36552 [لینک]
- قادرزاده، امید، یوسفوند، حجت اله. (۱۳۹۱). سنجش عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در مشارکت مدنی زنان. زن در توسعه و سیاست، ۱۰(۴)، ۱۰۱-۱۲۶. doi: 10.22059/jwdp.2013.30577 [لینک]
- قادرزاده، امید، رضازاده، فاطمه. (۱۳۹۸). مطالعه‌ی تجربه‌ی زیسته و درک زنان از مشارکت در نهادهای مدنی. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۶(۱۴)، ۶۳-۹۶. doi: 10.22080/ssi.2020.15416.1535 [لینک]
- قادری، صلاح‌الدین. (۱۳۹۷). ساختار قشربندی اجتماعی و خوشه‌بندی فرهنگی-اجتماعی محله‌های شهر تهران. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۷(۴)، ۷۳۱-۷۶۱. doi: 10.22059/jjsr.2019.249692.617 [لینک]
- میلبراث، لستر و گونل، لیل. (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی، ترجمه سید رحیم ابواحسنى، انتشارات میزان، چاپ اول. تهران.



References

- Agahi, H., Binaian, A., & Fatahi, S. (2017). A Study of Individual and Family Barriers to Women's Political and Social Participation: Evidence from Shiraz District in Harsin City. *Rural Development Strategies*, 4 (1), 21-39. doi: 10.22048/rdsj.2017.68147.1611. [text in persian]. [Link]
- Alexander, J. (2001). *The Binary discourse of civil society*. In S. Seidman & J. C. Alexander (Eds). the New Social Theory Reader. London: Sage
- Amini, A. A., & Khosravi, M. A. (2010). Effects of Political Culture on Political Participation of Women and Students. *Political Studies Quarterly*, 2 (7), 127-142. [text in persian]. [Link]
- Amiri, A., Masoudirad, M., & rezaee, M. (2020). Investigating the Effect of Ecological segregation on Electoral Behaviors of Citizens (Case Study: Khorramabad City Council). *Human Geography Research*, 52 (2), 675-696. doi: 10.22059/jhgr.2019.261027.1007733. [text in persian]. [Link]
- Bennett, E. E., & McWhorter, R. R. (2019). Social movement learning and social innovation: Empathy, agency, and the design of solutions to unmet social needs. *Advances in Developing Human Resources*, 21 (2), 224-249. <https://doi.org/10.1177/1523422319827939>. [Link]
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), 77-101. doi/abs/10.1191/1478088706qp0630a. [Link].
- Ghaderi, S. (2018). Structure of Social Stratification and Socio-Cultural Clustering of Tehran's Neighborhoods. *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 7 (4), 731-761. doi: 10.22059/jisr.2019.249692.617.[text in persian]. [Link].
- Ghaderzadeh, O., & Rezazadeh, F. (2020). A Study of the Lived Experience and the Perception of Women from Participation in Civic Associations. *Sociology of Social Institutions*, 6 (14), 63-96. doi: 10.22080/ssi.2020.15416.1535. [text in persian]. [Link].
- Ghaderzadeh, O., & Yousefvand, H. (2013). Assessing sociological factors effective in women's civil Participation. *Woman in Development & Politics*, 10 (4), 101-126. doi: 10.22059/jwdp.2013.30577. [text in persian]. [Link]
- Golabi, F., & Hajiloo, F. (2012). Sociological Review of Political Participation Rate of Women and some of Social Factors Affecting It (Case Study in Eastern Azerbaijan Province). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 1 (1), 173-200. doi: 10.22059/jisr.2012.36552.[text in persian] [Link].
- Goldman, B. M., Chang, P. S., Meddaugh, J. R., & Daddona, M. F. (2019). Stimulating a Response: Does Exposure to the Confederate Flag Impact People's Attitudes Regarding Social Dominance Orientation, Ethnocultural Empathy, and their Political Beliefs. *The Journal of Public and Professional Sociology*, 11 (1), 2. [Link]
- Huntington, S. P. & Nelson, J. (1976) *No Choice: Political Participation in Developing Countries*, Cambridge: Harvard University Press. <https://doi.org/10.4159/harvard.9780674863842.c7>. [Link]
- Kajbaf, A., Allahyari, F., & Bakhtiari, S. (2014). Role and status of woman among Bakhtiari people during Qajar dynasty (1796-1925). *Historical Researches*, 5 (4), 39-54. [text in persian]. [Link]

- King, N., Horrocks, C., & Brooks, J. (2018). *Interviews in qualitative research*. SAGE Publications Limited.[Link]
- Lerner, S. (2010). *The Passing Traditional Society*, New York: The McMillan com.
- Putnam, R. D. (1995). Bowling Alone: Americas Declining Social Capital. *Journal of Democracy*, 6: 65-78. [Link]
- Raeisi, S., Tafazzoli, H., Tohidfam, M., & Taheri, A. (2020). Institutional Barriers to Women's Political Participation in Baluchistan Region. *Woman in Development & Politics*, 18 (2), 313-334. doi: 10.22059/jwdp.2020.282601.1007650. [text in persian]. [Link]
- Rahimi, A., Farajpahlou, H., Osareh, F., & Shahbazi, M. (2018). Developments of research in evaluation of data and information quality in information systems since the year 2000. *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 33 (2), 915-944. doi: 10.35050/JIPM010.2018.085. [text in persian].[Link].
- Rodríguez-Hidalgo, A. J., Solera, E., & Calmaestra, J. (2018). Psychological predictors of cyberbullying according to ethnic-cultural origin in adolescents: a national study in Spain. *Journal of cross-cultural psychology*, 49 (10), 1506-1522. [Link].
- Roumina, E., & Sadeghi, V. (2015). Investigation of the Effect of Tribalism on Voting Pattern; Case Study: Nourabad Mamasani Township. *Geopolitics Quarterly*, 11 (39), 84-116. [text in persian]. [Link]
- Safari, H., Danesh, P., Fakhraei, S. (2020). Sociological Analysis of Gender Gap in Economic Participation (Case Study: Urban Women of East Azarbaijan Province). *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 9 (1), 141-159. [text in persian].[Link]
- Shanker, R. (2014). Measurement of women's political participation at the local level: India experience. *Journal of Rural Development*, 1 (3), 1-8. [Link].





Original Research

Factors Influencing Women's Identity in Iran: A Review of National Studies Conducted over the Past Two Decades

Rahele Kardavani^{1*}, **Masoumeh Nfisirad²**

1. Ph.D in women's studies majoring in women's rights in Islam, Researcher of Mehrestan Research Institute (governance studies), Isfahan, Iran. (Corresponding Author) Rahelekardavani@yahoo.com

2. Doctoral student of women and family studies, majoring in Family law, Qom university of Religions and Denominations, Qom, Iran.

Background and Purpose

Contemporary societies are witnessing the proliferation of technology and the formation of many cultures, with the global dissemination of modernism and modernization. These phenomena have contributed to the exacerbation of identity crises, particularly among young individuals and women. In addition to cultural transformations, shifts in the economic domain and the increased involvement of women in employment and income generation, the expansion of educational options for women and the broadening of their social networks have contributed to the proliferation of resources available for women to construct their identities. The profound ramifications of this process undermine the credibility of women's conventional societal roles, particularly among women who are employed and have attained higher education. The pursuit of higher education and women's participation in the workforce, although leading to the adoption of new values, attitudes, and perspectives, also presents challenges in reconciling women's old roles with their new responsibilities, hence contributing to an identity crisis among women (Jenkins, 2002).

Today, according to numerous scholars, the primary obstacle faced by the institution of family and Iranian women may be traced back to the matter of identity. Many Iranian women who are married and have children encounter this issue, and numerous studies have revealed that the root cause of various challenges faced by women in different aspects of their personal, social, and family lives can be attributed to shifts in the construction of their identities (Balbali, 2017). The average fertility of women has decreased due to the rising conflict between family roles, particularly motherhood, and women's social activities, which has been



influenced by identity transformations and women's reevaluation of their identity dimensions (Drahaki et al., 2022).

The systematic review and synthesis of published studies and their findings is a crucial area of focus, particularly within the realm of social research. This revision facilitates the identification and analysis of the focal areas, gaps, and potential discrepancies within a significant study subject. The present study aims to address the question: *"What are the determinants influencing the formation of women's identity in Iran, as evidenced by local studies conducted within the past two decades?"*

Method

This study focuses on a population of studies written in Persian throughout the 2000s and 2010s, which examine the factors influencing the identity of women in Iran. In the preliminary investigation, a total of 421 research studies were identified, comprising 285 articles and 136 theses. These studies were selected based on certain criteria, including adherence to scientific research standards, avoidance of duplication, absence of direct relevance to the subject matter, falling outside the intended time frame, and possessing inadequate rigour and validity.

In all, a selection of 67 research studies, comprising 33 articles and 37 theses, met the criteria for inclusion in the review process. In instances where there is overlap between the subject matter of the article and the thesis, the inclusion of the thesis document in the final compilation was considered necessary to provide further information, while the article extracted from the final compilation was subsequently excluded from the list. Among the remaining 67 research studies, 27 have employed a qualitative methodology, while 40 have utilized a quantitative approach.

Results

The findings indicate that there has been a notable rise in scholarly investigations related to women's identity, particularly from the mid-1980s onwards, with the highest level of research activity observed in the early 2000s. Among the 67 research studies that were chosen, a majority of 59.70% were classified as quantitative research employing the positivism paradigm. Conversely, a minority of 40.29% were categorized as qualitative research utilizing the interpretative paradigm. Approximately 85% of the quantitative research studies are classified as descriptive-survey, whereas approximately 37.03% of the qualitative research studies are categorized as descriptive-analytical.

The existing body of study in this particular domain has explored several issues related to the identity of women. However, given the shifts in consumption behaviours and the influence of globalization, scholars

have mostly concentrated on the redefinition of women's social identity and the determinants that impact it.

Factor	Frequency	Factor	Frequency	Factor	Frequency	Factor	Frequency
Level of education	29	Family/parents	12	Religion and beliefs	9	Welfare amenities	4
Employment status	23	Media	10	Self-satisfaction	10	Social security	2
Age	19	Gender	8	Modernity	7	Friends	3
Marriage	14	Social factors	16	Novels and literature	5	Islamic Revolution	1
Family income	14	Self-reliance	8	Urbanization	5	Dressing status	6
Economic factors	13	Life style	7	Cultural factors	9	Law	1

Numerous studies have presented and explored the variable of "level of education" as a significant factor in the analysis of women's identity in Iran and its impact on such identity. The findings of the study indicate a clear and significant correlation between the educational attainment of women, considered as an independent variable, and their identity in many social, personal, and gender-related aspects (Bayat, 2016; Talebi, 2015; Rajabi, 2017). The role of employment and its changing status emerges as a



prominent and influential component in shaping the identity of women in Iran. The influence of age is an additional significant factor in shaping women's identity. The influence of marriage, marital status, and family income on many aspects of women's identity has been extensively examined in prior research (Rezaee Dareh Deh, 2011; Pishgahi Fard et al., 2009; Naqdi et al., 2018; Sohrabzadeh et al., 2018).

The results indicate that the younger women are, the more educated they are, and the greater their economic and social base, the more they reconsider their gender identity (Talabi, 2015: 304; Nourinik, 2015: 281). In the context of social and familial dynamics in 1990s Iran, as women approach a state of subjectivity characterized by factors such as higher education, economic autonomy, and elevated social standing, the likelihood of encountering conflicts, identity crises, and societal pressures is amplified for these individuals. In essence, despite the implementation and promotion of policies and legislation that have facilitated women's access to various aspects of contemporary living, the cultural unacceptability of women's subjectivity has given rise to conflicts and crises.

Discussion & Conclusion

The theoretical framework of social constructionism has been widely employed in research done in the topic of women's identity. This approach focuses on the process of identity construction within social interactions and highlights the historical context in which identities are constructed. It is an approach that rejects essentialism and places an emphasis on identity above natural differences. Instead, it views women's changing identities—which are influenced by factors like media consumption, career type, and educational attainment—as a natural development during historical transitions.

Research on women's identity in Iran has primarily focused on examining gender identity and social identity. These studies aim to understand how women's identities are shaped and redefined by many independent variables within the framework of the positivism paradigm. In contrast to the discourse around the family, the gender discourse assumes a major position in the analysis of identity. However, there has been a relative lack of emphasis given to the examination of women's roles within the family and the interplay between their identities as mothers and wives with their social and gender identities. One of the additional areas of research that remains unexplored in this particular topic relates to the examination of various elements that influence the formation of women's identity, particularly in relation to the diversity observed within target groups and across different regions of the country. Based on the reviewed studies, it is evident that there are several theoretical, problemological, and methodological aspects that can be subject to criticism. These aspects

include the reduction of gender discourse, the limitation of social identity in understanding the subject matter, and the lack of diversity in the scope of the research. Furthermore, the predominance of a quantitative approach in research is also a noteworthy concern. To address these limitations, future research endeavors should consider adopting qualitative, critical, and mixed methods. Additionally, it is recommended that researchers select diverse target groups of women to gain a deeper and more comprehensive understanding of the contexts, attitudes, consequences, and behaviors based on identity. It is crucial to pay attention to contemporary issues such as various fields of study, different job types and conditions, body management, music consumption, and emerging platforms like Instagram.

The examination of recent studies in the domain of identity and the influences impacting self-redefinition reveals that, in light of the evolution of sexuality, the matter of identity and gender reassignment surgeries, as well as self-perception across various physical, psychological, and social aspects, holds significant importance and has emerged as a novel and noteworthy concern within contemporary global social discourse. The intricate interplay between sex and gender across different fields can exacerbate the predicament surrounding women's identity, leading to a broader and more profound crisis concerning the factors that shape contemporary lifestyles and the dimensions of feminine embodiment. This is particularly evident in light of the multifaceted complexities associated with technology, the Internet, the construction of mental imagery, and the medicalization of the body. Future study in the topic of women's identity should be conducted using contemporary and influential characteristics to properly evaluate the present state of circumstances and thereafter formulate political and social solutions.

Ethical considerations

Compliance with research ethics: The study was carried out in accordance with human research ethics.

Funding. The current study was not funded by any organization or person.

Authors' Contribution: The second author was in charge for source research and initial writing in this article, while the first author was accountable for finalizing the written material and refining the initial draft.

Conflict of interest: The authors declared no conflict of interest with any person or organization.

Data Availability: Data supporting this study are not publicly available. Please contact by email. Rahelekardavani@yahoo.com

References

- Bayat, F. (2016). *Examining the connection between sexual capital and identity (case study: female athletes in Qazvin city sports clubs)*. Master's thesis, Al-Zahra University.



- Pishgahi Fard, Z., Ansari Zadeh, S., Karami, A., & Parhiz, F. (2010). Interaction in Cyberspace and its effect upon women's identity in Iran. *Woman in Development & Politics*, 8(2), 189-209. [link].
- Jenkins, R (2002). *Social identity*. translated by Toraj Ahmadi, Tehran: Shirazeh.
- Dorahaki, A., Akhwan Armaki, M., & Ahmadnia, S. (2023). The Relationship between Reflexivity Gender Identity and Women's Fertility: A Study among Married Women in Urban Areas of Kashan County, Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 17(34), 113-144. doi: 10.22034/jpai.2023.1986348.1260[link].
- Rajabi, M. (2008). *Sociological investigation into Tehrani women's identity redefinition and their tendency towards cosmetic surgery in Tehran*. Master's thesis, Al-Zahra University.
- Rezaee Dareh Deh, M. (2011). *Investigating the relationship between career-family role conflict and identity crisis among working women in the city of Khorramabad*. Master's thesis, Bu-Ali Sina University.
- Sohrabzadeh, M., Niazi, M., Nikkhah Ghamsari, N., & Akbari, A. (2021). Construction of Female Identity in Iranian Intellectual Texts (Persian Constitutional Revolution until the 1st Pahlavi Era). *Cultural Studies & Communication*, 16 (61), 151-176. doi: 10.22034/jcsc.2020.39140. [link].
- Talebi, H. (2016). *Investigating the relationship between the culture globalization and the rethinking of the reflective gender identity of women: a case study in Tehran*. Master's thesis, Al-Zahra University.
- Naghdi, A., Memar, S., & Dastani, M. (2018). Sociological Analysis Redefining the Social Identity of Women in the Light of Consumerism Tendencies Case study: Women born in the 1970s, 1980s and 1990s of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 29(4), 183-208. doi: 10.22108/jas.2018.110010.1334.[link].
- Nouri Nik, Firouzeh. (2014). *Redefining social identity and its embodied forms in public and private spaces (a case study of women in Tehran)*. Master's thesis, Al-Zahra University



زمینه‌های مؤثر بر هویت زنان در ایران: مرور نظام‌مند پژوهش‌های داخلی در دو دهه گذشته

راحله کاردوانی*^۱ ID معصومه نفیسی‌راد^۲ ID

چکیده

در دهه‌های اخیر، تحولات عمیق و گسترده جهانی موجب بحران هویت در سازگاری نقش‌های سنتی و مدرن شده‌است. هویت زنان در ایران، موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده‌است. به‌منظور فهم یکپارچه مسائل و راهبردها و آگاهی از خلأهای پژوهشی در این حوزه، خوانشی ثانویه از آنها ضروری است. هدف پژوهش حاضر مرور پژوهش‌های هویت زنان در ایران در دو دهه ۸۰ و ۹۰ است. در جستجوی اولیه، جمعاً ۴۲۱ پژوهش به‌دست آمد و بعد از اعمال معیارهای ورود و خروج، درنهایت ۶۷ مورد انتخاب گردید. نتایج پژوهش نشان داد زمینه‌های هویت‌ساز زنان، عمدتاً تحصیلات و پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان است و هر چه زنان دارای سن کمتر، تحصیلات بیشتر و پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری باشند، میزان بازاندیشی‌شان در مورد هویت جنسیتی بیشتر است. اگرچه هویت زنان در ابعاد مختلفی شامل هویت فردی، هویت ملی، هویت اجتماعی، هویت دینی، هویت جنسیتی و هویت قومی یا محلی مهم و قابل تأمل و بررسی است، اما در مطالعات انجام‌شده در دو دهه اخیر، عمدتاً هویت اجتماعی و سپس هویت جنسیتی، مورد توجه پژوهشگران بوده و عوامل مؤثر بر هویت زنان در عصر حاضر نسبت به نسل پیشین، متفاوت گزارش شده‌است. همچنین در کشاکش و تقابل دو وجه هویت سنتی و مدرن، گفتمان جهانی بر محور هویت شخصی مدرن، در مقایسه با گفتمان سیاسی حاکم، تأثیر بیشتری در تحولات هویت زن ایرانی داشته‌است و زنان تحصیل‌کرده و شاغل که پابندی مذهبی کمتری دارند، تعارضات هویتی کمتری را تجربه می‌کنند.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

مرور نظام‌مند، هویت زنان، هویت جنسیتی، عوامل هویت‌ساز، هویت اجتماعی زنان

ارجاع به مقاله:

کاردوانی، راحله و معصومه نفیسی‌راد. (۱۴۰۳). زمینه‌های مؤثر بر هویت زنان در ایران: مرور نظام‌مند پژوهش‌های داخلی در دو دهه گذشته. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۲(۲)، ۳۸-۷۹. DOI: 10.22051/jwfs.2024.43281.2966

^۱. دکتری مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام، پژوهشگر پژوهشکده مهرستان (مطالعات حکمرانی)، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
RaheleKardavani@yahoo.com

^۲. طلبه سطح سه فقه و اصول جامعه الزهرا، دانشجوی دکتری رشته مطالعات زنان و خانواده گرایش حقوق خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم، ایران.



مقدمه

همواره یکی از دغدغه‌های فکری انسان، پرسش از کیستی و چیستی خود بوده است. انسان با پاسخ به پرسش «من کیستم؟»، در صدد شناسایی وجوه تمایز خود از سایر افراد است. دگرگونی‌های دهه‌های اخیر، در زمینه‌های فرهنگی و عرصه‌های ساختاری، به تعدد، تنوع و گاه تعارض منابع هویت ساز منجر شده است (ساروخانی و رفعت‌جاء، ۱۳۸۳).

مفهوم هویت یکی از انتزاعی‌ترین و پیچیده‌ترین مفاهیم است. به طوری که «امکان یافتن توافقی مشترک بر سر شکل‌گیری این مفهوم دشوار است» (شلسینگر^۱، ۱۹۹۱). این واژه از Idem یعنی «مشابه و یکسان» ریشه می‌گیرد و دو معنی اصلی دارد: نخستین معنای آن مبین مفهوم تشابه مطلق است، این با آن مشابه است. معنای دوم آن تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. به این ترتیب، مفهوم هویت هم‌زمان میان افراد یا اشیا دو نسبت محتمل برقرار ساخته است. از یک سو شباهت، از سوی دیگر تفاوت» (جنکینز^۲، ۱۳۸۱). از این رو، در دسته‌بندی کلی، هویت را در دو بخش «هویت جمعی» و «هویت فردی» تقسیم می‌کنند.

در جوامع امروزی، گسترش تکنیک و بروز فرهنگ‌های گوناگون و گسترش نوگرایی و نوسازی در عرصه جهانی، به بحران هویت در میان بسیاری از اقشار، به ویژه جوانان و زنان دامن زده است. همچنین، در کنار تحولات فرهنگی، دگرگونی‌های عرصه اقتصاد و مشارکت زنان در اشتغال و درآمدزایی، افزایش فرصت‌های آموزشی برای زنان و گسترش روابط اجتماعی آنان، تکثر منابع هویت ساز را برای زنان همراه داشته است. تأثیر عمیق این فرآیند، موجب تضعیف مشروعیت نقش‌های سنتی زنان بویژه در میان زنان شاغل و تحصیل کرده می‌شود. تحصیلات عالی و اشتغال زنان، اگر چه سبب کسب ارزش‌ها و نگرش‌ها و برداشت‌های جدید می‌شود، اما موجب دشواری در هماهنگ کردن نقش‌های سنتی زن با نقش‌های جدید وی شده و بر بحران هویت در زنان دامن می‌زند (جنکینز، ۱۳۸۱).

امروزه یکی از چالش‌های اصلی نهاد خانواده و زن ایرانی ریشه در مسئله هویت دارد. بیشتر زنان متأهل و مادران ایرانی، با این مسئله مواجه هستند و مطالعات مختلف، منشأ بسیاری از مسائل زنان در ساحت‌های مختلف فردی، اجتماعی و خانوادگی را به تحولات معطوف به زمینه‌های هویت‌ساز

^۱. Schelesinger

^۲. Jenkins

مربوط دانسته‌اند. تحت‌تأثیر تحولات هویتی و نگرش بازاندیشانه زنان به ابعاد هویتی خود، تعارض بین نقش‌های خانوادگی خصوصاً مادری و فعالیت اجتماعی زنان افزایش یافته و موجب کاهش میانگین باروری زنان شده‌است (دراهمی و همکاران، ۱۴۰۱). پژوهشی که تقابل هویت جنسیتی فردی و اجتماعی در نمونه‌ای از دختران ایرانی را بررسی کرده نیز به محوریت تقابل الگوهای مدرن هویتی در ابعاد اجتماعی و الگوهای سنتی هویتی در ابعاد فردی اشاره دارد (گل‌بهاری، ۱۴۰۱). زیرا تعدد منابع هویتی نشان می‌دهد دیگر نمی‌توان به شیوه سنتی، یک هویت را شناسایی کرد، بلکه باید از لایه‌های هویتی یا هویت‌های متعدد صحبت کرد.

اهمیت مسئله هویت در جهان امروز که جهانی متمدن و چندفرهنگی است، بسیار بیشتر بوده و توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود معطوف کرده‌است. در عصر حاضر، با توجه به کشاکش زنان در دو حوزه سنت و مدرنیته، و ایجاد عوامل مؤثر و شکل دهنده مختلف در هویت زنان، این حوزه دست‌خوش تغییرات متعددی شده و بر اهمیت شناسایی و بازتعریف هویت زنان در عصر حاضر می‌افزاید. پدیده چالش‌های هویتی برای زنان، به شکل جهانی بروز و ظهور داشته‌است (گاردنر^۱، ۱۹۸۱) به‌طوری‌که در عصر جدید از زن جدیدی سخن گفته می‌شود با تجربه تحولات مختلف، در معرض مسائل نوپدید نیز قرار گرفته‌است (کلمنتز^۲، ۲۰۰۴). از سوی دیگر، با توجه به سیطره تمدن غرب و گسترش دسترسی به تکنیک در همه کشورها از جمله در ایران و وجود مذهب و اعتقادات دین اسلام و رویکرد آن به زن و هویت وی، زنان ایرانی در تعریف و شناسایی هویت خود بیشتر دچار سردرگمی بوده و با تراحمات بیشتری روبه‌رو هستند. از این رو، در پژوهش‌های بسیاری به‌ویژه در دو دهه گذشته به دلیل اهمیت تحولات هویتی و شواهد مربوطه، به بررسی تأثیر عوامل مختلف بر هویت زنان، مفهوم‌پردازی آن و تأثیر بازاندیشی در هویت بر سایر مؤلفه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته شده‌است. یکی از مباحث بسیار مهم به‌ویژه در پژوهش‌های اجتماعی، مرور نظام‌مند^۳ مطالعات منتشرشده و بازبینی و ترکیب نتایج آنها است. این بازبینی دوباره کمک می‌کند مباحث مورد تأکید، نقاط خلاء و تعارضات احتمالی در یک موضوع مهم پژوهشی شناسایی و تحلیل شود. درمورد موضوع «هویت زنان» نیز با توجه به تعداد زیاد پژوهش و اهمیت شناخت منسجم نتایج آنها و بررسی خلاءهای موجود در این بحث می‌توان از روش مروری بهره گرفت. زیرا حجم بسیار زیاد مطالعات

^۱. Gardiner

^۲. Clements

^۳. systematic review



علمی در یک زمینه تخصصی، کاربرد نتایج برای پژوهشگران و به‌روزشدن اطلاعات آنان را دشوار می‌سازد.

پژوهش حاضر قصد دارد با مرور مطالعات کمی و کیفی داخلی در زمینه هویت زنان در دو دهه ۸۰ و ۹۰، به بیان زمینه‌ها و عوامل مؤثر و شیوه تأثیرگذاری آنها بر هویت زنان در ایران پرداخته و خلأهای پژوهشی موجود در این موضوع را آشکار کند. به‌علاوه، بیان می‌دارد که براساس چه گروه‌های نمونه و روش‌های متنوعی می‌توان به انجام پژوهش‌های بیشتر در زمینه هویت زنان در ایران در راستای تعریفی دقیق و جامع از هویت و شکل‌دهی هویت ایرانی- اسلامی برای زنان مسلمان ایرانی پرداخت و به این سؤال پاسخ گفت که «زمینه‌های مؤثر بر هویت زنان در ایران براساس پژوهش‌های داخلی انجام شده در دو دهه گذشته چیست؟»

پیشینه

در زمینه هویت و بویژه هویت زنان در ایران، پژوهش‌های بسیاری در قالب مقاله و پایان‌نامه انجام شده‌است. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان پایان‌نامه‌ها و مقالات موجود در این زمینه را به دو دسته کلی تقسیم کرد:

ا. مطالعاتی که به بحث در مورد هویت زن و عوامل مؤثر بر آن در ایران پرداخته‌اند.

ب. پژوهش‌هایی که به روش مرور نظام‌مند در مورد هویت زن و عوامل مؤثر بر آن در ایران انجام شده‌اند.

در دسته نخست، بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده، اعم از پایان‌نامه‌ها (معصوم، ۱۳۹۰؛ زارع زاده، ۱۳۹۳؛ کردی، ۱۳۹۴؛ گرگیچ، ۱۳۹۶؛ ارغوانی، ۱۳۹۵) و مقالات (ساروخانی، رفعت جاه، ۱۳۸۳؛ احمدپور، سراج زاده، ۱۳۹۸؛ شجاعی، یزدخواستی، ۱۳۹۶؛ رفیعی مقدم، فتحی آشتیانی، ۱۳۹۹)، هویت زن را به‌عنوان متغیر وابسته لحاظ کرده و سعی شده که تأثیر زمینه‌هایی همچون، عوامل سازنده مانند: سن، تحصیلات، اشتغال، تأهل و غیره؛ و عوامل مخرب همچون: درآمد خانوادگی و عوامل اقتصادی، دسترسی محدود به عرصه‌های عمومی، قوانین سنتی حاکم مبنی بر سلطه مردان، تعارض میان نقش‌های سنتی و مدرن و غیره را مورد بررسی قرار دهند.

کتاب‌هایی نیز در زمینه هویت زن با رویکردهای مختلف تاریخی، دینی و اجتماعی و جنسیتی تألیف شده‌اند. مانند شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش تاریخ و تاریخ (لاهیجی، ۱۳۷۷)، تکوین

هویت زن مسلمان در گذار انقلابی (یوسف مدد، ۱۴۰۰)، زن و هویت یابی در ایران امروز (عزیززاده، ۱۳۸۷)، دانشگاه، هویت و سیاست زندگی زنان (طیپی نیا، ۱۳۹۶)، بازخوانی هویت زن در سنت علوی (مومن، ۱۴۰۰)، هویت و نقش‌های جنسیتی زن در اسلام؛ مروری اجمالی و تطبیقی بر نظام جنسیت و خانواده در اسلام (غلامی، ۱۳۹۸)، تأملی در هویت زن ایرانی (رفعت جاه، ۱۳۹۱) و هویت و نقش - های جنسیتی (زیبایی نژاد، ۱۳۸۸).

در دسته دوم، مطالعات «مطالعه مروری سیستماتیک پیرامون ابعاد و ویژگی‌های هویت ایرانیان خارج از کشور» و «هویت ملی در ایران؛ مرور نظام‌مند مقالات علمی پژوهشی (۱۳۹۰-۱۳۹۵)» انجام شده که در زمینه ابعاد هویت ملی، روابط هویت ملی با سایر متغیرها و ابعاد هویت ایرانیان در خارج از کشور بوده‌اند. در میان مطالعات لاتین نیز مقاله‌ای انجام شده که به مرور سیستماتیک ادبیات درام امریکایی در موضوع کشمکش‌های هویتی و زمینه‌های ایجاد آنها در زنان افریقایی - امریکایی پرداخته و به این نتیجه رسیده‌است که رشد فرد تحت دو فرهنگ متفاوت به انضمام تبعیض‌های نژادی و جنسیتی در طول دهه‌های متمادی علیه این زنان موجب شده اختلالات هویتی بسیاری را تجربه کنند که موجب درماندگی، ترس و ناامیدی بوده و این اختلالات با گذر زمان ویژه به دلیل رویش جنبش‌های دفاع از حقوق زنان و سیاهان در غرب، کاهش یافته‌است (السنافی و نور^۱، ۲۰۱۸).

براساس پیشینه موجود، علی‌رغم تعدد و تنوع مطالعات حوزه هویت زنان، مرور ثانویه‌ای برای تحلیل زمینه‌های مؤثر بر هویت زنان در ایران انجام نشده‌است.

ملاحظات نظری

هویت یابی و پاسخ به سؤال «من کیستم؟»، همواره مورد توجه پژوهشگران بوده و از منظرهای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته‌است. در این میان، دو رویکرد درهم تنیده اما متمایز روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، به تفصیل این مفهوم در سطوح فردی، ارتباطی، جمعی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. هویت از منظر روان‌شناسی به معنای خودپنداره یا احساس تمایز، تداوم و استقلال شخصی است. مجموعه ویژگی‌ها و الگوهای رفتاری که فرد، قوم، ملت و تمدنی را از دیگر افراد، اقوام، ملل و تمدن‌ها متمایز می‌کند. در این رویکرد، از منظر فرویدی، هویت عمده‌تاً حاصل یک فراگرد فردی ناشی از

^۱ . Alsanafi & Noor



عوامل درونی (خودآگاه و ناخودآگاه) تعریف می‌شود. ویلیام جیمز^۱ از پایه‌گذاران روان‌شناسی مدرن، استدلال می‌کند هویت به معنای تلقی افراد از خود یا «آگاهی از یکسانی شخصی» است و تا حد زیادی یک لایه شناختی و ذهنی به‌شمار می‌رود که بر سلامتی، ناراحتی و روابط بین فردی تأثیر می‌گذارد (شوارتز^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). اریکسون^۳ (۱۹۶۸) نیز از معنای «ادراک یکسانی خود و پیوستگی وجود در زمان و فضاها» بهره‌گرفته و بر تأثیر اجتماع، فرهنگ و تاریخ بر شکل‌گیری ساختار خود تأکید دارد. در چارچوب نظریه روانی-اجتماعی وی، مفهوم «بحران هویت» نیز از جایگاه مهمی برخوردار است که نحوه عبور از آن طی فرایند رشد، تعیین‌کننده سلامت روان فرد خواهد بود.

مارسیا با توجه به دو عنصر اساسی «تعهد» و «بحران» به تعریف هویت پرداخت و مفهوم هویت‌یافتگی را در برابر آشفتگی نقش مورد نظر قرار داد. مفهوم محوری او «تشتت هویت»^۴ بوده است (مارسیا، ۱۹۶۶). در دیدگاه او سبک‌ها یا وضعیت‌های هویتی متفاوتی طبقه‌بندی شده که موجب می‌شود در نهایت هر فرد تصمیم‌گیری‌های مختلفی در ابعاد تحصیلی، شغلی، مذهبی، سیاسی، ملی، جنسی و مانند آن اتخاذ و براساس چگونگی احساس خودارزشمندی؛ یکی از انواع هویت موفق، تحمیل شده، معوق و سردرگم یا پراکنده را تجربه کند (همان، ۱۹۸۰). بهزیستی روان‌شناختی در گرو انسجام بخش‌های مختلف هویت و ایجاد یک کل یکپارچه یا انسجام یافته است.

ساندرا بَم^۵ (۱۹۷۴) از دریچه نظریه طرحواره جنسیتی^۶ و شکل‌گیری ادراکات براساس شبکه‌ای از ارتباطات، به بحث هویت پرداخت. به‌طوریکه هویت زنانه و مردانه را در ارتباط با نقش‌های جنسیتی تحلیل کرد و جنبه‌های ابزاری مانند حیطه‌های شغلی را منبع هویتی مردانه و جنبه‌های بیانی و بین فردی را منبع هویتی زنانه دانست.

در رویکرد جامعه‌شناختی، هربرت مید^۷ از دریچه تعاملات اجتماعی به مفهوم خود نگاه می‌کند و هویت بیشتر محصول ساختارهای اجتماعی است و در اثر مشاهده، یادگیری اجتماعی و فرایند جامعه‌پذیری شکل می‌گیرد (همان). طبق نظریه آنتونی گیدنز^۸ (۱۳۸۵) شاخص‌هایی نظیر اعتماد به

^۱. William James

^۲. Schwartz

^۳. Erikson

^۴. Identity diffusion

^۵. Marcia

^۶. Sandra Bem

^۷. Gender schema theory

^۸. Herbert Mead

^۹. Anthony Giddens

نفس، گستره شبکه ارتباطی افراد، میزان رضایت از خود در اجتماع و میزان عقلانیت، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری «هویت اجتماعی» هستند که خود شامل ۵ قسم هویت دینی، قومی، ملی، گروهی و جنسی است. جنکینز (۱۳۸۱) در نظریه هویت اجتماعی خود به تمایز و تشابه مطلق میان افراد یا اشیا در تشخیص هویت اشاره کرده و معتقد است جنسیت آشکارترین وجه هویت فردی است که در تعامل با دیگران ساخته می‌شود. از نظر جنکینز شکل‌گیری هویت از طریق رابطه متقابل فرد با جامعه میسر خواهد بود، تعامل میان فرد و جامعه به واسطه استفاده از نمادهایی که به شیوه‌های مختلف در جامعه شکل گرفته و به نظام ذهنی فرد منتقل می‌شود، انجام می‌شود.

هدف اصلی جنکینز در کتاب «هویت اجتماعی»، بازسازی این مفهوم برای کاربرد جامعه شناختی است و برای این کار، بر ایجاد ارتباط بین مدل‌های انضمامی و انتزاعی هویت که می‌توان آن را نوعی پیوند میان ساختار و کنش دانست تأکید دارد. از دیدگاه او اگر هویت یک پیش‌نیاز برای زندگی اجتماعی محسوب شود، عکس آن نیز درست است. یعنی هویت فردی نیز جدا از دنیای اجتماعی دیگر مردم معنا ندارد. اشخاص، منحصربه‌فرد و متغیر هستند اما خود بودن به‌طور کلی امری است که به‌شیوه‌ای اجتماعی ساخته شده است. یعنی در فرآیندهای جامعه‌پذیری و کنش متقابل اجتماعی به‌دست می‌آید.

هویت‌یابی از موضوعات مهمی است که به‌دلیل نقش آن در کیفیت زندگی افراد مورد توجه پژوهش‌های مختلف قرار گرفته است و ابعاد گوناگونی دارد (مارسیا، ۱۹۸۳؛ برزنسکی^۱، ۲۰۰۳؛ اریکسون^۲، ۱۹۶۸). در میان این ابعاد، هویت جنسیتی به‌معنای مهمترین ادراکات هر زن و مرد نسبت به جنسیت متمایز خود است. این مفهوم ارتباط تنگاتنگی با نقش جنسیتی به‌عنوان محل بروز و ظهور شخصیت دارد. در تبیین زمینه‌های شکل‌گیری هویت جنسیتی، چند رویکرد غالب مطرح شده است. شامل:

۱- رویکرد تعینی یا ذاتی^۳؛ که زنانگی و مردانگی را براساس تبیین زیست‌شناختی، واقعیت‌هایی بیولوژیک می‌داند که فراتر از ابعاد فرهنگی و تاریخی جوامع، دو جنس نر و ماده را با دو هویت جنسی متمایز توصیف می‌کند (پیلچر و ولهان^۴، ۲۰۰۵).

^۱. Berzonsky

^۲. Eriksson

^۳. The Essentialism Approach

^۴. Pilcher & Whelehan



ب- رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی^۱؛ که بر مفاهیمی همچون رویدادهای محیطی، انتظارات فرهنگی و اجتماعی، ساخت اجتماعی و تولید و بازتولید به تناسب زمان و مکان‌های مختلف تأکید دارد و شکل‌گیری هویت معطوف به جنس را در ارتباط با این مفاهیم، فرایندی تعریف می‌کند که فرد در ارتباط با جامعه، تعریفی از خود به‌عنوان زن یا مرد به دست می‌آورد (بور^۲، ۱۹۹۸) و لذا نقش یادگیری اجتماعی را بسیار جدی توصیف می‌کند (لربر و فرل^۳، ۱۹۹۱).

ت- رویکرد دینامیک^۴؛ که هویت جنسیتی را حاصل یک ارتباط پویا و تعامل مستمر بین محیط، ژنتیک و آناتومی یا ابعاد زیستی و اولویت‌های طبیعی هر انسان می‌داند که ایجاد طیفی از افراد با هویت‌های تجربه‌شده متفاوت را همراه دارد (برینکمن و رابنزن^۵، ۲۰۱۲).

«مرجعیت‌های هویت‌ساز» به معنای زمینه‌ها و تعیین‌کننده‌های مهم در ساخت خود هستند. در این میان، «شخصیت» و «خانواده» نقش اساسی در شکل‌گیری هویت افراد دارند، ویژگی‌های خانواده مانند تحصیلات، شغل، بُعد خانوار، درآمد و به‌طورکلی موقعیت اجتماعی-اقتصادی آن می‌تواند بر شکل‌گیری هویت مؤثر باشد (ایپ و پرایس^۶، ۲۰۰۸). «آگاهی» نیز زمینه مهمی در شکل‌گیری نگرش به خود و ساخت هویت است، بخشی از آگاهی افراد در محیط خانوادگی کسب می‌شود و بخش دیگر در محیط‌های آموزشی مانند مدرسه و دانشگاه. «فرهنگ» و «گروه» از دیگر مراجع هویت‌ساز هستند و نظام‌باورهای فردی و اجتماعی را شکل می‌دهند (کات^۷، ۲۰۱۴). گروه‌ها ابتدایی‌ترین محیط‌های کنشی و تعاملی افراد به‌شمار رفته و هویت محصول تعاملات افراد است. به عبارتی، تعاملات اجتماعی نقش اساسی در فرایند جامعه‌پذیری و شکل‌گیری خود دارد. فرد در جریان تعاملات اجتماعی با دیگران و درک عضویت در گروه، از هویت جمعی متناظر با آنها برخوردار شده، نگرش‌های خاصی را کسب می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۸). «تکنولوژی»، «وضعیت جسمانی» و «ژنتیک» سایر زمینه‌های مهم هویت‌ساز محسوب می‌شوند (برادوین^۸، ۲۰۰۲).

¹. The Social Constructionist Approach

². Burr

³. Lorber, & Farrell

⁴. The Dynamic Approach

⁵. Brinkman & Rabenstein

⁶. Epp & Price

⁷. Cote

⁸. Brodwin

در یک دیدگاه، وضعیت زنان در مواجهه با هویت خود، در ۴ گونه «دنبال‌رو، دست‌یابندگان به هویت، بحران‌زده و پراکندگی هویت» ترسیم شده‌است. به‌طوریکه برخی از زنان با تبعیت از سنت‌های پیشین هویت‌یابی می‌کنند و بدون تردید و با اراده، سبک زندگی خود را شکل می‌دهند. در مقابل، عده‌ای دیگر از زنان از دوران کودکی خود، هویت‌های جداگانه و متمایزی را شکل داده‌اند بدون آنکه جذب و هضم سنت‌های پیشین شوند. در این میانه، عده‌ای همیشه در حال جستجو و تجربه برای یافتن خود آرمانی هستند و نوعی عدم رضایت را در ارتباط با خود دارند و گروه آخر، گمگشتگی در هویت را بروز می‌دهند و به دلیل اضطراب بالا تمایل دارند از موقعیت‌ها کناره‌گیری کنند (تورز^۱ و همکاران، ۲۰۰۳). وضعیت هویت زنان در دوره مدرن به دلیل کشاکش با ارزش‌های سنتی و به‌ویژه خانوادگی، عمدتاً به‌سوی طیف بحران‌زده و پراکنده نزدیک شده‌است. در شرایط مدرنیته متاخر، مردم «در جهان» به‌معنایی متفاوت از دوره‌های پیشین تاریخ زندگی می‌کنند. همه هنوز به زندگی محلی خود ادامه می‌دهند بدون آنکه محدودیت‌های جسمی بتواند مانع از زندگی آنها در مکان دیگری به‌طور مجازی شود. لذا همه افراد می‌توانند در هر لحظه به‌طور متناوب در زمان و مکان دیگری قرار گیرند. زندگی در جایی که جهان مدرنیته متأخر است، تنش‌ها و دشواری‌های مختلفی همراه دارد. معضلاتی که باید حل شوند تا روایتی منسجم از هویت شخصی حفظ شود. مهمترین معضلات، یکپارچگی در مقابل تکه‌تکه‌شدن و عدم قطعیت است (گیدنز^۲، ۲۰۲۳).

مطالعات هویت علاوه بر جنبه‌های توصیفی و تحلیلی، گاهی از زاویه ارزشی و هنجاری نیز به بحث پرداخته‌اند. اندیشه‌های فمینیستی به شیوه‌های هویت‌یابی و جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی نابرابری‌های جنسی حمله می‌کنند. از این منظر، بی‌عدالتی موجود در نظام خانواده در قالب حاکمیت مردان و فرمانبرداری زنان، از انتقال عادات و ارزش‌های مردسالارانه از نسلی به نسل بعد ناشی می‌شود؛ امری که به شکل‌گیری احساس برتری در پسران نسبت به خواهران خود و درنهایت، نسبت به تمام زنان منجر می‌شود. سیمون دوبوار در کتاب مشهورش جنس دوم اظهار داشت که اگر دختر بچه از ابتدا با همان انتظارات و پاداش‌ها و با همان محدودیت‌ها و آزادی‌هایی تربیت می‌شد که برادرانش تربیت می‌شوند، در همان تحصیلات و همان بازی‌ها سهیم می‌شد، وعده آینده یکسانی با آینده پسر بچه به وی داده می‌شد و به‌وسیله مردان و زنانی احاطه می‌شد که در نگاهش

^۱ . Torres

^۲ . Giddens



آشکارا یکسان و برابر بودند، به‌طور قطع شخصیت دختران و زنان می‌توانست بسیار متفاوت با وضعیت کنونی شکل گیرد (دو بووار، ۱۳۹۶). براین اساس، فمینیست‌ها به‌منظور دستیابی به جامعه‌ای فارغ از نابرابری‌های جنسی، پیشنهاد تربیت انسان‌های دو جنسیتی^۱ به‌شکل واحد^۲ یا متکثر^۳ مطرح کرده‌اند. مقصود از دو جنسیتی واحد، یک سنخ شخصیتی است که بهترین ویژگی‌های جنسیتی مردانه و زنانه به‌طور تلفیقی در آن تجسم می‌یابند دو جنسیتی متکثر نیز به سنخ‌های شخصیتی متنوعی اشاره دارد که از زنانگی خالص تا مردانگی خالص درنوسان بوده و به‌طبع شخصیت‌های آمیخته از زنانگی و مردانگی نیز در میان آنها قرار می‌گیرند (تانگ، ۱۳۹۳).

روش پژوهش

این پژوهش، از نوع مطالعات ثانویه بوده و با روش مرور نظام‌مند بر روی مطالعات انجام شده در زمینه هویت زن انجام شده است. در این روش با شناسایی دقیق، منظم و برنامه‌ریزی شده تمام مطالعات مرتبط، می‌توان با ترکیب نتایج مشابه و مقایسه داده‌ها، نقد عینی‌تری انجام داد و به تحولات، موارد خلاء و مشخصات پژوهش‌ها دست یافت. علاوه بر آن مرور نظام‌مند ناهمخوانی بین شواهد مطالعاتی موجود را مشخص می‌کند (ملبوس‌باف و عزیزی، ۱۳۸۹). مهمترین نکته در مورد مطالعات مروری این است که آنها ما را قادر به یافتن چشم‌اندازی جامع و خلاصه‌ای از اطلاعات دردسترس درباره یک موضوع خاص، در یک دوره زمانی و متمرکز بر پاسخ به یک سؤال مشخص و دقیق می‌کنند (رایت^۴، ۲۰۰۷).

جمعیت مورد مطالعه در این مرور، پژوهش‌هایی هستند که طی دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در مورد زمینه‌های مؤثر بر هویت زنان در ایران به زبان فارسی نگاشته شده‌اند. برای شناسایی پژوهش‌ها، تمام مقاله‌های نمایه‌شده در سایت‌های مگ ایران، ایران‌داک، نورمگز و پرتال جامع علوم انسانی و سایت جهاد دانشگاهی که در قلمرو هویت زنان در ایران بودند، با کلید واژه‌های «مرور سیستماتیک هویت»، «هویت زن»، «هویت زنان در ایران» و «هویت جنسیتی» جست‌وجو شدند.

^۱. Androgynous

^۲. Monoandrogyny

^۳. Polyandrogyny

^۴. Wright

در جستجوی ابتدایی، ۴۲۱ پژوهش شامل ۲۸۵ مقاله و ۱۳۶ پایان نامه به دست آمد، که با اعمال معیارهایی نظیر علمی—پژوهشی بودن، عدم تکرار، فقدان ارتباط مستقیم با موضوع، بیرون بودن از محدوده زمانی مورد نظر، ضعف روش مندی و اعتبار، در نهایت ۶۷ پژوهش - ۳۳ مقاله و ۳۷ پایان نامه- دارای صلاحیت برای مرور انتخاب شد. در موارد اشتراک موضوع در مقاله و پایان نامه، در راستای دسترسی به اطلاعات بیشتر، مدرک پایان نامه در فهرست نهایی قرارگرفت و مقاله مستخرج از پایان نامه از فهرست حذف شد. از ۶۷ پژوهش باقی مانده، ۲۷ مورد به روش کیفی و ۴۰ پژوهش به روش کمی انجام شده است.

جدول ۱. فهرست مطالعات منتخب

کد	مقاله (عنوان/ سال انتشار)	کد	پایان نامه (عنوان/ سال انتشار)
۱	زن کشاورز یا زن خانه دار: مطالعه ای درباب تحول نقش ها و هویت اجتماعی زنان روستایی / ۱۳۹۷	۳۴	بررسی رابطه سرمایه های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر نگرش زنان ۲۵ تا ۵۰ سال شهر مشهد سال ۱۳۸۹ به هویت مدرن خویش / ۱۳۹۰
۲	رسانه ها و بازتاب هویت زن در عرصه عمومی / ۱۳۸۸	۳۵	مقایسه سبک های هویت و تصور از خود در گروهی از زنان و مردان نارضای جنسیتی با افراد عادی / ۱۳۹۴
۳	بررسی تطبیقی هویت زن از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم و دلالت های تربیتی آن / ۱۳۸۳	۳۶	بررسی رابطه سبک های زندگی و راهبردهای مقابله ای استرس با هویت اجتماعی زنان شهر ابرکوه / ۱۳۹۳
۴	تبیین رابطه شبکه اجتماعی مجازی اینستاگرام و بازتعریف هویت جنسیتی زنان / ۱۳۹۸	۳۷	بررسی رابطه هویت و سرمایه جنسی / ۱۳۹۶
۵	بازتعریف هویت زنان همسر از دست داده: مطالعه ای در محله های افسریه و عباس آباد شهر تهران / ۱۳۹۹	۳۸	بررسی تأثیر عضویت در سازمان های غیر دولتی بر باز تعریف هویت اجتماعی زنان خانه دار (مطالعه موردی شهر تهران) / ۱۳۹۰
۶	هویت جنسیتی مادران و دختران، شکاف یا تفاوت؟ / ۱۳۸۴	۳۹	بررسی رابطه جهانی شدن فرهنگ و هویت جنسیتی بازاندیشانه زنان مطالعه ای در شهر تهران / ۱۳۹۵
۷	بررسی هویت زن ایرانی مسلمان از خلال مفاهیم جنسیت / ۱۳۹۴	۴۰	تأثیر شبکه های اجتماعی مجازی تلفن همراه بر هویت اجتماعی زنان ساکن شهر تهران / ۱۳۹۴
۸	تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت زنان در ایران (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه تهران) / ۱۳۸۹	۴۱	بررسی رابطه تعارض نقش های شغلی- خانوادگی و بحران هویت زنان شاغل شهر خرم آباد / ۱۳۹۰



کد	مقاله (عنوان/ سال انتشار)	کد	پایان‌نامه (عنوان/ سال انتشار)
۹	مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان / ۱۳۹۱	۴۲	مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک-های هویت و روابط والد فرزندی در زنان معتاد و غیر معتاد شهر اهواز / ۱۳۹۵
۱۰	تحلیل جامعه‌شناختی بازتعریف هویت اجتماعی زنان در پرتو تمایلات مصرف‌گرایانه مورد مطالعه شهر اصفهان / ۱۳۹۷	۴۳	بررسی رابطه بین هویت شخصی و سبک زندگی در بین زنان ۱۸-۴۵ ساله شهر کرمان / ۱۳۹۰
۱۱	نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران / ۱۳۹۷	۴۴	بررسی جامعه‌شناختی بازتعریف هویت زنان و گرایش آنان به جراحی‌های زیبایی در شهر تهران / ۱۳۸۷
۱۲	ماهواره و هویت جنسیتی دختران جوان / ۱۳۸۵	۴۵	بررسی عوامل مرتبط در شکل‌گیری هویت اجتماعی زنان نسل کنونی و گذشته شهر شیراز / ۱۳۸۸
۱۳	برساخت هویت زنانه در متون روشنفکری ایران / ۱۳۹۷	۴۶	هویت زن و سیاست: واکاوی بدن زن در گفتمان سیاسی جمهوری اسلامی / ۱۳۹۵
۱۴	هویت زن و مرد در نگاه حکمت اسلامی و دلالت‌های آن برای طراحی نظریه‌ای درباره تحکیم خانواده / ۱۳۹۲	۴۷	آرایش و زنانگی: بر ساخت اجتماعی هویت زنانه / ۱۳۸۹
۱۵	پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران / ۱۳۹۵	۴۸	جهانی شدن و هویت زنان در ایران «مطالعه موردی شهر رشت» / ۱۳۸۶
۱۶	بازسازی معنایی ساخت هویت شخصی پست مدرن / ۱۳۹۷	۴۹	بررسی رابطه هویت جنسیتی زنان متأهل با نگرش آن‌ها به حقوق زوجین / ۱۳۹۲
۱۷	زنان و بازتعریف هویت اجتماعی / ۱۳۸۳	۵۰	شناسایی هویت اجتماعی زنان و رابطه آن با انواع مصرف فرهنگی / ۱۳۹۴
۱۸	عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان / ۱۳۸۳	۵۱	برساخت هویت زن در مدرنیته ایرانی و کرد آن در مشروطه / ۱۳۹۷
۱۹	بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران جوان: نمونه شهر شیراز / ۱۳۹۱	۵۲	بررسی مقایسه‌ای هویت ورزشی ورزشکاران مرد و زن حرفه‌ای و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن / ۱۳۹۴
۲۰	بررسی هویت زن در نهج البلاغه ودلالت‌های تربیتی آن / ۱۳۸۹	۵۳	تحول هویت جنسی زن در آثار پرفروش رمان‌نویسان فارسی پس از انقلاب / ۱۳۹۳
۲۱	تأثیر سیاست‌های فرهنگی پهلوی بر بروز بحران هویت زن ایرانی / ۱۳۹۵	۵۴	هویت زنان؛ بررسی نگرش حاکم بر رمان‌های منتخب زنان نسبت به هویت زنان بعد از دهه هفتاد / ۱۳۸۳
۲۲	فرایند شکل‌گیری هویت جدید زن در ایران از دوران ناصری تا پایان پهلوی اول / ۱۳۹۲	۵۵	سنجش رابطه هویت اجتماعی زنان با احساس امنیت آنها در سطح شهر تبریز / ۱۳۸۷

کد	مقاله (عنوان/ سال انتشار)	کد	پایان نامه (عنوان/ سال انتشار)
۲۳	بررسی تأثیر خانواده بر شکل گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه پیام نور جهرم / ۱۳۸۸	۵۶	بررسی رابطه هویت اجتماعی زنان و احساس امنیت آنان (بررسی موردی زنان شهر تهران) / ۱۳۸۹
۲۴	بازنمون هویت اجتماعی در رسانه؛ بررسی روند تغییرات هویت اجتماعی زنان در سینمای پس از انقلاب اسلامی / ۱۳۹۱	۵۷	بازتعریف هویت اجتماعی زنان با تأکید بر نقش های جدید آنان / ۱۳۸۷
۲۵	رسانه و برسازي هویت جنسیتی زنان / ۱۳۹۴	۵۸	بررسی تحولی انطباق پذیری مسیر شغلی در ارتباط با پایگاه های هویت شغلی در زنان / ۱۳۹۵
۲۶	رسانه و نگرش زنان به هویت جنسیتی خود / ۱۳۹۰	۵۹	هویت زنان روستایی و رابطه آن با فعالیت های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی / ۱۳۹۶
۲۷	نقش نهادهای فرهنگی و ارتباطی در تحولات هویت جنسیتی زنان در دوره قاجار، فرهنگ و ارتباطات / ۱۳۹۹	۶۰	تحلیل محتوای هویت اجتماعی زن با تأکید بر هویت دینی در سینمای دهه هشتاد ایران / ۱۳۹۰
۲۸	هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد / ۱۳۸۶	۶۱	چگونگی برساخته شدن هویت اجتماعی زن در گفتمان اصلاح طلبی / ۱۳۹۲
۲۹	تفاوت های جنسیتی در ابعاد هویت دانشجویان / ۱۳۹۰	۶۲	بازتعریف هویت اجتماعی و اشکال تجسد یافته ظاهری آن در فضاهای عمومی و خصوصی شهر / ۱۳۹۴
۳۰	مروری بر دیدگاه های مربوط به هویت جنسیتی زنان / ۱۳۸۸	۶۳	تعارض های هویت اجتماعی سنتی و مدرن و عوامل مؤثر بر آن (زنان ۲۴ تا ۳۴ ساله شهر قزوین) / ۱۳۹۱
۳۱	مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی (مطالعه موردی: جوانان شهر بندر عباس) / ۱۳۹۲	۶۴	مطالعه رابطه پویایی هویت زنانه و تعارضات زنانشویی (مورد مطالعه: زنان ساکن یزد) / ۱۳۹۵
۳۲	تحلیل جامعه شناختی هویت زن در سینمای بیضایی و مهرجویی / ۱۳۹۰	۶۵	بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی شهر شیراز) / ۱۳۸۰
۳۳	بررسی ارتباط هویت جنسیتی زنان متأهل با نگرش آنها به حقوق زوجین / ۱۳۹۴	۶۶	بررسی هویت جنسیتی مردان و زنان در کلان شهر تهران / ۱۳۸۸
		۶۷	مساله هویت زنان با تأکید بر گفتمان امام خمینی (ره) / ۱۳۸۶

یافته ها

بازه زمانی انتشار پژوهش ها، اطلاعات انتشار، جنسیت و سنخ شناسی پژوهشگران، مشخصات روش شناختی، رویکردهای نظری، عوامل مؤثر بر هویت و متغیرهای وابسته و مستقل، مباحثی است که در مرور نظام مند پژوهش های غربال شده مورد بررسی قرارگرفت.



الف. بازه زمانی انتشار پژوهش‌ها: بررسی مطالعات انجام‌شده در دو دهه ۸۰ و ۹۰ نشان می‌دهد پژوهش‌ها در حوزه هویت زن در ایران و عوامل مؤثر بر آن، از اواسط دهه ۸۰ رو به فزونی نهاده و در اوایل دهه ۹۰ به اوج خود رسیده‌است. براساس بررسی ۶۷ پژوهش منتخب در این حوزه، ۳۲/۸ درصد در دهه ۸۰ و میزان ۶۷/۱۶۰ درصد مطالعات در دهه ۹۰ منتشر شده‌است. این افزایش حجم پژوهش‌ها می‌تواند شواهدی از بروز مخاطرات هویتی زنان در گذار از سنت به مدرنیته در جامعه ایران و لزوم پرداختن به مسئله هویت باشد.

ب. جنسیت پژوهشگران: نسبت پژوهشگران زن در موارد بررسی شده بیشتر از مردان است. به‌طوری‌که ۵۹/۷۰ درصد پژوهش‌ها توسط زنان و ۱۶/۴۱ درصد توسط مردان انجام‌شده و ۲۳/۸۸ درصد نیز به‌طور مشترک نگارش یافته‌است.

ج. اطلاعات انتشار: با تفاوتی اندک، حجم افزون‌تر پژوهش‌ها در حوزه هویت زن در ایران، مربوط به پایان‌نامه‌ها با ۵۰/۷۴ درصد است و ۴۹/۲۵ درصد مربوط به مقالات است.

د. حوزه تخصصی پژوهشگران: بیشتر مطالعات انجام‌شده در حوزه هویت زن در دو دهه ۸۰ و ۹۰، در حوزه تخصصی جامعه‌شناسی و شاخه‌های آن با ۵۲/۲۳ درصد و سپس در حوزه علوم اجتماعی و اقتصاد با ۲۹/۸۵ درصد است. حوزه تخصصی انسان‌شناسی با ۸/۹۵ درصد و رسانه با ۸/۹۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

ه. سنخ‌شناسی پژوهشگران: براساس سنخ‌شناسی انجام‌شده، نویسندگان در ۶۴/۱۷ درصد پژوهش‌ها، دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد، ۲۰/۸۹ درصد دانشجویان مقطع دکتری و ۱۴/۹۲ درصد دارای درجه‌ی دکتری و از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها هستند. این درصد فراوانی از یک سو بیانگر کیفیت پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه هویت زن و از سوی دیگر اهمیت این موضوع در مجامع علمی-دانشگاهی کشور است.

و. مشخصات روش‌شناختی: یکی از جنبه‌های مهم در مرور نظام‌مند، تحلیل عناصر روش‌شناختی است. از ۶۷ پژوهش منتخب در حوزه هویت زن در ایران و عوامل مؤثر بر آن، ۵۹/۷۰ درصد از نوع پژوهش کمی و در قالب پارادایم اثباتی و ۴۰/۲۹ درصد از نوع پژوهش کیفی و در پارادایم تفسیری انجام شده‌است. ۸۵/۰ از پژوهش‌های کمی به روش توصیفی - پیمایشی و ۳۷/۰۳ درصد از پژوهش‌های کیفی به روش توصیفی - تحلیلی است.

ز. ابزار گردآوری اطلاعات: در مورد ابزار گردآوری اطلاعات، روش پرسشنامه با ۵۶/۷۱ درصد، بیشترین شیوه گردآوری اطلاعات است. در مورد میزان استاندارد بودن این پرسشنامه‌ها تردید وجود دارد و همچنین صرف طرح یک سری گزینه‌ها در پرسشنامه و جمع‌آوری درصد پاسخ‌ها، نمی‌تواند اطلاعات دقیقی در مورد هویت زن و عوامل مؤثر بر آن، به منظور ریشه‌یابی و آسیب شناسی معضلات هویتی زن مدرن ایرانی ارائه دهد. روش کتابخانه‌ای با ۲۸/۳۵ درصد در رتبه دو قرار دارد. این ابزار گردآوری، با محدودیت‌هایی نظیر عدم دسترسی به جدیدترین منابع، محدودیت دسترسی، کثرت منابع و زمان محدود و مانند آن همراه است. روش مصاحبه با ۱۴/۹۲ درصد، سوم T ابزاری است که پژوهشگران در گردآوری اطلاعات از آن بهره‌جسته‌اند این شیوه نیز با محدودیت‌هایی همچون، عدم دسترسی به مصاحبه‌شونده، نوع سؤالات مصاحبه، ابهام در نحوه ارزیابی و تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌ها و تردید در میزان دقت و صحت یافته‌ها مواجه است.

ز. جامعه آماری: جامعه آماری مورد استفاده در پژوهش‌های منتخب در حوزه هویت زن، بیشتر مربوط به شهر با ۵۲/۲۳ درصد است. ۲۵/۳۷ درصد از پژوهش‌ها در این حوزه، فاقد جامعه آماری بوده‌اند جامعه آماری دانشگاهی، آزمایشگاهی و کارکنان یک سازمان با مجموع ۱۹/۳۹ درصد در جایگاه بعدی قرار دارد. جامعه آماری روستایی نیز با ۲/۹۸ درصد کمترین مقدار را به خود اختصاص داده‌است. این آمارها حاکی از تمرکز بیشتر پژوهش‌ها بر محیط‌های شهری است و بیانگر لزوم توجه به مسئله هویت زن در محیط‌های روستایی و آموزشگاهی نیز هست. اما در مورد جنسیت جامعه آماری، با توجه به اینکه موضوع مورد بررسی، هویت زنان است، لذا، زنان با ۵۵/۲۲ درصد در جامعه آماری، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده‌اند. ۱۱/۹۴ درصد از پژوهش‌ها میان زنان و مردان مشترک بوده‌است. ۰/۳۲/۸۳ از پژوهش‌ها، فاقد جامعه آماری هستند.

ح. حجم نمونه: مطالعه حجم نمونه‌ها در مطالعات نشان می‌دهد که ۰/۴۰/۲۹ از پژوهش‌ها بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ نمونه و ۰/۲۸/۳۵ کمتر از ۳۰۰ نفر حجم نمونه دارد. ۰/۵/۹۷ از نمونه‌ها بیشتر از ۶۰۰ نفر حجم نمونه دارد. ۰/۲۵/۳۷ از پژوهش‌ها نیز فاقد نمونه هستند.

ت. روش نمونه‌گیری: نمونه‌گیری خوشه‌ای با ۴۵ درصد، بالاترین میزان کاربرد را در پژوهش‌های کمی داشته و نمونه‌گیری تصادفی ساده با ۳۲/۵۰ درصد در رتبه دوم قرار دارد. در پژوهش‌های کیفی،



نمونه‌گیری هدفمند با ۲۲/۲۲ درصد، بیشترین میزان کاربرد را در پژوهش‌های کیفی داراست. شایان ذکر است که ۶۲/۹۶ درصد از پژوهش‌های کیفی فاقد روش نمونه‌گیری بوده‌اند.

ی. زمینه‌های هویت‌یابی زنان در ایران: تحولات هویتی از عوامل مختلفی تأثیر می‌پذیرد. اگر چه مطالعات این حوزه، متغیرهای متعددی را در ارتباط با هویت زنان مورد بررسی قرار داده‌اند، اما مبتنی بر تغییر الگوهای مصرفی و جهانی شدن، تمرکز اصلی پژوهشگران بر بازتعریف هویت اجتماعی زن و عوامل مؤثر بر آن بوده‌است.

براساس پژوهش کلاوشکی (۱۳۸۷)، تحصیلات و پذیرش نقش‌های جدید بر بازتعریف هویت اجتماعی زنان تأثیر می‌گذارد اما سایر متغیرها مانند ارتباط ناب، میزان مراقبت از بدن، گستره شبکه ارتباطی، اشتغال و سن رابطه معناداری با بازتعریف هویت اجتماعی زنان نداشته‌اند همچنین بین راهبردهای مقابله‌ای استرس با هویت اجتماعی زنان ارتباط معنادار وجود داشته‌است. به‌طوریکه هر سه راهبرد مسئله‌مدار، هیجان‌مدار و اجتنابی با هویت اجتماعی زنان همبستگی دارد، اما مقدار این همبستگی بین راهبرد هیجان‌مدار و هویت اجتماعی بالاتر است (زارع زاده، ۱۳۹۳). به نظر می‌رسد با گذر زمان و مانند آن تحولات سریع اجتماعی خصوصاً با لحاظ متغیرهای مهمی مانند ارتباط ناب، مراقبت از بدن و مانند که در دهه ۸۰ ارتباطی با بازتعریف هویت اجتماعی زنان نشان نداده‌اند، در صورت تکرار، نتایج متفاوتی حاصل شود که زمینه مهمی در تطبیق با یافته‌های پیشین و تحلیل تحولات هویتی زنان را فراهم کند.

هویت امری گفتمانی است که در یک سوی طیف، «گفتمان جنسیتی» مبتنی بر لنز نظری فردگرایی و تساوی زن و مرد به‌ویژه در نقش‌های اجتماعی قرار دارد و در سوی دیگر، گفتمان خانواده است که به زن و جایگاه او از منظر خانواده و نقش‌های خانگی، مادری و همسری پرداخته می‌شود. مرور پژوهش‌های منتخب در مورد هویت زن نشان داد به این موضوع از منظر گفتمان خانواده بسیار کم پرداخته و عمدتاً در ابعاد گفتمان جنسیتی هویت بحث شده‌است. تنها در مورد ارتباط تعارضات زناشویی با هویت زنانه بحث شده و بیان داشته‌است که تحصیلات، اشتغال، تعداد فرزند و هویت زنانه رابطه معناداری با میزان تعارضات زناشویی زنان دارد، اما سن و درآمد رابطه معناداری با تعارضات زناشویی زنان ندارد. همچنین، تعارضات زناشویی زنان در نسبت با هویت مدرن بیشتر از تعارضات زناشویی آنها در نسبت با هویت سنتی است (توانگر، ۱۳۹۵).

واکاوی دلایل عمیق و تحولات حوزه مردانگی می‌تواند در تکمیل و تحلیل این تعارضات مؤثر باشد. همچنین نتایج دیگر مطالعات نشان می‌دهد از بین دو عامل انتظارات نقش خانوادگی و انتظارات نقش شغلی، عامل خانواده و انتظارات نقش خانوادگی تغییرات بیشتری از تعارض را تبیین می‌کند و بین همزمانی نقش‌های شغلی - خانوادگی زنان با تجربه تعارض کار - خانواده آنان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، اما بین حمایت اجتماعی خانواده از فرد شاغل و تجربه تعارض کار - خانواده رابطه معنادار و معکوسی برقرار است. بنابراین، تأثیر تعارض نقش‌های شغلی - خانوادگی زنان بر بحران هویت آنان تایید و لذا بین تجربه تعارض کار - خانواده و بحران هویت زنان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد (رضایی دره ده، ۱۳۹۰). این پژوهش می‌تواند با بررسی ارتباط دوسویه بحران هویت و تعارضات نقشی زنان، نتایج بیشتری به دست دهد و این به این سؤال پاسخ دهد که آیا الزاماً بحران و سرگشتگی هویتی زنان به تعارض نقش‌ها برای آنان می‌انجامد یا سوی مقابل این ارتباط یعنی وضعیت پسینی بحران هویت نسبت به ایفای نقش‌های متعارض و تجربه محیط‌های اجتماعی و خانوادگی ناهم‌سو نیز می‌تواند بحران هویت را دنبال داشته و یا تشدید کند؟ پاسخ به این سؤال از این رو که انتخاب‌های زنان در عصر مدرن زمینه‌های بحران را فراهم می‌آورد یا خیر، دارای ارزش مطالعاتی و تحلیلی در مسئله هویت زنان است. اکبری (۱۳۹۷) که به بررسی برساخت هویت اجتماعی، سیاسی و فردی زنان از طریق ادبیات پرداخته، سه گفتمان اصلی «قدرت» - در شکل حاکمیت سیاسی با بهره‌گیری از ابزار قانون و قوه قهریه - گفتمان «دین» - از طریق تفسیر آیات و احادیث و باب اجتهاد - و گفتمان «روشنفکری» - با استفاده از ادبیات و رمان، نگارش کتب یا چاپ نشریات - را مهم‌ترین گفتمان‌های تأثیرگذار بر ساخت هویت زن در جامعه ایرانی برشمرده و مهمترین مفهوم مورد استفاده این سه را «غیریت‌سازی»^۱ دانسته است.

نتایج برخی مطالعات دیگر نشان داد مدرنیته به مثابه گفتمان جهانی، در مقایسه با گفتمان سیاسی حاکم بر ایران تأثیر بیشتری در هویت‌بخشی به زنان داشته است. در ضعف باز تولید هویت سنتی زنانه، تحصیلات و بعد از آن به ترتیب اشتغال، گرایش‌های مذهبی و میزان درآمد خانواده بیشترین نقش را داشته‌اند غیریت‌سازی زنان ایرانی الگوی ترکیبی است که هم دارای بعضی ویژگی‌های زن سنتی ایرانی

^۱ مفهوم «دیگری» یا «غیریت‌سازی»، به عنوان مفهومی مستقل در برابر «خود»، قرار دارد. هویت جمعی و فردی در چارچوب مفهوم «دیگری» شکل می‌گیرد. «غیریت‌سازی» یکی از مهمترین مکانیسم‌های قدرت برای هویت‌یابی و تولید معرفت مرتبط با آن است (موسوی جشنی، ۱۳۹۲: ۱۴۷). فردگرایی یعنی برتر پنداری فرد نسبت به جامعه و اصالت دادن به آزادی، منافع و لذات فردی است. در این صورت، سرنوشت «غیر» یا «دیگری» اهمیتی ندارد و روابط انسانی و هویت افراد حول آن معنا می‌یابد.



و هم واجد بعضی خصوصیات زن غربی است. زنان تحصیل‌کرده و شاغل که گرایش مذهبی کمتری دارند بیش از سایر تیپ‌ها در برابر الگوی زن سنتی القایی از سوی گفتمان حاکم مقاومت می‌کنند (سالی چگنی، ۱۳۸۶؛ رفعت‌جاه، ۱۳۸۶؛ خدری، ۱۳۹۶).

رمان‌های زنانه از دهه شصت به این سو نیز حاوی تقابل و کشمکش دو الگوی سنتی و مدرن در ساخت هویت زنان در ایران هستند (نظام‌آبادی، ۱۳۸۸؛ سهراب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷؛ مهرابی، ۱۳۹۳؛ پاکروش، ۱۳۸۳). رسانه به اشکال مختلف ادبی، موسیقایی، فیلم و پلتفرم‌های مجازی می‌تواند به مساله گفتمان در برساخت هویت ارتباط داشته باشد و تاکنون علیرغم اهمیت وافر در مطالعات انجام شده، مورد بررسی و تحلیل جدی قرار نگرفته است.

در بسیاری از پژوهش‌ها، «سطح تحصیلات» به عنوان مهمترین متغیر در تحلیل هویت زن در ایران و تأثیرگذاری بر آن مطرح و بررسی شده‌است. مطالعات نشان‌داد بین سطح تحصیلات زنان به عنوان متغیر مستقل با هویت آنها در ابعاد گوناگون فردی، اجتماعی و جنسیتی، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد (بیات، ۱۳۹۶؛ طالبی، ۱۳۹۵؛ رجبی، ۱۳۸۷؛ یاسمین شیرازی، ۱۳۸۸؛ میراشه، ۱۳۹۱؛ سالی چگنی، ۱۳۸۶؛ میرزا محمدی، ۱۳۹۲؛ کیزقان، ۱۳۸۰؛ توانگر، ۱۳۹۵؛ کلاوشکی، ۱۳۸۸؛ ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳). پس از تحصیلات، اشتغال و تغییر در وضع آن، به عنوان عامل تعیین کننده و مؤثر بر هویت زن در ایران بیشتر خودنمایی می‌کند. سن، متغیر مؤثر دیگری بر هویت زن است. ازدواج، تاهل و درآمد خانوادگی نیز تأثیر زیادی بر ابعاد گوناگون هویت زنان داشته‌اند (رضایی دره ده، ۱۳۹۰؛ بیات، ۱۳۹۶؛ طالبی، ۱۳۹۵؛ رجبی، ۱۳۸۷؛ یاسمین شیرازی، ۱۳۸۸؛ اوچانی، ۱۳۹۴؛ میرزا محمدی، ۱۳۹۲؛ ملاسلیمی، ۱۳۹۴؛ کیزقان، ۱۳۸۰؛ زارع‌زاده، ۱۳۹۳؛ شاکری نژاد، ۱۳۹۱؛ کوشافر، ۱۳۹۴؛ نظام‌آبادی، ۱۳۸۸؛ ساروخانی و رفعت‌جاه، ۱۳۸۳؛ علیرضا نژاد، ۱۳۹۷؛ عطارزاده، ۱۳۸۸؛ پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۸۸؛ نقدی و همکاران، ۱۳۹۷؛ سهراب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷).

جدول ۲. فراوانی عوامل مؤثر بر هویت زن در ایران

عامل	فراوانی	عامل	فراوانی	عامل	فراوانی	عامل	فراوانی
سطح تحصیلات	۲۹	خانواده/ والدین	۱۲	دین و اعتقادات	۹	امکانات رفاهی	۴
وضع اشتغال	۲۳	رسانه	۱۰	رضایت از خود	۱۰	امنیت اجتماعی	۲
سن	۱۹	جنسیت	۸	مدرنیته	۷	دوستان	۳
ازدواج	۱۴	عوامل اجتماعی	۱۶	رمان و ادبیات	۵	انقلاب اسلامی	۱
درآمد خانوادگی	۱۴	خودآگاهی	۸	شهرنشینی	۵	وضعیت پوشش	۶
عوامل اقتصادی	۱۳	سبک زندگی	۷	عوامل فرهنگی	۹	قانون	۱

براساس اطلاعات جدول (۲)، سایر عوامل نیز در نرخ‌های متفاوت، مؤثر بر هویت زن و شکل دهی آن دانسته شده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد هر چه سن زنان کمتر، تحصیلات بیشتر و دارای پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری باشند، میزان بازاندیشی در هویت جنسیتی در آنها بیشتر است (طالبی، ۱۳۹۵: ۳۰۴؛ نوری نیک، ۱۳۹۴: ۲۸۱). به این معنا که در ساحت اجتماعی و خانوادگی در دهه ۹۰ در ایران، هر چقدر زنان به وضعیت سوژگی که تحصیلات عالی، استقلال اقتصادی و پایگاه بالای اجتماعی از مهمترین نشانگان آن است نزدیک شوند، احتمال تعارضات و بحران‌های هویتی و فشار بر زنان افزایش می‌یابد. به این معنا که اگر چه سیاست‌ها و قوانین کشور، نوعی سهولت و پیشرفت در دسترسی زنان به متغیرهای سبک زندگی مدرن را فراهم و ترویج کرده، به دلیل ناپذیرایی فرهنگی سوژگی زنان، زمینه‌های تعارض و بحران را فراهم کرده است.

سن، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، عوامل اقتصادی، میزان تحصیلات، قومیت و میزان استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی (داخلی و بین المللی) بیشترین تأثیر را بر هویت اجتماعی زنان و گرایش آنان به جراحی‌های زیبایی و تغییر سبک زندگی آنها دارد (رجبی، ۱۳۸۷؛ میراشه، ۱۳۹۱). در تجزیه و تحلیل متغیرها، تفاوت معناداری بین تحصیلات، درآمد، امکانات رفاهی، رضایت از خود در اجتماع، اعتماد به نفس و گستره شبکه ارتباطی با هویت اجتماعی زنان نسل کنونی گزارش شده و تفاوت معناداری بین متغیرهای وضعیت منزل مسکونی، اعتماد به نفس و گستره شبکه ارتباطی با هویت اجتماعی زنان نسل گذشته به دست آمده است (یاسمین شیرازی، ۱۳۸۸).

همچنین ثابت شده است که میان سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جنسی با هویت مدرن زنان رابطه مستقیم وجود دارد و سبب افزایش آن می‌شود (معصوم، ۱۳۹۰: ۱۵۷). به طوریکه سرمایه جنسی با اشتغال، ازدواج و تحصیلات رابطه قوی، مستقیم و معناداری دارند، اما بین سرمایه اقتصادی و سرمایه جنسی هیچ رابطه‌ای وجود ندارد (بیات، ۱۳۹۶: ۷). بازتعریف‌های هویتی در بین زنانی که از سرمایه‌های فرهنگی و استقلال اقتصادی بیشتری برخوردارند، بیشتر است (رفعت جاه، ۱۳۸۶: ۱۳۵).

رابطه سبک زندگی و هویت اجتماعی زنان نیز بررسی و ثابت شده انتخاب نوع خاصی از سبک زندگی خصوصاً نحوه مصرف، منجر به ساخت هویت فردی و اجتماعی متفاوتی می‌شود (زارع زاده، ۱۳۹۳؛ نقدی و همکاران، ۱۳۹۷). همچنین، بین مشارکت اجتماعی زنان با هویت اجتماعی آنان



رابطه معناداری وجود دارد. زنان خلنه‌داری که در سازمان‌های دولتی فعالیت می‌کنند، در مقایسه با هم‌تایان غیرفعال خود، بیشتر به بازتعریف هویت اجتماعی خود دست زده و از هویت مدرن‌تری برخوردارند (منشی، ۱۳۹۰). همچنین زنانی که سبک زندگی سنتی دارند، هویت شخصی آنها نیز سنتی است و اگر سبک زندگی مدرن دارند، هویت شخصی آنها نیز مدرن است (امیرحیدری، ۱۳۹۰).

براساس نتایج تنها مطالعه‌ای که مشخصاً در باب هویت زنان روستایی با تمرکز بر سه روستای گوهردان، رامه و کوه زر انجام شده؛ با تغییر نقش‌ها و انتظارات از زنان روستایی، هویت آنان از زن کشاورز به زن خانه‌دار تغییر کرده است. زنان در هر سه روستا ازدواج با مرد غیرکشاورز و ساکن شهر را راهی برای رهایی از موقعیت زن کشاورز تلقی و آینده خود را به مثابه زن خانه‌دار ترسیم می‌کنند. زنان جوان‌تر معمولاً به آموختن روش‌های سنتی از قبیل پختن نان در خانه و بافتن فرش مایل نیستند و در پی استفاده از فناوری‌های نوین در خانه هستند. در این سه روستا، میزان نقش آفرینی زنان در سطح اجتماع محلی نیز کاهش یافته است. درک این زنان از زندگی زنان شهری، با سه مشخصه خانه‌داری، کاهش فعالیت‌های تولیدی، و ایفای وظایف خانگی همراه است که به تحول نقش و تغییر هویت این زنان انجامیده و خلنه‌داری، همسر‌داری و مراقبت از فرزندان مهمترین وظایف آنها شده است. این وظایف مشابه سبک زندگی زن خانه‌دار طبقه متوسط شهری است (علیرضائزاد، ۱۳۹۷).

یکی دیگر از زمینه‌های مهم و مؤثر بر هویت زنان که برخی پژوهش‌ها در مورد آن بحث کرده‌اند، شبکه‌های اجتماعی و رسانه است. تفاوت معناداری در ارتباط میزان و نوع مصرف این رسانه‌ها با هویت اجتماعی وجود دارد. این تفاوت همچنین در بُعد هویت جنسیتی، هویت ملی، هویت جهانی و هویت دینی نیز مشاهده شده و تنها در هویت خانوادگی تفاوت معناداری وجود ندارد (کردی، ۱۳۹۴: ۱۷۲). رابطه معنادار بین دو متغیر هویت اجتماعی و ابعاد مصرف فرهنگی در بین زنان شامل مصرف فرهنگی فعالانه، منفعلانه، نمایشی و زیباشناسانه وجود دارد (ملاسلیمی، ۱۳۹۴؛ کیزقان، ۱۳۸۰: ۴).

این نتایج در هر دو دهه ۸۰ و ۹۰ تکرار شده و نشان از قدرت رسانه در تغییرات مداوم و مستمر دارد. همچنین به دلیل افزایش چشمگیر مصرف فضای مجازی که نوعی هویت مجازی را رقم زده است، تکرار مطالعات پس از یک دهه و در دوره پساکرونا می‌تواند نتایج بیشتر و دقیق‌تری در تأثیر این

نوع مصرف بر بازتعریف هویت زنان داشته باشد. تاملی بر رابطه فضای مجازی و هویت جنسیتی در مورد کاربران اینترنت در شهر کاشان (نیک‌خواه و قمصری، ۱۳۹۳) نشان داد هرچه میزان و سابقه استفاده از اینترنت از سوی کاربران افزایش پیدا می‌کند، هویت جنسیتی قوی‌تر می‌شود. مثبت و معنادار بین میزان و سابقه استفاده کاربران از اینترنت و هویت جنسیتی کاربران وجود داشته‌است. اما این رابطه با توجه به نوع کاربری (سرگرم‌کننده و اجتماعی)، در بین کاربران زن و مرد متفاوت بوده؛ به نحوی که هویت جنسیتی زنانی که به دنبال اطلاعات و جستجوهای علمی بوده‌اند قوی‌تر از مردان بوده‌است و میانگین بالاتری در هویت جنسیتی داشته‌اند. این درحالی‌است که حضور در محیط چت، بازی و سرگرمی، تعلق به جنسیت را در آنان کاهش داده‌است. این امر می‌تواند ناشی از ویژگی‌های تعامل در فضای مجازی (سرعت عمل، ناشناس ماندن و مانند آن) باشد که فضایی یکسان و مشابهی را فارغ از الزامات ساختی جنسیتی در اختیار کاربران قرار می‌دهد.

همچنین پژوهش سلطان محمدی و پورسید (۱۴۰۲) نشان داد ساختار هویت جنسیتی در نوجوانان علاوه بر تعامل اجتماعی رودررو، تحت تأثیر فناوری‌های نوین ارتباطی و در رأس آن اینترنت و شبکه‌های مجازی، قرار دارد و «تغییرات رفتاری دختران»، «دسترسی به اطلاعات زود هنگام جنسی»، «کاهش اعتماد به نفس» و «اختلال در هویت جنسیتی»، مهمترین مضامینی است که برخی پیامدهای حضور دختران در فضای مجازی را توصیف می‌کند.

بحث و نتیجه‌گیری

تاکنون پژوهش‌های متعددی به ویژه از دهه ۸۰ به این سو در موضوع هویت زنان در ایران و عوامل مؤثر بر آن انجام گرفته‌است. تحلیل ثانویه این مطالعات، امکان فهم جامعی از زمینه‌های هویت‌یابی زنان در جامعه ایرانی را فراهم می‌آورد. مطالعات مروری برای استفاده بهینه از حجم بالای اطلاعات تولیدشده توسط مقالات و ارائه ترکیبی از شواهد به‌طور خلاصه، مورد توجه پژوهشگران رشته‌های مختلف در دنیا قرار گرفته‌اند. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش مرور نظام‌مند بر روی ۶۷ سند-شامل ۳۴ پایان‌نامه و ۳۳ مقاله پژوهشی-انجام گرفت که پس از غربال ۴۲۱ پژوهش کمی و کیفی منتشر شده در دو دهه ۸۰ و ۹۰ در داخل کشور انتخاب شدند.

مرور پژوهش‌ها نشان می‌دهد مهمترین عوامل مؤثر بر هویت زنان به ویژه بازتعریف هویت اجتماعی توسط آنان، تحصیلات، اشتغال، سن و وضعیت اقتصادی خانواده است. پس از آن، سبک



زندگی، مصرف‌گرایی و جهانی شدن، شبکه‌های مجازی و رسانه، رمان، کتاب و ادبیات، زمینه‌های مهم مؤثر بر هویت زن مسلمان ایرانی بوده و نوعی بحران هویت در تقابل با سنت و مدرنیته برای زنان ایرانی را موجب شده‌است.

رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی، لنز نظری اغلب پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه هویت زنان بوده‌است که تأکید را بر ساخت هویت در تعاملات اجتماعی و نوعی برساخت تاریخی تلقی می‌کند. رویکردی که در برابر ذات‌گرایی و ابتناء هویت بر تفاوت‌های طبیعی قرار دارد و لذا هویت جدید زنان که متأثر از سطح تحصیلات، نوع اشتغال و مصرف رسانه است را یک تحول طبیعی در گذار تاریخ می‌پندارد.

دو عبارت «هویت سنتی» و «هویت مدرن» از تمایزات مهم مفهومی در موضوع هویت است. به‌طوریکه در جوامع سنتی، مرجعیت‌های مذهب، خانواده و قومیت از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر هویت افراد محسوب می‌شدند و اصطلاحاً سبک زندگی و هویت شخصی سنتی را ایجاد می‌کنند، اما در جوامع مدرن عواملی مانند سرمایه فرهنگی که دست‌آورد خود افراد جامعه است، سبک زندگی و هویت شخصی مدرن را بر می‌سازد. نتایج پژوهشی که تعارض‌های هویت جنسیتی سنتی و مدرن و عوامل مؤثر بر آن را در میان ۳۸۰ زن ۲۴ تا ۳۴ ساله را بررسی کرده، حاکی از تعارضات هویتی کمتر در مورد کسانی است که در شرایط زندگی مدرن‌تر (تحصیلات بیشتر، اشتغال و استفاده بیشتر از رسانه‌های بین‌المللی) و رفاه بیشتر زندگی می‌کنند و تجربه تعارضات هویتی بیشتر، در زنانی است که در شرایط زندگی سنتی‌تر (تحصیلات پایین‌تر، بدون شغل و استفاده کمتر از رسانه‌های بین‌المللی) و رفاه کمتر هستند. همچنین براساس این پژوهش، زنان متأهل تعارضات هویتی بیشتری نسبت به زنان بدون همسر دارند و افرادی که والدینشان پایبندی مذهبی بیشتری دارند، به تعارض هویتی بیشتر و کسانی که والدینشان پایبندی مذهبی کمتری دارند، به تعارض کمتری دچارند (میرا، ۱۳۹۱).

نتایج این پژوهش با مطالعه دیگری در موضوع الگوی تعارض هویتی زنان (معروف‌پور و همکاران، ۱۳۹۷) همخوانی دارد که گویای وجود تعارضات هویتی برای زنان در هر دو بُعد فردی و جمعی است. به‌طوریکه خصیصه‌های مدرن شدن، زنان را در تعارض با ویژگی‌های روانی و جسمانی زنانه و نیز ایفای نقش‌ها و ارزش‌های خانوادگی قرار داده‌است.

مطالعات هویت زنان در ایران، عمدتاً در ابعاد هویت جنسیتی و هویت اجتماعی زن و بازتعریف آنها بر اثر متغیرهای مستقل مختلف و در پارادایم اثباتی انجام گرفته است. همچنین گفتمان جنسیتی در مقابل گفتمان خانواده، وجه غالب را در تحلیل هویت داشته و کمتر به نقش زن در خانواده و نسبت میان هویت مادری و همسری با هویت اجتماعی و جنسیتی پرداخته شده است. از دیگر خلاءهای پژوهشی این حوزه، بررسی عوامل مؤثر بر هویت زنان با لحاظ تنوع در گروه‌های هدف و مناطق مختلف کشور است. بر این اساس می‌توان اذعان داشت در مطالعات بررسی شده، در سه بخش نظری (تقلیل به گفتمان جنسیتی)، مساله‌شناختی (تقلیل به هویت اجتماعی و ضعف تنوع در گستره موضوع) و روش‌شناختی (غلبه رویکرد کمی در پژوهش‌ها) قابل نقد است و پژوهش‌های جدید می‌تواند با انتخاب گروه‌های هدف مختلف از زنان، اتخاذ روش‌های کیفی، انتقادی و ترکیبی در جهت فهم عمیق‌تر و جامع‌تر از زمینه‌ها، نگرش‌ها، پیامدها و رفتارهای مبتنی بر هویت، توجه به موضوعات روزآمد همچون رشته‌های تحصیلی متفاوت، نوع و شرایط شغلی گوناگون، مدیریت بدن، مصرف موسیقی و برنامه‌های جدید همچون اینستاگرام و مانند انجام شود.

رصد پژوهش‌های جدید در حیطه موضوعی هویت و عوامل مؤثر بر بازتعریف خود نشان می‌دهد با توجه به تحولات امر جنسی، مسئله ارتباط هویت و عمل‌های جراحی تغییر جنسیت و فهم خود در ابعاد مختلف جسمی، روانی و اجتماعی دارای اهمیت وافری گشته و یک مساله نوپدید و مهم در جریانات اجتماعی امروز جهان زده است. ارتباط وثیق جنس و جنسیت در ساحت‌های مختلف می‌تواند مسئله هویت زنان را با وجود پیچیدگی‌های گسترده کنونی، به بحرانی جدی‌تر و عمومیت یافته‌تر در ارتباط با تعیین‌کننده‌های سبک زندگی نوین و ابعاد بدن‌مندی زنانه به‌ویژه در ارتباط با تکنولوژی، اینترنت، تصویر ذهنی و پزشکی شدن بدن تبدیل کند. پژوهش‌های پیش رو در حوزه هویت زنان لازم است با توجه به این متغیرهای روزآمد و قدرتمند، برای ترسیم دقیق وضعیت موجود و سپس راهبرددردازی سیاستی و اجتماعی انجام شود.

براساس نتایج این مطالعه به نظر می‌رسد خلاءهای پژوهشی موجود در موضوع «زمینه‌های مؤثر بر هویت زنان در ایران» عبارت است از:

الف- ارتباط ابعاد مختلف هویتی زنان با یکدیگر و تحولات مربوطه: یکی از خلاءهای جدی در پژوهش‌های انجام شده تاکنون این است که اغلب مطالعات بر هویت اجتماعی زنان توجه داشته و



هویت دینی، قومی یا محلی و ملی آنها را مورد بررسی جدی قرار نداده‌اند. همچنین ارتباط بین ابعاد مختلف هویتی مورد بحث قرار نگرفته‌است. مانند آنکه عامل تحصیلات و اشتغال زنان که منجر به بازاندیشی در هویت جنسیتی و بازتولید هویت اجتماعی مدرن گشته، بر ابعاد ملی، قومی و دینی هویت زنان چه تأثیری بر جای گذاشته‌است.

ب- مطالعات تطبیقی: از دیگر موارد خلاء پژوهشی در مطالعات هویت زنان این است که مقایسه بین هویت یابی زنان و عوامل مؤثر بر آن در کشورها و جوامع مختلف انجام نشده‌است. از رهگذر چنین مقایسه‌ای می‌توان تأثیر مختصات بومی و ایرانی - اسلامی در هویت‌سازی زنان در ایران و تنوع بین گروه‌های مختلف را بهتر درک کرد.

ج- تنوع گروه‌های مخاطب: گروه‌های هدفی که در پژوهش‌های انجام شده در دو دهه اخیر مورد بررسی بوده‌اند می‌تواند تنوع بسیار گسترده‌تری داشته باشد و همچنین لازم است بر زمینه‌هایی که موجب می‌شود زنانی که تحصیلات عالی و اشتغال دارند ولی در برابر بازاندیشی هویتی به سبک مدرن مقاومت کرده و سبک‌های زنانگی مبتنی بر الگوهای دین‌مدار را ارائه کرده‌اند پژوهش شود.

ملاحظات اخلاقی

رعایت اخلاق پژوهش: این مطالعه تحت موازین اخلاقی انجام شده‌است.
حمایت مالی: مطالعه حاضر توسط سازمان یا فردی حمایت مالی نشده‌است.
سهام نویسندگان: در این مقاله نویسنده دوم مسئولیت جستجوی منابع و نگارش اولیه و نویسنده اول مسئولیت تنظیم نهایی متن و ویرایش مقاله را به عهده داشتند.
تضاد منافع: این پژوهش به طور مستقیم یا غیرمستقیم با منافع شخص یا سازمانی تعارض ندارد.
تشکر و قدردانی: از داوران مجله که با ارائه پیشنهادات اصلاحی، در بهبود سطح علمی مقاله به ما یاری رساندند، قدردانی می‌شود.
دسترسی به داده‌ها: داده‌های حمایت‌کننده از این مطالعه در دسترس عموم نیست. در صورت تقاضا، به ایمیل نویسنده پیام دهید. Rahelekardavani@yahoo.com

منابع

احمدپور، خسرو، سراج زاده، سید حسین. (۱۳۹۸). هویت ملی در ایران (مرور سیستماتیک مقاله‌های علمی-پژوهشی)، فصلنامه مطالعات ملی، ۲۰ (۲) ۳-۲۴-۲۰۱۷.۱.۷.۱۳۹۸.۱.۱۷۳۵۰۵۹.۱۳۹۸.۲۰.۱۷۳۵۰۵۹.۱۳۹۸.۲۰.۱۷۳۵۰۵۹ [لینک]

احمدی، ثریا و همکاران. (۱۳۹۴). رسانه و برسازای هویت جنسیتی زنان مطالعه موردی بازنمایی هویت جنسیتی زنان در سریال‌های «زمانه» و «تکیه بر باد»، پژوهش‌های ارتباطی (۸۱) ۵۷-۳۶. doi:10.22082/cr.2015.15680

[لینک]

آذری، غلامرضا، تاکی، علی. (۱۳۹۰). تحلیل جامعه شناختی هویت زن در سینمای بیضایی و مهرجویی، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در علوم رفتاری (ابهرا)، (۷) ۱۸-۱. [لینک]

ارغوانی، سمانه. (۱۳۹۵). مطالعه مروری سیستماتیک پیرامون ابعاد و ویژگی‌های هویت ایرانیان خارج از کشور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مشهد. [لینک]

اکبری، اندیشه. (۱۳۹۷). برساخت هویت زن در مدرنیته ایرانی و کرد آن در مشروطه. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه کاشان. [لینک]

امیری حیدری، اسما. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین هویت شخصی و سبک زندگی در بین زنان ۱۸-۴۵ سال شهر کرمان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان. [لینک]

اوجانی، ریحانه. (۱۳۹۴). مقایسه سبک‌های هویت و تصور از خود در گروهی از زنان و مردان نارضای جنسیتی با افراد عادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. [لینک]

آویارد، هلن. (۱۳۹۰). چگونه یک مطالعه مروری انجام دهم؟ راهنمای کاربردی انجام پژوهش، پایان‌نامه و نگارش مقالات مروری در علوم اجتماعی و پزشکی. مترجم: پوریا صرامی‌فروشانی، فردین علی‌پورگراوند، جامعه شناسان، تهران. [لینک]

ایمان، محمدتقی، حائری، فاطمه. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران جوان: نمونه مورد مطالعه دبیرستان‌های ناحیه دو شهر شیراز، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۰ (۴) ۷-۴۰. doi:10.22051/JWSPS.2012.1431 [لینک]

بلوری، مؤگان، علیرضائزاد، سهیلا. (۱۴۰۰). بازتعریف هویت زنان همسر از دست داده: مطالعه ای در محله‌های افسریه و عباس آباد شهر تهران، زن در توسعه و سیاست، ۱۹ (۱) ۱۶۶-۱۴۱. doi.org/10.22059/jwdp.2021.314004.1007917 [لینک]

بیات، فرزانه. (۱۳۹۶). بررسی رابطه هویت و سرمایه جنسی (مورد مطالعه: زنان عضو باشگاه‌های ورزشی شهر قزوین). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. [لینک]

پاکروش، کبری. (۱۳۸۳). بررسی نگرش حاکم بر رمان‌های منتخب زنان نسبت به هویت زنان بعد از دهه هفتاد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. [لینک]

پیشگاهی فرد، زهرا و همکاران. (۱۳۸۹). تعامل در فضای سایبر و تأثیر آن بر هویت زنان در ایران (مطالعه موردی دانشجویان دختر دانشگاه تهران). زن در توسعه و سیاست، ۸ (۲) ۲۰۹-۱۸۹. [لینک]

تانگ، رزمی (۱۳۹۳)، درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نی. [لینک]
توانگر، معصومه. (۱۳۹۵). مطالعه رابطه پویایی هویت زنانه و تعارضات زناشویی (مورد مطالعه: زنان ساکن یزد). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد. [لینک]



- توفیق، ابراهیم، دعاگوئی، فاطمه. (۱۳۹۲)، فرآیند شکل‌گیری هویت جدید زن در ایران از دوران ناصری تا پایان پهلوی اول، مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۰ (۳۶) ۴۱-۶۰. [لینک]
- جباری، مریم (۱۳۹۵). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های هویت و روابط والد فرزندی در زنان معتاد و غیر معتاد شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید چمران اهواز. [لینک]
- جمشیدی، فائزه (۱۴۰۰). هویت اخلاقی زن در سینمای ایران. تهران: اندیشه احسان. [لینک]
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج احمدی، تهران: شیرازه. [لینک]
- حاتمی، محمدرضا، مذهبی، سارویه. (۱۳۹۰). رسانه و نگرش زنان به هویت جنسیتی خود، مطالعات فرهنگی ایران، ۴ (۲) ۲۰۹-۱۸۵. doi.org/10.7508/ijcr.2011.14.008. [لینک]
- حسینی، سید حسن و ایزدی، زینب. (۱۳۹۵). پدیدار شناسی تجربه زیسته زنان مجرد جمعیت مورد مطالعه: زنان مجرد بالای ۳۵ سال شهر تهران، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۴ (۱) ۷۲-۴۱. doi:10.22051/JWSPS.2016.2332 [لینک]
- خدری، کژال (۱۳۹۶)، هویت زنان روستایی و رابطه آن با فعالیت‌های اجتماعی - اقتصادی و سیاسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوزستان. [لینک]
- خواججه نوری، بیژن و همکاران. (۱۳۹۳). مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی مطالعه موردی: جوانان شهر بندرعباس، فصلنامه مطالعات ملی، ۱۵ (۱) ۹۵-۱۲۰. [لینک] doi: 20.1001.1.1735059.1393.15.57.5.4
- دراهمی، احمد، اخوان ارمکی، معصومه، احمدنیا، شیرین. (۱۴۰۱). رابطه هویت جنسیتی بازنندیشانه با رفتار باروری زنان: مورد مطالعه زنان دارای همسر مناطق شهری شهرستان کاشان، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۷ (۳۴) ۱۱۳-۱۴۴. doi: 10.22034/JPAI.2023.1986348.1260 [لینک]
- دو بووار، سیمون (۱۳۹۶). جنس دوم (جلد اول)، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: توس، چاپ ۱۰. [لینک]
- رجبی، مریم. (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی باز تعریف هویت زنان و گرایش آنان به جراحی‌های زیبایی در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. [لینک]
- رضایی‌دره‌ده، مریم. (۱۳۹۰). بررسی رابطه تعارض نقش‌های شغلی - خانوادگی و بحران هویت زنان شاغل شهر خرم‌آباد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بو علی سینا. [لینک]
- رفعت‌جاء، مریم. (۱۳۸۶). هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد. مطالعات راهبردی زنان، ۱۰ (۳۸)، ۱۳۵-۱۷۹. [لینک]
- رفعت‌جاء، مریم. (۱۳۸۷). تأملی در هویت زن ایرانی. تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ. [لینک]
- رفعت‌جاء، مریم، روح افزا، فائزه. (۱۳۹۱). مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان. مسائل اجتماعی ایران، ۳ (۲) ۶۱-۹۲. doi: 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8. [لینک]
- رفیعی‌مقدم، فاطمه، فتحی آشتیانی، علی. (۱۳۹۹). کشف عوامل بازدارنده زوجین از فرزندآوری در دهه اخیر (مرور ساختارمند). فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۱۵ (۳۸) ۱۵۵-۱۷۵. doi: 20.1001.1.26454955.1399.15.53.7.2 [لینک]

- رهبر مهرپور، بهناز و همکاران. (۱۳۹۸). تبیین رابطه شبکه اجتماعی مجازی اینستاگرام و بازتعریف هویت جنسیتی زنان، پژوهش نامه زنان، ۱۰ (۲) ۸۵-۱۱۲. doi: 10.30465/WS.2019.4362 [لینک]
- رنوف ملایری، مریم و همکاران. (۱۳۹۷). نقش خانواده و مدرسه در شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران، آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت ایران، ۶ (۳) ۳۰۲-۳۱۱. doi: 10.30699/acadpub.ijhehp.6.3.302 [لینک]
- زارع زاده، لیلا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه سبک‌های زندگی و راهبردهای مقابله‌ای استرس با هویت اجتماعی زنان شهر ابرکوه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت. [لینک]
- زرگر شیرازی، فریبا. (۱۳۸۸). مروری بر دیدگاه‌های مربوط به هویت جنسیتی زنان، زن و فرهنگ، ۱ (۲) ۳۳-۴۷. [لینک]
- زیبایی نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۸). هویت و نقش‌های جنسیتی (مجموعه مقالات). تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده. [لینک]
- ساروخانی، باقر، رفعت جاه، مریم. (۱۳۸۳). زنان و بازتعریف هویت اجتماعی. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵ (۲) ۱۳۳-۱۶۰. doi: 20.1001.1.17351901.1383.5.2.5.4 [لینک]
- ساروخانی، باقر، رفعت جاه، مریم. (۱۳۸۳). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در بازتعریف هویت اجتماعی زنان. پژوهش زنان، ۲ (۱) ۷۱-۹۱. [لینک]
- سالی چگنی، اکرم. (۱۳۸۶). جهانی شدن و هویت زنان در ایران «مطالعه موردی شهر رشت». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان. [لینک]
- سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی هویت زن از منظر مدرنیسم و پست مدرنیسم و دلالت‌های تربیتی آن، پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۱۱ (۶) ۴۳-۵۴. [لینک]
- سفیری، خدیجه و حدیث میرزامحمدی. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط هویت جنسیتی زنان متأهل با نگرش آنها به حقوق زوجین، پژوهش نامه زنان، ۶ (۳) ۱۰۳-۱۲۲. [لینک]
- سفیری، خدیجه و سیده عقیده محمدی. (۱۳۸۴). هویت جنسیتی مادران و دختران، شکاف یا تفاوت؟، مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۲ (۱) ۱۰۷-۱۳۹. doi: 10.22067/jss.v0i0.5250 [لینک]
- سلطان‌محمدی، عطیه، پورسید آقایی، زهرا سادات. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی پدیدارشناسانه هویت جنسیتی دختران نوجوان در فضای مجازی، فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۴ (۵۴) ۶۱-۸۴. doi: 10.22054/qccpc.2023.71537.3058.. [لینک]
- سلطانی، مهدی. (۱۳۹۲). هویت زن و مرد در نگاه حکمت اسلامی و دلالت‌های آن برای طراحی نظریه‌ای درباره تحکیم خانواده، اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱ (۳) ۱۲۰-۱۴۱. [لینک]
- سهراب زاده و همکاران. (۱۳۹۷). بساخت هویت زنانه در متون روشنفکری ایران (عصر مشروطه تا پایان پهلوی اول). فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۶۱ (۱) ۱۷۶-۱۵۱. doi: 10.22034/jscs.2020.39140. [لینک]
- شاکری نژاد، شهده. (۱۳۹۱). بررسی پیشینه حجاب در ایران باستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی شاهرود. [لینک]



- شجاعی، جواد، یزدخواستی، بهجت. (۱۳۹۶). مرور سیستماتیک مطالعات کاهش باروری در دو دهه‌ی اخیر. مطالعات راهبردی زنان، ۱۹ (۷) ۱۳۷-۱۵۹. doi: 10.22095/JWSS.2017.51750. [لینک]
- طالبی، هانیه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه جهانی شدن فرهنگ و هویت جنسیتی بازاندیشانه زنان مطالعه‌ای در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. [لینک]
- طیعی نیا، مهری. (۱۳۹۶). دانشگاه، هویت و سیاست زندگی زنان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. [لینک]
- عریضی، فروغ السادات و همکاران. (۱۳۸۵). ماهواره و هویت جنسیتی دختران جوان (مطالعه موردی دختران دبیرستانی منطقه ۵ شهر تهران)، جامعه شناسی ایران، ۷ (۲۲) ۷۶-۱۰۰. doi: 20.1001.1.17351901.1385.7.2.4.7. [لینک]
- عزیززاده، گیتی. (۱۳۸۷). زن و هویت‌یابی در ایران امروز. تهران: روشنگران و مطالعات زنان. [لینک]
- عطارزاده، مجتبی. (۱۳۸۸). رسانه‌ها و بازتاب هویت زن در عرصه عمومی، مجله علمی- پژوهشی تحقیقات زنان، ۳ (۱) ۴۲-۵۷. [لینک]
- علیرضائزاد، سهیلا. (۱۳۹۷). زن کشاورز یا زن خانه دار: مطالعه‌ای درباب تحول نقش‌ها و هویت اجتماعی زنان روستایی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۲ (۱) ۸۲-۱۰۴. [لینک]
- عموزاده، محمد، اسفندیاری، نسیم. (۱۳۹۱). بازنمون هویت اجتماعی در رسانه، بررسی روند تغییرات هویت اجتماعی زنان در سینمای پس از انقلاب اسلامی، زن در فرهنگ و هنر، ۴ (۳) ۱۱۹-۱۳۸. doi: 10.22059/jwica.2012.28514. [لینک]
- غلامی، علی. (۱۳۹۸). هویت و نقش‌های جنسیتی زن در اسلام، مروری اجمالی و تطبیقی بر نظام جنسیت و خانواده در اسلام. قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص). [لینک]
- فاضلی دهکردی، مهدی، فرمهبینی فراهانی، محسن. (۱۳۸۹). بررسی هویت زن در نهج البلاغه و دلالت‌های تربیتی آن، پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۸ (۱۵) ۱۴۱-۱۵۶. [لینک]
- قائم‌فر، حسین، حمایت خواه جهرمی، مجتبی. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر خانواده بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه پیام نور جهرم، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ۳ (۳) ۸۳-۱۰۲. [لینک]
- کردی، مؤده. (۱۳۹۴). تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه (مانند وایبر، واتس‌آپ، تانگو، بیتاک و ...) بر هویت اجتماعی زنان ساکن شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران. [لینک]
- کلاوشکی، فرزانه. (۱۳۸۷). بازتعریف هویت اجتماعی زنان با تأکید بر نقش‌های جدید آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. [لینک]
- کوشافر، افسانه. (۱۳۹۴). بررسی مقایسه‌ای هویت ورزشی ورزشکاران مرد و زن حرفه‌ای و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. [لینک]
- کیذقان، طاهره. (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان (مطالعه موردی شهر شیراز). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز. [لینک]

- گرگیچ، فریده. (۱۳۹۶). مرور سیستماتیک مطالعات کمی و کیفی انجام شده در زمینه‌ی طلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور مشهد. [لینک]
- گل‌بهری، ندا. (۱۴۰۱). تقابل هویت جنسیتی فردی و اجتماعی در تک‌زیستی دختران، مسائل اجتماعی ایران، ۱۳(۲) ۲۸۱-۳۰۶. doi: 20.1001.1.24766933.1401.13.2.12.7. [لینک]
- گیدنز، آتونی. (۱۳۸۷). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر مدرن، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی. [لینک]
- لاهیجی، شهلا، کار، مهرانگیز. (۱۳۹۶). شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش تاریخ و تاریخ، تهران: روشنگران مطالعات زنان. [لینک]
- معروف‌پور، مینا و همکاران. (۱۳۹۷). ارائه الگوی تعارض هویتی زنان، فصلنامه زن و مطالعات خانواده، ۱۰ (۳۸) ۴۳-۶۸. [لینک].
- معصوم، وجیهه. (۱۳۹۰). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر نگرش زنان ۲۵ تا ۵۰ سال شهر مشهد سال ۱۳۸۹ به هویت مدرن خویش. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران. [لینک]
- ملاسلیمی، سروه. (۱۳۹۴). شناسایی هویت اجتماعی زنان و رابطه‌ی آن با انواع مصرف فرهنگی (مطالعه موردی: زنان شهر سمنان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کردستان. [لینک]
- ملبوس باف، رامین، عزیزی، فریدون. (۱۳۸۹). مرور سیستماتیک "Systematic Review" چیست و چگونه نگاشته می‌شود؟ پژوهش پزشکی، ۳۴ (۳) ۳۴-۳۷. [لینک].
- منشی، مرجان. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر عضویت در سازمان‌های غیر دولتی بر بازتعریف هویت اجتماعی زنان خانه دار مطالعه موردی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. [لینک]
- مهدی زاده، سجاد، مهدی زاده، محمدمبین. (۱۳۹۹). نقش نهادهای فرهنگی و ارتباطی در تحولات هویت جنسیتی زنان در دوره قاجار، فرهنگ و ارتباطات، ۲ (۸) ۲۸۳-۳۱۰. [لینک].
- مهرابی، علی. (۱۳۹۳). تحول هویت جنسی زن در آثار پرفروش رمان نویسان فارسی پس از انقلاب. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه آزاد تهران. [لینک]
- موسوی جشتی، سید صدرالدین. (۱۳۹۲). غیریت سازی در گفتمان فرهنگی امام خمینی. پژوهشنامه متین، ۱۵ (۶۰) ۱۴۵-۱۵۶. [لینک].
- موسوی، رقیه و همکاران. (۱۳۹۰). تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد هویت دانشجویان، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۲ (۸) ۳۱-۴۶. doi: 10.22054/qccpc.2012.5937. [لینک]
- مومن، رقیه السادات. (۱۴۰۰). بازخوانی هویت زن در سنت علوی. تهران: دانشگاه امام صادق (ع). [لینک].
- میرا، سمیه. (۱۳۹۱). تعارض‌های هویت اجتماعی سنتی و مدرن و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی زنان ۲۴ تا ۳۴ شهر قزوین). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. [لینک]
- میرزا محمدی، حدیث. (۱۳۹۲). بررسی رابطه‌ی هویت جنسیتی زنان متأهل با نگرش آنها به حقوق زوجین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. [لینک]
- نظام آبادی، مهری. (۱۳۸۸). زن و قدرت در خانواده (تحلیل محتوای کیفی شش رمان پرفروش دهه اخیر). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی. [لینک]



- نقدی، اسدالله و همکاران. (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی بازتعریف هویت اجتماعی زنان در پرتو تمایلات مصرف‌گرایانه مورد مطالعه: زنان متولد دهه‌های ۵۰، ۶۰ و ۷۰ شهر اصفهان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۹ (۴)، ۸۳-۲۰۸. doi: 10.22108/JAS.2018.110010.1334 [لینک]
- نوری نیک، فیروزه. (۱۳۹۴). بازتعریف هویت اجتماعی و اشکال تجسد یافته ظاهری آن در فضاهای عمومی و خصوصی شهر (مطالعه زنان شهر تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء. [لینک]
- نیازی، محسن، افرا، هادی. (۱۳۹۷). بازسازی معنایی ساخت هویت شخصی پست مدرن (مورد مطالعه: جوانان شهر بجنورد)، فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۷ (۸۲)، ۳۱-۶۹. doi: 10.22054/qjss.2018.24277.1607. [لینک]
- نیک‌خواه قمصری، ترگس، منصوریان راوندی، فاطمه. (۱۳۹۳). تاملی بر رابطه فضای مجازی و هویت جنسیتی مطالعه موردی کاربران اینترنت در شهر کاشان. *مطالعات رسانه‌ای*، ۹ (۲۷)، ۱۰۷-۱۲۰. [لینک]
- یاسمین شیرازی، مریم. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مرتبط در شکل‌گیری هویت اجتماعی زنان نسل کنونی و گذشته شهر شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز. [لینک]
- یوسف مدد، صدیقه. (۱۳۹۹). تکوین هویت زن مسلمان در گذار انقلابی. تهران: نگاه معاصر. [لینک]
- یونگ، کارل گوستاو و همکاران. (۱۴۰۰). انسان و سمبل‌هایش، ترجمه حسین اکبریان طبری، تهران: دایره، چاپ دوم. [لینک]

References

- Aghamiri, N & Vaziri, S. (2019). Prediction of psychological well-being based on marital intimacy, resilience, and mental health of couples in Tehran. *Avicenna Journal of Neuro Psycho Physiology*, 6(4), 203-210. Doi. 10.32598/ajnpp.6.4.6 [Link]
- Ahmad pour, T.(2019). National Identity in Iran A systematic Review (1990-1995). *National studies Journal*, 20 (2), 3-24. 20.1001.1.1735059.1398.20.78.1.7. [link].
- Ahmadi, S., & Aqili, S. V. (2015). Media and Constructing Women Gender Identity Case Study: Representation of Women Gender Identity in TV Series "Zamaneh" & "Tekyeh Bar Bad". *Communication Research*, 22(81), ۳۶-۵۷ 10.22082/cr.2015.15680 [link].
- Akbari. A. (2018). *Construction of women's identity in Iranian modernity and its manifestation in the constitution*. Ph.D. Thesis, Kashan University. [Text in Persian].
- Alireznejhad. S. (2018). Farmer or Housewife: A Study on Transformations in the Roles and Social Identity of Rural Women. *Journal of Iranian Social Studies*, 12 (1) 82-104. 20.1001.1.20083653.1397.12.0.16.8. [link].
- Alsanaifi, I. & Noor, F. (2018). "Systematic review of African-American women's identity struggle in American drama", *Opcion*, January, 34(17):1116-1130. [link]

- Amber M. Epp, Linda L. Price (2008). Family Identity: A Framework of Identity Interplay in Consumption Practices, *Journal of Consumer Research*, 35(1), 50-70, <https://doi.org/10.1086/529535>. [link]
- Amiri Hedari. A. (2011). *Investigating the relationship between personal identity and lifestyle among women aged 18-45 in Kerman*. Master's thesis, Shahid Bahonar University of Kerman. [Text in Persian].
- Amouzadeh. M. & Esfandiyari. N. (2012). Social Identity Representation in Media Examining the Social Identity Changes in Women in the Cinema After Islamic Revolution. *Journal of Woman in Culture and Arts*, 4 (3), 119-138. doi: 10.22059/jwica.2012.28514 [link].
- Arizi. F. (2013). Satellite and gender identity of young girls (a case study of high school girls in district 5 of Tehran), *Iranian journal of sociology*, 7 (22) 76-100. 20.1001.1.17351901.1385.7.2.4.7. [link].
- Arqavani, S. (2016). *Systematic review about the dimensions and characteristics of the identity of Iranians abroad*. Master's thesis, Payam Noor University of Mashhad. [Text in Persian].
- Attar Zadeh. M. (2016). Mass media and the reflection of women's identity in public scene. *Women Researches*, 3(1), 42-57. [link].
- Aviard. H. (2011). *How do I conduct a survey? A practical guide for conducting research, thesis and writing review articles in social sciences and medicine*. Tehran: Jamae shenasan. [Text in Persian].
- Azari. G. R., & Taki. A. R. (2011). *Sociological analysis of cinema identity in Zan Mehrjoui and Baizai*. Applied Research Quarterly in Behavioral Sciences (Abhar), (7), 9-26. [link].
- Aziz Zadeh. G. (2015). *Woman and finding identity in today's Iran*. Tehran: Illuminators and Women's Studies. [Text in Persian].
- Bayat. F. (2017). *The relationship between identity and sexual capital (case study: female members of sports clubs in Qazvin city)*. Master's thesis, Al-Zahra University. [Text in Persian].
- Bem, S.L. (1974). The Measurement of Psychological Androgyny, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 42, 155 -162, <https://doi.org/10.1037/h0036215>. [link]
- Berzonsky, M. D. (2003). Identity style and well-being: Does commitment matter? Identity, *An International Journal of Theory and Research*, 3(2), 131-142, 10.1207/S1532706XID030203. [link]
- Boolouri. M, Alirezanejad. S. (2021). Redefining Identity for Women Who Lost Their Spouses: A research in districts of Afsariyeh and Abbasabad Tehran. *Woman in Development and Policy*, 19 (1), 141-166. 10.22059/jwdp.2021.314004.1007917 [link].
- Brodwin, P.(2002).Genetics, Identity, and the Anthropology of Essentialism, Anthropological Quarterly, *The George Washington University Institute for Ethnographic Research Stable*, 75(2), 323-330, 10.1353/anq.2002.0027. [link]
- De Beauvoir. S. (2017). *The second gender*. Tehran: Tos. [Text in Persian].
- Dorahaki.A. & Akhwan Armaki. M. (2022). The Relationship between Reflexivity Gender Identity and Women's Fertility: A Study among Married Women in



- Urban Areas of Kashan County, Iran. *Journal of Population Association of Iran*, 17 (34), 113-144. 10.22034/JPAI.2023.1986348.1260. [link].
- Fayaz. E. & Khezri. F. (2015). The examine of Muslim-Iranian women's identity through the Gender concepts. *Iranian Journal of Anthropological Research*, 5 (1), 93-106. 10.22059/IJAR.2015.58752. [link].
- Fazeli dehkordi. M. & Farmahini farahani. M. (2010). Identity of woman Nahj and its educational implications. *Teaching and learning research*, 8 (15), 141-156. [link].
- Ghaemi Far. H. & Hmayat Khah Jahromi. M. (2009). A Survey to the influence of family on the formation of gender identitiy among the girl students of the university of payam-e noor jahrom branch. *Research Youth, Culture and Society* (3) 83-102. [link].
- Gholami. A. (2018). *Women's identity and gender roles in Islam, a brief and comparative overview of gender and family system in Islam*. Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center. [Text in Persian].
- Giddens. A. (2008). *Modernity and individuality: society and personal identity in the modern era*. translated by Nasser Moafaqian. Tehran: Ni. [Text in Persian].
- Girgij. F. (2016). *A systematic review of quantitative and qualitative researches conducted in the field of divorce*. Master's thesis. Payam Noor University of Mashhad. [Text in Persian].
- Golbahari. N. (2022). The contrast of social and personal gender identity in girls' single life. *Social Problems of Iran*. 13 (2), 281-306. 20.1001.1.24766933.1401.13.2.12.7. [link].
- Hatami. M. R., & Mazhabi. S. (2011). Media and Women's View to Their Gender Identity. *Iranian cultural studies*, 4(2), 185-209. doi.org/10.7508/ijcr.2011.14.008 [link].
- Hosseini. S. H. & Izadi. Z. (2016). The Phenomenology of lived Experiences Of Women Over 35 Years of Age Who Have Never Married In Tehran. *Social psychological studies of women*, 14(1), 41-72. 10.22051/JWSPS.2016.2332 [link].
- Iman, M. T., & Haeri. F. (2012). *Socio-Cultural Factors and Girls' Gender Identity .Case: High School Girls of Educational District Two in the City of Shiraz*. *Women's Studies Sociological and Psychological*, 10 (4), 7-40. [link].
- Jabari. M. (2016). *Comparison of primary maladaptive schemas, identity styles and parent-child relationships in addicted and non-addicted women in Ahvaz*. Master's thesis. Shahid Chamran Universit, Ahvaz. [Text in Persian].
- Jamshidi. F. (2021). *The moral identity of women in Iranian cinema*. Tehran: Andisheh Ehsan. [Text in Persian].
- Jenkingz. R. (2002). *Social identity*. Tehran: Shiraz. [Text in Persian].
- Jung Carl. G. (2021). *Man and his symbols*, translated by Hossein Akbarian Tabari. Tehran: Dakhra, second edition.
- Kalavashki. F. (2007). *Redefining women's social identity by emphasizing its new roles*. Master's thesis. Allameh Tabatabai University. [Text in Persian].
- Khajeh Nouri. B. & Parnian. L. (2014). Study of the Relationship Between Cultural and Social Capital and Social Identity (A case study of youth in

- Bandar Abbas city). *National Studies*, 15 (1) 95-120. 20.1001.1.1735059.1393.15.57.5.4 [link].
- Khedri. K. (2017). *The identity of rural women and its relationship with socio-economic and political activities*. Master's thesis, Khuzestan University. [Text in Persian].
- Kizghan. T. (2000). *Investigating factors affecting women's social identity (Shiraz city case study)*. Master thesis Shiraz University. [Text in Persian].
- Kordi. M. (2014). *The effect of mobile virtual social networks (such as Viber, WhatsApp, Tango, Bitac, etc.) on the social identity of women living in Tehran*. Master's thesis. Payam Noor University. [Text in Persian].
- Kushafar. A. (2014). *A comparative study of sports identity of male and female professional athletes and social factors affecting it*. Master's thesis, Al-Zahra University. [Text in Persian].
- Lahiji. Sh. & Kar. M. (2016). *Recognizing the Iranian woman's identity in the scope of prehistory and history*. Tehran: Roshangaran and Women's Studies. [Text in Persian].
- Maaroor por. M. (2018). Presenting the model of women's identity conflict. *Woman and Family Study*, 10 (38), 43-67. [link].
- Mahdizadeh. M. & Mahdizadeh. S. (2020). The role of cultural and communication institutions in the evolution of women's gender identity in the Qajar period. *Culture and Communication*, 2 (8), 238- 308. [link].
- Malboosbaf. R., & Azizi. F. (2010). What is systematic review and how we should write it?. *Research in Medicine. Medical research*, 34 (3), 203-207. [link].
- Masoum. W. (2011). *Investigating the relationship between social, cultural and economic capital on the attitude of women aged 25 to 50 in Mashhad city in 2010 towards their modern identity*. Master's thesis. Payam Noor University. Tehran. [Text in Persian].
- Mehrabi. A. (2013). *The transformation of female gender identity in the best-selling works of Persian novelists after the revolution*. PhD thesis. Tehran Azad University. [Text in Persian].
- Mirashe. S. (2011). *Conflicts of traditional and modern social identity and factors affecting it (case study of women 24 to 34 in Qazvin city)*. Master's thesis. Al-Zahra University. [Text in Persian].
- Mirza Mohammadi. H. (2012). *Investigating the relationship between married women's gender identity and their attitude towards spouses' rights*. Master's thesis, Al-Zahra University. [Text in Persian].
- Molaslimi. S. (2015). *Identifying the social identity of women and its relationship with the types of cultural consumption (case study: women of Sanandaj city)*. Master's thesis, University of Kurdistan. [Text in Persian].
- Momi. R. (2021). *Rereading the identity of women in the Alevi tradition*. Tehran: Imam Sadiq University (AS). [Text in Persian].
- Monshi. M. (2011). *Investigating the effect of membership in non-governmental organizations on redefining the social identity of housewives, a case study in Tehran*. Master's thesis. Allameh Tabatabai University. [Text in Persian].
- Mousavi Jashani. S.S. (2013). *Alienation in the cultural discourse of Imam Khomeini (pbuh)*. *Matin Research Paper*, 15 (60), 145-156. [link].
- Musavi. R. (2012). Sexual differences in Identity aspects of Students. *Journal of Counseling Culture and Psychotherapy*, 2 (8), 31-46. [link].
- Naghdi. A. (2019). *Sociological Analysis Redefining the Social Identity of Women in the Light of Consumerism Tendencies Case study: Women born in*



- the 1970s, 1980s and 1990s of Isfahan. *Journal of Applied Sociology*, 29 (4) 183- 208. 20.1001.1.17351901.1383.5.2.5.4 [link].
- Niazi. M. & Afra. H. (2018). Semantic Reconstruction of the Structure of the Postmodern Individual Identity (Case Study: The Youth of Bojnourd). *Social Sciences*, 27 (82) 183- 208. 10.22054/qjss.2018.24277.1607. [link].
- Nikkhah Ghamsari. N. & Mansourian Ravandi. F. (2014). The Relationship Between Cyber Space and Gender Identity, Case Study of the Internet Users in Kashan, Iran. *Media Studies*, 9 (27), 107- 120. [link].
- Nizamabadi. M. (2009). *Women and power in the family (qualitative content analysis of six best-selling novels of the last decade)*. Master's thesis. Allameh Tabatabai University. [Text in Persian].
- Noori nic. F. (2015). *Redefining social identity and its embodied forms in public and private spaces of the city (study of women in Tehran)*. Master's thesis, Al-Zahra University.
- Ojani. R. (2016). *Comparison of identity styles and self-concept in a group of men and women with gender dissatisfaction with normal people*. Master's thesis, Al-Zahra University. [Text in Persian].
- Pakrosh. K. (2004). *Investigating the ruling attitude of selected women's novels towards women's identity after the seventies*. Master's thesis, Al-Zahra University. [Text in Persian].
- Pishgahi Fard, Z., Ansari Zadeh, S., Karami, A., & Parhiz, F. (2010). Interaction in Cyberspace and its effect upon women's identity in Iran. *Woman in Development & Politics*, 8(2), 189-209.[link].
- Rafat Jah. M. & Roh Afza. F. (2012). A study of social and cultural factors affecting the attitude towards Muslim women's religious identity. *Social Problems of Iran*, 3 (2), 92-61. 20.1001.1.24766933.1391.3.2.3.8. [link].
- Rafat Jah. M. (2007). Women's human identity in the challenge of makeup and fashion. *Women's Strategic Studies*, 10 (38) 135-179. [link].
- Rafat Jah. M. (2008). *A reflection on the Iranian woman's identity*. Tehran: University of Tehran, Publishing and Printing Institute. [Text in Persian].
- Rafiei Moqaddam. F. & Fathi Ashtiani. A. (2021). Discovery of the Factors Inhibiting Couples from Childbearing in the Last Decade (A Systematic Review). *The Women and Families Cultural- Educational Quarterly*, 15 (38), 155-175. 20.1001.1.26454955.1399.15.53.7.2 [link].
- Rahbarmehrpo. B. & Rashidi. E. (2019). Explain the relationship between the virtual social network Instagram and redefine women's gender identity. *Women's Study*, 10 (2), 85-112. 10.30465/WS.2019.4362. [link].
- Rajabi. M. (2008). *Sociological study of redefining women's identity and their tendency towards cosmetic surgery in Tehran*. Master's thesis, Al-Zahra University. [Text in Persian].
- Raouf Malayeri. M. & Beheshti. S. (2018). The Role of Family and School on the Formation of Gender Identity of Girls: A Qualitative Study. *Journal of Health Education and Health Promotion*, 6 (3) 302-311. 10.30699/acadpub.ijhehp.6.3.302. [link].
- Rezaee Dreh Deh. M. (2011). *Investigating the relationship between career-family role conflict and identity crisis of working women in Khorramabad city*. Master's thesis, Bou Ali Sina University. [Text in Persian].

- Safiri. Kh. & Mirzamohammad. H. (2015). Studying the Relationship between Married Women Sexual Identity and their Attitudes towards Matrimonial Rights. *Women's Study*, 6 (3), 103-122. [link].
- Safiri. Kh. & Mohammadi. A. (2005). Difference of attitude of mothers and daughters towards their sexual identity. Ferdowsi University of Mshhad, *Journal of Social Sciences*. 2 (1), 107- 139, 10.22067/jss.v0i0.5250 [link].
- Sajadi. S. (2004). A comparative study of women's identity from the perspective of modernism and postmodernism and its educational implications. *Education and learning research*, 11(6), 43-54. [link].
- Sali Chegini. A. (2007). *Globalization and women's identity in Iran "Case study of Rasht city"*. Master's thesis, Gilan University. [Text in Persian].
- Sarokhani. B. & Rifat Jah.M. (2004). Effective sociological factors in redefining women's social identity. *Women research*, 2 (1), 71-91. [link].
- Sarokhani. B. & Rifat Jah.M. (2004). Women and redefining social identity. *Iranian Journal of Sociology*, 5 (2), 133-160. 20.1001.1.17351901.1383.5.2.5.4 [link].
- Shakri Nejad. Sh. (2011). *Researching the history of hijab in ancient Iran*. master's thesis, Shahrood Islamic Azad University. [Text in Persian].
- Shojaei. J. & Yazdkhasti. B. (2017). A systematic review of studies of fertility decline in the last two decades. *Women's Strategic Studeies*, 19 (7), 137-159. 10.22095/JWSS.2017.51750 [link].
- Sohrabzadeh. M. (2021). Construction of Female Identity in Iranian Intellectual Texts (Persian Constitutional Revolution until the 1st Pahlavi Era). *Cultural Studies and Communication*, 61 (1), 151-176. 10.22034/jcsc.2020.39140 [link].
- Soltan mohammadi. A. & Pour Seyyed Aghaei. Z. S. (2023). Phenomenological pathology of adolescent girls' gender identity in cyberspace. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 14 (54), 61-84. 10.22054/qccpc.2023.71537.3058. [link].
- Soltani. M. (2013). Man and woman's identity in Islamic Philosophy and its implications to form a theory of Family reinforcement. *Islam and Social Study*, 1 (3), 120-141. [link].
- Talebi. H. (2015). *Investigating the relationship between the globalization of culture and the rethinking of the gender identity of women in a study in Tehran*. Master's thesis, Al-Zahra University. [Text in Persian].
- Tang R. M. (2014). *A comprehensive introduction to feminist theories*, translated by Manijeh Najm Iraqi. Tehran: Ni. [Text in Persian].
- Tavan gar. M. (2016). *Studying the relationship between the dynamics of female identity and marital conflicts (case study: women living in Yazd)*. Master's thesis, Yazd University. [Text in Persian].
- Tayibinia. M. (2016). *University, identity and politics of women's lives*. Tehran: Research Institute of Cultural and Social Studies. [Text in Persian].
- Tofig. A. & Doaagoyi. F. (2013). The process of forming the new identity of women in Iran from the Naseri era to the end of the first Pahlavi. *Journal of Applied Sociology*, 10 (36), 41-60. [link].
- Yasmin Shirazi. M. (2009). *Investigating related factors in the formation of social identity of women of the current and past generations in Shiraz*. Master thesis, Shiraz University. [Text in Persian].



- Yusuf Madd. S. (2019). *The development of the Muslim woman's identity in the revolutionary transition*. Tehran: Contemporary view.
- Zarea Zadeh. L. (2014). Investigating the relationship between lifestyles and stress coping strategies with the social identity of Abarkoh women. Master's thesis, Islamic Azad University, Maroodasht branch. [Text in Persian].
- Zargar Shirazi. F. (2010). A review on approaches of women's gender identity. *Woman and Cuhlture*, 1(2), 33-47. [link].
- Zibayei Nezaad. M. R. (2009). *Identity and gender roles (collection of articles)*. Tehran: Presidential Office, Center for Women and Family Affairs. [Text in Persian].





Original Research

Jurisprudent and Legal Analysis of the Writing of Marriage Contract

Mohammad Rowshan¹ Afsoon MollazadehNooran^{2*}

¹Associate Professor, Department of Basic Studies, Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

²Ph.D student of Family Rights Studies, Shahid Beheshti University Tehran, Iran.(Corresponding Author)
A_mollazadeh@sbu.ac.ir

Background and Purpose

In jurisprudential sources, the marriage contract is recognized as a fundamental aspect of marriage. According to many jurists, if individuals who have the authority to officially register marriage choose to enter into a contract through written or gestural means, it is widely believed that such a marriage would be considered invalid. On the other hand, as literacy has been promoted and writing has become more widespread among the population, it has been utilized in various fields, including the execution of legal acts and the documentation of legal possessions. The question now arises as to whether a written marriage contract has the power to make a marriage occur. Is it necessary to use words in a marriage, even though we have the ability to pronounce and speak? Is there a specific form in which the will of the parties must be expressed for marriage?

The primary objective of this research is to demonstrate that the act of offering and accepting in marriage should not be restricted solely to verbal communication. It argues that written declarations can serve as a valid substitute for spoken words in a marriage contract, holding the same significance as conventional marriage practices.

1. Written marriage. A written marriage is a type of marriage that is established through a formal process involving a written offer and acceptance. A written declaration of intent is made by both the husband and wife to enter into a marriage.
2. The opinion of jurists and jurists about the declaration of will through writing in the marriage contract



3. According to the majority of Imami jurists, writing alone is not considered sufficient for a valid marriage. They strongly believe that relying solely on the written marriage contract is incorrect. Instead, they emphasize the importance of expressing the intended meaning verbally, as they believe that spoken words hold more weight in conveying intentions and purposes than written words (Aameli, 1993). However, some jurists have argued against the well-known theory by stating, "Writing is not necessarily an allusion, and there is no reason to reject the possibility of accepting an allusion if it clearly signifies the intention of marriage" (Tabatabai, 1995).

In Sunni jurisprudence, apart from the Hanafi sect, other sects do not recognize written marriage and view it as figurative. The Hanafis believe that absentee marriage through writing is valid. According to their belief, if one party is absent and sends a letter to the other party offering a contract, and the recipient accepts after reading the letter, the contract will be considered concluded (Al-Zuhaili, 1983).

There are jurists who argue that in today's society, writing has become more important than verbal communication due to the widespread literacy among people. They believe that replacing spoken words with written documents aligns with the demands of the modern era and new legal requirements. Consequently, a written document that clearly expresses the intention of marriage is considered equivalent to verbal communication (Safa'i & Emami 2006).

1. Obstacles to the legitimacy of written marriage

In this section, we discuss the most important reasons for opposing written marriage.

1-1. Quran

There is a difference of opinion among jurists regarding the interpretation of verse 21 in Surah Nisa. Some jurists argue that the phrase "Misqan Qalizan" in this verse refers to the words of the marriage contract. However, another group of jurists has raised concerns about the implications of this interpretation. They believe that the verse should be understood to apply specifically to the conventional case of the marriage contract. In simpler terms, the verse demonstrates that marriage with pronounced words (Siqah) can be considered valid, but it does not suggest that a marriage without pronounced words is invalid. The narration does not clearly indicate the topic of discussion in this manner (Makaram Shirazi, 2003).

1-2. Consensus

One of the primary justifications put forth by critics of formalized marriage is the concept of Ijma. The Imamiyyah jurists have collectively agreed on the indispensability of explicit verbal expressions in the context

of marriage. Masum's opinion does not provide evidence of an established consensus and lacks authoritative weight. It is important to note that the concept of "Mohassal" consensus is limited to the era of occultation, and there is no consensus of this nature (Muzaffar, Bitā, Vol. 1: 114-116).

1-3. Unity of the meeting of offer and acceptance:

According to jurisprudence, the customary sequence of offer and acceptance is regarded as a requirement for the validity of all contracts (Aameli, Bitā,). Contemporary jurists and legal scholars commonly view the criterion of sequence as customary. According to this perspective, as long as an action is not deemed objectionable under customary law, there should be a logical sequence between an offer and its acceptance. This rule also applies to written marriage contracts, where both parties are present but express their intentions in writing. In such cases, there are no issues as long as the offer and acceptance are continuous and the proper sequence is followed. However, in cases where the parties are not physically present, the authenticity of this type of contract can be confirmed based on various factors, such as the speed of the communication methods employed and the specific circumstances surrounding the agreement.

1-4. The possibility of forgery in the writing

Some hadiths identify forgery as the primary reason for rejecting the writings. In a written marriage, certain measures can be taken to enhance reliability and reduce the risk of forgery. These measures include gathering information about the intentions of both parties, considering evidence such as their pre-marital acquaintance and courtship, and ensuring that a written agreement is signed, containing the offer and acceptance. By implementing these precautions, confidence in the validity of the marriage is increased.

2. Proofs of the legality of written marriage

2-1. Quran verses

One of the most significant pieces of evidence supporting the legitimacy of a written marriage is the verse "Ya Ayyuha Allatheena Amanoo Awfoo Bialuqood" [O you who have believed, fulfill [all] contracts] (Ma'idah, verse 1) and the verse "Va Awfoo Bi-Alahd In-Alahd Kan Mas'oulan" [And fulfill [every] commitment. Indeed, the commitment is ever [that about which one will be] questioned] (Israa, verse 34). Hence, any contract that is deemed rational falls under the category of "Awfoo Bi-aluqood" or fulfilling all contracts. Consequently, "Awfoo Bi-aluqood" includes all written contracts.

Furthermore, within certain verses of the Holy Qur'an, God has addressed the legitimacy and legality of concluding a marriage. However, the specific method for formalizing a marriage is not explicitly mentioned, as God has entrusted the manner and rituals of marriage to cultural customs.



This can be observed in verse 32 of Surah Noor and verse 3 of Surahs Al-Nisa.

Furthermore, verse 282 of Surah Al-Baqarah, being the longest Surah in the Qur'an, holds significant weight in establishing the legitimacy and veracity of the writings according to the Holy Law. Furthermore, Surah Al-Baqarah, being the longest Surah in the Qur'an, holds significant weight in establishing the legitimacy and veracity of the scripture according to the Holy Law. In particular, verse 282 serves as compelling evidence in this regard. Ayah Sharifa places great emphasis on the quality and conditions of writing, indicating that it is regarded as an independent proof within the holy Shariah (Ardabili, 1899: 455).

2-2. Sunnah

One of the narrations that is quoted in various Sunni and Shia sources is a saying that emphasizes the importance of intentions. It is reported that the Prophet, may God's prayers and peace be upon him, said, "Indeed, actions are judged by intentions" (Bukhari, 1893, 435). According to this rule, the primary and constructive role in transactions lies in the inner intention and will of individuals. Words and other means of expressing one's will only serve as a means of discovery. This point can enhance the legitimacy of a written marriage, in line with the popular belief that special terms are necessary in a marriage.

2-3. Assumptions of the Wise

In contractual matters, it is generally accepted that wise assumptions play a significant role. Consequently, any contract that is deemed approved by the wise falls under the category of "Awfoo Bi-aluqood." This term encompasses all contracts that are documented in writing. Therefore, if written marriage is a common practice in a particular society, it can be considered valid based on the narration of "Likoll Qawm Al-nikah" (Sabhani, 1995: 398).

Method

Using documents and library search, descriptive and analytical methods have been implemented in the current research plan and analysis has been done by comparing the data. In this way, the data has been collected, categorized and summarized by searching jurisprudential sources and the opinions of jurists and legal doctrine, and finally conclusions have been drawn.

Results

Based on what was mentioned in the previous cases, writing as one of the ways of declaring the will by improving literacy and its prevalence among people, has been used in more fields and many legal acts and legal possessions are done in this way; One of these legal possessions is a written

marriage; While according to the sayings of the jurists of Islamic schools of thought and the original jurists, the concubine is verbal in marriage. However, a review of jurisprudential and legal sources shows that such a view has no valid reason.

Discussion & Conclusion

After carefully analyzing the evidence and considering the reasons, we have arrived at the following conclusion: The opponents of written marriage argue that there is a lack of valid evidence on the necessity of words in the marriage contract and a lack of consensus. They also claim that the validity of words, in the opinion of jurists, is subjective rather than objective. However, it is important to consider applications and generalities and verses in the Quran that support the idea of a written marriage contract. For example, verses such as "Awfoo Bi-aluqood", verse 3 of Surah Nisa, verse 32 of Surah Noor, and verse 282 of Surah Al-Baqarah provide evidence for the importance of writing in marriage. Additionally, the clarity and transparency of a written contract should not be disregarded. Therefore, denying the validity of a written marriage contract is incorrect, and it can be concluded that acceptance of a written marriage contract is appropriate.

Ethical considerations

Compliance with research ethics: The study was carried out in accordance with human research ethics

Funding. The current study was not funded by any organization or person.

Authors' Contribution: The first writer assumed the role of supervisor, while the second author assumed responsibility for the writing process.

Conflict of interest: The authors declared no conflict of interest with any person or organization.

Data Availability: No data were generated or analysed during this study.

References

- Qu'ran
Ardabili, A.. *Zubdat al-bayan fi barahin ahkam al-Quran. 1 of Ja'fari traditions.* Amiriya PrAl-Murtadavieh Library for the Revivaess - Cairo – Egypt. [link]
- Ameli, A. (1993 AH). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qawaeid* Vol. 12, 5, 4, & 13, second edition, Qom, Alalbait Institute. [link]
- Al-Zuhaili, Wahabi. (1406 AH). *Islamic jurisprudence and justice.* \, Islamic Jurisprudence, Volume 7. Dar al-Fikr. Damascus – Syria. [link]
- Al-Bukhari, M. (1893). *Sahih al-Bukhari: Chapter on How the Divine Revelation started being revealed to Allah's Messenger.* [link]
- Muzaffar, M.R., Bit. *Principles of Jurisprudence*, 2nd edition, Ismailian Publications, Qom. [link]
- Makarem Shirazi, N., (2003). *series of discussions about Kharij jurisprudence (Kitab al-Nikah)*, vol.



- 1, Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib School (a.s.), first edition. [link]
- Sabzevari, S.A. A (1993). *Mahdhab al-Ahkam. Mahdhab al-Ahkam*, 4th edition, Qom, al-Manar institute. [link]
- Subhani, Jaafar. (1995). *The Marriage System in Islamic Sharia*, Volume 1, Qom, Imam Al-Sadiq Institute (PBUH).
- Safai H. & Emami, A (2006). *Family Law*, Volume 1, Tehran, University of Tehran.
- Tabatabai Yazdi, M, K (1998). *Al-Urwa al-Wuthqa Fima Taem Al-Balawi*, vol. 2, second edition, Beirut, Al-Alamy Institute for Publications. [link]
- Tabatabaei Hakim, Mohsen. (1995). *Mustamsak Al-Urwah Al-Wuthqa*, Volume 14, first edition. Qom, Dar al-Tafsir Institute. [link]



واکاوی فقهی و حقوقی کتابت نکاح

محمد روشن^۱ افسون ملازاده نوران^{۲*}

چکیده

در عصر حاضر به دلیل گسترش سواد و رواج کتابت در بین مردم، تمایل به ابراز اراده به شکل و یا انشاء کتبی بیشتر شده است. در این میان انعقاد عقد نکاح به صورت کتبی نیز ممکن است مورد توجه واقع شود؛ به این صورت که زوج و زوجه اراده خویش را بر نکاح، به صورت کتبی اعلام نمایند و یا نکاح با ایجاب و قبول کتبی واقع شود؛ بنابراین در پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی از نوع تحلیل محتواست، این سؤال مطرح می شود که نکاح کتبی در بین نظر فقهای اسلامی و قانون ایران چگونه است؟ با توجه به نظر مشهور فقهای شیعه و سنی، ایجاب و قبول باید لفظی باشد، لذا با اثبات عدم حجیت اجماع به عنوان مهم ترین دلیل مخالفان نکاح کتبی، همراه با اثبات حجیت کتابت و صراحت و شفافیت آن همچون لفظ و با استناد به عمومات لزوم وفای به عقد و عهد، اطلاعات در برخی آیات نکاح و حجیت کتابت در آیه ۲۸۲ سوره بقره، صحت و مشروعیت عقد کتبی را تقویت کردیم؛ بنابراین با توجه به فقدان دلیل معتبر بر لزوم وجود لفظ و اعتبار طریقی نه موضوعی لفظ در نظر فقها، بر اساس ادله مشروعیت نکاح کتبی، می توان قائل به پذیرش نکاح با نوشته شد.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

اراده، عقد نکاح، صیغه، نکاح کتبی

ارجاع به مقاله:

روشن، محمد و افسون ملازاده نوران. (۱۴۰۳). واکاوی فقهی و حقوقی کتابت نکاح. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۲(۲)، ۸۰-۱۰۷. DOI: 10.22051/jwfs.2023.43578.2974

^۱. دانشیار گروه مطالعات بنیادین پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

^۲. دانشجوی دکتری مطالعات حقوق خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).



۱. مقدمه

یکی از تصرفات حقوقی که به‌طور کتبی امکان‌پذیر است نکاح کتبی است؛ یعنی نکاحی که با ایجاب و قبول کتبی واقع می‌شود. اکنون این سؤال مطرح است که آیا عقد نکاح کتبی به این شیوه موجب وقوع آن می‌شود؟ آیا وجود لفظ در نکاح باوجود توان بر تلفظ و تکلم، ضروری است؟ آیا این که برای عقد نکاح، اراده طرفین باید در قالب مشخصی ظهور و بروز یابد؟

پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤالات از طریق تتبع در منابع فقهی اصیل و دیدگاه فقیهان و حقوقدانان معاصر به شیوه تطبیقی میان مذاهب اسلامی است؛ تا از این راه پاسخی منطقی و تحلیلی برای سؤالات فوق بیابد. لازم به ذکر است پژوهش‌های محدودی در این زمینه انجام شده است، چند نمونه از این پژوهش‌ها در زمینه نکاح سایبری است که در این میان، نکاح با ابزارهای الکترونیکی نوشتاری از قبیل پیامک را نیز موردتوجه قرار داده‌اند؛ اما پژوهش حاضر درصدد بررسی جایگاه کتابت و یا ایجاب و قبول کتبی در نکاح است؛ بنابراین هدف اصلی پژوهش این است که ثابت کند ایجاب و قبول در نکاح نباید منحصر در لفظ باشد و کتابت به‌عنوان طرق اعلام اراده صریح، می‌تواند جایگزین لفظ در عقد نکاح شود و از جایگاهی همانند نکاح متعارف برخوردار شود.

۲. نکاح

کتابت در لغت به معنای «نوشتن»، «نوشته‌شده» آمده است. کتابت یکی از طرق اعلام اراده است که در انعقاد بسیاری از عقود و قراردادها متداول است. در مواردی طرفین عقد اراده خود را به‌وسیله نوشته به یکدیگر اعلام می‌کنند و برای انعقاد عمل حقوقی، همراه این نوشته الفاظ یا اعمال دیگری را به کار نمی‌برند (سرخیل، ۱۳۹۶). در این روش انعقاد عقد از طریق مکاتبه صورت می‌پذیرد یعنی طرفین رضایت خویش را از طریق نوشتار اعلام می‌کنند (خرسندیان و شینور، ۱۳۹۲).

نکاح کتبی نکاحی است که با ایجاب و قبول کتبی واقع می‌شود. یا نکاحی که در آن زوج و زوجه اراده خویش را برای انعقاد نکاح از طریق نوشته اعلام می‌کنند.

۳. اعلام اراده به‌وسیله نوشته در عقد نکاح

۱-۳. نظر فقها

لفظ یکی از شایع‌ترین وسایل اعلام اراده در حقوق علی‌الخصوص فقه اسلامی است به بیان این فقها در عقد نکاح، اصل بیان عبارتی است که دلالت واضح و روشن بر مقصود داشته باشد (محقق-داماد، ۱۳۹۷). چون بنای شرع بر آسان‌گیری و عدم سختگیری و زیاد نکردن تشریفات است، در نتیجه اصل را بر اعتماد به سخن و کلام یکدیگر قرار داده است (علمی و بلوردی، ۱۳۹۷). فقها اجماع بر لفظی بودن ایجاب و قبول در نکاح دارند (انصاری، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۹: ۳۱۰۸). مواردی که فرد قادر بر تکلم نیست راه دیگری که جانشین لفظ (نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۲۲: ۲۱۵) بوده و با قدری تنزل، در دلالت بر قصد باطنی صریح باشد، تجویز شده است، به این صورت که فردی که قادر بر تکلم نیست، به وسیله اشاره با دیگران ارتباط برقرار کرده و مراد خود را از این طریق به دیگران انتقال می‌کند؛ اما شماری دیگر از فقها در حالت عجز از تکلم، کتابت را بر اشاره مقدم می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۲۲: ۲۱۵؛ خویی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۲: ۱۵). صاحب جواهر در چنین شرایطی کتابت را بر اشاره ارجح می‌داند (نجفی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۲۲: ۲۵۱). به خاطر اولویت نصی که بر جواز کتابت در طلاق وارد شده است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۳: ۲۲۲؛ انصاری، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۳: ۱۱۸).

در صحت اعلام اراده از طریق نوشته در عقد نکاح اختلاف نظر وجود دارد. اکثر فقها عمدتاً نوشته را برای نکاح کافی نمی‌دانند (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ ه ق، جلد ۲، ۱۵۲) و معتقدند اصل در بیان مقصود، لفظ است و لفظ از نظر دلالت بر مقاصد و اغراض، اقوی است. یکی از فقها در بیان علت کافی نبودن کتابت در قصد انشاء در عقد نکاح اظهار داشته است که نوشته از کنایات است و نکاح با کنایه معتقد نمی‌شود، مگر آن‌که قرینه‌ای بر قصد موجود باشد، زیرا برخی از اوقات کتابت بدون قصد انجام می‌شود (عاملی (محقق کرکی)، ۱۹۹۳ ه ق، ج ۱۲: ۷۷). دیگری دلیل ترجیح و برتری اشاره نسبت به کتابت بر فرد اُخرس، چنین بیان داشته است که اشاره نسبت به کتابت صریح‌تر است (انصاری، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۳: ۱۱۸).

همان‌طور که اشاره شد مشهور فقها عقد مکتوب را نپذیرفته‌اند و چنین گفته‌اند: در ایجاب و قبول، کتابت کفایت نمی‌کند (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ ه ق، ج ۵: ۵۹۹). آیت‌الله شبیری زنجانی در توضیح سخن سید محمد کاظم یزدی می‌نویسد: «به حسب فتاوی فقها امامیه مسلم و مورد اتفاق است که ایجاب و قبول کتبی کفایت نمی‌کند. البته اطلاق عدم کفایت در کلام سید رحمه‌الله شامل قادر بر تکلم و غیر قادر هر دو می‌شود، ولی به نظر می‌رسد مطلب چنین نباشد، زیرا در مورد اُخرس که گفتیم توکیل بر او متعین نیست، مطمئناً دلالت کتابت او اگر قوی‌تر از دلالت اشاره بر انشاء نکاح نباشد، لا اقل کمتر از



آن نیست و به طور طبیعی راه و رسم عقلا این است که آن را مقدم می‌دانند و به حسب روایات همچون در باب طلاق، کتابت اخرس را کافی بلکه آن را بر اشاره‌اش مقدم دانسته‌اند. پس محتوای روایات باب طلاق و جریان سیره عقلا و تقریر شارع مقدس دلیل کفایت کتابت برای اخرس است؛ و عدم کفایت کتابت مختص شخص قادر بر تکلم است. بدیهی است کتابت هم مانند صیغه لفظی ایجاب و قبول، باید با توجه به قرائن و مقام، دال بر انشاء عقد باشد نه اینکه اخباری باشد و حکایت از واقع شدن امری بکند با انشائی بودن آن مشکوک باشد» (شیری زنجان، ۱۴۱۹، ج ۹: ۳۴).

در مقابل برخی از فقها در رد نظریه مشهور گفته‌اند: کتابت به هیچ وجه کنایه نیست، به علاوه، مانعی برای قبول کنایه در صورتی که به وضوح دلالت بر قصد نکاح کند، وجود ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۶ ه. ق. ج ۱۴: ۳۷۶). برخی معتقدند کتابت اگر همراه با قرینه‌ای باشد که به صراحت دلالت بر قصد باطنی کند کنایی نخواهد بود. (عاملی (محقق کرکی)، ۱۹۹۳ ه. ق. ج ۱۲: ۷۷). از این سخن می‌توان استنباط کرد که کتابت در صورتی که به صراحت دلالت بر قصد نکاح کند، جایگاهی همچون لفظ خواهد داشت.

فقهایی معاصر تمایل بیشتری به پذیرش کتابت دارند و با توجه به رواج نوشته در معاملات و صراحت آن در اعلام اراده، قائل به کفایت کتابت برای انعقاد عقد نکاح هستند (سبحانی، بی تا، ج ۱: ۱۲۴). برخی دیگر کتابت را، ارجح تر از لفظ دانسته و معتقدند مقایسه نوشتار با لفظ، کاری بیهوده است، زیرا نوشتار ماندگار است و قابل انتقال؛ به طوری که عرف ایجاب و قبول نوشته شده را بیشتر می‌پسندند زیرا که در مواقع نزاع و درگیری می‌تواند به آن استناد کرده و بر صحت گفتار خود مدرک ارائه دهند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵ ه. ق: ۱۲۴). برخی معتقدند در جهت ابراز بیرونی عقود، کتابت بهترین روش بوده و از لفظ قابل اعتمادتر است (سبزواری، ۱۴۱۳ ه. ق. ج ۲۴: ۲۱۸).

در فقه عامه دو دیدگاه کلی ارائه شده است: دیدگاه نخست به فقهایی مذاهب شافعی، مالکی و حنبلی اختصاص دارد که قائل به بطلان نکاح از طریق کتابت هستند. این دسته از فقها معتقدند که به وسیله نوشته نکاح معتقد نمی‌شود، خواه هر دو طرف حاضر باشند، خواه یکی غائب باشد؛ زیرا نوشته به منزله کنایه است و با الفاظ کنایی نکاح منعقد نمی‌شود، مضافاً این که شهود از نیت طرفین عقد آگاهی کافی ندارند. دیدگاه دوم به حنفیان اختصاص دارد، حنفیه نکاح کتبی را صحیح می‌دانند و معتقدند اگر یکی از طرفین غایب بوده و نامه حاوی ایجاب را برای طرف دیگر عقد ارسال کند و مخاطب ایجاب پس از

اطلاع از مفاد نامه، قبول کند، عقد منعقد می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۷) البته نوشته باید در برابر شهود قرائت شود تا آنان ایجاب و قبول را بشنوند (الزحیلی، ۱۴۰۴ ه ق، ج ۷: ۴۶).

۳-۲. دیدگاه حقوق دانان

قانون مدنی در خصوص ابراز اراده در عقد نکاح، عقیده مشهور فقهای امامیه را پذیرفته و طبق ماده ۱۰۶۲ این قانون، انعقاد نکاح تنها از طریق لفظ صحیح است.

برخی حقوق دانان معتقدند در گذشته به دلیل کمبود باسوادان نوشته امری دشوار و مشکل بود؛ اما امروزه که شمار باسوادان به مراتب بیش تر شده و نوشته جایگاه بالایی یافته به طوریکه نسبت به الفاظ در بیان اراده محکم تر بوده و از استواری بیشتری برخوردار است تا جایی که قانون گذار، برای اسناد نسبت به اظهارات شفاهی ارزش بیشتری قائل شده است؛ درواقع جانشینی کتابت بر لفظ مطابق با مقتضیات زمان و قوانین جدید است؛ بنابراین نوشته ای که صریحاً بر قصد نکاح دلالت کند، به منزله لفظ است (صفایی و امامی ۱۳۸۵، ج ۱: ۴۶-۴۷).

به عقیده برخی نویسندگان، الفاظ در عقد نکاح موضوعیت ندارند و اعتبار آن طریقی است و به همین دلیل، در حالت عادی نیز کتابت یا طرق دیگر اعلام اراده، با فرض صریح بودن آن در بیان قصد باطنی، می تواند جایگزین لفظ شود؛ زیرا فقها در جست و جوی راهی برای اعلام صریح قصد باطنی بوده اند و به همین دلیل به لفظ روی آورده اند (محقق داماد، ۱۳۹۷).

تردیدی نیست که امروزه به دلیل ماندگاری بیشتر نوشته و سهولت بکارگیری آن در بین عرف، از اعتبار بیشتری نسبت به الفاظ برخوردار است. علاوه براین از آنجا که در عقد نکاح حضور شهود ضروری نیست در چنین حالتی در مواقع نزاع راه کشف حقیقت مسدود است؛ به همین دلیل در نکاح برای غایت احتیاط توافقات را مکتوب می کنند (صفایی و امامی ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۰۷-۱۰۸). ازاین رو، اگر طرفین قصد ازدواج داشته باشند و این تصمیم را به شکل صریح اعلام کنند، به گونه ای که عرفاً انشاء زوجیت صدق کند، عقد صحیح است و زوجیت ایجاد می شود (علمی و بلوردی، ۱۳۹۷)؛ مانند این که زن و مردی که قصد ازدواج دارند ایجاب و قبول خود را به طور کتبی اعلام کنند. بدین لحاظ بایستی ارزش نوشته در انعقاد و انحلال عقود به ویژه عقد نکاح، توسط فقها و حقوق دانان مورد تجدید نظر قرار بگیرد.



۴. موانع مشروعیت نکاح کتبی

موانع اساسی انعقاد نکاح به صورت کتبی را می توان به دودسته موانع عام و خاص تقسیم کرد. مراد از موانع عام، موانعی هستند که وجود هرکدام از آن ها موجب می شود که عقد به وجود آمده را صحیح ندانیم؛ اعم از آن که این عقد کتبی باشد یا خیر. موانع خاص آن دسته از موانعی هستند که انعقاد عقد نکاح از طریق ابزارهای دیگری جز لفظ را باطل می دانند.

۴-۱. موانع خاص

۴-۱-۱. آیات قرآن: بعضی از فقها آیه ۲۱ سوره نساء را با توجه به تفسیر روایی آن، بر موضوع بحث تطبیق داده و از آن، بی اعتباری نکاحی که با لفظ منعقد نمی شود را نتیجه می گیرند. مطابق روایتی، کلمه «میثاقاً غلیظاً»، بر الفاظ عقد نکاح منطبق است.

برید بن معاویه عجللی از امام باقر (ع) راجع به تفسیر عبارت «میثاقاً غلیظاً» پرسید. امام فرمود: «میثاق همان کلمه ای است که با آن نکاح واقع می شود» (کلینی، ۱۴۰۷ ه ق، ج ۵: ۵۶۱؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ه ق، ج ۲۰: ۲۶).

برخی از فقها، روایت بزید را دلیل بر لزوم صیغه در عقد نکاح دانسته (نراقی، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۱۶: ۸۴) و معتقدند که این روایت بر اعتبار لفظ و نیز عدم کفایت رضایت قلبی، بلکه بر عدم کفایت تلفظ به غیر الفاظ معین دلالت واضح دارد (خویی، بی تا، ج ۳۳: ۱۲۹).

گروهی از فقها در دلالت روایت فوق بر مورد بحث اظهار داشته اند که آیه فوق، تنها ناظر بر مورد متعارف انشاء عقد است، استدلالی به روایت بر مطلوب نمی توان کرد (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ه ق، ج ۹: ۳۱۱۰). به تعبیر دیگر، این آیه حداکثر، درستی نکاح با صیغه را اثبات می کند و این مستلزم بی اعتباری نکاح بدون صیغه نیست. بدین ترتیب روایت دلالتی بر موضوع بحث ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ج ۱: ۸۹).

۴-۱-۲. روایات: از آنجاکه روایاتی که در خصوص لزوم لفظ در نکاح است مشکل سندی یا دلالتی دارند از ذکر آن در این قسمت خودداری می کنیم. شاید به همین دلیل است که بسیاری از فقها در مقام استدلال بر بطلان نکاح غیرلفظی، به روایت فوق استناد نکرده اند. بلکه تنها دلیل خود را اجماع فقها امامیه بر لزوم لفظ در نکاح می دانند که در ادامه بحث می کنیم.

۳-۱-۴. اجماع: فقهای امامیه اجماع بر لزوم وجود صیغه در امر نکاح را مطرح کردند. در ادامه به چند دسته از نظرات فقها در این خصوص می‌پردازیم:

الف: عده‌ای از فقها ادعای اجماع علمای اسلام بر لزوم صیغه در نکاح را مطرح کردند (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۲۳: ۱۵۶؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ ه ق، ج ۱۱: ۱۰؛ انصاری، ۱۴۱۵ ه ق: ۷۷؛ موسوی عاملی، ج ۱: ۲۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۱۴: ۳۶۸-۳۶۷) برخی از آنان وجود صیغه در نکاح را از ضروریات دین پیامبر (ص) می‌دانند (نراقی، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۱۶، ص ۸۴). چنین فقهای اجماع را در شرطیت لفظ در نکاح می‌دانند.

ب: گروهی دیگر از فقها ایجاب و قبول لفظی در نکاح را شرط می‌دانند، بدون آن‌که به اجماع استناد نمایند (نجفی، ۱۴۱۵ ه ق، ج ۳۹: ۱۳۲).

ج: دسته سوم، فقهای هستند که الفاظ خاصی را که نکاح با آن منعقد می‌شود، مورد بحث قرار داده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ ه ق، ج ۴: ۱۹۳؛ حلی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۱۷-۲۱۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ ه ق، ج ۲: ۵۷۴؛ طوسی، ۱۴۰۸ ه ق: ۲۹۱-۲۹۲؛ اصفهانی (فاضل هندی)، ۱۴۱۶ ه ق، ج ۷: ۴۳؛ عاملی (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه ق، ج ۷: ۸۵؛ کرکی، ۱۹۹۳ ه ق، ج ۱۲: ۶).

برخی دیگر از فقها الفاظ خاصی که نکاح با آن منعقد می‌شود را مطرح کرده و در این خصوص ادعای اجماع می‌کنند (حلبی، ۱۴۱۷: ۳۴۲-۳۴۱؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۷ ه ق: ۳۲۵-۳۲۴).

باید گفت که تصریح برخی از فقها به اجماع بر الفاظ مخصوص در عقد نکاح، ظهور در انشاء عقد نکاح با الفاظی است که دلالتشان بر قصد ایجاد زوجیت تام باشد و این اجماع ظهور در عدم سببیت غیر لفظ در انعقاد نکاح ندارد؛ به عبارتی منافاتی میان قول به صحت نکاح به غیر لفظ و عدم صحت نکاح با الفاظی مثل اباحه، هبه و عاریه وجود ندارد (محقق داماد و جلالی، ۱۳۹۸).

بنابراین نظر فقها صرفاً بر مبنای انشاء نکاح با الفاظی است که صریح در معنای نکاح باشد و از عبارات هیچ‌کدام از ایشان اشتراط لفظ برداشت نمی‌شود. بلکه مقصود ایجاب و قبولی است که صراحت در انشاء داشته باشد و احتمال دیگری جز انشاء نکاح از آن الفاظ برداشت نمی‌شود (اراکي، ۱۴۲۷ ه ق: ۷۰-۶۷). بنابراین اگر ابزار دیگری جز لفظ، چنین ویژگی‌هایی داشته باشد، می‌تواند سبب انشاء و انعقاد نکاح شوند (محقق داماد، ۱۳۹۷).



با جمع‌بندی آراء فقها درمی‌یابیم که اجماع ادعایی کاشف از رأی معصوم نبوده و حجیت ندارد؛ زیرا اجماع محصل مختص به عصر غیبت است، درحالی‌که چنین اجماعی وجود ندارد؛ حتی اگر قائل به اجماع منقول در این زمینه شویم، طبق نظر برخی اصولیون همچون شیخ انصاری و مرحوم مظفر، در این اجماع منقول به خبر واحد (به‌جز اجماع دخولی)، فقط اقوال عالمان حکایت می‌شود و خبر دادن از اجماع به قول امام، حدسی است و شامل اخبار حسی نمی‌شود (مظفر، بی‌تا، ج ۱: ۱۱۴-۱۱۶؛ محقق-داماد، ۱۳۹۷) لذا مبانی حجیت اجماع در این مسئله وجود ندارد.

به‌نظ می‌رسد که فقها به‌دنبال یافتن راهی برای اعلام صریح قصد باطنی هستند و به‌همین دلیل به لفظ روی آورده‌اند. بنابراین اعتبار لفظ طریقی بوده‌است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که اگر ابزار صریح دیگری نیز غیر از لفظ یافت شود، کفایت می‌کند و دلیلی ندارد که وسیله اعلام اراده منحصر در لفظ باشد (محقق‌داماد، ۱۳۹۷). به هر شکل می‌توان گفت اکتفا به کتابت در عقد نکاح با توجه به اهتمام شارع به امر فروج مخالف احتیاط است و کسی که برخلاف احتیاط عمل کرده نمی‌توان عقد وی را باطل دانست (مکارم شیرازی ۱۴۲۲ه ق: ۱۰۶-۱۲۴).

۲-۴. موانع عام

۲-۴-۱. اتحاد مجلس ایجاب و قبول: توالی به معنای فاصله نیفتادن میان ایجاب و قبول است. از نظر فقهی توالی عرفی ایجاب و قبول، شرط صحت کلیه عقود به‌شمار می‌رود (عاملی، (شهید اول)، بی‌تا، ج ۱: ۲۳۴)؛ و چنین استدلال می‌شود که عقد به‌منزله هیئت اتصالیه بین ایجاب و قبول است؛ به عبارت دیگر ایجاب و قبول در حکم کلام واحد و قرارداد است و باید هیئت عرفی این عقد حاصل شود و در شرایط وجود فاصله طولانی بین ایجاب و قبول عنوان عقد بر آن صدق نمی‌کند (انصاری، ۱۴۱۵ه ق، ج ۳: ۱۵۹-۱۵۸).

مشهور فقهای امامیه معتقدند که وحدت مجلس ایجاب و قبول به‌خودی‌خود اعتباری ندارد، بلکه توالی را معتبر می‌دانند و به‌طوری‌که هدف از اتحاد مجلس ایجاب و قبول آن است که فاصله زیادی میان ایجاب و قبول واقع نشود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹: ۱۴۳).

بسیاری از فقهای معاصر معتقدند که عقد ربط یکی از دو التزام به دیگری و ربط یکی از دو قرار به قرار دیگر است و حقیقت عقد ربط دو قرار معاملی، نه وصل و اتصال بین ایجاب و قبول است. در نتیجه

فاصله زمانی طولانی جایی مانع تحقق این ارتباط است که اعراض موجب از آن استنباط شود (اصفهانی کمپانی) (۱۳۷۴: ۱: ۲۸۳).

در بین اهل سنت، حنفی اتحاد مجلس ایجاب و قبول را شرط می‌داند اما فرقه شافعی، مالکی و حنبلی به صراحت اتحاد مجلس را ذکر نکردند و معتقدند معیار پیوستگی عرف است نه اتحاد مجلس؛ بنابراین تا زمانی که عملی از نظر عرف اعراض از عقد نباشد عقد محقق می‌شود زیرا که منظور از اتحاد مجلس متعاقدين اتحاد زمانی است نه مکانی (مغنیه، ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۲: ۲۹۴).

اصل توالی بین ایجاب و قبول مورد اتفاق حقوقدانان نیز هست؛ یعنی قبول باید در زمانی انجام شود که عرف آن را مربوط به ایجاب بداند (محقق داماد، ۱۳۹۷). در قواعد عمومی قراردادها به اصل توالی بین ایجاب و قبول اشاره‌ای نشده است؛ اما در مورد نکاح، ماده ۱۰۶۵ اعلام می‌کند: «توالی عرفی ایجاب و قبول شرط صحت عقد است». البته این ماده ویژه نکاح نیست، بلکه جزء قواعد عمومی معاملات محسوب می‌شود.

ملاک توالی برحسب اشکال مختلف تشکیل معامله، متفاوت است؛ مثلاً در عقود که از طریق مکاتبه است، ممکن است بین ایجاب و قبول آن چند روزی فاصله شود، ولی این مقدار فاصله با توجه به نحوه تشکیل عقد، به توالی عرفی ایجاب و قبول لطمه نخواهد زد (شهیدی، ۱۳۸۰). به عبارت روشن‌تر ملاک صحیح حصول موالات این است که موجود اعتباری ناشی از ایجاب هنوز در ظرف اعتبار باقی باشد. بر اساس این ملاک است که در عقد غایبین با وجود اینکه فاصله ایجاب و قبول زیاد است، موالات وجود دارد.

پس معیار توالی ایجاب و قبول، عرف است؛ یعنی عملی که در عرف به عنوان اعراض از عقد به شمار رود، موجب عدم انعقاد نکاح می‌شود. این قاعده در عقد نکاح کتبی، زمانی که طرفین حاضر ولی اعلام اراده کتبی است نیز مورد پذیرش است و مشکلی وجود نخواهد داشت چراکه ایجاب و قبول بدون وقفه است و توالی رعایت می‌شود. ولی چنانچه ارتباط طرفین از طریق مکاتبه باشد و طرفین غایب باشند مدت متعارف لازم بر آن، با توجه به بعد مسافت و سرعت ابزار ارتباطی در نظر گرفته می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۷). با توجه به ضابطه و معیار تعیین شده برای عقود مکاتبه‌ای غایبی در بند ۲ ماده ۷ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی: «ایجاب باید در مدت زمانی که ایجاب دهنده تعیین کرده است قبول شود، در حالی که زمانی تعیین نشده باشد، با توجه به اوضاع و احوال از جمله سرعت وسایل ارتباطی که از سوی



ایجاب دهنده به کار گرفته شده است، باید قبول در زمانی متفاوت انجام شود...» می‌توانیم قائل به صحت این دست از عقود شویم. وجود وقفه در ایجاب و قبولی که از طریق مکاتبه اعلام می‌شود، متعارف بوده و خود نوعی توالی ایجاب و قبول به شمار می‌رود.

۲-۲-۴. حضور شاهد: جمهور فقهای مذاهب اهل سنت به جز فرقه مالکی، نکاح بدون حضور شهود را فاسد می‌دانند؛ در واقع قائل بر لزوم حضور شاهد در نکاح است (مغنیه، ۱۴۲۱ ه. ق؛ الزحیلی، ۱۴۰۶ ه. ق)؛ مستند این گروه روایات نقل شده از رسول خدا (ص) است: «ازدواج دائم فقط با وجود ولی و دو شاهد است» (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه. ق.) و «نکاحی نیست مگر با حضور شهود» (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۳).

حقوق‌دانان اهل سنت معتقدند یکی از دلایل نپذیرفتن نکاح کتبی بین اهل سنت این است که معتقدند شهادت بر کتابت امکان‌پذیر نیست (یودی، بی-تا، ۱۱۴)؛ در حالی که نمی‌توان آن را مانع دانست بلکه مطابق نظر فقهای حنفی شهادت با آگاهی بر محتوای کتابت تحقق می‌یابد.

مشهور فقهای امامیه بالاتفاق صحت نکاح را منوط به حضور شاهد نمی‌دانند و نکاح بدون حضور شاهد را معتبر می‌دانند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹؛ عاملی، (شهید ثانی) ۱۴۱۰ ه. ق، ج ۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ ه. ق، ج ۴).

۲-۳-۴. عدم اعتبار اراده از طریق کتابت: همان‌طور که اشاره شد کتابت به‌عنوان یکی از طرق اعلام اراده است، اما فقها و حقوق‌دانان پیرامون جواز انعقاد نکاح با مکاتبه، اختلاف نظر دارند. به-طوری‌که در فقه اهل سنت به‌غیر از فرقه حنفیه بقیه فرقه‌ها نکاح با کتابت را بر فرد قادر بر تکلم جایز نمی‌دانند. در بین فقهای امامیه نیز مشاهده نمی‌شود که کسی نکاح از طریق کتابت را جایز بداند. عده‌ای نیز به‌صراحت آن را باطل می‌دانند. برخی از حقوق‌دانان معاصر نیز بر فرد قادر بر تکلم کتابت را جایز نمی‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۸۴؛ محقق داماد، ۱۳۹۰).

با این حال باید گفت نوشته مانند لفظ می‌تواند مفاهیم و مقاصد را به‌روشنی بیان کند و برخلاف نظر برخی فقها در دلیل نپذیرفتن کتابت در نکاح، کتابت از کنایات نیست بلکه از میرزات صریح دال بر قصد است برخی از فقها در این رابطه به روح حاکم در برخی ماده‌قانونی (مواد ۱۲۸۲ به بعد) و مواد ۲۶ به بعد اسناد رسمی استناد کرده‌اند و باتوجه به اینکه در عقد رضایی خصوصیات خاصی در به‌کار بردن لفظ نیست با تکیه بر نظریه حاکمیت اراده باطنی در فقه، اگر طرفین قصد نکاح داشته باشند و با

کتابت ایجاب و قبول کنند، کفایت می‌کند. به‌طوری‌که عدم پذیرش کتابت به‌عنوان وسیله اعلام اراده در کنار لفظ سخنی برخلاف روح قوانین جدید و مقتضیات زمان است (صفایی و امامی، ۱۳۸۵، ج ۱). از سوی دیگر باتوجه به اینکه دلیل تأکید قانون‌گذار بر تلفظ به خاطر اطمینان از ایجاد عقد و پیدایش رابطه زوجیت است و اگر نه دلیلی ندارد که بگوید الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد نکاح کند را معتبر بداند، بنابراین اگر کتابت به‌صورت مطلوب‌تری دلالت بر قصد نکاح کند، دلیلی وجود ندارد که ابزار اعلام اراده در نکاح، منحصر در لفظ باشد.

۴-۲-۴. عدم احراز اراده: در عقد نکاح متعاقدين باید جازم و قاطع باشند و قصد انعقاد عقد را داشته باشند؛ لذا قصد طرفین از شرایط اساسی نکاح است. برخی معتقدند که در نکاح کتبی احراز اراده ممکن نیست و چنین استدلال می‌کنند که کاتب ممکن است وانمود کند عقد را منعقد می‌کند درحالی‌که مفاد آن را نمی‌خواهد در نتیجه چنین تصویری شکل می‌گیرد که به دلیل فقدان اراده، نکاح کتبی باطل است. درحالی‌که چنین نیست:

یک، احراز قصد انشاء و اراده جازم متعاقدين از طریق قرائنی چون مشاهده اعمال و اقوال متعاقدين امکان‌پذیر است. در نتیجه اگر فرد الفاظ و عباراتی را بکار برد، به‌طوری‌که صریحاً دلالت بر انعقاد عقد کند، بر پایه اصل ظهور و بنای عقلا، باید اصل را بر انعقاد عقد گذاشت و اثبات عدم انعقاد عقد، بر عهده مدعی آن است (محقق داماد، ۱۳۹۷).

دو، به شرطی می‌توان عقد را صوری دانست که ثابت شود اعمال و اقوال متعاقدين ساختگی است در عرف اقوال و نوشته‌ها از طرق اعلام اراده است که اثبات صوری بودن آن‌ها به دشواری پذیرفته می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۸).

سه، پاره‌ای از شواهد و قرائن می‌تواند بیانگر اراده جدی در نکاح کتبی باشد. به‌طور مثال خواستگاری و دوران آشنایی پیش از انعقاد عقد و به‌کارگیری امضا در ایجاب و قبول می‌تواند اطمینان کافی ایجاد کند. بنابراین کتابت از مبرزات صریح دال بر قصد است و احراز اراده در آن امکان‌پذیر است.

۴-۲-۵. احتمال تزویر در کتابت: یکی از دلایل مهم مخالفین عقد کتبی، احتمال تزویر و تقلب در آن است. و در این زمینه به روایاتی استناد می‌شود از جمله داستانی که در آن، دو یهودی در زمان یکی از خلفا به نامه‌ای از پیامبر اکرم (ص) با این محتوا که پیامبر از آن‌ها جزیه نگرفته است، استناد کرده و چند تن از صحابه را نیز شاهد گرفتند. درحالی‌که چنین ادعایی از پایه دروغ بود و گواهان نیز بر آن



گواهی دروغ دادند (حسینی شیرازی، ۱۳۶۶ه ق، ج ۸۶). بنابراین وجود چنین حوادثی و روایاتی در این زمینه، منجر شد که رفته رفته به کتابت اعتماد نشود و تنها به نوشته‌هایی اعتماد می‌شد که شاهدانی راست‌گو آن را مورد تأیید قرار داده و خط را شناسایی و انطباق نوشته با داستان واقعی را نیز گواهی دهد؛ بنابراین اگر گواهان نوشته و داستان مربوط به آن را تأیید نکنند، نمی‌توان به آن نوشته اعتماد کرد و آن از اعداد ادله خارج خواهد شد. در این رابطه به روایتی صحیحیه از عمر بن یزید اشاره شد: «عمر بن یزید گفت: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: مردی مرا بر گواهی گواه گرفت، خط و مهر خود را شناسایی کردم ولی از داستان آن خط و مهر تنها چیز کمی به خاطر دارم و دانسته‌ی من زیاد نیست. (برای گواهی دادن چه کنم؟) حضرت به من فرمود: هرگاه دوست تو فرد راست‌گویی باشد و به همراه تو مرد راست‌گو درستکاری باشد به نفع او گواهی بده» (کلینی، ۱۴۰۷ه ق، ج ۷: ۳۸۲).

علاوه بر این، مخالفین کتابت به روایات دیگری از امام رضا (ع) استناد کردند: «هرگاه مردی نوشته‌ای در دست داشت که به خط خودش و مهرش ممهور باشد و چیزی از داستان آن را به خاطر نداشته باشد، نمی‌تواند بر اساس آن نوشته گواهی دهد. زیرا نوشته قابل جعل است (مشابه خواهد داشت) مگر آنکه دارنده‌ی آن شخص راستگو باشد و گواهی نیز صحت گفتار او را تأیید کند» (نوری مازندرانی، ۱۴۰۷ه ق، ج ۱۷).

این روایت موثق و مسند است و تمامی راویان این روایت امامی مذهب است (نرم‌افزار رجالی داریه النور، noorsoft.or) عده‌ای از فقها با استناد به این روایات معتقدند: «گواهی دادن جایز نیست مگر آنکه موضوع مورد گواهی به یاد آید». لذا به نوشته اعتماد نمی‌شود مگر آنکه ایمن از تزویر باشد (شهید اول، ۱۴۱۷ه ق، ج ۲).

همه روایات و بررسی‌های فقهی، صرف تزویر را به عنوان دلیل اصلی عدم پذیرش کتابت می‌دانند (محقق داماد، ۱۳۹۷)؛ در حالی که می‌توان با راهکارهایی امکان تزویر را کاهش و یا به کل از بین برد؛ که در این حالت کتابت بهترین راه برای ثبت اطلاعات خواهد بود. در نکاح کتبی با کسب اطلاع از نیت و قصد طرفین، وجود قرائن و شواهدی همچون آشنایی طرفین قبل از عقد، خواستگاری، امضاء نامه حاوی ایجاب و قبول، اطمینان به نوشته بیشتر شده و احتمال تزویر کاهش می‌یابد.

۵. ادله مشروعیت نکاح کتبی

۵-۱. آیات: یکی از مهم‌ترین ادله صحت نکاح کتبی، آیه «یا ایها الذین آمنوا أوفوا بالعقود...» (مانده، آیه ۱) و آیه «و اوفوا بالعهد انّ العهد کان مسئولاً» (اسراء، آیه ۳۴) است که بر لزوم وفای به عهد و پیمان دلالت دارند. نحوه استدلال به دو آیه فوق این است که خداوند سبحان بر لزوم پابندی به عقد و عهد فرمان داده است. این کلمه عام و شامل هر توافقی که عنوان عقد بر آن صادق باشد، می‌شود؛ اعم از عقود که در بین مردم جریان دارد یا عهدی که اشخاص با خود می‌بندند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه ق، ج ۵).

باتوجه به عمومات این آیات، نکاح کتبی داخل در «أوفوا بالعقود» است؛ در توضیح باید گفت؛ در نکاح کتبی برخلاف نکاح معاطاتی، ایجاب و قبول بین زن و مرد انجام می‌شود. درواقع در عقد بودن آن دسته از اعمال حقوقی که با ایجاب و قبول کتبی محقق می‌شود، شک و تردیدی وجود ندارد؛ چراکه همه فقها در صحت عقد نکاح اخرس با ایجاب و قبولی کتبی اتفاق نظر دارند و توکیل در عقد را برای وی ضروری نمی‌دانند؛ بنابراین در صحت این نوع عقد اختلاف نظری وجود ندارد؛ اما به دلیل احتیاطی که شارع مقدس در خصوص شرایط نکاح دارد، شک در صحت آن از نظر شرع ایجاد می‌شود که با توجه به صحت این عقد از حیث عرفی، داخل در «أوفوا بالعقود» و عمل به آن واجب می‌شود. درواقع با عنایت به این‌که در ابواب معاملات اساس بنا عقلا است، یعنی عقلا هر چیزی را که عقد و معامله دانستند، شارع امضاء کرده است و هر چیزی که عقد عقلانی محسوب شود، داخل در تحت عنوان «أوفوا بالعقود» است و کتابت نیز به عنوان انشاء عقد در بین عقلا در گذشته متعارف بوده و در حال حاضر رواج گسترده‌ای یافته است؛ لذا «أوفوا بالعقود» تمام عقود را که انشائش با کتابت است شامل می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۷).

علاوه بر این خداوند در برخی آیات قرآن کریم از مشروعیت و حلیت انعقاد نکاح سخن به میان آورده است، بی‌آنکه شیوه‌ای خاصی را برای انعقاد آن بیان کند و چگونگی و آیین آن را به عرف سپرده است از جمله آیه ۳۲ سوره نور و ۲ سوره نساء.

امر به نکاح در آیات فوق بدون قید و به‌طور مطلق آمده است؛ لذا با توجه به اطلاق حکمی آیات می‌تواند قائل به صحت نکاح اعم از لفظی یا کتبی شد؛ به عبارتی با توجه به آیه دوم که شارع شرایط نکاح و تعدد زوجات را بیان می‌کند، مشخص می‌شود که ایشان در مقام بیان بوده است (همان). بنابراین



با توجه به اطلاق در آیات مزبور، می‌توان حلیت و جواز نکاح با هر وسیله و شکل منطقی و عقلایی موردپذیرش عرف را به‌دست آورد.

علاوه بر این، آیه ۲۸۲ سوره بقره به‌عنوان طولانی‌ترین سوره قرآن نیز دلیل محکم بر مشروعیت کتابت و حجیت آن در نزد شارع مقدس است، خداوند در این آیه به نگارش قرارداد دین اشاره کرده و آن را بهترین کار می‌داند. به‌ویژه عبارت «وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ» که عموم این آیه تفاوتی میان اخرس و غیر آن ندانسته و آن را بهترین کار معرفی کرده و به نویسنده نیز دستور داده تا به نگارش بپردازد؛ به‌طوری‌که آن را موافق بانظم و عدالت دانسته است. محقق اردبیلی مستفاد از آیه کریمه مواردی را ذکر می‌کند: تأکید آیه شریفه بر کتابت، دلالت بر این دارد که نوشته به‌عنوان یک حجت مستقل شرعی نزد شارع مقدس مطرح است. اینکه برخی فقها آن را معتبر نمی‌دانند، سبب عدول آن‌ها از ظاهر آیه شریفه و رویکردشان بر عدم اعتبار نوشته، تنها به خاطر وجود اجماع و اخبار است. آن‌ها بنا را بر این نهاده‌اند که نوشته کنایی است و دلیل و حجت به‌شمار نمی‌رود. از سویی امکان دارد نوشته فی‌الجمله دارای حجت باشد، نه بالجمله (اردبیلی، بی‌تا: ۴۵۵).

۵-۲. سنت: یکی از روایاتی که در منابع مختلف سنی و شیعه نقل شده، روایتی است که بیانگر حاکمیت اراده است: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَّا نَوَى...» (شهیدثانی، ج ۱؛ بخاری، ۱۳۱۱، ج ۱). در فقه امامیه این روایت به شکل قاعده «العقود تابعه للقصود» تجلی‌یافته است (نراقی، ۱۳۷۵ه ق)، بیانگر این است که الفاظ و اعمال و اقوال متعاقدين اگر به‌قصد انشاء عمل حقوقی ایجاد شوند واجد اثر حقوقی خواهند بود. در حقوق اصل حاکمیت اراده چنین اقتضایی دارد (صفایی، ۱۳۸۲). نظریه حاکمیت اراده مورد تأیید جمعی فقهای اهل سنت و امامیه قرار گرفته است (نابینی، ۱۳۵۸ه ق، ج ۱ و قمی، بی‌تا) براساس این قاعده، قصد درونی و اراده باطنی افراد نقش اصلی و سازنده را در معاملات به عهده دارد و الفاظ و سایر وسایل اعلام اراده فقط دارای جنبه کاشفیت هستند. این نکته باتوجه به نظر مشهور در عدم لزوم عبارات خاص در نکاح، می‌تواند مشروعیت نکاح کتبی را تقویت کند.

امروزه در بین فقیهان معاصر کمتر فقیهی در عدم خصوصیت و عدم ضرورت لفظ برای ابراز اراده تردید می‌کند و عموماً انشای عقد و ابراز قصد را به هر شیوه عقلایی امکان‌پذیر می‌دانند. درواقع فقهای معاصر ابزارهای اعلام اراده را منحصر در لفظ نمی‌دانند و معتقدند اعتبار لفظ در نظر فقها طریقی است

نه موضوعی. از طرفی با توجه به جایگاه امروزی کتابت در نزد عقلا برخی معتقدند که در جهت ابراز بیرونی عقود کتابت بهترین روش بوده و از لفظ قابل اعتمادتر است (سبزواری، ۱۴۱۳ه ق، ج ۲۴)؛ بنابراین از آنجاکه عقد نکاح عقد رضایی است علاوه بر این خصوصیات خاصی در بکار بردن لفظ در نکاح شرط نیست لذا اگر طرفین قصد نکاح داشته باشند و ایجاب و قبول را به صورت کتبی اعلام نمایند دلیلی بر بطلان آن نخواهد بود.

۳-۵. بنای عقلا: با توجه به اینکه در امور اعتباری اساس بنای عقلاست و در صورتی که ردعی از جانب شارع نباشد بناء شارع مقدس بر امضاء احکام است. کتابت به عنوان انشاء عقد در گذشته بین عقلا متعارف بوده است، اگرچه این امر در حال حاضر با توجه به افزایش سواد و رواج انعقاد معاملات از طریق نوشته بیشتر شده است؛ با توجه به آنکه تشخیص موضوعات به عهده عرف است و اساس بناء عقلا است، هر عقدی که مورد تأیید عقلا محسوب شود، داخل در تحت عنوان «أوفوا بالعقود» است و أوفوا بالعقود تمام عقودی را که انشائش با کتابت است، شامل می شود. از سوی دیگر، اگر گفته شود که عنایت عقلا به کتابت در گذشته به جهت ثبت و ضبط انشاء عقود بوده و در آن قصد انشاء وجود نداشته، می توان گفت اکنون عرف و سیره عقلا بر این امر است که قصد انشای خود را کتبی اعلام کنند؛ در واقع موضوع حکم در حال حاضر انشای کتبی است؛ در نتیجه انکار صحت عقد کتبی صحیح نیست (محقق-داماد، ۱۳۹۷). به طوری که از نظر برخی اگر بین عرف کتابت رایج باشد با استناد به روایت «لکل قوم النکاح» می توان نکاح کتبی را مشروع دانست (سبحانی، ۱۴۱۶ه ق، ج ۱).

۶. نتیجه گیری

بر اساس آنچه گذشت، کتابت به عنوان یکی از طرق اعلام اراده با ارتقاء سواد و رواج آن در بین مردم، در زمینه های بیشتر مورد استفاده و بسیاری از اعمال حقوقی و تصرفات قانونی از این طریق انجام می گیرد؛ یکی از این تصرفات حقوقی نکاح کتبی است؛ در حالی که بر اساس اقوال فقهای مذاهب اسلامی و حقوق دانان، اصل، لفظی بودن صیغه در نکاح است.

در چند دهه اخیر با ارتقاء جایگاه و اعتبار کتابت و استحکام آن نسبت به لفظ، بسیاری از حقوق-دانان و فقهای معاصر معتقدند، کتابت با فرض صریح بودن آن در بیان قصد باطنی، می تواند جایگزین لفظ شود.



بنابراین، پس از استقراء ادله و بررسی دلایل، این نتیجه حاصل می‌شود؛ با توجه به فقدان دلیل معتبر بر لزوم وجود لفظ در عقد نکاح و عدم حجیت اجماع به‌عنوان مهم‌ترین دلیل مخالفان کتبی بودن نکاح و از آنجاکه اعتبار لفظ در نظر فقها طریقی بوده و موضوعیت ندارد و با استناد به اطلاقات و عمومات در برخی آیات از جمله «اوفوا بالعقود»، آیات مربوط به نکاح مانند آیه ۳ سوره نساء «فانکحوا ما طاب لکم من النساء...» و آیه ۳۲ سوره نور «وانکحوا الایامی منکم و الصالحین من عبادکم و امانکم...» و حجیت کتابت در آیه ۲۸۲ سوره بقره، همچنین با توجه به صراحت و شفافیت نوشته، انکار صحت عقد نکاح کتبی صحیح نیست و می‌توان قائل به پذیرش انعقاد نکاح از طریق نوشته شد.

ملاحظات اخلاقی

رعایت اخلاق پژوهش: این مقاله با رعایت اصول اخلاق پژوهش -های انسانی انجام شد.
حمایت مالی: مطالعه حاضر بدون حمایت مالی سازمان یا شخص دیگر انجام شده است.
سهم نویسندگان: نویسنده اول، راهنمایی پژوهش و نویسنده دوم نگارش پژوهش را بر عهده داشتند.
تضاد منافع: این پژوهش به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با منافع حقوقی و حقیقی تعارض ندارد..
دسترسی به داده‌ها: به دلیل نوع و روش پژوهش مورد استفاده، هیچ داده‌ای در طول این مطالعه تولید یا تجزیه و تحلیل نشد.

منابع

- ابن ادریس، محمد. (۱۴۱۰ه.ق). السرائر، جلد دوم، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. [لینک]
- اراکي، محمدعلی. (۱۴۲۷ه.ق). دراسه حول حکم المعاطاه فی النکاح. مجله فقه اهل بیت، شماره ۴۳، ص ۶۳ تا ۸۰ [لینک]
- اردبیلی، احمد. (بی‌تا). زبیده البیان، المكتبة الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران [لینک]
- اصفهانى، محمد سینح. (۱۳۷۴ه.ق)، نهایی الدرایه فی شرح الکفایه، ج ۲، قم انتشارات سید الشهداء. [لینک]
- اصفهانى، محمد حسین. (۱۴۱۸ه.ق)، حاشیه کتاب المکاسب (ط - الحدیث)، ج ۱ و ۳، چاپ اول، قم انوالمهدی. [لینک]
- اصفهانى، محمد. (۱۴۱۶ه.ق). کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحکام، ج ۷، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. [لینک]
- امامی، سید حسن. (بی‌تا). حقوق مدنی. جلد ۴، چاپ ۱۴، تهران اسلامیه.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۰ه.ق). المکاسب (ط - الحدیث)، جلد سوم، چاپ اول، قم، گنجره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری. [لینک]
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵ه.ق). کتاب النکاح، چاپ اول، قم، گنجره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری. [لینک]

- بجنوردی سیدحسن. (۱۳۹۱ق). قواعد الفقهیه، ج ۳، نجف مطبعه الاداب[لینک]
- بحرانی، ال عصفور. (۱۴۰۵). الحدائق الناضرة، چاپ اول، قم جامعه مدرسين[لینک]
- البخاری، محمد. (۱۳۱۱ه.ق). صحیح البخاری باب کیف کان بد اوحی، ج ۱، بی چا، مصر، مکتبه الامیریه[لینک]
- ترمذی، محمدبن عیسی. (۱۳۹۵ه.ق)، سنن الترمذی، جلد ۳، مصر، مطبعه مصطفی البابی الحلبي[لینک]
- حرّ عاملی، محمد. (۱۴۰۹ه.ق). وسائل الشیعہ، ج ۲۰، چاپ اول، مؤسسه آل البيت(ع).[لینک]
- حرّ عاملی، محمد. (۱۴۰۹ه.ق). وسائل الشیعہ، ج ۱ تا ۱۵، ۲۰ تا ۲۳ و ۳۰، چاپ اول، قم مؤسسه آل البيت. [لینک]
- حسینی روحانی، صادق. (۱۴۱۲ه.ق). فقه الصادق، چاپ اول، قم دارالکتاب(مدرسه امام صادق(ع)) [لینک]
- حسینی شیرازی، محمد. (۱۴۰۷ه.ق). موسوعه الاستدلالیه فی الفقه الاسلامی، چاپ اول، قم مؤسسه الفكر الاسلامی.
- حلبی، حمزه بن علی. (۱۴۱۷ه.ق). غنیة النزوع، چاپ اول، قم مؤسسه امام صادق. [لینک]
- خرسندیان، علی و شنیور، قادر. (۱۳۹۲). واکاوی مبانی فقهی و حقوقی جواز انعقاد نکاح در فضای سایبر. فقه و حقوق اسلامی، سال ۳۰، شماره ۶، ص ۵۵-۸۴. [لینک]
- خوانساری، محمد (بی تا)، الحاشیه الثانیه علی المکاسب. بی جا، چاپ اول. [لینک]
- خوئی، ابوالقاسم. (۱۴۰۹ه.ق). مبانی العروه الوثقی، نجف، مطبعه الآداب، ج ۲ [لینک]
- خوئی، ابوالقاسم. (۱۴۱۸ه.ق). موسوعه الإمام الخوئی، ج ۳۳، چاپ اول، قم، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی (ره) [لینک]
- دهخدا، علی اکبر. (۱۴۰۴ق). لغتنامه دهخدا. ج ۱۲، چاپ اول، تهران، دانشگاه تهران.
- الزحلی، وهبی. (۱۴۰۶ ه.ق). الفقه الاسلامی والدلتة، جلد ۷، چاپ اول، دمشق دارالفکر [لینک]
- سبحانی، جعفر. (۱۴۱۶ه.ق). نظام النکاح فی الشریعه الاسلامیه الغراء، ج ۱، قم مؤسسه الامام الصادق(ع) [لینک]
- سبزواری، سیدعلی (۱۴۱۳). مهذب الأحکام، چاپ ۴، قم، مؤسسه المنار. [لینک]
- شیرازی زنجانی، موسی. (۱۴۱۹ه.ق). کتاب نکاح، ج ۹، چاپ اول قم، مؤسسه پژوهشی رأی پرداز. [لینک]
- شریف مرتضی، علم الهدی. (۱۴۱۷ه.ق). الانتصار. ج اول، قم دفتر انتشارات اسلامی. [لینک]
- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۰)، تشکیل قراردادهای و تعهدات، چاپ دوم تهران، مجد.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۴). حقوق مدنی، چاپ سوم، تهران، مجد.
- صفایی، حسین و امامی، اسدالله. (۱۳۸۵). حقوق خانواده، ج ۱، تهران، دانشگاه تهران.
- صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق خانواده. (۱۳۸۲). ج ۲، چاپ اول، تهران نشر المیزان
- طباطبایی حائری. (۱۴۱۸ه.ق). ریاض المسائل (ط - الحدیثه)، ج ۸ و ۱۱ و ۱۲، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام. [لینک]
- طباطبایی حکیم، محسن. (۱۴۱۶ه.ق). مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۴، چاپ اول قم، مؤسسه دارالتفسیر [لینک]
- طباطبایی یزدی، محمدکاظم. (۱۴۰۹ه.ق). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی، ج ۲، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات. [لینک]
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۶۴ ش). تهذیب الاحکام، جلد ۷، ج ۴، دارالکتب الاسلامیه [لینک]



طوسی، محمدبن حسن. (۱۳۸۷ه.ق). المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۴ و ۵، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه. [لینک]

طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۰ه.ق). النهایه، چاپ دوم، بیروت، دارالکتاب العربی.

طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۷ه.ق)، الخلاف، ج ۴، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۸ه.ق) الوسيلة إلى نيل الفضيلة، چاپ اول، قم، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی (ره). [لینک]

عاملی (شهید اول). (بیتا) القواعد و الفوائد، ج ۱، قم، کتابفروشی مقید، چاپ اول. [لینک]

عاملی، زین الدین. (۱۴۱۳ه.ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، ج ۷، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه [لینک]

عاملی، زین الدین (۱۴۱۳). مسالم الافهام، ج ۷، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه [لینک]

عاملی، زین الدین. (۱۴۰۹ه.ق). منية المرید فی أدب المفید و المستفید، جلد ۱، مکتب الاعلام الاسلامی [لینک]

عاملی، زین الدین. (۱۴۱۰ه.ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ج ۳ و ۵، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری. [لینک]

عاملی، علی. (۱۹۹۳ه.ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، ج ۱۲، ۵، ۴، و ۱۳، چاپ دوم، قم، مؤسسه آلالبیت [لینک]

عاملی، محمد. (۱۴۱۷ه.ق). الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم [لینک]

علمی، محمد؛ بلوردی، طیه. (۱۳۹۷). نقش کتبی یا لفظی بودن قراردادها در امنیت شغلی از دیدگاه فقهی. مبانی فقهی حقوق اسلامی. ۱۱(۱). ۹۹-۱۲۹. [لینک]

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۶). قواعد عمومی، قراردادها، ج ۱، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشارات

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). حقوق خانواده، ج ۱، چاپ ششم، تهران، میزان

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۲). حقوق خانواده، ج ۱، چاپ سوم، تهران، میزان.

کاشف الغطاء نجفی، حسن (۱۴۲۲). أنوار الفقاهه - کتاب البیع، چاپ اول مؤسسه کاشف الغطاء، نجف الاشرف [لینک]

کلینی، محمد (۱۴۰۷ه.ق). الکافی، مصحح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، دار الکتب الاسلامی، تهران، چاپ چهارم [لینک]

کلینی، محمد (۱۴۰۷ه.ق). الکافی (ط - الاسلامیه)، ج ۵، ۱، ۶، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه [لینک]

محقق داماد، مصطفی. (۱۳۹۰)، بررسی فقهی حقوق خانواده (نکاح و انحلال آن)، چاپ شانزدهم قم، مرکز نشر علوم اسلامی، [لینک]

محقق داماد، مریم السادات. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی نکاح سایبری در فقه امامیه و اهل سنت. دوفصلنامه حقوق تطبیقی.

۱۵(۲). ۱۶۹-۱۹۶. DIO:10.22096/LAW2020.40433. [لینک]

مظفر، محمد رضا، (بی تا)، اصول فقه، چاپ دوم، قم، اسماعیلیان. [لینک]

مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۱ه.ق). الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۲، چاپ دهم، بیروت، دارالتیاری الجدید. [لینک]

- مکارم شیرازی ناصر، (۱۴۲۲.ه.ق.)، بحوث فقهیه تامه، چاپ اول، قم مدرسه امام علی بن ابی طالب(ع)[لینک]
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵.ه.ق.). أنوار الفقاهة (كتاب البيع)، چاپ اول قم، انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابیطالب(ع)[لینک]
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۲). سلسله مباحث خارج فقه (كتاب النكاح)، ج ۱ چاپ اول، قم، مدرسه الإمام علی ابن ابیطالب (ع) [لینک]
- موسوی خمینی، روح الله. (۱۴۲۱.ه.ق.)، کتاب البیع، ج ۱، چاپ اول، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). [لینک]
- نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴.ه.ق.)، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۳۰، ۲۹، ۲۷، ۲۵، ۲۲، و ۳۲ چاپ هفتم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی. [لینک]
- نراقی، ملا احمد (۱۴۱۵.ه.ق.). مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، ج ۱۴ و ۱۶، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت(ع). [لینک]
- نراقی، ملا احمد. (۱۳۷۵.ش.). عواید الایام، چاپ اول، قم مکتب الاعلام الاسلامی [لینک]
- نوری مازندرانی، حسین. (۱۴۰۸.ه.ق.)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم. [لینک]
- هدایت نیا، فرج الله. (۱۳۹۲). عناوین ثانوی و حقوق خانواده. چاپ اول تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

یودی، ح، م، بیتا)، تعاقد عبرالانترنت، مصر دارالکتب القانونیه.

References

- Aghamiri, N & Vaziri, S. (2019). Prediction of psychological well-being based on marital intimacy, resilience, and mental health of couples in Tehran. *Avicenna Journal of Neuro Psycho Physiology*, 6(4), 203-210. Doi. 10.32598/ajnp.6.4.6 [Link]
- Al-Bukhari, M. (1890). *Sahih al-Bukhari*, Chapter 1 of Kaif Kaan Bad Uhi, Vol. 1, Bicha, Egypt, School of Al-Amiriya (Text in Arabic). [link]
- Ameli, M, (2006). *Al-Droos al-Sharia fi Fiqh al-Imamiyah*, second edition, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Society. (Text in Arabic). [link]
- Ameli, Z (1990), *al-Rawzah al-Bahiyyah fi Sharh al-Luma'ah Al-Mashqiyya (Al-Mahshi - Kalanter)*, vol. 3 and 5, first edition, Qom, Dauri Bookstore. (Text in Arabic). [link]
- Ameli, Z (1993). *Masalak Al-Afham al tatabboe Sharaer al Islamic*, Volume 7, Al-Ma'arfa-Islamiya Institute, Qom. (Text in Arabic). [link]
- Ameli, Z (1993). *Masalam al-Afham*, vol. 7, first edition, Qom Institute of Al-Maarif al-Islamiyya(In Arabic) [link]
- Amili, A. (1994), *Jami al-Maqasad fi Sharh al-Qasas*, vol. 12, 5, 4, and 13, second edition, Qom, Al-Al-Bait Institute [link]
- Amili, Z (1989), *Mania al-Murid in the literature of al-Mufid and Al-Mustafid*, Volume 1, School of Islamic Information. (Text in Arabic) [link]



- Ansari, M. (1990). *Al-Makasab (I - Hadith)*, Volume 3, 1st edition, Qom, World Congress honoring Sheikh Azam Ansari (Text in Arabic). [link]
- Ansari, M. (1995). *Kitab al-Nikah*, first edition, Qom, World Gangreh commemoration of Sheikh Azam Ansari (Text in Arabic). [link]
- Araki, M. (1990). "Essay on the Rule of Al-Mata'ah in Marriage". *Fiqh Ahl al-Bayt Journal*, No. 43, pp. 63-80 (Text in Arabic). [link]
- Ardabili, A. *Zubaydah Al-Bayan, Al-Jaafari Library for Revival of Al-Jaafari Antiquities*, Tehran. [link]
- Bahrani, El Asfour (1985). *Al-Hadaiq al-Nadrah*, first edition, Qom Jamia Modaresin (Text in Arabic). [link]
- Bojnordi S, M, H (1972). , *Ghavaeed ag feghheya*, vol. 3, Najaf Press of Al-Adab (Text in Arabic) [link].
- Dehkhoda, A, A (1984). *Dehkhoda dictionary*. Volume 12, first edition, Tehran, University of Tehran
- Emami, S, H . *Civil Rights*. Volume 4, Issue 14, Tehran Islamia (Text in persian)
- Esfahani, M, H (1374 AH), *Nahaye al-Daraya fi Sharh al-Kafayah*, Vol. 2, Qom, Sayyid al-Shahda's Publications. (Text in Arabic). [link]
- Esfahani, M. (1996). *Kashf al-Latham and al-Iham on the rules of al-Ahkam*, vol. 7, 1st edition, Qom, Islamic Publications Office affiliated with the Qom Seminary Society of Teachers. (Text in Arabic). [link]
- Esfahani, M.H. (1998), *Hashie Kitab al-Makasib (I - Hadith)*, vol. 1 and 3, first edition, Qom Anwal Mahdi. (Text in Arabic). [link]
- Halbi, H (1997). *Ghaniyeh al-Nuzou*, first edition, Imam Sadiq Institute, Qom (Text in Arabic). [link]
- Hedayat Nia, F (2012). *Secondary titles and family law*. First edition, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization. (Text in persian)
- Horr Ameli, M. (1955). *Al-Wasal al-Shi'ah*, vol.1-15, 20-23 and 30, first edition, Al-Al-Bait Institute, Qom. (Text in Arabic). [link]
- Hosseini Rouhani, pp. (1955). *Fiqh al-Sadiq, first edition*, Qom Dar al-Kitab (Imam Sadiq School (Text in Arabic). [link]
- Hosseini Shirazi, S, M (1987). *The Encyclopedia of Reasoning in Islamic Fiqh*, first edition, Qom Institute of Al-Fakr al-Islami. (Text in parsian)
- Ibn Idris, AD (1999). *Al-Saraer*, volume 2, 2nd edition, Qom, Islamic publishing office affiliated with Qom seminary community of teachers. (Text in Arabic) [link]
- Katoozian, N (1998). *General rules, contracts*, vol. 1, 4th edition, Tehran, publishing company (Text in Parsian)
- Katouzian, N. (2007). *Family law*, vol. 1, 6th edition, Tehran, Mizan (Text in Parsian)
- Katouzian, N. (2012), *Family Law*, Volume 1, Third Edition, Tehran, Mizan (Text in Parsian)

- Khansari, M. *al-Hashiya al-Thaniyyah Ali al-Makasab*. Bija, first edition. (Text in Parsian) [link]
- Khoei, A (1418 AH). *Al-Imam Al-Khoei Encyclopedia*, vol. 33, first edition, Qom, Imam Al-Khoei (RA) Revival Institute. (Text in Arabic). [link]
- Khoi, A (1998). *Bani al-Arwa al-Waghti*, Najaf, Matia al-Adab, vol2. (Text in Arabic) [link]
- Khorsandian, M., A. and Sheniver, A. (2012). Analysis of jurisprudential and legal bases of the permission to conclude marriage in cyberspace". *Shariah Fiqh and Armed Law*, year 30, number 6, pp. 55-84. (Text in Parsian) [link]
- Kolini, M. (1987), *Al-Kafi*, corrected by Ali Akbar Ghafari and Mohammad Akhundi, Dar Al-Katb al-Islami, Tehran, 4th edition (Text in Arabic) [link]
- Kolini, M. (1987). *Al-Kafi (I - Al-Islamiyya)*, Vol. 5, 1, 6, 4th edition, Tehran, Dar Al-Katb Al-Islamiyya (Text in Arabic). [link]
- Makarem Shirazi N. (2000), *Faqhiyyah Tameh*, 1st edition, Imam Ali Bin Abi Talib (A.S.) Madrasah, Qom. (Text in Arabic) [link]
- Makarem Shirazi, N (1425 AH). *Anwar al-Fiqahah (Kitab al-Ba'i)*, first edition of Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib (a.s.) publishing house. (Text in Arabic) [link]
- Makarem Shirazi, N, (2003). *Kitab al-Nikah*, vol. 1, Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib. school, first edition (Text in Arabic) [link]
- Mohagheq Damad, M. (2010), *Jurisprudential Review of Family Law (Marriage and Its Dissolution)*, Qom, Islamic Sciences Publishing Center, 16th edition (Text in Parsian) [link]
- Mousavi Khomeini, R. (1421 A.H.), *Kitab al-Bai*, Vol. 1, 1st edition, Tehran, Imam Khomeini (R.A.) Editing and Publishing Institute. (Text in Arabic) [link]
- Mozafar, M., R., B. Ta., *Principles of Jurisprudence*, second edition, Ismailian Publications, Qom.
- Mughniyeh, M., vol. (1421 A.H.), *Fiqh Ali al-Mahabih al-Khumsa*, vol. 2, 10th edition, Beirut, Dar al-Tiyar al-Jadeed (Text in Arabic). [link]
- Najafi, H (2002). *Anwar al-Faqaha - Kitab al-Bi'*, first edition of *Kashif al-Ghita institute*, Najaf al-Ashraf. (Text in Arabic) [link]
- Najafi, M. (1983). *Javaher al-Kalam fi Sharh Shar'e al-Islam*, vol. 30, 29, 27, 25, 22, and 32, 7th edition, Beirut, Darulahiya al-Trath al-Arabi. (Text in Arabic)
- Naraghi, A (1994 AH). *Document al-Shia fi Ahkam al-Sharia*, vol. 14 and 16, first edition, Qom, Al-Al-Bayt Institute. (Text in Arabic) [link]
- Naraghi, M. (1988). *Al Avayed Al ayam*, first edition, Qom School of Al-Alam al-Islami. (Text in Arabic) [link]
- Nouri Mazandarani, H, (1988), *Mostadrak al-Wasail Va Mustanbat al-Masal*, first edition of Al-Al-Bayt Institute, Qom. (Text in Arabic) [link]
- Sabzevari, S, A (1997). *Mahzzab Al-Ahkam*, 4th edition, Qom, Al-Manar Institute. (Text in Arabic)
- Safai, H. and Emami, A. (2005). *Family Law*, Volume 1, Tehran, University of Tehran (Text in Parsian).



- Safai, Seyyed Hossein, *introductory course of family law*. (2004). Volume 2, first edition, Tehran, Al-Mizan publishing house (Text in Parsian).
- Shabiri Zanjani, M, (2000) *Ketabi Al nekah*, Volume 9, Qom, Rai Pardaz Research Institute, first edition. [link]
- Shahidi, M. (2001), *formation of contracts and obligations*, 2nd edition, Tehran, Majd.
- Shahidi, M. (2004). *Civil Rights*, third edition, Tehran, Majd Publications. (Text in Parsian).
- Sharif Morteza, A (1996). *Al-Intisar*, Qom, Islamic Publication Office. (Text in In Arabic) [link]
- Sobhani, Sh., J. (1995). *Nizam al-Nikah in Al-Shari'a al-Islamiya al-Ghara*, vol. 1, Imam al-Sadiq (a.s.) Institute, Qom (Text in Arabic) [link]
- Tabatabai Haeri (1997). *Riyaz al-Masal (I-Hadith)*, vol. 8, 11, and 12, first edition, Qom, Al-Al-Bayt Institute, peace be upon him. (Text in Arabic) [link]
- Tabatabai Hakim, M. (1995). *Mustamsk al-Arwat al-Wasgha*, vol. 14, first edition of Qom, Dar al-Tafsir Institute (Text in In Arabic).
- Tabatabai Yazdi, M, K (1989). *Al-Arwa Al-Waghti Fima Tam Beh Al-Balawi*, vol. 2, second edition, Beirut, Al-Alami Publishing House. (Text in In Arabic). [link]
- Tormozi, M. (1975), *Sunan Al-Tormozi*, Volume 3, Matbaat Mustafa Al-Babi Al-Halabi. (Text in Arabic). [link]
- Tusi, M. (1945). *Tahzeeb Al-Ahkam*, Volume 7, Chapter 4, Dar al-Kitab al-Islamiya. (Text in Arabic) [link]
- Tusi, M. (1967). *Al-Mabsut fi fiqh al-Umamiyah*, vol. 4 and 5, 3rd edition, Tehran, al-Maktabeh al-Mortazawieh to revive the antiquities of al-Jaafari. (Text in Arabic) [link]
- Tusi, M. (1980). *Al-Nahaye*, second edition, Beirut, Darul Kitab Al-Arabi (Text in Arabic).
- Tusi, M. (1987), *Al-Khalaf*, Vol. 4, first edition, Qom, Islamic Publications office affiliated with Qom seminary teachers' society. (Text in Arabic)
- Tusi, M. (1988) *Al-Wasilah Ili Nil Al-Fadilah*, 1st edition, Qom, Publications of Aye Allah Marashi Najafi (RA) Library. (Text in Arabic) [link]
- Yodi, H, M, *Online Contracts*, Misr Dar al-Kitab al-Qanuniyyah (Text in Arabic)





Original Research

The Mediating Effect of Loneliness in the Association Between the Use of Social Media Usage and the Quality of Life of Housewife Mothers

Fatemeh Ghiyasi¹  Solmaz Dabiri^{2*} 

¹MSc, Educational Psychology, Department of Psychology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

²Assistant Professor, Department of Psychology, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.(Corresponding Author).
s.dabiri@iau-tnb.ac.ir

Background and Purpose

One of the most valuable and fulfilling roles that a woman can embrace is that of a mother and wife, which involves nurturing and supporting her family within the context of their home. The primary responsibility of a housewife is to manage the household effectively and attend to the family's various needs (Kaplan, 2021). Furthermore, women play a crucial role in society as they raise children and prepare them for their future social participation (Kundu et al., 2022). However, they are typically portrayed as a marginalized group whose sole source of identity is in embracing the roles of mother and wife. Unfortunately, they have been socially neglected, and their contributions are not adequately acknowledged (Kaplan, 2022). For this reason, they perceive the nature of housekeeping as unfair, resulting in many dysfunctions such as feelings of redundancy, futility, decreased efficiency, and diminished quality of life (Kundu et al., 2022).

Quality of life refers to individuals' subjective evaluation of their overall well-being, considering their social and cultural context, goals, and concerns (Goodyear et al., 2021). The phenomenon is subject to multiple influences, such as the experience of loneliness (Kian et al., 2022) and engagement with social media platforms (Bakry et al., 2022; Kusumota et al., 2022). Housewives play a crucial role in nurturing their children and preparing them for society. However, these women often lack financial security during challenging times and neglect their personal growth, awareness, and interests (Kundu et al., 2022). This can lead to frustration, reduced quality of life, and ultimately, a decline in the mental well-being of both the family and society. Hence, it is imperative to carry out study in this domain. Given the scarcity of research on the quality of life and its



determinants among Iranian housewives, this study aims to address this gap by examining the following hypotheses:

- The feelings of loneliness mediate the relationship between the use of social media usage and the quality of life of housewife mothers.
- The social media usage predicts the quality of life of housewife mothers.
- The feelings of loneliness predict the quality of life of housewife mothers.

Method

The present study employed a descriptive-correlational research design. The study's statistical population comprised all the housewives residing in the 6th district of Tehran in 2022. A sample of 400 housewives was chosen using the convenience sampling technique. Regarding the age distribution in the sample, 29 individuals (7.2%) are under 20 years old, 79 individuals (19.8%) are between 20 and 29 years old, 81 individuals (20.3%) are between 30 and 39 years old, 85 individuals (21.1%) are between 40 and 49 years old, 63 individuals (15.8%) are between 50 and 59 years old, and 63 individuals (15.8%) are over 60 years old.

The instruments utilized were the World Health Organization's (1996) quality of life questionnaires, for which the Cronbach's alpha coefficients were .82, .81, .78, and .76, respectively, for the subscales of physical health, mental health, social relations, and environmental health. The Feeling of Loneliness Questionnaire was an additional instrument utilized (Dehshiri et al., 2007).

The Cronbach's alpha coefficients for the subscales of family loneliness, social loneliness, and emotional loneliness were .83, .87, and .75, respectively. The study also employed a media usage questionnaire developed by Mahmoudian et al. (2014). The Cronbach's alpha coefficient for the Internet, foreign media, and domestic media subscales were .85, .74, and .56, respectively.

Results

The study revealed a statistically significant positive correlation (ranging from .29 to .10) between the different aspects of using social media and the various aspects of quality of life ($p < .05$). Additionally, there was a significant negative correlation (ranging from -.35 to -.21) between the different aspects of feelings of loneliness and the various aspects of quality of life ($p < .05$).

Table 1. Total, direct, and indirect path coefficients between the variables in the structural model

Path	b	S.E	β	<i>p-value</i>
Media usage > loneliness	-.958	.176	-.419	.001
Loneliness> quality of life	-.196	.044	-.349	.001
The direct relationship between media usage> and loneliness	.275	.96	.213	.006
The indirect relationship between media usage> and loneliness ¹	.188	.54	.146	.001
The total relationship between media usage> and quality of life	.463	.89	.359	.001

1. The bootstrap estimation method was employed with a sample size of 2000 to calculate the standard error of indirect paths.

The findings indicated that there is a positive and significant relationship ($\beta=.359$, $P\text{-value}<.01$) between the extent of social media usage and the quality of life of housewife mothers. The correlation coefficient between feelings of loneliness and the quality of life of housewife mothers is negative and statistically significant ($\beta=-.349$, $P\text{-value} < .01$). The coefficient of the indirect relationship between social media usage and the quality of life of housewife mothers is statistically significant ($\beta=.146$, $P\text{-value} < .01$).

Discussion & Conclusion

Based on the literature and research findings, it is evident that the quality of life of housewives is of great importance, not only in their personal lives but also in relation to their role within the family and their network of family relationships with key family members. Quality of life is a complex concept that encompasses various dimensions. If we aim to enhance the well-being of mothers and increase their overall satisfaction, it is crucial to take into account these factors along with other components.



Ethical considerations

Compliance with research ethics: The study was conducted in accordance with the ethical guidelines for conducting research involving human subjects.

Funding. The current study was not funded by any organization or person.

Authors' Contribution: The present study was derived from the first author's master's thesis, and all stages of this research were completed with equal contributions from all authors

Conflict of interest: The authors declared no conflict of interest with any person or organization.

Acknowledgements: The researchers are grateful to all women who participated in this research

Data Availability: Data supporting this study are not publicly available. Please contact our researchers. s.dabiri@iau-tnb.ac.ir

References

- Dehshiri, G., Ahmad Borjali, A., Sheykhi, M., & Habibi Askarabad, M. (2008). Development and validation of loneliness scale among university students. *Journal of Psychology*, 12(3), 282-296. [Link]
- Mahmoudian, H., Kochani Isfahani, M., & Moqadas, S. (2015). Consumption of Media, Body Management and Pregnancy Behavior (A Study of Women Teachers in Yasuj). *Culture Strategy*, 8(31), 173-196. [Link]
- Bakry, H., Almater, A. A., Alslami, D. M., Ajaj, H. S., Alsowayan, R. A., Almutairi, A. F., & Almoayad, F. (2022). Social media usage and loneliness among Princess Nourah University medical students. *Middle East Current Psychiatry*, 29(1): 1-8. <https://doi.org/10.1186/s43045-022-00217-w> [Link]
- Dehshiri, Gh. R., Borjali, A., Sheikhi, M., & Habibi Askarabad, M. (2008). Construction and validation of loneliness scale among students. *Psychology*, 12(3): 282-296. (text in Persian) [Link]
- Goodyear, V. A., Boardley, I., Chiou, S. Y., Fenton, S. A., Makopoulou, K., Stathi, A., & Thompson, J. L. (2021). Social media use informing behaviours related to physical activity, diet and quality of life during COVID-19: a mixed methods study. *BMC Public Health*, 21(1): 1-14. <https://doi.org/10.1186/s12889-021-11398-0> [Link]
- Kaplan, V. (2021). Gender sensitive psychiatry and feminist therapy. *Cyprus Turkish Journal of Psychiatry and Psychology*, 3(3): 211-216. <https://doi.org/10.35365/ctjpp.21.3.22> [Link]
- Kaplan, V. (2022). Mental Health States of Housewives: an Evaluation in Terms of Self-perception and Codependency. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 21: 666-683. <https://doi.org/10.1007/s11469-022-00910-1> [Link]
- Kundu, P., George, L. S., & Yesodharan, R. (2022). Quality of life and empowerment among women. *Journal of education and health promotion*, 30(11): 185-200. https://doi.org/10.4103%2Fjehp.jehp_433_21 (Link)
- Kusumota, L., Diniz, M. A. A., Ribeiro, R. M., Silva, I. L. C. D., Figueira, A. L. G., Rodrigues, F. R., & Rodrigues, R. A. P. (2022). Impact of digital social media on the perception of loneliness and social isolation in older adults. *Revista Latino-Americana de Enfermagem*, 30(3526): 1-14.

- <https://doi.org/10.1590/1518-8345.0000.3751> [Link]
- Mahmoudian, H., Kochani Isfahani, M., & Moqadas, S. (2015). Consumption of Media, Body Management and Pregnancy Behavior (A Study of Women Teachers in Yasuj). *Culture strategy scientific research quarterly*, 8(31), 173-196. (text in Persian) [Link]
- Qian, B., Huang, M., Xu, M., & Hong, Y. (2022). Internet Use and Quality of Life: The Multiple Mediating Effects of Risk Perception and Internet Addiction. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(3): 1795-1809.
<https://doi.org/10.3390/ijerph19031795> [Link]
- WHO Quality of Life Assessment Group. (1996). *WHOQOL-BREF Introduction, Administration and scoring, Field Trial version*. Geneva: World Health Organization.



نقش میانجی احساس تنهایی در رابطه استفاده از رسانه‌های اجتماعی با کیفیت زندگی مادران خانه‌دار

فاطمه غیائی^۱ سولماز دبیری^{۲*}

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

چکیده

هدف پژوهش حاضر تدوین مدلی جهت پیش‌بینی کیفیت زندگی مادران خانه‌دار براساس استفاده از رسانه‌های اجتماعی و نقش واسطه‌ای احساس تنهایی بود. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه مادران خانه‌دار منطقه ۶ شهر تهران بود، که ۴۰۰ مادر با روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل پرسش‌نامه‌های کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (۱۹۹۶)، پرسشنامه میزان و نوع مصرف رسانه‌ای محمودیان و همکاران (۱۳۹۴) و احساس تنهایی دهشیری و همکاران (۱۳۸۷) بود. جهت ارزیابی مدل از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل تدوین شده، با داده‌های این پژوهش از برازش کاملی برخوردار بود. همچنین نتایج حاکی از این بوده که استفاده از رسانه‌های اجتماعی هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم، از طریق واسطه‌گری احساس تنهایی بر کیفیت زندگی مادران خانه‌دار تأثیر معنادار داشتند ($p\text{-value}=.000$) براساس یافته‌های پژوهش لازم است که در رابطه با متغیرهای زیربنایی مانند استفاده از رسانه‌های اجتماعی و احساس تنهایی که بر کیفیت زندگی مادران خانه‌دار تأثیر می‌گذارند، مداخله و بررسی انجام شود تا زمینه ارتقا و بهبود کیفیت زندگی مادران و متعاقب آن خانواده، فراهم شود.

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

کیفیت زندگی، مادران خانه‌دار، استفاده از رسانه‌های اجتماعی، احساس تنهایی.

ارجاع به مقاله:

غیائی، فاطمه و دبیری، سولماز. (۱۴۰۳). نقش میانجی احساس تنهایی در رابطه استفاده از رسانه‌های اجتماعی با کیفیت زندگی مادران خانه‌دار. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۲(۲)، ۱۰۸-۱۳۳. DOI: 10.22051/jwfs.2024.43666.2977

مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده نخست است.

^۱. کارشناسی ارشد، روان‌شناسی تربیتی، گروه روان‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲. استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

مقدمه

از سازنده‌ترین و ارزشمندترین نقش‌هایی که یک زن می‌تواند ایفا کند، نقش مادری و همسری است که در چارچوب خانه و خانواده اتفاق می‌افتد. نقش یک زن خانه‌دار^۱، اداره و مدیریت خانه و نیازهای خانواده است. اوکلی^۲، زن خانه‌دار را زنی می‌داند که کار خانه را انجام می‌دهد. ترکیب "زن" و "خانه" در یک عبارت، ارتباطی را میان زنانگی، ازدواج و مکان سکونت خانواده به وجود می‌آورد. خانه‌داری^۳ یکی از اصلی‌ترین نقش‌های جنسیتی است که زنان عهده‌دار آن می‌شوند و ممکن است مشکلات روحی و روانی را برای آنها به دنبال داشته باشد (کاپلان^۴، ۲۰۲۱a)؛ چرا که زنان خانه‌دار به طور تمام وقت کار می‌کنند و باید مسئولیت همه چیز از پخت‌وپز تا نظافت و خرید را بپذیرند، آنها همیشه در کنار خانواده خود هستند و به عنوان شانه‌ایی برای همه اعضای خانواده خود عمل می‌کنند (کاپلان، ۲۰۲۱b). همچنین آنها به عنوان بخش مهمی از زنان جامعه در تربیت فرزندان و آماده‌سازی آنها برای ورود به جامعه و پذیرفتن نقش‌های بزرگتر و مهم‌تر، نقش اساسی ایفا می‌کنند (کیوندیو^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). با این وجود عموماً به عنوان اقلیت معرفی می‌شوند که تنها با پذیرفتن نقش مادری و همسری، از نظر اجتماعی نامرئی شده‌اند و شناخت درستی از آنها، نیازهای شان و حالات روحی و روانی شان وجود ندارد (کاپلان، ۲۰۲۲). به همین دلیل آنها ماهیت خانه‌داری را یکنواخت و غیرعادلانه می‌دانند و همین امر موجب بروز انواع اختلالات در آنها، احساس اضافه بودن، بی‌هدفی و پوچی، آسیب به کارکرد آنها و کاهش کیفیت زندگی در آنها می‌شود (کیوندیو و همکاران، ۲۰۲۲).

از نظر گروه بررسی کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی^۶ (۱۹۹۶)، کیفیت زندگی^۷ عبارت است از ادراک فرد از شرایط خود در زندگی در قالب فرهنگ و نظام‌های ارزشی که در آن زندگی می‌کند و در ارتباط با اهداف، انتظارات، استانداردها و نگرانی‌های، قرار می‌گیرد که برای هر فرد معنای متفاوتی داشته (گودیر^۸ و همکاران، ۲۰۲۱) و تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله سن، جنس، فرهنگ، تحصیلات،

-
1. housewife
 2. Oakley
 3. housewifery
 4. Kaplan
 5. Kundu
 6. WHO quality of life assessment group
 7. quality of life
 8. Goodyear



طبقه اجتماعی، شخصیت، سرمایه اجتماعی، ارتباطات افراد و مانند آن قرار می‌گیرد (حشمتی و همکاران، ۱۴۰۱؛ یو و دیو^۱، ۲۰۲۲).

امروزه یکی از پرکاربردترین شیوه‌های ارتباط، استفاده از فضای مجازی^۲ و شبکه‌های اجتماعی^۳ است که به کارگیری آنها نه تنها کیفیت روابط را متحول کرده، بلکه این پیشرفت تکنولوژی و استفاده از اینترنت توانسته همه جنبه‌های زندگی و کار افراد را به طرق مختلف تحت تأثیر قرار دهد (کیان^۴ و همکاران، ۲۰۲۲). فضای مجازی هم می‌تواند به شکل مثبت، با افزایش روابط اجتماعی افراد و هم به شکل منفی، با کاهش کیفیت ارتباطات مبتنی بر اعتماد بر کیفیت زندگی اثرگذار باشد (خان^۵ و همکاران، ۲۰۲۰). بر همین اساس ارتباط بین فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی با کیفیت زندگی چندان واضح نیست؛ برخی مطالعات حکایت از رابطه مثبت میان فضای مجازی و کیفیت زندگی داشته (زمانی و همکاران، ۱۳۹۸؛ مرادی و جمشیدی، ۱۳۹۷؛ کیان و همکاران، ۲۰۲۲؛ گودیر و همکاران، ۲۰۲۱) و برخی نیز رابطه منفی بین این دو متغیر را گزارش کرده‌اند (عارف و کاشانی، ۱۴۰۱؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۹؛ یو و دیو، ۲۰۲۲؛ علی وردی نیا و همکاران، ۲۰۲۲؛ خان و همکاران، ۲۰۲۰)؛ بنابراین می‌توان اذعان داشت که شبکه‌های مجازی مانند شمشیر دو لبه عمل می‌کنند و استفاده ناآگاهانه از آن می‌تواند اثرات سوء برای افراد و جامعه به دنبال داشته باشد.

علاوه بر نقش رسانه‌های اجتماعی در کیفیت زندگی، شناسایی عواملی که در این رابطه نقش واسطه را ایفا می‌کنند جهت شناسایی فرایندهای مؤثر در این زمینه، اهمیت دارد و از جمله متغیرهایی که می‌تواند نقش واسطه را در این بین بازی کند، احساس تنهایی^۶ است. تنهایی به عنوان احساس ناراحت کننده ناشی از ناسازگاری بین روابط اجتماعی تجربه شده و مورد انتظار، تعریف می‌شود (پلات و ستینکایا^۷، ۲۰۲۲). ویس^۸ تنهایی را واکنشی به عدم وجود روابط اجتماعی که فرد به آن نیاز دارد (تنهایی مبتنی بر انزوای اجتماعی) یا فقدان صمیمیت و عاطفه علی‌رغم وجود روابط اجتماعی متفاوت (تنهایی مبتنی بر انزوای احساسی)، توصیف می‌کند (مهراندیش و همکاران، ۱۳۹۸؛ یوسف^۹ و همکاران، ۲۰۲۰).

-
1. Yu & Du
 2. virtual space
 3. social networks
 4. Qian
 5. Khan
 6. loneliness feeling
 7. Polat & Çetinkaya
 8. Weiss
 9. Youssef

تنهایی، احساسی است که کمابیش اکثر افراد در زندگی خود تجربه کرده‌اند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۵) و فقط با افزایش استفاده از رسانه‌های اجتماعی برخط در ارتباط نیست، اما با افزایش محبوبیت رسانه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر، تنهایی با استفاده بیشتر از شبکه‌های اجتماعی مجازی، مرتبط بوده است و این امر در پژوهش‌ها نیز تأیید شده است (عائلی و تاجیک اسماعیلی، ۱۴۰۱؛ زارعی محمودآبادی و همکاران، ۱۴۰۱؛ عربی و همکاران، ۱۳۹۹؛ پاک خصال و همکاران، ۱۳۹۹؛ باکری^۱ و همکاران، ۲۰۲۲؛ کوسوموتا^۲ و همکاران، ۲۰۲۲؛ بنساکسن^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). به نظر می‌رسد، هرچقدر انسان‌ها در دنیای واقعی، تنهاتر باشند، به همان نسبت، بیشتر احساس پوچی کرده و سطح کیفیت زندگی در آنها پایین می‌آید (مقتدري و همکاران، ۱۳۹۹؛ ضرابی حسینی، ۱۳۹۹؛ زرنقاش و همکاران، ۱۳۹۵؛ کاملیکا و کوک^۴، ۲۰۲۲؛ احدی و حسنی، ۲۰۲۱؛ بریدز^۵ و همکاران، ۲۰۲۰).

به‌طورکلی می‌توان گفت که جامعه‌شناسان، کار خانگی را برای ایجاد مکانی قابل سکونت جهت زندگی، تربیت فرزندان و ارائه خدمات، ضروری می‌دانند. آنها معتقدند کار خانه با اغلب مشاغل دیگر متفاوت است، چراکه بدون مزد بوده و معمولاً در انزوا و جدا از دیگر بزرگسالان انجام می‌شود، هیچ مقررات تحمیلی خارج از خانه بر آن وجود نداشته و تکراری و پایان‌ناپذیر است (احدی و حسنی، ۲۰۲۱). علاوه‌براین، زنان خانه‌دار به‌عنوان بخش مهمی از زنان جامعه در تربیت فرزندان و آماده‌سازی آنها برای ورود به جامعه و پذیرفتن نقش‌های بزرگتر و مهم‌تر، قلمداد می‌شوند، درواقع پدران و مادران سال‌های آینده و نیروی کار و مدیران و مسئولان آن از زیر دست یک مادر که اغلب مواقع خانه‌دار است بیرون می‌آیند، اما همین زن‌ها گاهی در سال‌های سال برای خودشان نه اندوخته‌ای مادی دارند که در روزگار سخت به کارشان بیاید و نه در جهت رشد و آگاهی و علایق خود قدمی برداشته‌اند (کیوندیو و همکاران، ۲۰۲۲) و همین امر نیز می‌تواند باعث سرخوردگی و کاهش کیفیت زندگی در آنها و متعاقب آن کاهش سطح سلامت روان خانواده و جامعه شود. کیفیت زندگی زنان خانه‌دار علاوه بر زندگی شخصی آنها، به واسطه جایگاه زنان در خانواده و شبکه ارتباط خانوادگی آنها با اعضای کانونی خانواده، نقش به‌سزایی دارد؛ بنابراین انجام مطالعه در این زمینه لازم و ضروری به نظر می‌رسد. همچنین درنظرگرفتن این موضوع که مطالعات محدودی در زمینه کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن در زنان

1. Bakry

2. Kusumota

3. Bonsaksen

4. Çamlıca, T., & Koç, Z.

6. Beridze, G.



خانه‌دار ایرانی انجام شده است، لذا به منظور بررسی این خلاء پژوهشی، پژوهش حاضر به دنبال این خواهد بود که با ارائه یک مدل به این سؤال پاسخ دهد که آیا استفاده از رسانه‌های اجتماعی می‌تواند با واسطه احساس تنهایی، کیفیت زندگی را در مادران خانه‌دار پیش‌بینی کند؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه مادران خانه‌دار منطقه ۶ شهر تهران در سال ۱۴۰۱ بود. طبق نظر کلاین^۱ (۲۰۱۶) برای تعیین حجم نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری می‌توان تعداد پارامترهای مدل را ملاک تعیین حجم نمونه قرار داد. یعنی به ازای هر پارامتر تعداد ۱۰ تا ۲۰ نفر را در نظر گرفت که با احتساب کلیه پارامترهای مدل حاضر، حجم نمونه مورد نیاز بین حداقل ۲۶۰ تا حداکثر ۵۲۰ نفر بود. لذا با توجه به احتمال مخدوش و ناقص بودن پرسشنامه‌های پاسخ داده شده بیش از حد انتظار و جهت جلوگیری از ریزش احتمالی، تعداد ۴۱۱ نفر مادر خانه‌دار به روش نمونه‌گیری در دسترس و با مراجعه به چند مرکز تجاری، آموزشگاهی و مدرسه در منطقه ۶ شهر تهران انتخاب شدند. در نهایت بعد از کنارگذاشتن پرسشنامه‌های ناقص و داده‌های پرت، اطلاعات مربوط به ۴۰۰ نفر از آنها مورد تحلیل قرار گرفت. از این افراد ۲۹ نفر (۷/۲ درصد) کمتر از ۲۰ سال، ۷۹ نفر (۱۹/۸ درصد) ۲۰ تا ۲۹ سال، ۸۱ نفر (۲۰/۳ درصد) ۳۰ تا ۳۹ سال، ۸۵ نفر (۲۱/۱ درصد) ۴۰ تا ۴۹ سال، ۶۳ نفر (۱۵/۸ درصد) ۵۰ تا ۵۹ سال و ۶۳ نفر (۱۵/۸ درصد) بیشتر از ۶۰ سال داشتند. تحصیلات ۱۱۰ نفر (۲۷/۴ درصد) از آنها زیر دیپلم، ۱۲۴ نفر (۳۱ درصد) دیپلم و فوق دیپلم، ۷۵ نفر (۱۸/۸ درصد) لیسانس و ۷۱ نفر (۲۳/۸ درصد) فوق لیسانس و دکتری بود.

۱۳۰ نفر (۳۲/۵ درصد) از آنها یک فرزند، ۱۲۷ نفر (۳۱/۶ درصد) دو فرزند، ۶۵ نفر (۱۶/۳ درصد) سه فرزند و ۷۸ نفر (۱۸/۶ درصد) بیشتر از ۳ فرزند داشتند. همسر ۱۴۲ نفر (۳۵/۵ درصد) از آنها دارای شغل آزاد، ۱۴۵ نفر (۳۶/۳ درصد) کارمند و ۱۱۳ نفر (۲۸/۲ درصد) سایر وضعیت‌های شغلی را داشتند.

ابزارهای پژوهش

پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (فرم کوتاه)^۱: این پرسشنامه توسط کار گروه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (۱۹۹۶) تدوین شد و در ایران برای نخستین بار توسط نجات و همکاران (۱۳۸۵) اعتبارسنجی شد. این پرسشنامه دارای ۲۴ گویه بوده که ۴ حیطه سلامت جسمی، سلامت روانی، روابط اجتماعی و سلامت محیط را می‌سنجد و ۲ سؤال کلی که وضعیت کیفیت کلی را بررسی می‌کند که مجموع سؤالات این پرسشنامه ۲۶ سؤال است. مقیاس آن از نوع لیکرت بوده و در دامنه ۱ تا ۵ از اصلاً تا کاملاً رتبه‌بندی می‌شود. گویه‌های ۳-۴-۲۶ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود. نجات و همکاران (۱۳۸۵) روایی تمایز این پرسشنامه را با استفاده از رگرسیون خطی تأیید کردند، به این ترتیب که اختلاف امتیاز افراد سالم و بیمار بررسی شد و معنی‌داری ضریب گروه پس از کنترل عوامل مخدوش‌کننده بالقوه تأییدکننده آن بود. روایی تمایز این پرسشنامه در تمامی حیطه‌ها و ۲ سؤال کلی قابل قبول بوده و گروه سالم امتیاز بالاتری نسبت به هر یک از گروه‌های بیمار داشتند. شاخص همبستگی درون خوشه‌ای را برای هر کدام از این زیر مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۷، ۰/۷۵، ۰/۸۴ و ضریب آلفای کرونباخ را نیز در گروه افراد سالم به ترتیب ۰/۷۰، ۰/۷۳، ۰/۵۵، ۰/۸۴ و در گروه افراد بیمار ۰/۷۲، ۰/۷۰، ۰/۵۲، ۰/۷۲ گزارش کرده‌اند. لنگ^۲ و همکاران (۲۰۰۵) آلفای کرونباخ را ۰/۵۹ گزارش کرده‌اند (نجات و همکاران، ۱۳۸۵). در این پژوهش آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۲، ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۷۶ به دست آمد.

پرسشنامه احساس تنهایی^۳: این پرسشنامه توسط دهشیری و همکاران (۱۳۸۷) ساخته شده که شامل ۳۸ گویه و سه عامل تنهایی ناشی از ارتباط با خانواده، تنهایی ناشی از ارتباط با دوستان و نشانه‌های عاطفی تنهایی است. مقیاس آن از نوع لیکرت بوده و از ۱ تا ۵ از خیلی زیاد تا خیلی کم رتبه‌بندی می‌شود. گویه‌های ۳۴-۳۶-۳۷-۲۴-۲۵-۲۷-۲۸-۳۲-۶-۷-۸-۹-۱۳-۱۷-۲۲ به طرز معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. دهشیری و همکاران (۱۳۸۷) آلفای کرونباخ را برای کل مقیاس و هریک از زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۹، ۰/۸۸ و ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند. ضریب بازآزمایی را برای کل مقیاس و هر یک از زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و ۰/۷۶ گزارش کرده‌اند. برای بررسی روایی هم‌گرا، همبستگی این مقیاس را با مقیاس تجدید نظر شده احساس تنهایی راسل (۱۹۹۶) (کل

1. WHO Quality of Life questionnaire (WHOQOL-BREF)

2. Leung

3. Loneliness Questionnaire



مقیاس و زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۵۷، ۰/۳۳ و ۰/۴۷) و همبستگی با مقیاس افسردگی (کل مقیاس و زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۵۶، ۰/۵۴، ۰/۴۰ و ۰/۳۱) به دست آمد. در این پژوهش آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۷ و ۰/۷۵ به دست آمد.

پرسشنامه میزان و نوع مصرف رسانه‌ای^۱: این پرسشنامه توسط محمودیان و همکاران (۱۳۹۴) تدوین شد و دارای ۱۱ گویه بوده و سه زیر مقیاس اینترنت رسانه خارجی، رسانه داخلی را می‌سنجد. مقیاس آن از نوع لیکرت بوده و در دامنه ۱ تا ۵ از خیلی کم تا خیلی زیاد رتبه‌بندی می‌شود. محمودیان و همکاران (۱۳۹۴) با استفاده از نظر چند تن از اساتید و کارشناسان روایی صوری این مقیاس تأیید کردند. در تحلیل عاملی آزمون کروییت بارتلت نشان داد که مقدار KMO برابر با ۰/۷۶۴ و در سطح ۹۹ درصد معنادار بود که نشان از مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی مصرف رسانه‌ای داشت. در تحلیل عاملی تأییدی، تمامی بارهای عاملی بیشتر از ۰/۵ بدست آمد {اینترنت (۰/۸۴۲-۰/۶۳۰)، رسانه خارجی (۰/۸۶۹-۰/۶۶۷) و رسانه داخلی (۰/۵۷۴-۰/۷۹۸)}. آنها آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس‌ها به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۷۴ و ۰/۶۴ گزارش کرده‌اند. در این پژوهش آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۷۴ و ۰/۵۶ به دست آمد.

یافته‌ها

آماره‌های توصیفی پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
اینترنت	۱۱/۷۹	۳/۵۸
رسانه خارجی	۱۱/۲۲	۳/۵۰
رسانه داخلی	۸/۲۹	۲/۳۲
تنهایی ناشی از روابط خانوادگی	۵۰/۲۷	۸/۴۱
تنهایی ناشی از ارتباط با دوستان	۳۷/۴۴	۷/۵۶
نشانه‌های عاطفی تنهایی	۳۲/۱۵	۶/۳۲
سلامت جسمی	۲۳/۴۳	۴/۳۳
سلامت روان	۲۰/۰۳	۳/۹۶
سلامت اجتماعی	۱۰/۱۱	۲/۲۸
سلامت محیطی	۱۶/۰۴	۳/۷۳

** $p\text{-value} < 0.01$, * $p\text{-value} < 0.05$

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱. اینترنت	-								
۲. رسانه خارجی	۰/۵۵	-							
۳. رسانه داخلی	۰/۴۸	۰/۴۲	-						
۴. ناشی از روابط خانوادگی	۰/۲۰	۰/۱۰	۰/۲۲	-					
۵. ناشی از ارتباط با دوستان	۰/۳۰	۰/۲۱	۰/۲۱	۰/۶۱	-				
۶. نشانه های عاطفی تنهایی	۰/۳۰	۰/۳	۰/۱۱	۰/۵۰	۰/۶۴	-			
۷. سلامت جسمی	۰/۲۰	۰/۲۶	۰/۱۲	۰/۲	۰/۲۱	۰/۳۱	-		
۸. سلامت روان	۰/۲۷	۰/۲۶	۰/۱۱	۰/۳	۰/۳۲	۰/۳۰	۰/۷۸	-	
۹. سلامت اجتماعی	۰/۲۴	۰/۲۹	۰/۱۰	۰/۲	۰/۳۱	۰/۳۲	۰/۶۵	۰/۷۰	-
۱۰. سلامت محیطی	۰/۲۷	۰/۲۲	۰/۱۱	۰/۳	۰/۳۱	۰/۳۴	۰/۶۵	۰/۷۲	۰/۶۲

نرمال بودن توزیع داده‌های تک متغیری، به وسیله کشیدگی و چولگی و مفروضه همخطی بودن توسط عامل تورم واریانس^۱ (VIF) و ضریب تحمل^۲ بررسی شد. مقادیر کشیدگی و چولگی همه مؤلفه‌ها در محدوده ± 2 قرار داشت که بیانگر آن است که مفروضه نرمال بودن توزیع داده‌های تک متغیری برقرار است (کلاین^۳، ۲۰۱۶). مقادیر ضریب تحمل متغیرهای پیش‌بین بزرگتر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس آنها کوچکتر از ۱۰ است، بنابراین این مفروضه برقرار است. از نظر مایرز^۴ و همکاران (۲۰۰۶) ضریب تحمل کمتر از ۰/۱ و تورم واریانس بالاتر از ۱۰ نشان‌دهنده عدم برقراری این مفروضه است.

بررسی مفروضه نرمال بودن توزیع چند متغیری، توسط «فاصله مهلبوبایس^۵» انجام شد. مقادیر چولگی و کشیدگی اطلاعات مربوط به فاصله مهلبوبایس به ترتیب برابر با ۲/۲۴ و ۸/۳۷ بود که نشان می‌دهد، مقادیر چولگی و کشیدگی اطلاعات مزبور خارج از محدوده ± 2 قرار دارد.

1. variance inflation factor
2. tolerance
3. Kline
4. Meyers
5. Mahalanobis distance (D)



همگنی واریانس‌ها، توسط نمودار پراکنندگی واریانس‌های استاندارد شده خط‌ها^۱ بررسی شد که این مفروضه نیز برقرار بود. چگونگی برازش مدل اندازه‌گیری با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، نرم‌افزار AMOS 24.0 و برآورد بیشینه احتمال^۲ (ML) ارزیابی شد.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری

شاخص‌های برازندگی	مدل ابتدایی	نقطه برش ۳
مجذور کای	۹۳/۹۵	-
درجه آزادی مدل	۳۲	-
χ^2/df	۲/۹۴	کمتر از ۳
GFI	۰/۹۵۶	۰/۹۰ >
AGFI	۰/۹۲۵	۰/۸۵۰ >
CFI	۰/۹۶۷	۰/۹۰ >
RMSEA	۰/۰۷۰	۰/۰۸ <

همه شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل عاملی تأییدی از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری شده حمایت می‌کنند.

جدول ۴. پارامترهای مدل اندازه‌گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

متغیر مکنون - نشان‌گر	b	β	SE	t
اینترنت	۱	۰/۷۹۰		
رسانه خارجی	۰/۸۶۷	۰/۷۰۳	۰/۰۸۳	۱۰/۴۸**
رسانه داخلی	۰/۴۹۰	۰/۵۹۹	۰/۰۵۱	۹/۷۰**
تنهایی ناشی از روابط خانوادگی	۱	۰/۷۷۰		
تنهایی ناشی از ارتباط با دوستان	۱/۰۰۱	۰/۸۵۸	۰/۰۶۵	۱۵/۳۱**
نشانه‌های عاطفی تنهایی	۰/۷۲۷	۰/۷۴۵	۰/۰۵۱	۱۴/۲۵**
سلامت جسمی	۱	۰/۸۴۲		
سلامت روان	۰/۹۹۷	۰/۹۱۹	۰/۰۴۴	۲۲/۸۵**
سلامت اجتماعی	۰/۴۸۳	۰/۷۷۲	۰/۰۲۷	۱۷/۹۶**
سلامت محیطی	۰/۷۴۴	۰/۷۸۸	۰/۰۴۰	۱۸/۵۴**

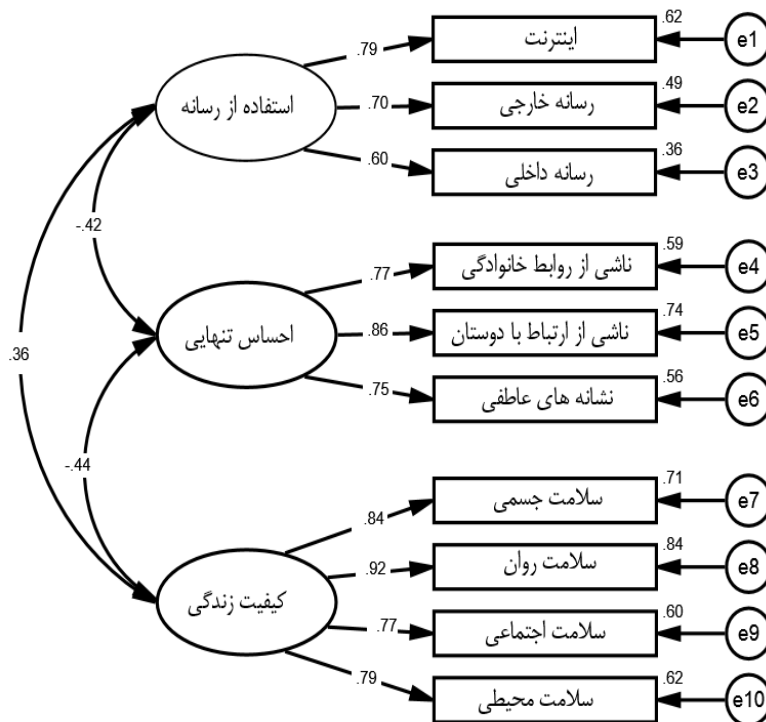
**P-value < ۰/۰۰۱

1. Standardized residuals
2. Maximum Likelihood

۳. نقاط برش پراساس دیدگاه کلان (۲۰۱۶)

۴. نکته: بارهای عاملی استاندارد نشده مربوط به نشانگرهای اینترنت، تنهایی ناشی از روابط خانوادگی و سلامت جسمی با عدد ۱ تثبیت شده، بنابراین خطای استاندارد و نسبت بحرانی آنها محاسبه نشده است.

بزرگترین بار عاملی به نشانگر سلامت روان ($\beta=0/919$) و کوچکترین بار عاملی به نشانگر رسانه داخلی ($\beta=0/599$) تعلق داشت. بارهای عاملی همه نشانگرها بالاتر از $0/32$ بود، بنابراین می‌توان گفت همه آنها از توان لازم برای اندازه‌گیری متغیرهای مکنون پژوهش حاضر برخوردارند.



شکل ۱. مدل اندازه‌گیری با استفاده از داده‌های استاندارد

مدل ساختاری بیان کرده‌بود که رسانه‌های اجتماعی هم مستقیم و هم با میانجیگری احساس تنهایی، کیفیت زندگی مادران خانه‌دار را پیش‌بینی می‌کند. مدل تحلیل شد و با توجه به تعداد نشانگرها، متغیرهای مکنون، تعداد بارهای عاملی و مسیرهای یکسان با مدل اندازه‌گیری، شاخص‌های برازندگی مشابهی برای مدل ساختاری حاصل شد و چنین نتیجه‌گیری شد که مدل ساختاری پژوهش با داده‌های گردآوری شده برازش دارد (شکل ۲).

طبق جدول ضریب مسیر کل بین استفاده از رسانه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی مادران خانه‌دار مثبت و معنادار است ($\beta=0/359, P\text{-value} < 0/01$). ضریب مسیر بین احساس تنهایی و کیفیت زندگی مادران خانه‌دار منفی و معنادار است ($\beta=-0/349, P\text{-value} < 0/01$).

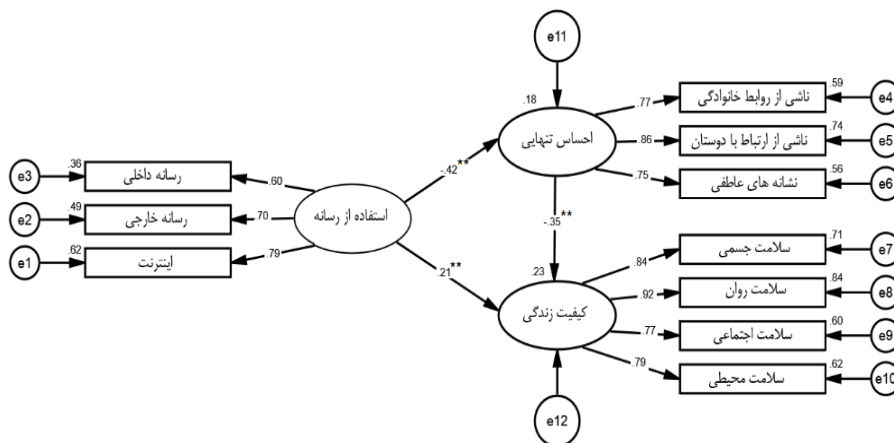


جدول ۵. ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیر مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری

مسیر	b	S.E	β	p
استفاده از رسانه $\leftarrow$ احساس تنهایی	-۰/۹۵۸	۰/۱۷۶	-۰/۴۱۹	۰/۰۰۱
احساس تنهایی $\leftarrow$ کیفیت زندگی	-۰/۱۹۶	۰/۰۴۴	-۰/۳۴۹	۰/۰۰۱
رابطه مستقیم استفاده از رسانه $\leftarrow$ کیفیت زندگی	۰/۲۷۵	۰/۰۹۶	۰/۲۱۳	۰/۰۰۶
رابطه غیرمستقیم استفاده از رسانه $\leftarrow$ کیفیت زندگی ^۱	۰/۱۸۸	۰/۰۵۴	۰/۱۴۶	۰/۰۰۱
رابطه کل استفاده از رسانه $\leftarrow$ کیفیت زندگی	۰/۴۶۳	۰/۰۸۹	۰/۳۵۹	۰/۰۰۱

ضریب مسیر غیرمستقیم بین استفاده از رسانه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی مادران خانه‌دار

معنادار است ($\beta=۰/۱۴۶$ ، $P<۰/۰۱$).



شکل ۲. پارامترهای استاندارد در مدل ساختاری پژوهش

طبق شکل، مجموع مجذور همبستگی‌های چندگانه برای متغیر کیفیت زندگی ۰/۲۳ بدست

آمد، که بیان می‌کند استفاده از رسانه و احساس تنهایی در مجموع ۲۳ درصد از واریانس کیفیت

زندگی مادران خانه‌دار را تبیین می‌کند.

^۱ . به منظور برآورد خطای استاندارد مسیرهای غیر مستقیم از روش برآورد بوت استرپ با حجم نمونه ۲۰۰۰ استفاده شد

بحث

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی کیفیت زندگی مادران خانه‌دار بر اساس استفاده از رسانه‌های اجتماعی با واسطه احساس تنهایی بود. نتایج نشان داد که همه شاخص‌های برازندگی از برازش قابل قبول مدل اندازه‌گیری با داده‌های گردآوری‌شده حمایت می‌کنند و مدل ساختاری نیز با داده‌های گردآوری‌شده برازش قابل قبول داشت. مدل نشان داد که متغیرهای پژوهش ۲۳ درصد از واریانس کیفیت زندگی مادران خانه‌دار را پیش‌بینی می‌کنند.

همچنین نتایج نشان داد که احساس تنهایی به شکل معنادار رابطه بین استفاده از رسانه‌های اجتماعی با کیفیت زندگی مادران خانه‌دار را میانجی‌گری می‌کند. با توجه به اینکه مطالعات مشابهی در زمینه مورد پژوهش انجام نشده، لذا این مسئله، پژوهش را در یافتن پیشینه مستقیم دچار مشکل کرده و به طور قطع نمی‌توان یافته‌های این پژوهش را با هیچ پژوهشی مقایسه کرد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که گرایش به ایجاد روابط صمیمانه با دیگران در هر دوره از زندگی، نیازی اساسی بوده و بر همین مبنا افراد به منظور جلوگیری از احساس تنهایی و تبعات آزاردهنده آن، با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند. بنابراین، زمانی که افراد احساس تنهایی می‌کنند، از درون دچار تنش و تشویش شده و برای رفع این احساس دست به انتخاب و اقدام زده و روابط اجتماعی خود را تنظیم می‌کنند. در این شرایط هر اندازه دامنه روابط اجتماعی افراد در دنیای واقعی محدود باشد (کمیت روابط)، افراد بیشتر احساس تنهایی کرده و به همان نسبت بیشتر تلاش می‌کنند تا این خلاء را مرتفع سازند (نجفی و همکاران، ۱۳۹۲؛ هلم^۱ و همکاران، ۲۰۲۲) و ناگزیر به دنیای مجازی پناه برده و سعی می‌کنند با ایجاد روابط جدید در این فضا بر احساس تنهایی خود غلبه کنند (بنساکسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ عانلی و تاجیک اسماعیلی، ۱۴۰۱). البته لازم به ذکر است که علاوه بر میزان تعاملات یا کمیت روابط افراد با دیگران، کیفیت روابط آنها و یا به عبارت دیگر، میزان صمیمیت در روابط و تعاملات نیز اهمیت غیرقابل انکاری در کاهش احساس تنهایی و افزایش کیفیت زندگی دارد. ممکن است افراد بسیاری در اطراف فرد باشند ولی رابطه باکیفیت و صمیمی وجود نداشته باشد (هلم و همکاران، ۲۰۲۲)، در این حالت نیز استفاده از فضای مجازی با اثرگذاری بر احساس تنهایی افراد می‌تواند سطح کیفیت زندگی را در آنها افزایش دهد.

1. Helm



هابرماس^۱، معتقد بود محیط تعاملی اینترنت، فضایی است که در آن کاربران به راحتی با یکدیگر تعامل و گفتمان می‌کنند، مسائل، مشکلات و نیازهای خود را مطرح می‌کنند، ابراز احساسات و به اشتراک‌گذاری موارد دلخواه اتفاق می‌افتد و افراد بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (باکری و همکاران، ۲۰۲۲؛ پاک خصال و همکاران، ۱۳۹۹). بنابراین در خلنه، خانواده و جامعه‌ای که امکان گفت‌وگو، بیان مسائل و مشکلات وجود ندارد، استفاده از اینترنت به عنوان منبعی برای رفع این خلاء عمل می‌کند. محیط اینترنت برای افراد تنها، نقش یک محیط آرمانی را بازی می‌کند که می‌تواند نیازهای عاطفی و احساسات خود را مطرح کنند و به وسیله آن کمبودهای خود را پوشش دهند. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، فضایی را برای این افراد ایجاد می‌کنند که بتوانند خود را از غلبه احساس تنهایی نجات دهند و دنیای جدید از روابط اجتماعی را پیش روی آنها قرار می‌دهند (کوسوموتا و همکاران، ۲۰۲۲؛ عربی و همکاران، ۱۳۹۹) که می‌تواند کیفیت زندگی آنها را تحت‌تأثیر قرار دهد. با این وجود باید خاطر نشان کرد که اثر اینترنت و شبکه‌های مجازی بر احساس تنهایی و کیفیت زندگی، منوط به چگونگی استفاده و مدت زمان استفاده از آن است. درحالی‌که افراد به دلیل برقراری ارتباط و مستحکم شدن روابط اجتماعی از آن بهره‌برند سبب کاهش احساس تنهایی و متعاقب آن افزایش کیفیت زندگی می‌شود و اگر به دلیل فرار از حقیقت از آن بهره‌برند سبب افزایش احساس تنهایی و کاهش سطح کیفیت زندگی خواهد شد (بیرانوند و برنا، ۱۳۹۷).

دیگر یافته این بود که استفاده از رسانه‌های اجتماعی به شکل مثبت و معنادار کیفیت زندگی مادران خانه‌دار را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با یافته‌های مرادی و جمشیدی (۱۳۹۷)؛ کیان و همکاران (۲۰۲۲)؛ گودویر و همکاران (۲۰۲۱) همسو است. همچنین با یافته‌های اکبری و همکاران (۱۳۹۹)؛ یو و دیو (۲۰۲۲)؛ علی وردی نیا و همکاران (۲۰۲۲) و خان و همکاران (۲۰۲۰) ناهمسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که رشد خیره‌کننده استفاده از اینترنت و فضای مجازی در دنیا، نویدهایی (انتشار سریع و گسترده اطلاعات، گسترش اجتماعات مجازی و افزایش و گسترش دانش و ...) را برای افراد به بار آورده است. با این حال برخی افراد در رابطه با ظرفیت‌های این تکنولوژی دیدگاه مثبتی نداشته و در غنی‌سازی روابط و زندگی اجتماعی به واسطه اینترنت و شبکه‌های مجازی تردید داشته و بیان می‌کنند که اینترنت و شبکه‌های مجازی سلامت روان‌شناختی افراد را مختل کرده و روابط

1. Habermas

اجتماعی افراد را در دنیای واقعی تضعیف کرده و به مرور باعث کاهش مشارکت اجتماعی می‌شود. با این وجود شواهد این طور نشان می‌دهد که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی اگر به‌عنوان حامی و تقویت‌کننده و در جهت تسهیل ارتباطات به‌کارگرفته شوند می‌توانند کیفیت زندگی و متعاقب آن سلامت عمومی را ارتقاء دهند (کیان و همکاران، ۲۰۲۲؛ زمانی و همکاران، ۱۳۹۸). شبکه‌های اجتماعی به عنوان رسانه‌های ارتباطی و سرگرم‌کننده، زندگی مفرح و امنی را برای افراد مهیا می‌کنند. این فضا می‌تواند دوستان قدیمی را به هم برساند و فرصت‌های آشنایی بسیاری به واسطه بیان نظرها و تأیید پیام‌های یکدیگر به وجود آورد و سبب ارتقا کیفیت زندگی شود (ادی و همبرگ^۱، ۲۰۲۱). اگرچه این فضا می‌تواند مشکلاتی را با خود به همراه داشته باشد ولی به سبب داشتن بسیاری از امکانات و در دسترس قرار دادن این امکانات برای افراد می‌تواند سرگرمی‌هایی را برای افراد ایجاد کند که باعث نشاط آنها شده و سطح کیفیت زندگی آنها را بهبود بخشد. افراد در این فضا و با عضویت در این شبکه‌ها می‌توانند به تبادل اطلاعات بپردازند از وضعیت دیگر افراد و جامعه مطلع شوند و بتوانند سطح زندگی و جوامع را مقایسه کنند. در این فضا افراد می‌توانند بدون محدودیت مکانی با افرادی از دیگر کشورها به بحث و تبادل نظر بپردازند و علاقه‌مندی‌های خود را دنبال کنند و از افراد دیگر نیز بتوانند حمایت و تأیید دریافت کنند و همین تأیید و عدم تأیید می‌تواند کیفیت زندگی را تحت تأثیر قرار دهد (گودویر و همکاران، ۲۰۲۱؛ عارف و کاشانی، ۱۴۰۱).

دیگر یافته حاصل از این پژوهش حاکی از این بوده که احساس تنهایی به شکل منفی و معنادار کیفیت زندگی مادران خانه‌دار را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با یافته‌های مقتدری و همکاران (۱۳۹۹)؛ ضربایی حسینی (۱۳۹۹)؛ پلات و ستینکایا (۲۰۲۲)؛ کاملیکا و کوک (۲۰۲۲)؛ احدی و حسنی (۲۰۲۱)، همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت که از جمله نشانه‌های مهم نقص در روابط اجتماعی، احساس تنهایی است. افراد فاقد مهارت در زمینه برقراری ارتباط و حفظ ارتباطات رضایت‌بخش، به‌طور معمول احساس تنهایی و هیجانات ناخوشایند را تجربه می‌کنند (احدی و حسنی، ۲۰۲۱). در اثر این شکست در برخی مواقع افراد احساس تهی بودن و پوچی، اضطراب و ناراحتی کرده که ناشی از تنهایی هیجانی (فقدان دلبستگی صمیمی با افراد دیگر) است و در برخی مواقع افراد احساس بی‌هدفی، ملالت و انزوا

1. O'Day & Heimberg



کرده که ناشی از تنهایی اجتماعی (فقدان یک شبکه ارتباط اجتماعی) است و پیامد هر دوی این حالت‌ها کاهش کیفیت زندگی است (پلات و ستینکایا، ۲۰۲۲). به گفته سالیوان^۱ (۱۹۵۳) انسان نیاز به برقراری رابطه با دیگران دارد و این نیاز در بزرگسالی، شکل مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را به خود گرفته و نیازمند تعاملات مثبت با سایر افراد است که پیامد آن، احساس شاد زیستی و رضایت‌مندی است (بریدز و همکاران، ۲۰۲۰).

تنهایی، سبک زندگی، تعاملات اجتماعی، سلامت جسمانی و روانی افراد را با ایجاد احساس غمگینی و خلاء، تحت تأثیر قرار می‌دهد و کیفیت زندگی را در افراد کاهش می‌دهد (بریدز و همکاران، ۲۰۲۰). افراد با این طرز تفکر که کسی از آنها حمایت نمی‌کند، به آنها اهمیت نمی‌دهد، مورد علاقه نیستند، عموماً افراد دیگر را بر خود مقدم دانسته و خود را بخشی از شبکه‌های اجتماعی (دوستان، خانواده و مانند آن را) در نظر نمی‌گیرند و بر این باورند که در برخورد با دشواری‌ها و نامایمات زندگی، تنها هستند و همین احساس تنهایی می‌تواند باعث کاهش کیفیت زندگی و رضایت از زندگی در آنها شود (ژو^۲ و همکاران، ۲۰۱۸).

نتیجه‌گیری

براساس پیشینه و نتایج این پژوهش، می‌توان گفت که کیفیت زندگی یک سازه چندبعدی بوده و چنانچه بخواهیم شاهد ارتقای کیفیت زندگی مادران و همچنین افزایش احساس رضایت آنها باشیم می‌باید این عوامل و دیگر مؤلفه‌ها را در نظر بگیریم. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر این بوده که بر روی مادران خانه‌دار منطقه ۶ شهر تهران انجام شد و نمونه‌گیری به شکل دردسترس بوده که در تعمیم یافته‌های آن باید احتیاط کرد. با توجه به اینکه کنترل تعداد فرزندان و سن مادران احتمال دسترسی به اعضای نمونه با حجم بالا را دشوار می‌ساخت این دو متغیر کنترل نشد، همچنین متغیرهای اثرگذاری مانند مدت زمان استفاده از شبکه‌های مجازی کنترل نشد؛ لذا پیشنهاد می‌شود این موارد در پژوهش‌های آتی در نظر گرفته شود و این موضوع به شکل مقایسه‌ای در مادران خانه‌دار و شاغل به‌منظور افزایش تعمیم‌پذیری یافته‌های حاصل از این پژوهش انجام شود.

1. Sullivan

2. Zhu

ملاحظات اخلاقی

رعایت اخلاق پژوهش: این مطالعه با رعایت کدهای اخلاقی انجام پژوهش‌های انسانی انجام شده- است.

سهام نویسندگان: پژوهش حاضر از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول اقتباس شد که توسط تحصیلات تکمیلی دانشگاه آزاد واحد تهران شمال به تصویب رسیده است و نویسندگان این پژوهش در طراحی، مفهوم‌سازی، روش‌شناسی، گردآوری داده‌ها، تحلیل آماری داده‌ها، و نهایی‌سازی نقش یکسانی داشتند.

تضاد منافع: این پژوهش مستقیم یا غیرمستقیم با منافع شخص یا سازمان خاصی تعارض ندارد. تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که صادقانه در اجرای این پژوهش همکاری داشتند کمال تشکر را دارم.

دسترسی به داده‌ها: داده‌هایی که از این مطالعه پشتیبانی می‌کنند به دلیل عمومی نبودن داده‌ها قابل دسترس نیست. در صورت تقاضا با ایمیل s.dabiri@iau-tnb.ac.ir تماس بگیرید.

منابع

- اکبری، تقی؛ هاشمی، جواد؛ کاظمی، سلیم؛ جاویدپور، مرتضی و متولی کسمایی، مریم (۱۳۹۹). تبیین تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی جوانان (مورد مطالعه: جوانان شهر اردبیل). فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، ۲۷(۳): ۵۹-۸۱. <https://doi.org/10.22082/cr.2020.122470.2012> [لینک]
- بیرانوند، معصومه و برنا، محمدرضا (۱۳۹۷). بررسی رابطه احساس تنهایی با گرایش به شبکه‌های اجتماعی مجازی. فصلنامه روانشناسی و علوم رفتاری ایران، ۴(۱۴): ۵۱-۵۸. [لینک]
- پاک خصال، اعظم؛ سیف الهی، سیف الله و میرزایی، خلیل (۱۳۹۹). بررسی رابطه احساس تنهایی، حمایت ادراک شده و رضایت زناشویی با استفاده از شبکه‌های مجازی در بین زوجین تهرانی. مطالعات راهبردی زنان، ۲۲(۸۷): ۱۵۱-۱۷۳. <https://doi.org/10.22095/jwss.2020.199937.2102> [لینک]
- حشمتی، رسول؛ احمدی، شیرین و امانی، شعله (۱۴۰۱). بررسی اثربخشی مداخله مواجهه درمانی روایتی بر بهبود کیفیت زندگی و تنظیم هیجان زنان مطلقه شهر زرین‌شهر. پژوهش‌های مشاوره، ۲۱(۸۴): ۹۸-۱۱۹. <http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v21i84.12105> [لینک]
- دهشیری، غلامرضا؛ برجعلی، احمد؛ شیخی، منصوره و حبیبی عسکری‌آباد، مجتبی (۱۳۸۷). ساخت و اعتباریابی مقیاس احساس تنهایی در بین دانشجویان. روان‌شناسی، ۱۲(۳): ۲۸۲-۲۹۶. [لینک]
- زارعی محمودآبادی، حسن؛ یکتافر، مینا و اسعدی، سمانه (۱۴۰۱). پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت بر پایه مهرورزی والدین و مهارت‌های اجتماعی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای احساس تنهایی در دانش‌آموزان شهر یزد. خانواده پژوهی، ۱۸(۶۹): ۱۳۴-۱۲۱. <https://doi.org/10.52547/JFR.18.1.121> [لینک]
- زرنقاش، مینا؛ غلامرضایی، سیمین و صادقی، مسعود (۱۳۹۵). تدوین مدل احساس تنهایی بر اساس راهبردهای مقابله‌ای، بهزیستی معنوی، افسردگی و رضایت از زندگی دختران جانباز. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۷(۲۶): ۳۵-۵۴. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22285516.1395.7.26.3.9> [لینک]
- زمانی، محمدتقی؛ زارعی، علی؛ سجادی هزاوه، حمید و حاجی انزهایی، زهرا (۱۳۹۸). تأثیر میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی با نقش میانجی‌گری کیفیت زندگی بر سلامت عمومی ورزشکاران جانباز و معلول ایران. مجله



- دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۶۲: ۴۱۰-۴۰۳. <https://doi.org/10.22038/mjms.2019.14892> [لینک]
- ضرابی حسینی، مصطفی (۱۳۹۹). رابطه احساس تنهایی و عزت نفس بر رضایت از زندگی دانش‌آموزان متوسطه دختر. فصلنامه روان‌شناسی و علوم رفتاری ایران، (۲۴): ۱۱۳-۱۲۰. [لینک]
- عارف، ابریشم و کاشانی، مجید (۱۴۰۱). تأثیر شبکه‌های اجتماعی (فضای مجازی) بر نشاط اجتماعی معلمان شهر تهران در سال ۱۳۹۹. فصلنامه رهپویه ارتباطات و فرهنگ، ۱(۳): ۸۷-۱۰۰. 10.22034/rcc.2022.253276 [لینک]
- عائلی، آرزو و تاجیک اسماعیلی، سمیه (۱۴۰۱). نقش احساس تنهایی در گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی در میان دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر تهران. فصلنامه خانواده و پژوهش، ۱۹(۴۱): ۹۳-۱۱۰. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.26766728.1401.19.1.6.2> [لینک]
- عربی، پروین؛ باقری، نسرين و میرهاشمی، مالک (۱۳۹۹). مدل‌یابی نقش میانجی احساس تنهایی در رابطه بین سبک‌های دل‌بستگی با وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۱۹(۷۶): ۶۵-۸۴. <https://doi.org/10.22034/jei.2020.121549> [لینک]
- محمودیان، حسین؛ کوچانی اصفهانی، مسعود و مقدس، سعید (۱۳۹۴). مصرف رسانه، مدیریت بدن و رفتار باروری؛ مورد مطالعه: زنان معلم یاسوج. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد فرهنگ، ۸(۳۱): ۱۷۳-۱۹۶. [لینک]
- مرادی، علی و جمشیدی، انسیه (۱۳۹۷). ارتباط شبکه‌های اجتماعی و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در بزرگسالان تهران. نشریه پایش، ۱۷(۲): ۱۴۷-۱۵۷. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.16807626.1397.17.2.4.0> [لینک]
- مقتدري، شیرین؛ حاجی علی زاده، کبری؛ سماوی، عبدالوهاب و امیر فخرایی، آریتا (۱۳۹۹). بررسی مدل روابط ساختاری بین حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی با میانجیگری عزت نفس، احساس تنهایی و خودکنترلی در افراد وابسته به مواد مخدر. فصلنامه اعتیادپژوهی، ۱۴(۵۸): ۱۷۱-۱۹۰. <http://dx.doi.org/10.29252/etiadpajohi.14.58.171> [لینک]
- مهراندیش، ندا؛ سلیمی بجستانی، حسین و نعیمی، ابراهیم (۱۳۹۸). مولفه‌های احساس تنهایی دختران نوجوان مبتنی بر تجارب زیسته‌ی آنان. پژوهش‌های مشاوره، ۱۸(۷۰): ۴-۳۴. <http://dx.doi.org/10.29252/jcr.18.70.4> [لینک]
- نجات، سحرناز؛ منتظری، علی؛ هلاکویی نایینی، کوروش؛ محمد، کاظم و مجدزاده، رضا (۱۳۸۵). استانداردسازی پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-BREF) ترجمه و روان‌سنجی گونه ایرانی. فصلنامه دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، ۴(۴): ۱-۱۲. [لینک]
- نجفی، محمود؛ دبیری، سولماز؛ دهشیری، غلامرضا و جعفری، نصرت (۱۳۹۲). نقش امید، احساس تنهایی و مؤلفه‌های آن در پیش‌بینی رضایت از زندگی سالمندان. پژوهش‌های مشاوره، ۱۲(۴۷): ۹۹-۱۱۴. [لینک]
- نجفی، محمود؛ صالحین، میرزاعلی و محمدی فر، محمد علی (۱۳۹۵). رابطه حرمت خود، سبک‌های شوخ طبعی و کمرویی با احساس تنهایی در دانش‌آموزان. اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۲(۳): ۵۹-۷۷. <https://doi.org/10.22051/jontoe.2016.2546> [لینک]
- وصال، مینا و رحیمی، چنگیز (۱۴۰۰). تأثیر استفاده از رسانه‌های اجتماعی بر افسردگی در نوجوانان: مرور نظام‌مند و فراتحلیل. مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک، ۲۴(۱): ۲-۲۳. <http://dx.doi.org/10.32598/jams.24.1.6099.1> [لینک]

References

Aeli, A., & Tajik Esmaeili, S. (2022). The Role of Loneliness in the Tendency to Use Social Networks among Senior High School Students in Tehran. *Quarterly*

- Journal of Family and Research*, 19(41): 93-110. (text in Persian) <http://dorl.net/dor/20.1001.1.26766728.1401.19.1.6.2> (Link)
- Ahadi, B., & Hassani, B. (2021). Loneliness and quality of life in older adults: the mediating role of depression. *Ageing international*, 46(3), 337-350. <https://doi.org/10.1007/s12126-021-09408-y> [Link]
- Akbari, T., Hashemi, J., Kazemi, S., Javidpour, M., & Motevali K., M. (2020). Explaining the Effect of Virtual Social Networks on Youth Lifestyle (Case: Ardabil Youth). *Communication Research*, 27(103), 59-81. (text in Persian) <https://doi.org/10.22082/cr.2020.122470.2012> [Link]
- Aliverdinia, F., Farajidana, H., Tourzani, Z. M., Salehi, L., Qorbani, M., Mohamadi, F., & Mahmoodi, Z. (2022). Social networks and internet emotional relationships on mental health and quality of life in students: structural equation modelling. *BMC psychiatry*, 22(1), 1-10. <https://doi.org/10.1186/s12888-022-04097-6>[Link]
- Arabi, P., Bāgheri, N., & Mirhāshemi, M. (2020). Modeling the mediating role of loneliness in the relationship between attachment styles with dependency on virtual social networks. *Educational Innovations*, 19(76): 65-84. (text in Persian) <https://doi.org/10.22034/jei.2020.121549> [Link]
- Aref, A., & kashani, M. (2022). The effect of social networks (virtual space) on the social vitality of teachers in Tehran in the year (2019). *Rahpooye Ertebatat-o farhang*, 2(1), 87-100. (text in Persian) [10.22034/rcc.2022.253276](https://doi.org/10.22034/rcc.2022.253276) [Link]
- Bakry, H., Almater, A. A., Alslami, D. M., Ajaj, H. S., Alsowayan, R. A., Almutairi, A. F., & Almoayad, F. (2022). Social media usage and loneliness among Princess Nourah University medical students. *Middle East Current Psychiatry*, 29(1), 1-8. <https://doi.org/10.1186/s43045-022-00217-w> [Link]
- Beridze, G., Ayala, A., Ribeiro, O., Fernández-Mayoralas, G., Rodríguez-Blázquez, C., Rodríguez-Rodríguez, V., & Calderón-Larrañaga, A. (2020). Are loneliness and social isolation associated with quality of life in older adults? Insights from Northern and Southern Europe. *International journal of environmental research and public health*, 17(22), 1-14. <https://doi.org/10.3390/ijerph17228637> [Link]
- Biranvand, M., & Borna, M. R. (2017). Investigating the relationship between loneliness and tendency to virtual social networks. *Iranian Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, 4(14), 51-58. (text in Persian) [Link]
- Bonsaksen, T., Ruffolo, M., Leung, J., Price, D., Thygesen, H., Schoultz, M., & Geirdal, A. (2021). Loneliness and its association with social media use during the COVID-19 outbreak. *Social Media Society*, 7(3), 1-10. <https://doi.org/10.1177/20563051211033821> [Link]
- Çamlıca, T., & Koç, Z. (2022). Loneliness, social support level, quality of life and symptom management among Turkish oncology patients. *OMEGA-Journal of Death and Dying*, 0(0), 1-21. doi: 10.1177/00302228221086057 [Link]
- Dehshiri, Gh. R., Borjali, A., Sheikhi, M., & Habibi Askarabad, M. (2008). Construction and validation of loneliness scale among students. *Psychology*, 12(3), 282-296. (text in Persian) [Link]
- Goodyear, V. A., Boardley, I., Chiou, S. Y., Fenton, S. A., Makopoulou, K., Stathi, A., & Thompson, J. L. (2021). Social media use informing behaviours related to physical activity, diet and quality of life during COVID-19: a mixed methods study. *BMC Public Health*, 21(1), 1-14. <https://doi.org/10.1186/s12889-021-11398-0> (Link)



- Helm, P. J., Jimenez, T., Galgali, M. S., Edwards, M. E., Vail III, K. E., & Arndt, J. (2022). Divergent effects of social media use on meaning in life via loneliness and existential isolation during the coronavirus pandemic. *Journal of Social and Personal Relationships*, 39(6), 1768-1793. <https://doi.org/10.1177%2F02654075211066922> [Link]
- Heshmati, R., Amani, S., & Ahmadi, S. (2022). The Effectiveness of narrative exposure therapy on quality of life and Emotional Regulation of Absolute Women in Zarrinshahr City. *Journal of Counseling Research*, 21(84), 98-119. (text in Persian) <http://dx.doi.org/10.18502/qjcr.v21i84.12105> [Link]
- Kaplan, V. (2021a). Gender sensitive psychiatry and feminist therapy. *Cyprus Turkish Journal of Psychiatry and Psychology*, 3(3), 211-216. <https://doi.org/10.35365/ctjpp.21.3.22> [Link]
- Kaplan, V. (2021b). The burnout and loneliness levels of housewives in home-quarantine during COVID19 Pandemic. *Cyprus Turkish Journal of Psychiatry and Psychology*, 3(2): 115-122. <https://doi.org/10.35365/ctjpp.21.2.13> (Link)
- Kaplan, V. (2022). Mental Health States of Housewives: an Evaluation in Terms of Self-perception and Codependency. *International Journal of Mental Health and Addiction*, 21: 666-683. <https://doi.org/10.1007/s11469-022-00910-1> (Link)
- Khan, A., Khan, R. U. A., Ehsan, N., Khan, M. N., & Khan, A. U. (2020). Understanding the relationship of social media use with social comparison, life satisfaction and emotional intelligence among young adults. *Ilkogretim Online*, 19(3): 2964-2974. <https://dx.doi.org/10.17051/ilkonline.2020.03.735460> (Link)
- Kline, R. B. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling*. New York: Guilford press.
- Kundu, P., George, L. S., & Yesodharan, R. (2022). Quality of life and empowerment among women. *Journal of education and health promotion*, 30(11): 185-200. https://doi.org/10.4103%2Fjehp.jehp_433_21 [Link]
- Kusumota, L., Diniz, M. A. A., Ribeiro, R. M., Silva, I. L. C. D., Figueira, A. L. G., Rodrigues, F. R., & Rodrigues, R. A. P. (2022). Impact of digital social media on the perception of loneliness and social isolation in older adults. *Revista Latino-Americana de Enfermagem*, 30(3526), 1-14. <https://doi.org/10.1590/1518-8345.0000.3751> [Link]
- Mahmoudian, H., Kochani Isfahani, M., & Moqadas, S. (2015). Consumption of Media, Body Management and Pregnancy Behavior (A Study of Women Teachers in Yasuj). *Culture strategy scientific research quarterly*, 8(31), 173-196. (text in Persian) [Link]
- Mehrandish, N., salimibajestani, H., & Naeimi, E. (2019). The Components of Loneliness of Teenage Girls Based on Their Lived Experiences. *Journal of Counseling Research*, 18(70), 4-34. (text in Persian) <http://dx.doi.org/10.29252/jcr.18.70.4> [Link]
- Meyers, L. S., Gamest, G., & Goarin, A. J. (2006). *Applied multivariate research, design and interpretation*, Thousand oaks. London: Sage publication.
- Moghtedri, S., Haji Alizadeh, K., Samawi, A. W., & Amirfakhraei, A. (2021). Investigating the Structural Relationship Model between Social Support and Life Satisfaction Mediated by Self-Esteem, Loneliness, and Self-Control in Substance-Dependent Individuals. *Etiadpajohi*, 14(58), 171-190. (text in Persian) <http://dx.doi.org/10.29252/etiadpajohi.14.58.171> [Link]

- Moradi, A., & Jamshidi, E. (2018). Association of social networks and health-related quality of life among adults. *Payesh*, 17(2), 147-157. (text in Persian) <http://dorl.net/dor/20.1001.1.16807626.1397.17.2.4.0> [Link]
- Najafi, M., Salehin, M., & Mohamadyfar, M. (2016). The effect of Self Esteem, Humorous Styles and Shyness on the Feeling of Loneliness in Students. *The Journal of New Thoughts on Education*, 12(3), 59-77. (text in Persian) doi: 10.22051/jontoe.2016.2546 [Link]
- Najafi, M., Dabiri, S., Dehshiri, Gh. R., & Jafari, N. (2013). The role of hope, loneliness feeling and their components in prediction of elders' life satisfaction. *QJCR*, 12(47), 99-114. (text in Persian) [Link]
- Nejat, S., Montazeri, A., Holakouie Naieni, K., Mohammad, K., & Majdzadeh, S. (2006). The World Health Organization quality of Life (WHOQOL-BREF) questionnaire: Translation and validation study of the Iranian version. *Journal of School of Public Health and Institute of Public Health Research*, 4(4), 1-12. (text in Persian) [Link]
- O'Day, E. B., & Heimberg, R. G. (2021). Social media use, social anxiety, and loneliness: A systematic review. *Computers in Human Behavior Reports*, 3, 1-13. <https://doi.org/10.1016/j.chbr.2021.100070> [Link]
- Pakkhesal, A., Seyfollahi, S., & Mirzaee, K. (2020). The Relationship between Loneliness, Perceived Support and Marital Satisfaction with the Use of Virtual Networks among Couples in Tehran. *Women's Strategic Studies*, 22(87), 151-173. (text in Persian) <https://doi.org/10.22095/jwss.2020.199937.2102> [Link]
- Polat, T., & Çetinkaya, F. (2022). Determining the quality of life, social and emotional loneliness of physically disabled individuals. *Iranian Journal of Health Sciences*, 10(3), 13-23. <http://dx.doi.org/10.18502/jhs.v10i3.10518> [Link]
- Qian, B., Huang, M., Xu, M., & Hong, Y. (2022). Internet Use and Quality of Life: The Multiple Mediating Effects of Risk Perception and Internet Addiction. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(3): 1795-1809. <https://doi.org/10.3390/ijerph19031795> [Link]
- Vesal, M., & Rahimi, C. (2021). The Effect of Social Media Use on Depression in Adolescents: A Systematic Review and Meta-analysis. *Journal of Arak University Medical Sciences*, 24(1), 2-23. (text in Persian) <http://dx.doi.org/10.32598/jams.24.1.6099.1> [Link]
- WHO Quality of Life Assessment Group. (1996). *WHOQOL-BREF Introduction, Administration and scoring, Field Trial version*. Geneva: World Health Organization.
- Youssef, L., Hallit, R., Kheir, N., Obeid, S., & Hallit, S. (2020). Social media use disorder and loneliness: any association between the two? Results of a cross-sectional study among Lebanese adults. *BMC psychology*, 8(1), 1-7. <https://doi.org/10.1186/s40359-020-00421-5> [Link]
- Yu, L., & Du, M. (2022). Social networking use, mental health, and quality of life of Hong Kong adolescents during the COVID-19 pandemic. *Frontiers in Public Health*, 10(1040169): 1-12. <https://doi.org/10.3389%2Fpubh.2022.1040169> [Link]
- Zamani, M. T., Zarei, A., Sajjadi Hazaveh, H., & Haji Anzhai, Z. (2019). The effect of using virtual social networks with the role of mediating quality of life on general health of War veterans and disabled athletes in Iran. *Medical Journal of Mashhad University of Medical Sciences*, 62, 403-410. (text in Persian) <https://doi.org/10.22038/mjms.2019.14892> [Link]



- Zareei, H., yektafar, M., & asadi, S. (2022). The Prediction of Internet Addiction Based on Parental Affection and Social Skills, The Mediating Role of Loneliness in Ninth Grade Students in Yazd. *Journal of Family Research*, 18(1): 121-134. (text in Persian) <https://doi.org/10.52547/JFR.18.1.121> [Link]
- Zarnaghash, M., Gholamrezaie, S., & Sadeghi, M. (2017). Developing a Model of Loneliness based on of Spiritual Well-being Depression and Life Satisfaction of Girl's Spouses. *Psychological Methods and Models*, 7(26): 35-54. (text in Persian) <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285516.1395.7.26.3.9> [Link]
- Zarrabi Hosseini, M. (2019). The relationship between feelings of loneliness and self-esteem on life satisfaction of female high school students. *Iranian Quarterly Journal of Psychology and Behavioral Sciences*, (24), 113-120. (text in Persian) [Link]
- Zhu, Y., Liu, J., Qu, B., & Yi, Z. (2018). Quality of life, loneliness and health-related characteristics among older people in Liaoning province, China: a cross-sectional study. *BMJ open*, 8(11), 1-9. <http://dx.doi.org/10.1136/bmjopen-2018-021822> [Link]





Original Research

Re-Examination in Judicial Divorce Caused by Wife's Spiritual Distress and Embarrassment with Reflection on Judicial Opinions

Musa Hakimi Sadr*¹  Lili Fatemi²  Samaneh Alavi³ 

¹. Assistant Professor, Department of Fiqh and Basics of Islamic Law, Faculty of Theology, Hakim Sabzevari University. Sabzevar, Iran (corresponding author) moosazarghi@yahoo.com

². Master's degree, Faculty of Theology, Hakim Sabzevari University. Sabzevar, Iran.

³. Lecturer in the Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Hakim Sabzevari University. Sabzevar, Iran

Background and Purpose

The rule of la haraj is one of the most important rules of jurisprudence and it is used in most chapters of fiqh, including worship, transactions and politics. According to this rule, if he is obliged to perform a duty that causes hardship and difficulty, the duty will be removed from him. In general, harm can be divided into physical (material) and non-physical (spiritual) categories in terms of diversity, because non-physical (spiritual) harm in today's society is less than harm. Harms are not physical and may be far more unbearable and make a person suffer irreparable consequences; Therefore, to solve such problems, one should adhere to the principle of non-harm; For the reason that 1- the rule of negation of hardship and embarrassment due to its breadth, it can be considered as including both physical and non-physical (spiritual) hardship and embarrassment. 2- The application of the proofs of the negation of Harj, including verses and traditions, indicates that God has not forged or legislated Harj in the rulings, and this term includes all types of Harj, both physical and non-physical. Article 1130 of the Civil Code is also derived from the same rule, according to which, if the duration of the marriage causes hardship and embarrassment to the wife, she can refer to the ruler of Sharia and request a divorce, if the hardship and embarrassment mentioned in If the court proves it, the court can compel the couple to divorce, and if coercion is not possible, the wife will be divorced with the permission of the Sharia Ruler.

According to what has been stated, physical (material) hardships are things that are difficult and difficult for the human body, but non-physical



(spiritual) hardships are those hardships and hardships that are related to It should not be related to the person's body, of which we can mention a few examples: A- spiritual embarrassment caused by psychological issues, which itself has different types, including spiritual and psychological embarrassment caused by dignity issues, spiritual and psychological embarrassment caused by emotional issues, and psychological and spiritual embarrassment Caused by physical pressures and spiritual embarrassment caused by financial issues, which include non-payment of alimony by the spouse. C- Spiritual embarrassment caused by judicial procedure.

Spiritual hardships and hardships are hardships and hardships that are related to a person's soul, psyche, and dignity, in other words, this type of hardships and hardships are not related to physical hardships and hardships of a person. However, some physical (material) hardships cause a person to experience spiritual hardships as well. In this article, what is examined are the cases in which the hardship is spiritual or in other words psychological, such as disrespecting and putting the wife under mental pressure, although there are cases such as not paying alimony to the wife, having sex Unconventional and. . . it is also mentioned that in general it includes both types of hardship and hardship (material and spiritual), but what the authors of this article are considering are the cases in which the wife is not in material hardship and hardship. Gird and he will be in trouble more mentally and psychologically.

The absence of such a research is necessary and essential because most of the harms that are caused to women due to their gender are emotional and psychological harms, and conducting a research in this field, especially in order to help identify difficulties and embarrassments with Diligence is necessary in judicial opinions. The present investigation is classified as applied research in terms of its objective, and it adopts a qualitative research approach specifically focused on inductive theme analysis. Following the end of the interviews, the content analysis was conducted utilizing the Themematic Network Analysis approach proposed by Attride-Stirling (2001). The study encompassed three separate categories: global themes, organizing themes, and basic themes.

Data was gathered from a sample of four prisons, namely Tehran, Ahvaz, Kerman, and Tabriz prisons, comprising a total of 72 participants until data saturation was achieved.

Method

The current research method is descriptive, analytical library and method.

Results

In this article, examples of spiritual distress and embarrassment were divided into three types, which are:

A. Spiritual and psychological embarrassment: This type of embarrassment is divided into three categories, psychological embarrassment caused by dignity issues, psychological embarrassment caused by emotional issues, and psychological embarrassment caused by physical pressures.

B. Spiritual embarrassment caused by financial issues: non-payment of alimony by the spouse is the only example found of this type of embarrassment.

P. Spiritual hardship caused by judicial procedure: This type of hardship and hardship was also examined in the two topics of spiritual hardship, time-consuming to prove hardship and hardship, and proving spiritual hardship and hardship to a male judge.

According to the above explanations, it should be said: by referring to the rule of laharij and proving its inclusiveness with respect to spiritual harms, the cases mentioned in paragraph a and b can be a reason for judicial divorce of the wife. Regarding paragraph C, which is spiritual embarrassment caused by judicial procedure, it requires the serious attention of the legislator in order to apply the necessary reforms to improve the judicial procedure according to the suggestions that are presented.

Discussion & Conclusion

The findings indicate that the dimension of social skill, consisting of 25 basic themes, achieved the highest ranking in comparison to the other dimensions. The findings presented in this study align with the research conducted by Samari (2016). On the other hand, within this specific dimension, the life skill component, consisting of 18 basic themes, holds the most prominent place among the many components. All three groups of participants placed significant emphasis on the importance of attending the life skill training component. Furthermore, the present findings align with the research conducted by Farahnejad, Mohammadi, and Khorsandi (2019), which emphasizes the significance of life skills training in mitigating abnormal and risky conduct among imprisoned individuals. Baldwin (2018) has confirmed additional elements within this dimension, such as role expectations, emphasizing the maternal role. Roshanpour and Aghajani (2019) demonstrated a statistically significant correlation between social marginalization and recidivism.

Familiarity with prison is another dimension. The respondents also underlined that providing accurate information regarding prison life, circumstances, and harm has a substantial impact on the mental health of female clients. Article 109 of the Prisons Organization's bylaws clearly emphasizes teaching prisoners upon arrival and developing and making available to them a manual detailing the prisoner's rights and legal duties.



Many individuals within the target community, including managers, prison guards, and experts, strongly emphasize the effectiveness of utilizing Quranic teachings, Islamic ethics, and religious therapy as valuable tools for maintaining and improving the mental well-being of prisoners. These practices also contribute to increasing their sense of hope and purpose in life.

The results indicated that social skill training is the most crucial dimension, followed by familiarization with prisons. Additionally, the women in the target community emphasized the importance of increasing their awareness of gender roles and their connection to the institution of the family as a social unit. Some specific themes that were highlighted include parenting in prison, maintaining marital relationships while imprisoned, and maintaining the family unit as the center of their lives. These findings highlight the fact that playing female roles is a significant concern and priority for women in all forms, conditions, and situations. Holding educational programs aimed at preventing the negative effects of separation from family and the harm associated with prison can have a positive impact on the mental health of female prisoners. Based on the information provided above, the extracted model can be instrumental in developing a comprehensive and focused educational program and content that aligns with the unique dimensions and circumstances of the women's prison.

Ethical considerations

Compliance with research ethics: Ethical considerations were upheld throughout the research process. This included clearly communicating the purpose of the study to the participants, allowing sufficient time for interviews, providing additional explanations for any unclear questions, and ensuring accurate understanding by repeating the interviewees' answers. Special attention was given to maintaining confidentiality, particularly for female clients.

Funding. The current study was not funded by any organization or person.

Authors' Contribution: In this article, the responsible author Musa Hakimi Sadr, the second author Lili Fatemi, and the third author Samane Alavi were responsible for the research, writing and editing of the article.

Conflict of interest: This research does not directly or indirectly conflict with personal or organizational interests

Acknowledgements: We are grateful to all the participants who helped in writing this article.

Data Availability: Data supporting this study are not publicly available. Please contact moosazarghi@yahoo.com

References

- | | |
|---|--|
| <p>Ansari, M. (1998). <i>Faraid al-Assul</i>, .Qom, Jamal al-Fikr al-Islami</p> | <p>Babouye Qomi, M. (1994). <i>Al-Muqnaq</i>, Qom, Imam Hadi Institute (AS).</p> |
|---|--|

- Ramzanzadeh, U, Choupani Morsi, H, Zarghi, M and Abbasi, M. (2017). Unconventional intercourse and its jurisprudential consequences, *Medical Jurisprudence*, 4 (34-35) 92-102<https://doi.org/10.22037/mfj.v10i35-34.21230>[link]
- Shahin Fard, Kh, Nazari Tavakoli, S, Omani Samani, R and Abdini, A. (2015). The inclusivity of the rule of la haraj to non-physical harms and its jurisprudential consequences, *Medical Jurisprudence*, 8 (26 and 27), 255-261. <https://doi.org/10.22037/mfj.v8i27-26.15349>[link]
- Sanei, M. (1998). *Rifa Harj in Islamic Sharia*, Mashhad, Mashhad Faculty of Theology.
- Fatemi, L. (2021). *Examining judicial divorce caused by wife's hardship and emotional distress in Iranian jurisprudence and civil law*, Sabzevar, Hakim Sabzevari University.
- Katouzian, N. (2006). *Family civil rights*, Tehran, publishing company.
- Mughniyeh, M. (1999). *Translation of Tafsir Keshaf*, Qom, Bostan Kitab.
- Internet sites: the website of the Judiciary Research Institute at the address <https://ara.jri.ac>.



بازجستی در طلاق قضایی ناشی از عسرو حرج معنوی زوجه با تأملی در آراء قضایی

موسی حکیمی صدر^{۱*} لیلی فاطمی^۲ ثمانه علوی^۳

چکیده

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

عسرو حرج معنوی مشقت‌ها و سختی‌هایی است که به روح، روان و حیثیت فرد وارد می‌شود. باتوجه به اینکه این نوع از عسرو حرج غالباً در طلاق قضایی ناشی از عسرو حرج زوجه مورد غفلت قانون‌گذار قرار گرفته‌است، پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی همراه با گردآوری اطلاعات اسنادی و کتابخانه‌ای انجام گرفته، با مذاقه در کتب فقهی و حقوقی مرتبط و چندین دادنامه کوشیده‌است مصادیق عسرو حرج معنوی را که حرج معنوی ناشی از مسائل روانی، حرج معنوی ناشی از مسائل مالی و حرج معنوی ناشی از رویه قضایی است و غالباً از سوی زوج و رویه قضایی بر زوجه عارض می‌شود را احصاء و تأثیر عسرو حرج معنوی بر طلاق را بررسی کند. باتوجه به ادله قاعده لاجرح، در تمامی مصادیق مذکور عسرو حرج معنوی می‌تواند برای زوجه حق درخواست طلاق قضایی ایجاد کند. در پایان نیز دو پیشنهاد درخصوص اصلاح رویه قضایی و لزوم آموزش‌های کاربردی افراد قبل و بعد از ازدواج مطرح شده‌است.

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

طلاق قضایی، عسرو حرج معنوی، زوجه، آراء.

ارجاع به مقاله:

حکیمی صدر، موسی؛ فاطمی، لیلی و علوی، ثمانه. (۱۴۰۳). بازجستی در طلاق قضایی ناشی از عسرو حرج معنوی زوجه با تأملی در آراء قضایی. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۲ (۲)، ۱۶۷-۱۳۴. DOI: 10.22051/jwfs.2024.43667.2982

^۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول). moosazarghi@yahoo.com

^۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

^۳. مدرس گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

۱. مقدمه

قاعده لا حرج یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی است و در اکثر ابواب فقه اعم از عبادات، معاملات و سیاست جاری می‌شود. براساس این قاعده، اگر انجام تکلیفی موجب مشقت و سختی مکلف شود، تکلیف از او ساقط می‌شود و لازم نیست به انجام آن مبادرت ورزد. به‌طور کلی حرج را از حیث تنوع‌پذیری می‌توان به دو دسته جسمانی (مادی) و غیرجسمانی (معنوی) تقسیم کرد، چرا که آسیب‌های حرج غیرجسمانی (معنوی) در جامعه کنونی کم‌تر از آسیب‌های حرج جسمانی نیست و چه بسا به مراتب غیرقابل تحمل‌تر باشد و فرد را دچار پیامدهای سوء جبران‌ناپذیر سازد؛ به‌همین خاطر برای حل چنین معضلاتی باید متمسک به قاعده لا حرج شد؛ به این دلیل که ۱- قاعده نفی عسرو حرج به دلیل وسعت و گستردگی که دارد، می‌توان آن را هم شامل عسرو حرج جسمانی و هم غیرجسمانی (معنوی) دانست. ۲- اطلاق ادله نفی حرج اعم از آیات و روایات دلالت دارد بر این‌که خداوند در احکام، حرجی جعل و تشریع نفرموده است و این اطلاق شامل تمام انواع حرج اعم از جسمانی و غیرجسمانی می‌شود. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز برگرفته از همین قاعده است که طبق آن در فرض این‌که دوام زوجیت موجب عسرو حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کرده و تقاضای طلاق کند، چنان‌چه عسرو حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق کند و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود.

باتوجه به مطالبی که بیان شد، حرج جسمانی (مادی) عبارت است از اموری که سختی و مشقت‌هایی برای جسم انسان دارد؛ مثل ضرب و شتم زوجه توسط زوج که برطبق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی اگر زوجه بتواند آن را اثبات کند می‌تواند با استناد به این ماده از دادگاه تقاضای طلاق کند.

و اما حرج غیرجسمانی (معنوی)، عبارت است از آن دسته از سختی‌ها و مشقت‌هایی که مربوط به جسم شخص نباشد که می‌توان به چند نمونه از آن اشاره کرد: الف- حرج معنوی ناشی از مسائل روانی که خود دارای انواعی است از جمله حرج معنوی روانی ناشی از مسائل حیثیتی، حرج معنوی روانی ناشی از مسائل عاطفی و حرج معنوی روانی ناشی از فشارهای جسمانی ب- حرج معنوی ناشی از مسائل مالی که شامل عدم پرداخت نفقه از سوی زوج می‌شود. ج- حرج معنوی ناشی از رویه قضایی.

عسرو حرج معنوی عبارت است از مشقت‌ها و سختی‌هایی که به روح، روان و حیثیت شخص مربوط است به‌عبارتی دیگر، این نوع از عسرو حرج به سختی‌ها و مشقت‌های جسمی و بدنی شخص



مربوط نیست. هرچند بعضی از عسرو حرج‌های جسمانی (مادی) موجب می‌شود تا شخص دچار عسرو حرج معنوی نیز بشود. در این نوشتار آنچه مورد بررسی قرار می‌گیرد مواردی است که در آن عسرو حرج معنوی و یا به عبارت دیگر روانی است، همچون بی‌احترامی و در فشار روحی قرار دادن زوجه، هرچند مواردی مانند عدم پرداخت نفقه به زوجه، آمیزش نامتعارف و مانند آن نیز ذکر می‌شود که در حالت عمومی شامل هر دو قسم عسرو حرج (مادی و معنوی) است، اما آنچه که مدنظر نویسنده این نوشتار است مواردی است که در آن زوجه در عسرو حرج مادی قرار نمی‌گیرد و بیش‌تر از لحاظ روحی و روانی در عسرو حرج قرار می‌گیرد.

از آنجایی که موضوع عسرو حرج به‌طور کلی در کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقالات انجام گرفته و اغلب به عسرو حرج مادی پرداخته شده و به عسرو حرج معنوی و مصادیق آن پرداخته نشده است و نبود چنین پژوهشی به دلیل این‌که اغلب آسیب‌هایی که متوجه زنان است به اقتضای جنسیت آنان، آسیب‌های روحی و روانی است که عسرو حرج ناشی از آن بسیار بیش‌تر از عسرو حرج مادی و جسمانی است، لازم و ضروری به نظر می‌رسد و انجام پژوهشی در این زمینه به‌خصوص به‌منظور کمک به تشخیص عسرو حرج با مذاقه در آراء قضایی لازم است.

۲. چارچوب نظری تحقیق

۲-۱. مفهوم عسرو حرج

واژه «عسر» در لغت نقیض یسر است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۲۶/۱) و به معنای سختی، دشواری در مال (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۶۶)، فقر و تنگدستی (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۱۹/۴) شدت، صعوبت و ضیق (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۶۳/۴) است. این کلمه در قرآن نیز به همین معنا به‌کاررفته است. به‌عنوان مثال خداوند متعال در آیه ۵ سوره انشراح این‌گونه فرموده است: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» که به معنای سختی و دشواری است.

اهل لغت برای کلمه «حرج» معانی متعددی ذکر کرده‌اند که عبارتند از: ضیق، سختی، در تنگنا بودن، به ستوه آمدن، جای تنگ و پر از درخت، گناه، حرام و هم‌چنین به معنای اضیق الضیق آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵۰/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۲۶؛ ابن اثیر، ۳۶۱/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۴/۲).

درباره معنای اصطلاحی «عسرو حرج معنوی» همان طور که در معنای لغوی آن گفته شد، به لحاظ این که واژه ابداعی و ساخته ذهن نویسنده است، تعریفی وجود ندارد؛ اما از آن جایی که این کلمه با واژه «ضرار» قرابت معنایی دارد؛ لذا می توان آن را با توجه به موضوع نوشتار این گونه تعریف نمود: «عسرو حرج معنوی» به مواردی مربوط می شود که در آن زوج با استفاده و بهره گیری از یک حق یا جواز شرعی به زوجه زیان می رساند و او را در سختی، فشار و تنگنا روحی و روانی قرار می دهد.

عسرو حرج موضوع ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی عبارت است از به وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در شکل احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسرو حرج محسوب می شود:

الف. ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حداقل به مدت ۶ ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه.

ب. اعتیاد زوج به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلاء وی به مشروبات الکلی که به اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورد و امتناع و عدم الزام وی به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیاد لازم بوده است. در شرایطی که زوج به تعهد خود عمل نکند و یا پس از ترک، مجدداً به مصرف مواد مذکور روی آورد، بنا به درخواست زوجه طلاق انجام خواهد شد.

ج. محکومیت قطعی زوج به حبس ۵ سال یا بیش تر.

د. ضرب و شتم یا هر گونه سوء رفتار مستمر زوج که عرفاً با توجه به وضعیت زوجه قابل تحمل نباشد.

و. ابتلای زوج به بیماری های صعب العلاج روانی یا ساری یا عارضه صعب العلاج دیگری که زندگی مشترک را مختل کند.

موارد مندرج در این ماده مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسرو حرج زن در دادگاه احراز شود، حکم طلاق صادر کند. می توان گفت مصادیق مذکور حصری نبوده و در موارد دیگری نیز اگر عسرو حرج زوجه احراز شود، محاکم حکم به طلاق زوجه را صادر می کنند (روشن، ۱۳۹۳).

علاوه بر این طبق تبصره الحاقی قانون گذار مفهوم این عبارت را کمی ملایم تر کرد به گونه ای که طبق نظر برخی مفهوم غیر قابل تحمل بودن از آن برداشته شد. همان گونه که قبلاً گفته شد تعریف جدید



عسرو حرج به گونه‌ای است که در آن عسرو حرج را شرایط و وضعیتی نمی‌داند که قابل تحمل نباشد و با به عبارتی دیگر غیر قابل تحمل باشد، بلکه وضعیتی می‌داند که در آن ادامه زندگی برای زن با سختی و مشقت همراه بوده و تحمل آن مشکل است. هرگاه که این مفهوم تحقق پیدا کرد زوجه این حق را دارد که تقاضای طلاق کند حتی اگر جزء مصادیقی که قانون‌گذار به آن در ماده تصریح کرده، نباشد (شیروی، ۱۳۹۷). در مقابل برخی دیگر نسبت به تعریف عسرو حرج در ابتدای تبصره ادعای ایراد کرده‌اند؛ به گونه‌ای که برای اثبات ادعای خود به سخن فقها مانند شهید ثانی و صاحب جواهر استناد کرده‌اند و هر سختی و مشقتی را عسرو حرج نمی‌دانند چرا که در بیش‌تر تکالیف مشقت و سختی وجود دارد و درون زندگی زن‌اشویی نیز چه بسا سختی‌های برای زوجه به چشم می‌خورد که نمی‌توان این سختی‌ها را از مواردی که موجب طلاق می‌شود، دانست؛ به همین دلیل طبق نظر برخی از فقها عسرو حرج را مشقت و سختی شدید و فاحشی می‌دانند که در حالت عادی قابل تحمل نیست (صفایی، امامی، ۱۳۹۵).

۲-۲. ادله قاعده نفی عسرو حرج

از آنجایی که ادله عسرو حرج مطلق آمده است قطعاً علاوه بر عسرو حرج مادی، عسرو حرج معنوی را نیز دربرمی‌گیرد. در ادامه به طور اختصار به احصاء این ادله می‌پردازیم.

۲-۲-۱. قرآن کریم: مهم‌ترین مدرک قاعده برخی از آیات شریفه قرآن کریم است. به آیات زیر در اثبات قاعده نفی عسرو حرج استناد شده است:

الف. سوره حج آیه ۷۸: «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» و در راه خدا چنان‌که حق جهاد/در راه/ اوست جهاد کنید، اوست که شما را/برای خود/ برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است». این آیه از قوی‌ترین و مهم‌ترین آیاتی است که به عنوان دلیلی بر قاعده نفی عسرو حرج بدان استناد شده است. منظور از «جهاد» در این آیه تلاش و مجاهده در انجام واجبات و ترک محرمات است (مکارم، ۱۴۱۱: ۱/۱۶۳) و واژه «دین» نیز بر جمیع احکام و تکالیف دلالت دارد. با دقت و امعان نظر در این آیه می‌توان گفت: دین الهی، دین سمحه و سهله بوده و در احکامش امر حرجی وجود ندارد که امثال آن مشکل باشد و از طرفی هر حکمی که از آن مشقت و حرج حاصل شود، با توجه به این آیه حکم یا الزامات حاصل از آن از عهده مکلف برداشته می‌شود. «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» نیز همه قوانین شریعت اسلام را شامل می‌شود و به تعداد ویژه‌ای اختصاص ندارد (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۸۲/۲).

ب. **سوره مائده آیه ۶:** «وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ؛ اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کرده‌اید و آبی نیافتید؛ پس با خاک پاک تیمم کنید و از آن به صورت و دست‌هایتان بکشید. خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد»:

به نظر برخی با تدبر در آیات قبل از این آیه که به پاره‌ای از احکام غیرعبادی مانند حکم ازدواج با اهل کتاب اشاره دارد و با توجه به تأکید ویژه‌ای که در سیاق آیه و نحوه نفی حرج دیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۵/۲۳۰)، این طور به نظر می‌آید که نفی حرجی که در آیه آمده، در مورد احکامی است که هم در این آیه و هم در آیات ابتدایی سوره مائده آمده‌است. علاوه بر این به دلیل اطلاق و عمومیت حاصل از آن شامل همه احکام و کلیه قوانین اسلام می‌شود (همان: ۸۳/۲).

ج. **سوره بقره آیه ۱۸۵:** «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ؛ خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد». این قسمت از آیه که به عنوان دلیلی برای برداشته شدن و نفی وجوب روزه از افراد بیمار و مسافر بوده‌است و در نتیجه مانند کبری کلی است که برای اثبات احکام جرنی مورد استدلال قرار می‌گیرد. مفاد این آیه عام است و هم شامل موارد ذکر شده در آیه و هم شامل موارد دیگر می‌شود؛ در نتیجه این آیه شریفه نیز بر نفی همه افرادی که موجب عسر و حرج باشند، می‌شود (مکارم، ۱۴۱۱: ۱/۱۶۴-۱۶۵؛ بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۵۰؛ محقق داماد، ۱۴۰۶: ۸۳/۲).

د. **سوره بقره آیه ۲۸۶:** «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إَصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا؛ خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. آن چه [از خوبی] به دست آورده به سود او و آن چه [از بدی] به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار؛ هم‌چنان که بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند نهادی».

از آیاتی که برای اثبات قاعده لا حرج مورد استناد قرار گرفتند، برداشت می‌شود که از لحاظ دلالت قوی‌ترین و ظاهرترین آیه، آیه اول است که در بسیاری از روایات وارده در مورد همین مسئله به آن تمسک جسته‌اند. هر چند آیات دیگری که در این بخش برای استدلال به این قاعده ذکر شدند، نیز خالی از



دلالت یا تأیید مدعا نیستند. به طور کلی می‌توان از مجموع آیات چنین نتیجه گرفت که استدلال به آن‌ها برای اثبات قاعده لا حرج کافی است.

۲-۲-۲. سنت: یکی دیگر از مواردی که برای اثبات قاعده بدان استناد می‌شود، روایات است. روایات فراوانی وجود دارد که دلالت صریح در مدعا دارند که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. شیخ طوسی در کتاب‌های «تهذیب» و «استبصار» خود از ابی بصیر و او از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «انا نسافر... اخرج الماء بیدک ثم توضحا، فان الدین لیس بمضیق، فان الله يقول: ما جعل علیکم فی الدین من حرج؛ گاهی در سفرها چه بسا با برکه‌ای روبه‌رو می‌شویم که در یک طرف روستا قرار دارد اما در آن آلودگی‌ها و نجاساتی دیده می‌شود و کودکان و چهارپایان در آن بول می‌کنند. (آیا می‌توانیم از این آب برای وضو استفاده کنیم؟) حضرت می‌فرماید: اگر چیزی در قلبت نسبت به پاکی آب به وجود آمد، این کار را انجام بده؛ روی آب را با دستت کنار بزن و سپس وضو بگیر چرا که دین اسلام دارای ضیق و تنگنا نیست و خداوند متعال می‌فرماید: در دین کار سخت و مشقت‌باری قرار نداد» (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۱۷/۱؛ همان، ۱۳۹۰: ۲۲/۱؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶۳/۱).

به نظر برخی مثال برکه‌ای که در سؤال مطرح شد، آب کر است؛ بنابراین از ظاهر روایت چنین به نظر می‌رسد که حکمت عدم انفعال این آب (کر) در واقع نوعی برداشت و رفع تنگنا و حرج از مردم است و در ادامه نیز چنین مستفاد می‌شود که هر چیزی که دارای سختی، ضیق، حرج و تنگنا برای مردم باشد، از این امت برداشته شده و استدلال امام به این آیه «ما جعلَ عَلَیْکُمْ فی الدِّینِ مِنْ حَرْجٍ» تأییدکننده این مطلب است (مکارم، ۱۴۱۱: ۱۶۶/۱).

ب. روایت عبدالاعلی مولى آل سام که نقل شده است که: «قلت لابی عبدالله علیه السلام عثرت فانقطع ظفري فجعلت علی اصبعی مراره فكيف اصنع بالوضوء؟ قال يعرف هذا و اشباهه من کتاب الله عز و جل: قال الله ما جعل علیکم فی الدین من حرج، امسح علیه». در این روایت راوی به امام صادق (ع) عرض می‌کند که به زمین افتاد و ناخنش کنده شد و انگشتش را با پارچه‌ای بسته و در این شرایط از ایشان می‌پرسد که چه طور باید وضو بگیرد؟ حضرت می‌فرماید: «حکم این مسئله و مسائل شبیه به آن از کتاب خدا روشن می‌شود. آن‌جا که خداوند می‌فرماید: در دین برای شما حرجی قرار داده نشده است. بر همان پارچه که روی زخم بسته‌ای مسح کن» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳/۳؛ عاملی، ۱۴۰۹: ۴۶۴/۱؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۶۳/۱؛ همان، ۱۳۹۰: ۷۷/۱). این روایت جزء روایاتی است که دلالت آشکار بر

اثبات قاعده دارد؛ چرا که در بخشی از این روایت حضرت حکم این مورد و هم چنین بقیه موارد مشابه را به کتاب خدا ارجاع می دهد و می فرماید: «ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ»؛ بنابراین از پاسخی که امام (ع) در رابطه با این قضیه می دهد این گونه برداشت می شود که قاعده لا حرج یک قاعده کلی و دارای عمومیت است و طبق بیان ایشان می توان از آن برای رفع احکامی که برای مکلف موجب سختی و مشقت می شود، استفاده کرد.

۲-۲-۳. اجماع: برخی از فقها اجماع را به عنوان دلیلی برای اثبات قاعده نفی عسرو حرج به-شمار آورده اند (حسینی مراغی، ۱۴۱۷: ۲۸۵/۱؛ آشتیانی، ۱۴۲۵: ۲۲۹). به نظر می رسد پذیرش اجماع به عنوان یکی از منابع استنباط احکام و هم چنین دلیلی برای اثبات قاعده لا حرج و قرار دادن آن در ردیف کتاب، سنت و عقل، زمانی قابل قبول و دارای حجیت است که کاشف از رأی و نظر و معصوم (ع) باشد. هم چنین پذیرش و حجیت مورد نظر در مواردی باشد که دلالتی از قرآن و روایات بر آن ها وجود نداشته باشد، در حالی که با ذکر مطالبی که پیش از بیان مسئله اجماع گذشت، روشن می شود که ادله ای از کتاب و سنت وجود دارد که بر قاعده لا حرج دلالت می کند و اگر اجماعی هم وجود داشته باشد، مدرکی است و اعتبار ندارد.

۲-۲-۴. عقل: برخی از فقها عقل را جزء مبانی فقهی این قاعده به شمار می آورند و معتقدند که دلیل عقل به نفی احکامی که خارج از طاقت و توان آدمی است، می پردازد (همان)؛ که این گروه برای این که عقل را به عنوان دلیلی برای اثبات قاعده نفی عسرو حرج معرفی کنند به بناء عقلا تمسک بسته و مؤید آن می دانند. ایشان بر این باورند که بناء عقلا قائم بر این است که احکام حرجی تجویز نشده و شارع مقدس که خودش رئیس عقلاست نمی تواند از این سیره مسلم عقلایی تخطی کند به عبارت دیگر چنانچه انسان را با عقل خودش تنها بگذارند و مجازاتی هم برای او در نظر نگیرند، حکم به مجاز بودن احکام حرجی نمی کند و شارع نیز با کشف این مطلب که در انجام این حکم حرجی مفسده ای وجود دارد، آن حکم را بدون شک مرفوع اعلام می دارد. همان گونه که آیات و روایات تأیید کننده این معنی هستند (قزوینی، ۱۳۷۱: ۲۵۶) علاوه بر بناء عقلا، طرفداران این نظر به قاعده لطف نیز استناد کرده اند و بیان کرده اند که تکلیف به آن مواردی که موجب سختی و مشقت تحمل ناپذیر است، خلاف لطف خداوند است؛ زیرا هدف و انگیزه تکلیف اطاعت فرمان خداوند است و این امر با تکلیف به آن چه که



از تحمل انسان فراتر است، نقض می‌شود. وضع چنین احکامی با لطف خداوند سازگاری ندارد و موجب دوری بندگان از درگاه او می‌شود (نایینی، ۱۳۷۶).

درمقابل برخی دیگر قائل به این هستند که دلیل عقلی دلالت می‌کند بر تکلیفی که موجب عسر و ضیق بوده و خارج از توان مکلف است و صدور چنین تکلیفی از سوی شارع قبیح است. ولی باید این نکته را موردتوجه قرارداد که تکلیف به ما لایطاق به معنای تکلیف به امری غیرمقدور است، اما در رابطه با این قاعده، عسرو حرجی که از آن بحث می‌شود؛ مکلف قادر به انجام آن است ولی انجام آن موجب سختی او می‌شود؛ بنابراین استدلال به دلیل عقل برای اثبات قاعده لا حرج ممکن نخواهد بود و از نظر عقلی مانعی برای تشریع احکام حرجی و الزام به امور سخت وجود ندارد؛ زیرا بسیاری از مردم برای رسیدن به منافع دنیوی و مانند آن امور حرجی را انجام می‌دهند (محقق بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱/ ۲۵۲-۲۵۴؛ محقق داماد: ۱۴۰۶: ۲/ ۸۹؛ ایروانی، ۱۴۲۶: ۱/ ۱۷۴؛ مکارم، ۱۴۱۱: ۱/ ۱۶۲).

۲-۲-۵. **بناء عقلا:** عقلاء عالم تکلیف ما لایطاق را قبیح دانسته و بناء به دلالتی که در بحث از دلیل عقل ذکر آن گذشت، آن را نمی‌پذیرند، از آنجایی که حرج شخصی است و بسته به افراد متفاوت و درجه تحمل آن‌ها نیز متفاوت است؛ بناء عقلا نیز حرج را حصری نمی‌داند و قانون‌گذار که خود نیز جزو عقلاست قید مماثلتی برای آن مفروض گرفته است. البته باید توجه داشت که ملاک عسرو حرج هم شخصی است و هم نوعی. شخصی بودن آن به مناسبت تنگ‌شدن عرصه بر فرد است که به مناسبت تحمل و بنیه و طاقت او متفاوت است و از آن نظر نوعی است که عموماً نمونه یاد شده از طریق دادگاه و به یاری کارشناس و اهل خبره قابل تشخیص و سنجش است. بنابراین باید به هر دو معیار توجه داشت اگر چه که جنبه شخصی آن ترجیح دارد.

۲-۳. انواع عسرو حرج معنوی

۲-۳-۱. **حرج معنوی روانی:** حرج معنوی روانی عبارت است از اموری که باعث می‌شود تا شخص به لحاظ بعد روحی و روانی در تنگنا، سختی و فشار قرار گیرد.

۲-۳-۱-۱. **حرج معنوی روانی ناشی از مسائل حیثیتی:** منظور از آن عبارت است از سختی‌ها و دشواری‌هایی که از لحاظ عرض و آبرو، انسان را در تنگنا و مضیقه قرار می‌دهد و برای او عسرو حرج روانی ایجاد می‌کند و شخص به دلیل شرم و حیا در سختی و ضیق قرار می‌گیرد (شاهین فرد و نظری

توکلی، ۱۳۹۵). حرج روانی ناشی از مسائل حیثیتی شامل مواردی است که توضیح و تبیین چند نمونه از آن در ذیل می‌آید:

الف. اشتغال زوج به حرفه‌ای منافعی با حیثیت و مصالح خانوادگی زوجه: گاهی شغل زوج یا حرفه‌ای که مشغول به آن است با حیثیت زن و مصالح خانوادگی او منافات دارد و شغل یا حرفه زوج، آبرو و اعتبار زوجه را خدشه‌دار می‌کند. بدین جهت زن صاحب حق به‌شمار می‌آید و نمی‌توان حق او را در انتخاب شغل همسرش نادیده انگاشت. زوج نیز به‌علت تکلیفی که در رابطه با حسن معاشرت با همسرش دارد شایسته نیست کاری را به‌عنوان حرفه یا شغل خویش در پیش بگیرد که باعث سرافکندگی و عذاب روحی و روانی همسرش شود. دکتر کاتوزیان در این زمینه می‌گوید: «هرگاه کار ناشایست و مستمر شوهر زندگی زناشویی را برای زن تحمل‌ناپذیر کند، به‌گونه‌ای که از طاقت زن متعارفی در آن شرایط بیرون باشد، دادگاه می‌تواند به استناد آن حکم طلاق دهد؛ مشروط بر این که اجبار او به ترک آن شغل ممکن نشود و این مورد باید برای دادگاه احراز شود تا به موجب دوام عسرو حرج بتواند حکم کند» (کاتوزیان، ۱۳۸۵).

بند ۷ ماده ۸ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ در این خصوص مقرر داشته‌است: «عدم رعایت دستور دادگاه در مورد منع اشتغال به کار و حرفه‌ای که منافعی با مصالح خانوادگی یا حیثیات شوهر یا زن باشد» در فرض تحقق این بند، همسر او می‌تواند از دادگاه درخواست گواهی عدم امکان سازش داشته- باشد و دادگاه نیز در فرض احراز چنین موردی، گواهی عدم امکان سازش صادر خواهد کرد. به‌نظر می‌رسد داشتن شغلی که با حیثیت طرف مقابل در تضاد است اگرچه برای مدت کوتاهی مشغول به آن کار باشد باز هم تأثیر خود را برای در عسرو حرج قرار دادن طرف مقابل، حتی در زمانی که دیگر زوج یا زوجه اشتغال به آن حرفه را ترک کرده‌است، نیز خواهد داشت و موجب می‌شود تا اعضای خانواده تا مدت‌ها مورد سرزنش دیگران قرار بگیرند و از این لحاظ در سختی، حرج و عذاب روحی ناشی از آن باشند.

ب. روابط نامشروع زوج و خیانت در حق زوجه: دین مبین اسلام ازدواج را تنها راه برای پاسخ‌گویی به نیاز جنسی دانسته و در این زمینه محدودیت ایجاد کرده‌است. با این وجود خیانت و ارتکاب روابط نامشروع از سوی هر یک از زوجین امری غیرقابل انکار است و عوامل مختلفی همانند تنوع طلبی در گرایش به چنین روابطی تأثیرگذار است. قبح این‌گونه رفتار را می‌توان در چگونگی برخورد



خداوند متعال با اعمال منافی عفت همانند زنا معرفی کرد که به‌رغم بسیاری از مکتب‌های اخلاقی و حقوقی همچون مکتب اصالت لذت، مکتب منفعت‌گرایی و مکتب لیبرالیسم، ارتکاب آن را حتی در خلوت و با وجود رضایت طرفین نیز مستحق مجازات دانسته‌است.

چنان‌چه شوهر در زندگی زناشویی به همسر خود خیانت کرده و مرتکب عمل نامشروع شود، می‌تواند آثار زیان‌باری را بر زوجه تحمیل کند. آثاری که بر متعلقات غیرمالی او وارد می‌شود، می‌تواند صدماتی به شخصیت و روان او بزند، مانند افسردگی، خشم، سردرگمی، شک، ایجاد استرس، آسیب به عزت نفس، گوشه‌گیری، کاهش اعتمادبه‌نفس در مسائل جنسی و شخصی، ترس از حضور در جامعه به‌علت مخدوش شدن حرمت و آبرو. همه این موارد نشان از قرار گرفتن زن در عسر حرج معنوی است. علاوه بر این چنین مواردی از آثار خسارت معنوی نیز محسوب می‌شود. اگرچه زن تمایل به ادامه زندگی مشترک در چنین شرایطی داشته‌باشد باز هم این آثار به قوت خود باقی خواهند ماند. مردی که بدون توجه به حرمت و قداست کانون خانواده و جایگاه و مقام وفاداری در این کانون، به انجام عمل نامشروع و خیانت مبادرت می‌کند، طبق مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی، به‌علت خسارت و صدماتی که وارد آورده، ضامن است و همسر او می‌تواند به‌علت زیانی که از خیانت شوهر متحمل شده، جبران خسارت مادی و معنوی را از شخص زیان‌کار مطالبه‌کند. خیانت نسبت به همسر افزون بر مسئولیت مدنی برای شخص، مسئولیت کیفری نیز برای وی دنبال خواهد داشت. براساس نوع و میزان مجازات برای این نوع از جرم، شارع مقدس و به پیروی از آن قانون‌گذار نهایت خشونت و سخت‌گیری خود را در حق، زن و مرد متأهل به‌کارگرفته‌است (حد رجم) (شهسواری و رضوی، ۱۳۹۴).

مثال عینی عدم توجه به حرج معنوی روانی ناشی از مسائل حیثیتی، رأی قضایی است که در شعبه ۲۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران صادر شده‌است. در این دادنامه با وجود اثبات رابطه نامشروع زوج و ارائه ادله لازم مبنی بر محکومیت وی به مجازات تعزیری به‌دلیل ارتکاب عمل نامشروع، درخواست طلاق زوجه به‌دلیل قرارگرفتن در عسرو حرج، توسط قاضی پرونده رد شده و آن را موجبی برای در عسرو حرج قرارگرفتن زوجه محسوب نکرده‌است (پیوست شماره ۱؛ شماره رأی نهایی: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۴۰۱۱۵۴ قابل دسترسی در <https://ara.jri.ac.ir>).

نقد رأی: با آثار زیان‌باری که ارتکاب عمل نامشروع و خیانت زوج در حق زوجه برای او به جا می‌گذارد، شایسته‌است که این مورد نیز دلیلی برای درخواست طلاق او به استناد ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی

باشد، با این وجود با بررسی برخی از آراء قضایی در این زمینه و نمونه دادنامه‌ای (شماره رأی نهایی: <https://ara.jri.ac.ir/9109970222401154>) که خلاصه آن بیان شد، ملاحظه می‌شود که با وجود اثبات خیانت و محکومیت زوج به مجازات تعزیری به دلیل ارتکاب عمل نامشروع، به خواسته زوج مبنی بر درخواست طلاق به استناد تخلف زوج از شروط ضمن عقد و همچنین عسرو حرج، توسط برخی از قضات توجهی نمی‌شود و ادله اثباتی را کافی برای اثبات خواسته زوج نمی‌دانند. این در حالیست که اگر خیانت و بی‌وفایی از سوی زوج اتفاق بیفتد، زوج عکس العمل بسیار شدیدی نسبت به آن از خود نشان داده و به راحتی می‌تواند زوج را به دلیل ارتکاب چنین عملی طلاق دهد و حتی در برخی از دادنامه‌ها ملاحظه شده که زوج بعد از طلاق همسرش، از فردی که با وی رابطه نامشروع داشته، درخواست جبران خسارت کرده و در نتیجه زیان کار محکوم به جبران خسارت مادی و معنوی وارده، شده است. علاوه بر این در مقام دفاع از زوج درجایی که زن مرتکب خیانت شده، سخن از غیرت او نسبت به همسرش در چنین موضعی به میان می‌آید برخلاف موردی که زوج عمل نامشروع یا خیانتی نسبت به همسرش مرتکب شود و زوج نیز به دنبال دادخواهی از وضعیت اسفباری که در آن قرار گرفته، برآید دیگر سخنی از غیرت او نسبت به شوهرش به میان نمی‌آید و از عکس العمل او در مقابل عمل ارتكابی همسرش، به حسادت تعبیر می‌شود؛ بنابراین باید این گونه پرسید که چرا در جایی که زوج مرتکب عمل غیرمشروعی می‌شود، بحث غیرت مطرح نیست و از آن به حسادت زنانه تعبیر می‌شود؟ چگونه است که وقتی در زندگی مشترک زن مرتکب عمل غیرقانونی و غیرمشروع می‌شود، شوهر می‌تواند و این حق را داراست که با استناد به تخلف از شروط ضمن عقد، همسرش را طلاق دهد؛ اما در مقابل جایی که شوهر مرتکب چنین عملی شده، درخواست زوج مبنی بر طلاق به استناد تخلف زوج از شروط ضمن عقد و عسرو حرج، توسط برخی از قضات به راحتی و بدون در نظر گرفتن ضربه روحی که به زن به علت خیانت شوهرش وارد می‌آید، رد می‌شود. به گونه‌ای که انگار در قانون بحث اخلاقیات مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

ج. سوء ظن و بدبینی بی جای زوج نسبت به زوجه: در روابط زناشویی زندگی با شخص بدگمان و بدبین به شدت مشکل است؛ چرا که شخص بدگمان برای این که بتواند به درستی گمان خود برسد، به انجام کارهای ناروا و ناشایستی همچون تجسس و بعد از آن تهمت اقدام می‌کند. علاوه بر این وجود این صفت در شخص به ویژه در زوج باعث می‌شود که او در زندگی با همسرش با ترس و وحشت مواجه شود، هم چنین در همه حال این احتمال را به خود می‌دهد که همسرش نسبت به او به انجام فعل ناپسندی



همچون خیانت دست می‌زند؛ چنین عملی از سوی زوج، زوجه را در حرج روانی ناشی از مسائل حیثیتی گرفتار می‌کند (عباسی ولدی، ۱۳۹۰).

سوءظن بی‌جای زوج نسبت به همسرش حتی گاهی اوقات موجب روی آوردن او به کارهای خلاف اخلاق می‌شود؛ چرا که او وقتی می‌بیند با وجود این که نسبت به زندگی و شوهرش وفادار است ولی با این وجود باز هم شوهرش به فعل ناشایست خود ادامه می‌دهد و زن در این زندگی از لحاظ روحی و احساسی آسیب می‌بیند و در کنار این آسیب به این فکر می‌افتد که نسبت به رفتار همسرش مقابله به مثل کند و برای رهایی از این وضعیت غیرقابل تحمل دست به خیانت - که این عمل خود نمونه‌ای از آثار ناشی از لطمات و آسیب‌های روحی، احساسی و عاطفی است - بزند (شهسواری، ۱۳۹۴). در نهایت حتی این احتمال وجود دارد که زن به فساد نیز کشیده شود. به همین خاطر زوجه‌ای که در زندگی مشترک با چنین وضعیتی مواجه است و تحمل چنین شرایطی نیز برایش غیرممکن است، می‌تواند با مراجعه به دادگاه و شرح وضعیت حرجی خود که هم شامل حرج عاطفی و هم حیثیتی است با استناد به ماده ۱۱۳۰، تقاضای طلاق کند. بهتر است قاضی پرونده به وضعیت که زوجه در آن قرار گرفته، توجه کند و درک کند که زوجه در واقع در فشار و مشقت روحی و روانی شدیدی است. چنین حالتی از موجبات عسرو حرج معنوی است و از موجبات طلاق محسوب می‌شود؛ زیرا ادامه دادن به زندگی با چنین فردی با ویژگی‌ای که داراست، زندگی را به کامش تلخ و تحمل ناپذیر می‌کند.

در این خصوص دادنامه‌ای در شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور در سال ۱۳۹۲ صادر شده است. در رابطه با زوجی که نسبت به همسرش سوءظن داشته و نسبت به وی فحاشی کرده است. او را تهدید و مورد ضرب و جرح قرار داده و با نصب دوربین مدار بسته در اتاق خواب، موجبات عسرو حرج وی را فراهم کرده و علیه حریم خصوصی وی اقدام کرده است. در نهایت دادگاه در این خصوص رأی به محکومیت زوج به مطلقه کردن زوجه صادر کرده است (پیوست شماره ۲؛ شماره رأی نهایی:

۹۲۰۹۹۷۰۹۰۷۲۰۰۹۹۱ قابل دسترسی <https://ara.jri.ac.ir>)

در این رأی قضایی به شدت سختی و مشقتی که زوجه از باب نقض حریم خصوصی اش متحمل شده، توجه شده است و آن از مصادیق عسرو حرج به حساب آمده است. صدور چنین حکمی از سوی قاضی پسندیده و قابل ستایش است و این نشان‌دهنده میزان توجه قاضی پرونده به آسیب‌هایی است که هم در وضعیت کنونی زوجه متحمل آن شده و هم نسبت به آسیب‌هایی است که زوجه در فرض ادامه

دادن به زندگی مشترک با چنین شخصی به آن دچار می‌شود. به نظر می‌رسد در کنار چنین عنایتی توسط قاضی، در مواقعی که بر اثر بدبینی شوهر نسبت به همسرش آبروی او خدشه‌دار شود، بهتر است قانون‌گذار جبران خسارتی برای آن در نظر بگیرد.

۲-۳-۱-۲. **حرج معنوی روانی ناشی از مسائل عاطفی:** این نوع از حرج شامل دشواری‌ها و مشقت‌هایی است که از لحاظ احساسی و عاطفی شخص را در فشار و تنگنا قرار می‌دهد و باعث می‌شود تا فرد از لحاظ روانی در عسرو حرج قرار گیرد. در ادامه به چند نمونه از مصادق آن اشاره می‌شود؛ اگرچه مصادیقی که در این بخش ذکر می‌شوند شامل هر دو نوع عسرو حرج (مادی و معنوی) می‌شوند ولی در این جایگاه بخش معنوی آن مدنظر بوده و بیش‌ترین تأثیر را روی روح و روان زوجه می‌گذارد.

الف. آمیزش نامتعارف با همسر: شیوه استمتاع زوجین از یک‌دیگر متفاوت است که برخی متعارف‌اند همچون نزدیکی در قبل و برخی دیگر نامتعارف هستند. گاهی در مسائل زناشویی دیده می‌شود که برخی از مردان از همسرانشان درخواست آمیزش نامتعارف دارند و او را با این درخواست در تنگنا و فشار روحی و روانی شدیدی قرار می‌دهند. علاوه بر این که این‌گونه روابط از نظر روحی تأثیر سوئی بر روی همسران می‌گذارد، از نظر پزشکی نیز آثار و پیامدهای جبران‌ناپذیری دنبال دارد؛ که همه این موارد برای زوجه خطرناک خواهد بود. یکی از این روش‌های نامتعارف که مردان اغلب زنان را به چنین کاری مجبور می‌سازند، «وطی در دبر» و یا «نزدیکی از پشت» است. چنین شیوه‌ای که مردان برای ارضای تمایلات جنسی خود به آن متوسل شده‌اند، آثار و پیامدهای سوئی به دنبال دارد؛ آمیزش نامتعارف برای هر کدام از زوجین به‌طور خاص عوارضی به دنبال دارد. آثار سوء چنین آمیزشی برای زوجه ممکن است باعث بی‌اختیاری، مبتلا شدن به انواع سرطان‌ها همچون سرطان مقعد، سرطان دهانه رحم و مانند آن شود. علاوه بر این موارد، به دلیل این که لذت واقعی برای زن در رابطه جنسی، از طریق قبل انجام می‌شود و به‌خصوص در موردی که زوجه نسبت به روش آمیزش از دبر رضایتی ندارد، در این حالت زوجه دچار تغییر در مزاج (سرد مزاجی) و نسبت به تمایلات جنسی خود، بی‌میل می‌شود. این تا جایی است که خود را موجودی می‌بیند که به‌عنوان وسیله یا ابزاری برای تأمین شهوت همسرش بوده و نباید خودش از داشتن چنین غریزه‌ای لذتی حاصل کند. اصولاً در چنین روابطی مردان بیش‌تر به فکر ارضای شهوات خود هستند و درکی از مقدار درد و ناراحتی و اضطرابی که زن تحمل می‌کند، ندارند (رمضان زاده و همکاران، ۱۳۹۷).



چنانچه خانم‌ها توسط همسرانشان به برقراری رابطه جنسی نامتعارف اجبار شوند و به دلیل این‌که مکلف به تمکین هستند و خوف از این دارند که اگر نسبت به چنین درخواستی، ممانعت ورزند، از حق نفقه محروم خواهند شد؛ تن به چنین درخواستی می‌دهند. در چنین حالتی خانم‌ها به علت وجود حجب و حیا، نمی‌توانند وضعیت حرجی خود را به دادگاه گزارش دهند و درخواست رسیدگی کنند یا تحمل می‌کنند و یا این‌که آن را در دعاوی مانند سوء معاشرت و طلاق مطرح می‌سازند. هرچند در بسیاری از دعاوی قضایی آمیزش نامتعارف از سوی زوج را دلیل موجهی برای طلاق زوجیه محسوب نمی‌کند و فشارها و ناملایماتی که زن در چنین زندگی تحمل می‌کند را در نظر نمی‌گیرد تا او را به وسیله طلاق از چنین وضعیتی رها سازد. علاوه بر این اثبات درخواست شوهر از همسرش برای برقراری رابطه جنسی نامتعارف در دادگاه از جانب زوجیه، بسیار سنگین است؛ به دلیل این‌که قطعاً هیچ مردی اقرار به درخواست چنین روابطی از همسر خویش، نخواهد کرد. چنین زنی با توضیحاتی که داده شد، در وضعیت حرجی قرار گرفته است و علاوه بر این‌که از لحاظ جسمی دچار آسیب می‌شود، از لحاظ روحی، روانی و احساسی نیز به شدت لطمه می‌بیند.

با استناد به ادله زیر می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از شیوه‌های نامتعارف در روابط زناشویی یکی از مصادیق عسرو حرج معنوی و هم‌چنین مصادیق سوء معاشرت است:

- **استناد به قاعده نفی ضرر:** با عنایت به این‌که انجام عمل زناشویی به شکل غیر متعارف و درخواست اعمال شیوه‌های گوناگون در حین رابطه توسط مردان آسیب‌های جسمی و روحی شدیدی برای زن ایجاد می‌کند. با توجه به قاعده لاضرر و مفاد آن قاعداً باید جواز چنین آمیزشی طبق این قاعده مرفوع شود، اگر مفاد این قاعده نفی حکم ضرری در نظر گرفته شود.

- **استناد به قاعده نفی عسرو حرج:** با توجه به مفاد قاعده نفی عسرو حرج، در دین اسلام حکمی که مکلف با به کارگیری آن به دشواری و سختی گرفتار شود (انصاری، ۱۴۱۹: ۴۶۴/۲) و سختی و دشواری که مردم برای رسیدن به اهداف خود، عادتاً آن را تحمل نمی‌کنند، وجود ندارد (صانعی، ۱۳۷۷)؛ بنابراین اگر زوجیه به دلیل جواز چنین آمیزشی (وطی در دبر) به دشواری افتاده، در تنگنا و مضیقه قرار گیرد، این جواز برداشته خواهد شد. چنانچه تمکین زن از شوهرش و قبول درخواست وی برای چنین آمیزشی،

به واسطه شرایط جسمی و روانی زن، او را در عسرو حرج قرار دهد، زن می تواند نسبت به انجام آن ممانعت ورزد و به واسطه عسرو حرج هم مادی و هم معنوی که بر وی حاصل شده، با استناد به ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، به دادگاه شکایت کرده و درخواست طلاق کند.

- استناد به قاعده لزوم معاشرت به معروف و ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی: آمیزش با همسر آن هم به شیوه غیر متعارف را می توان نوعی از روابط زناشویی نامقبول و هم چنین یکی از مصادیق سوء معاشرت به شمار آورد. این عمل مخالف سخن قانون گذار در ماده ۱۱۰۳ است که در آن زوجین مکلف به رعایت حسن معاشرت شده و این نوع از معاشرت باید در چهارچوب معروف باشد. براین اساس آمیزش جنسی از طریق دبر شایسته ناست به خصوص درجایی که زوجه رضایتی نسبت به این نوع از آمیزش ندارد. هم چنین بنابر گفته برخی از فقها معروف اقتضا می کند که آمیزش باید به گونه ای باشد که زوجین هر دو از آن لذت ببرند (طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۲۶۶). رابطه جنسی که متعارف نیست و در آن فقط نیاز و غریزه شهوانی مرد ارضاء می شود و برای زن صرفاً ضرر و زیان و فشار جسمی و روحی به همراه دارد به طو قطع مخالف معروفی است که زوجین در حقوق و تکالیفشان به مراعات آن توصیه شده اند. رأی قضایی صادر شده توسط شعبه ۸ دیوان عالی کشور در سال ۱۳۹۲ مؤید این مصداق است که در آن خانمی به دلیل رفتار نادرست جنسی همسرش، ایجاد رابطه جنسی از پشت به طور مکرر، عدم توجه همسرش به تمایل او، اجبارش به انجام این کار و آسیب دیدگی کمرش به علت اجبار زوج، در عسرو حرج قرار گرفته، نسبت به همسرش کراهت شدید پیدا کرده است. او با بذل ۲۸۳ سکه از ۳۱۳ سکه از مهریه اش تقاضای صدور طلاق کرده، دادگاه با احراز عسرو حرج زوجه، حکم به طلاق وی داده است (پیوست شماره ۳، شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۱۳۳۶ قابل دسترسی <https://ara.jri.ac.ir>). با توجه به مطالبی که در ابتدای مبحث در رابطه با آمیزش نامتعارف بیان شد، دادنامه فوق الذکر که اشاره به رفتار جنسی نامناسب از سوی زوج و اجبار زوجه به انجام آن دارد، موجب کراهت شدید زوجه نسبت به زوج شده و آسیب های ناشی از آن نیز متوجه زوجه گشته است؛ لذا این رأی قضایی مؤید مطالبی است که در رابطه با عسرو حرج ناشی از روابط جنسی



نامتعارف بیان شد و نشان از این است که عسرو حرج معنوی ناشی از آن به حدی رسیده که دیگر زوجه قادر به تحمل آن نبوده، کراهت شدید نسبت به زوج پیدا کرده و برای رهایی از چنین وضعیتی حتی حاضر شده قسمت اعظم مهریه اش را بذل کند.

ب. اختیار کردن همسری دیگر توسط زوج: اگرچه در جامعه جاهلیت و صدر اسلام، بحث تعدد زوجات توهینی به همسر اول به شمار نمی رفت، اما در جوامع معاصر به روشنی دیده می شود - به ویژه در جایی که مردان از قانون تعدد زوجات سوء استفاده می کنند - که چند همسری نوعاً موجب رنج و ناراحتی همسر نخست می شود و اضطرابی که از آن ناشی می شود آرامشی را که طبق آیات قرآن کریم مهم ترین و اساسی ترین اهداف زندگی مشترک است را برهم می زند؛ به همین دلیل ازدواج مجدد زوج از مصادیقی است که حقوق دانان طبق ماده ۱۱۳۰ تصریح کردند که: «اگر ازدواج مجدد زوج مشکلات روحی شدیدی برای زوجه اول و عسرو حرج او شود و ادامه زندگی را بر وی مشقت آمیز و تحمل ناپذیر کند می تواند با رجوع به حاکم شهر، تقاضای طلاق کند».

زوجه در اینجا از لحاظ روحی و روانی آسیب های جبران ناپذیری همچون احساس بی اعتمادی، احساس شکست، گوشه نشینی و مشکلات مادی و معنوی دیگر که ناشی از ازدواج مجدد همسرش است را می بیند؛ زیرا که او نمی تواند کسی دیگری را شریک همسر خود ببیند. این مورد نیز یکی از مصادیق عسرو حرج معنوی است و مشمول ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی می شود. در این زمینه نیز با مطالعه دادنامه های صادره از سوی مراجع قضایی موردی یافت شد که در آن زوجه به علت سوء رفتار زوج، ازدواج مجدد، ادعای عسرو حرج و تحقق شروط ضمن عقد تقاضای طلاق کرده و از کلیه حقوق مالی خود من جمله مهریه و جهیزیه صرف نظر کرده است. دادگاه با بررسی های انجام شده، با ذکر دلایلی چند عسرو حرج زوجه را احراز کرده است. این دلایل عبارتند از: ۱- مفارقت جسمانی زوجین بیش از ۵ سال ۲- صرف نظر زوجه از کلیه حقوق مالی از جمله مهریه و جهیزیه ۳- عدم توجه زوج به رضایت زوجه در زمینه ازدواج مجدد و اقدام به اختیار همسری دیگر؛ اگرچه ازدواج مجدد او به تجویز دادگاه بوده - است؛ چراکه تجویز دادگاه نافی مشکلات به وجود آمده است. در نهایت دادگاه حکم به طلاق وی به علت عسرو حرج صادر کرده است (پیوست ۴، شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۶۸۰۱۰۲۷ قابل دسترسی

ج. محبوس کردن زوجه در منزل: از آثار ریاست مرد در خانواده، نظارت بر رفت و آمدها و معاشرت های زن در خانواده است و لزوم و ضرورت آن از طرف مرد به دلیل مصالح و منافع خانواده مورد توجیه قرار می گیرد. گاهی در خانواده ها دیده می شود که شوهر علاوه بر این که همسرش را از رفت و آمد با خویشان منع می کند، از رفت و آمد با والدینش نیز جلوگیری می کند و او را به نوعی در منزل حبس می کند که برخی منع زوج از رفت و آمد، در درجه خفیف مثل منع زن از دیدار پدر و مادرش یا منع از اشتغال به حرفه ای را، منع از انجام تکالیف اجتماعی به شمار آورده اند (نقیبی، ۱۳۸۶)؛ که چنین عملی از طرف شوهر به نوعی زمینه سازی برای ابتلای زوجه به بیماری های روحی است و او را در عسرو حرج معنوی قرار می دهد.

برخی از فقها همچون آیت الله خویی (ره) خروج زن از منزل بدون اجازه همسر را در صورتی منع می کند که با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد (خویی، ۱۴۱۰: ۲/۲۸۹). طبق این نظر می توان گفت: همه بیرون رفتن های زن با حق استمتاع شوهر منافاتی نخواهند داشت تا به سبب آن حکم به حرمت و عدم خروج او از منزل داد. هم چنین بیرون آمدن متعارف زن از خانه موجب پایمال کردن حق مرد و یا انجام فعل حرام نیست؛ به این دلیل که از نظر فقهای اسلام و مراجع عظام تقلید حقوق زوج بر زوجه مشخص است و این دو با هم منافاتی ندارند. لذا صحیح و عادلانه به نظر نمی رسد که زوج همسرش را در منزل حبس کرده و آن را حتی برای خود بداند که به سبب آن زوجه را حتی از ارتباط با والدینش نیز منع کند.

برخی از فقهای معاصر نیز همچون آیت الله سیستانی، شبیری زنجانی و موسوی اردبیلی وجود حق منع خروج زن از خانه را به شکل مطلق برای زوج مغایر با قاعده امساک به معروف و معاشرت نیکو با زوجه می دانند و از طرفی دیگر قاعده نفی حرج را سدی برای چنین باوری می دانند که راه را بر چنین عقیده ای مسدود می کند (فضل الله، ۱۳۸۳؛ مکارم، ۱۴۲۴: ۶/۱۲۴) لذا بهتر است قضات نیز در مواجهه با پرونده های مربوط به درخواست طلاق به استناد عسرو حرج ناشی از فعل شوهر مبنی بر منع زوجه برای خروج از منزل، به فشار روحی و روانی که زنان با بودن در چنین شرایطی متحمل می شوند نیز توجهات لازم را مبذول کنند و نظر مشهور فقها که خروج زن از منزل را حرام می دانند، اعمال نکنند چرا که با توجه به پویا بودن فقه - که برخی از فقهای معاصر نیز آن را در نظر گرفته و طبق آن خروج زن از منزل را چنانچه منافاتی با حقوق شوهر نباشد را بلا اشکال دانسته اند - و هم چنین با در نظر گرفتن شرایط



جامعه امروزی شایسته به نظر نمی‌رسد که به زن که در دنیای امروز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و حضور و مشارکت او در عرصه‌های مختلف جامعه ضروری است، به چشم یک برده نگریست و خروج او از منزل را مانع شد.

۳-۱-۲-۳. **حرج معنوی روانی ناشی از فشارهای جسمانی:** اعمال خشونت علیه زن، شامل هر اقدامی که باعث آزار جسمی، روانی و جنسی زن می‌شود، می‌شود و از نظر دین اسلام اقدام به خشونت علیه زن نیز مسئولیت سنگینی را همراه دارد. در آیه ۳۴ سوره نساء نیز ترتیبات خاصی را در روابط زوجین مقرر ساخته که درباره منظور آیه و تطبیق آن با حقوق و کرامت انسانی زن اختلافی میان عالمان علم فقه دیده می‌شود و کسانی که خشونت علیه زن مانند کتک زدن را جایز می‌دانند به این آیه استناد می‌کنند.

در رابطه با این آیه باید گفت: خداوند متعال در این آیه، سه راهکار تربیتی که عبارتند از: موعظه، دوری از همسر در بستر و ضرب، برای این که از نشوز زن جلوگیری شود، ارائه کرده است. روشن است که اگر چنین راهکارهایی در حوزه خود به درستی به کار گرفته شود، مناسب و شایسته خواهد بود و حتی می‌تواند صفا و آرامش را به کانون خانواده برگرداند. در مورد دو راهکار اول که مفهومی روشن دارند، اختلافی دیده نمی‌شود اما در مورد راهکار سوم اختلافاتی در میان فقها به چشم می‌خورد.

اگر منظور آیه از واژه «واضربوهن» را معنای ظاهری آیه که به معنای «کتک زدن» است؛ باشد به این معناست که خشونت و کتک زدن زن جایز است، در حالی که نمی‌توان پذیرفت خداوند متعال مروج خشونت در خانواده و به دنبال آن در جامعه باشد. در متون روایی نیز، هنگامی که از چگونگی ضرب پرسش می‌شود، به خفیف‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود که عبارت است از: «والضرب بالسواک و شبه ضربا رفیقا؛ زدن باید با وسایلی مانند مسواک و امثال آن باشد آن هم با مدارا و ملایمت» (صدوق، ۱۴۱۵: ۳۵۰). لذا آن چه که در این روایت به آن اشاره شده، این است که شیوه زدن باید ملایم و خفیف باشد به شکلی که نه موجب جراحت و شکستگی بشود و نه باعث سرخی و کبودی، در غیر این حالت موجب دیه یا قصاص برای زوجه خواهد بود (مغنیه، ۱۳۷۸: ۵۰۱/۲).

به نظر می‌رسد در این میان طبق نظر شیخ صدوق استفاده از راهکار سوم «ضرب زوجه» اگر چه به نحو خفیف، در اثر تکرار و مداومت ممکن است نتیجه عکس داشته باشد و زوجه به جای وفادار شدن به حقوق مرد، سرسختی نشان دهد و به لجبازی روی آورد و نه تنها نتیجه مثبتی نداشته باشد بلکه موجب

جری شدن او نسبت به اقدام اعمال نادرست در جهت تصحیح حقوق زوج شود؛ بنابراین زدن واقعی و دردآور به نحو اولی نمی تواند تأثیر درست و مثبتی بر روی او داشته باشد، بلکه موجب کینه و نفرت نسبت به همسرش می شود و او دیگر نمی تواند نگاهی همچون قبل به همسرش داشته باشد و علاوه بر آسیب جسمی موجب آسیب های روحی و روانی نیز بر وی می شود (صدوق، ۱۴۰۹: ۵/۲۱۵).

در این بخش نیز همانند دیگر بخش های مذکور، خلاصه ای از یک دادنامه به عنوان نمونه که در شعبه ۲۳ دیوان عالی کشور صادر شده بیان می شود که در آن زوجه به دلیل عسرو حرجی که به واسطه ضرب و جرح، فحاشی، توهین و عدم پرداخت نفقه برایش حاصل شده، درخواست طلاق داشته است که در نهایت با گذراندن مراحل دادرسی توسط دادگاه، حکم به طلاق وی توسط دادگاه با احراز عسرو حرج و با استناد به مواد ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۲۵۷ قانون مدنی داده شده است که در ادامه زوج نسبت به رأی صادر شده تقاضای تجدیدنظرخواهی کرده است که در نهایت با بررسی های دوباره، پرونده به دیوان عالی ارسال می شود و دیوان نیز رأی را مخدوش و دارای ایراد به شمار می آورد و عمده دلیل برای صدور حکم طلاق را که ایراد ضرب و جرح توسط زوج و عدم پرداخت نفقه است را کافی ندانسته و در رابطه با ایراد ضرب و جرح قائل به این بوده که صرف یک بار عمل ضرب، نمی تواند به عنوان دلیلی برای عسرو حرج قرار گیرد و سوء رفتار زوج باید مستمر بوده باشد به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیر قابل تحمل سازد تا دلیلی برای اثبات عسرو حرج واقع شود و مانند آن (پیوست ۵، شماره رأی نهایی: ۹۲۰۹۹۷۰۹۰۸۳۰۰۲۸۰ قابل دسترسی <https://ara.jri.ac.ir>)

نقد رأی: ذکر این نکته ضروری است که در کلیه آسیب های جسمانی که توسط شوهر بر جسم زن وارد می شود زوجه تألمات و زیان های مختلفی را متحمل می شود تا شاید بتواند به حالت پیشین و طبیعی خود بازگردد و چه بسا که در اکثر مواقع امکان بازگشت کامل وجود ندارد و او در چنین وضعیتی در عذاب ناشی از آلام جسمی و فشارهای عصبی گوناگون می سوزد و از سوی دیگر هزینه دارو و درمان، مخارج زندگی و سایر هزینه های مربوط به مشکلات او می افزاید. علاوه بر این ممکن است برای همیشه زمین گیر شود و دیگر نتواند به حالت ابتدایی برگردد و لذا آسیب ها و صدماتی که به واسطه عمل زوج به بدن و سلامتی جسمی او وارد می شود، سبب می شود که او هم از نظر جسمی و افزون بر آن از نظر روحی در عسرو حرج قرار گیرد و به عبارت دیگر زوجه در چنین شرایطی در وضعیت عسرو حرج مادی و معنوی گرفتار می شود با این حال بند ۴ تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی تنها به عسرو حرج مادی به وجود



آمده به واسطه ضرب و شتم زوجه توجه کرده و علاوه بر این، مستمر بودن و تکرار آن را دلیلی برای ثبوت عسرو حرج دانسته است. این به این معناست که قانون‌گذار جواز ضرب زوجه را به صورت ضمنی پذیرفته است در حالی که نباید قانون‌گذار چنین حقی را برای زوج حتی برای یک مرتبه قائل باشد (چه زوجه مقصر بوده باشد و چه نباشد). لذا در بیش‌تر مواردی که زن از طرف شوهر کتک خورده و آسیب می‌بیند و عواطف و احساساتش جریحه‌دار می‌شود، قاضی به دلیل مستمر نبودن، صرف یک بار عمل ضرب را کافی برای اثبات عسرو حرج نمی‌داند. این در حالی است که ورود آسیب جسمی به زن با خصوصیاتی همچون کبودی، خراش و شکستگی شرعاً جایز نیست زیرا با مراجعه به آیات و روایاتی که چگونگی رفتار با همسران را معین کرده است و هم چنین حتی در فرض پذیرش جواز ضرب زوجه که آن را محدود به چوب مسواک و هم چنین زدن بدون درد و بدون جراحت ساخته است، نمی‌توان به راحتی یک بار عمل ضرب را ناکافی برای اثبات عسرو حرج دانست علاوه بر این باید به عسرو حرج معنوی ناشی از ضرب و آسیبی که به واسطه آن حاصل می‌شود نیز توجه نمود و ساختار فیزیکی و روانی زن را نیز مدنظر قرار داد تا حقوق او ضایع نشود و خسارت ناشی از آن اعم از مادی و معنوی جبران شود؛ زیرا که آسیب و صدمه‌ای که به بدن و سلامتی جسمی وارد می‌شود دارای هر دو جنبه مادی و معنوی است و هم چنین طبق اصل ۲۲ قانون اساسی که سلامت جسمانی افراد جامعه را تضمین کرده و ماده ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی، عامل زیان مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود است.

۲-۱-۳. حرج معنوی ناشی از مسائل مالی

با عنایت به این مطلب که عدم پرداخت نفقه از سوی زوج، تنها مصداق یافت شده از این نوع حرج می‌باشد که در عسرو حرج قرار گرفتن زوجه به دلیل مضیقه و تنگنای شدید اقتصادی و عواقب آن کاملاً محسوس است نیازی به بررسی آراء قضایی نیست.

۳-۱-۳. حرج معنوی ناشی از رویه قضایی

چنانچه زن برای برون رفت از وضعیت حرجی، خواهان طلاق به استناد ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی باشد، اثبات عسرو حرج با توجه به قاعده «البینه علی المدعی» به عهده او است؛ لذا در این خصوص ایراداتی در رویه قضایی وجود دارد که سختی و مشقت حاکم بر زوجه را دو چندان می‌سازد که در ادامه موارد آن احصاء می‌شود:

الف. زمان بر بودن اثبات عسرو حرج: در جریان رسیدگی به پرونده‌های مربوط به عسرو حرج، زن باید علاوه بر اثبات موردی که باعث عسرو حرج وی شده، وضعیت حرجی خود را که ناشی از آن مورد بوده را نیز اثبات کند. چنین اقداماتی از سوی زوجه به علت دشوار بودن، زمان بر نیز خواهد بود به گونه‌ای که او مجبور است چندین سال زمان را صرف اثبات اموری که باعث شده تا او در وضعیت غیر قابل تحملی قرارگیرد، کند؛ و این مسئله می‌تواند به نوعی او را در وضعیت حرجی و دشوار قرار دهد؛ زیرا مدت زمان زیادی از عمر وی برای اثبات مسئله عسرو حرج سپری می‌شود و هم‌چنین موقعیت‌های ارزشمندی از او تلف می‌شود که به هیچ وجه قابل بازگشت نخواهد بود و او حتی در این مدت به مرزی از مشقت و دشواری می‌رسد که به دلیل سخت‌گیری‌های قانونی و هم‌چنین طولانی شدن زمان رسیدگی و اثبات، حاضر می‌شود تا از حقوق مالی خود صرف‌نظر کند تا بدین وسیله بتواند وضعیت حرجی خود را به قاضی اثبات کند و خود را از چنین وضعیت تحمل‌ناپذیری رهایی بخشد.

به‌عنوان نمونه می‌توان به خلاصه رأی صادر شده در شعبه ۲۶ دادگاه تجدید نظر اشاره نمود که در آن زوجه به دلیل ترک زوجیت، عدم پرداخت نفقه و سوء معاشرت و مفارقت به مدت شش سال درخواست طلاق داشته‌است که دادگاه پس از تحقیقات لازم و نظریات داوران و احراز عسرو حرج حکم به طلاق زوجه به دلیل عسرو حرج داده است که در آن مفارقت طولانی مدت زوجین قرینه‌ای برای اثبات عسرو حرج بوده است (پیوست ۶، شماره رأی نهایی ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۲۶۰۱۲۸۵: قابل دسترسی <https://ara.jri.ac.ir>).

نقد رأی: با عنایت به دادنامه‌هایی که در این رابطه آورده شده، یکی از ملاک‌هایی که دادگاه‌ها برای اثبات عسرو حرج در نظر می‌گیرند، مفارقت جسمانی زوجین به مدت طولانی است. مفارقت جسمانی زوجین که در دادنامه‌ها ملاحظه می‌شود، سالیان طولانی را شامل می‌شود که زوجین به دلیل اختلافاتی که با هم دارند، جدای از هم زندگی می‌کنند. چنین عاملی علاوه بر این که موجبی برای در سختی قرار گرفتن زوجه است و می‌تواند از لحاظ روحی و روانی بر روی زوجه تاثیرگذار باشد و سبب شود تا مدت زمان زیادی از جوانی وی در این بین تلف شود حال پس از گذشت این مدت و درنهایت با اثبات علت عسرو حرج که به سختی حاصل شده، تنها چیزی که عاید زوجه می‌شود، حکم طلاقی است که با تحمل مشقت غیرقابل وصفی از دادگاه اخذ کرده‌است. در این شرایط ابتدا پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا جبرانی برای این زمان طولانی که از عمر زوجه تلف شده، می‌تواند وجود داشته باشد؟



چه کسی، چه طور و چگونه می‌تواند این مدت زمان را که اصولاً از سال‌های جوانی زوجه است، جبران کند؟ قانون‌گذار چه تمهیداتی برای این موضوع در نظر گرفته است؟ طولانی بودن رویه قضایی یکی از دلایلی است که موجب می‌شود تا چنین وضعیتی پیش آید و خسارت جبران‌ناپذیری بر زوجه وارد آید و عسرو حرج مضاعفی را بر زوجه تحمیل کند.

علاوه بر موارد ذکر شده در دعوای مربوط به عسرو حرج زوجه که مطابق ماده ۱۱۳۰ حق طلاق در صورت اثبات علت عسرو حرج توسط زوجه به او داده شده، متأسفانه افزون بر دشوار بودن اثبات دلیل عسرو حرج و هم چنین وضعیت حرجی که زن در آن قرار گرفته و در نهایت اثبات چنین مسئله‌ای، زمانی که بحث اخذ حقوق مالی پیش می‌آید، برخی از قضات بحث «مهرم حلال، جانم آزاد» را مطرح می‌کنند تا زوجه از مهریه و نفقه خود گذشت کند و سپس بعد از آن حکم طلاق وی را صادر می‌کنند. درجایی که به واسطه نشوز زوج، زن در عسرو حرج قرار گرفته، چگونه می‌شود پذیرفت که به این عبارت که مبنای آن هم مشخص نیست، توسط قاضی محکمه استناد شود و خواستار این شود که زن برای اخذ حکم طلاق، از گرفتن حقوق مالی خود صرف نظر کند. به چه دلیلی باید یک ضرب‌المثل مستند یک حکم قرار بگیرد؟ در حالی که وقتی عقد نکاح بین طرفین منعقد می‌شود، آثار مالی خود را نیز برای زوجه به همراه خواهد داشت. در این حالت اگر بنا می‌بود که زن حقوق مالی‌اش را در دعوای مذکور بذل کند، دیگر نیازی به صرف این همه وقت و هزینه و تحمل این همه مشقت و سختی برای اثبات عسرو حرج نبود. بلکه زوجه می‌توانست در همان ابتدا با بذل حقوق مالی خود، با توافق، طلاق توافقی بگیرد. لذا در چنین حالتی از قانون‌گذار انتظار می‌رود که نسبت به اصلاح رویه قضایی که با وجه به اشاراتی که به نواقص موجود در آن شد، بپردازد و هم چنین نسبت به جبران خسارات ناشی از عسرو حرج و مدت زمانی که زوجه باید برای اثبات عسرو حرج صرف کند، جبرانی در نظر گرفته تا اگرچه نمی‌توان چنین خسارتی را که به واسطه تلف شدن عمر زوجه به وی وارد شده است را کامل جبران کرد، اما امر به جبران خسارت مادی و معنوی از سوی قانون‌گذار بی‌فایده به حال او نخواهد بود.

ب. اثبات عسرو حرج معنوی به قاضی مرد: زمانی که زن در زندگی مشترک بنا به دلایلی در وضعیتی قرار می‌گیرد که برای او تحمل چنین شرایطی سخت و دشوار بوده و با استناد به قاعده نفی حرج و هم چنین ماده ۱۱۳۰ خواستار جدایی از همسرش می‌شود، در چنین صورتی او باید علاوه بر موردی که موجب در عسرو حرج قرار گرفتش شده، وضعیت حرجی خود را نیز به قاضی ثابت کند؛ اما از

آن جایی که معمولاً قضات محاکم مرد هستند، چه طور ایشان که از لحاظ خصوصیات روانی متفاوت از یک زن هستند، می توانند عسرو حرج یک زن را - به خصوص در مواردی که علت در عسرو حرج قرار گرفتن زوجه امری پوشیده همچون بی توجهی به حقوق جنسی وی است - تشخیص دهند. به این خاطر که قضات رسیدگی کننده به چنین پرونده هایی مرد هستند و صلاحیت کافی و لازم را که بخواهند عسرو حرج روانی زوجه ناشی از اقدام زوج را تشخیص دهند را ندارند و یا این که در عرفی بزرگ شده اند که خشونت و یا بی احترامی نسبت به زوجه را در حد شکستن دست و پا آن هم برای بار چندم می دانند، ولی به این توجه نمی کنند که عسرو حرج شخصی است و زنی که مثلاً در پایتخت بزرگ شده، کوچک ترین بی احترامی می تواند او را در وضعیت حرج روانی قرار دهد و به او آسیب زند. در محاکم رسیدگی به دعاوی خانوادگی اگر چه مشاور زن وجود دارد، اما وجود ایشان کافی به نظر نمی رسد چرا که نظر نهایی از سوی قاضی مرد داده می شود و نیاز است که قانون اصلاح شود و قاضی زن و مرد سهم یکسانی در انشاء حکم داشته باشند تا این نقیصه رفع شود.

۴. نتیجه گیری

در این پژوهش با بررسی و مذاقه در کتاب ها، مقالات و دادنامه های قضایی، عسرو حرج معنوی تعریف شد و ادله ای که دلالت بر این نوع از عسرو حرج دارند، مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت نتیجه ای که از این جستار حاصل شد این است که ادله ای که از آیات و روایات بر قاعده نفی عسرو حرج وارد شده، عام و مطلق بوده و شامل انواع عسرو حرج اعم از مادی و معنوی می شود؛ بنابراین تأثیر عسرو حرج معنوی بر طلاق ثابت است زیرا آسیب های ناشی از آن گاهی بیش تر و حتی غیر قابل تحمل تر از آسیب های ناشی از عسرو حرج مادی است. پس از بررسی این موارد، با دقت و امعان نظر در چندین دادنامه، مصادیق عسرو حرج معنوی زوجه که از ناحیه زوج و هم چنین رویه قضایی بر وی عارض می شود، ذکر و مورد بررسی قرار گرفت. در این نوشتار مصادیق عسرو حرج معنوی به سه حالت تقسیم شد که عبارتند از:

الف. حرج معنوی روانی: این نوع از حرج به سه دسته، حرج روانی ناشی از مسائل حیثیتی، حرج روانی ناشی از مسائل عاطفی و حرج روانی ناشی از فشارهای جسمانی تقسیم شده است.

ب. حرج معنوی ناشی از مسائل مالی: عدم پرداخت نفقه از سوی زوج، تنها مصداق یافت شده از این نوع حرج است.



ج. حرج معنوی ناشی از رویه قضایی: این نوع از عسرو حرج نیز در دو مبحث حرج معنوی زمان بر بودن اثبات عسرو حرج و اثبات عسرو حرج معنوی به قاضی مرد مورد بررسی قرار گرفت.

با توجه به توضیحات فوق، باید گفت با استناد به قاعده لاجرح و اثبات شمول‌پذیری آن نسبت به حرج‌های معنوی، موارد مذکور در بند الف و ب می‌تواند دلیلی برای طلاق قضایی زوجه باشد. در خصوص بند پ که حرج معنوی ناشی از رویه قضایی است، توجه جدی قانون‌گذار را می‌طلبد تا در این زمینه با توجه به پیشنهادهایی که در این پژوهش ارائه می‌شود، اصلاحات لازم را برای بهتر شدن رویه قضایی اعمال کند.

در قانون مدنی حق طلاق با مرد بوده و جز در مواردی خاص این حق به زن داده شده تا بتواند درخواست طلاق کند. اگر زوجه مدعی طلاق به دلیل عسرو حرج باشد طبق قاعده «البینه علی المدعی»، باید عسرو حرجش را نزد قاضی مرد ثابت کند که از لحاظ روحی و روانی کاملاً با جنس زن متفاوت بوده و بی‌شک قاضی مرد نمی‌تواند احوالات زنی را که در عسرو حرج قرار گرفته را به درستی درک کند؛ به همین خاطر در سال‌های اخیر برای درک بیش‌تر احوالات زن، مشاور خانم در کنار قاضی مرد قرارداده شد تا کمکی به جنس زن در جهت تشخیص و درک وضعیت او باشد. اگرچه چنین عملی از سوی قانون‌گذار قابل ستایش است اما پیشنهاد می‌شود:

۱. قاضی مرد و خانمی که به عنوان قاضی مشاور در دادگاه قرارداده شده، در صدور رأی سهم یکسانی داشته باشند؛ چرا که اثبات عسرو حرج به قاضی مرد به شدت دشوار بوده و این موجب هدر رفت عمر زوجه و آسیب معنوی بیش‌تر به زن می‌شود.
۲. علاوه بر این از قانون‌گذار انتظار می‌رود برای طلاقی که به علت عسرو حرج از سوی دادگاه صادر می‌شود عنوانی را در زمره طلاق بائن تعریف کند تا به واسطه آن قاضی برای بائن شدن طلاق، زوجه را مجبور به بذل کل یا قسمتی از مهریه نکند.
۳. لزوم آموزش‌های کاربردی افراد قبل و بعد از ازدواج در راستای آشنایی با انواع عسرو حرج و آگاهی از صدمات آن به کانون خانواده، خواستار توجه جدی قانون‌گذار به عسرو حرج معنوی و گنجاندن آن در قانون است اگرچه چنین درخواستی نیازمند مدت زمان طولانی است ولی انجام آن موجب می‌شود تا حرج‌هایی که بر زن وارد می‌شود کم‌تر شود.

۴. با عنایت به عدم توجه وافی به مسائل روانی زوجین در احکام فقهی و حقوقی پیشنهاد می‌شود مطالعات بین رشته‌ای بین علم روان‌شناسی و فقه و حقوق انجام شود تا خلاء ناشی از عدم توجه به بعد روان در قانون‌گذاری برطرف شود.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش: پژوهش حاضر مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی امام خمینی^(۹) قزوین است. ملاحظات اخلاقی از جمله اصول رازداری و محرمانه‌ماندن اطلاعات هویتی در این پژوهش کاملاً رعایت شده‌است.

حامی مالی: این پژوهش بدون حامی مالی و با هزینه شخصی نویسندگان انجام شده‌است. تضاد منافع: انجام این پژوهش برای نویسندگان هیچ تضاد منافی دنبال نداشته‌است و نتایج آن کاملاً شفاف و بدون سوگیری گزارش شده‌است.

تشکر و قدردانی: بدین وسیله از تمامی عزیزانی که ما را در انجام این پژوهش کمک کردند تشکر و قدردانی می‌شود.

دسترسی به داده‌ها: داده‌هایی که از این مطالعه پشتیبانی می‌کنند به دلیل عمومی نبودن داده‌ها در قابل دسترس نیست. در صورت تقاضا با ایمیل moosazarghi@yahoo.com تماس بگیرید.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۷۳). ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دارالقرآن الکریم.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد. (بی‌تا). النهایه فی غریب الحدیث. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان
- ابن فارس، ابوالحسن بن زکریا. (۱۴۰۴). معجم المقاییس اللغه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر الطباعة و النشر و التوزیع.
- اصفهانی، حسین بن محمد راغب. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ قرآن. بیروت: دارالعلم - الدارالشامیه.
- ایروانی، باقر. (۱۴۲۶). دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه. قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۹). فرائد الاصول. قم: مجمع فکر الاسلامی.
- بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۴۱۵). المقنع. قم: مؤسسه امام هادی (ع).
- بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹). القوائد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (۱۴۱۳). الفقه، القواعد الفقهیه. قم: مؤسسه امام رضا (ع).
- حسینی مراغی، سید میر عبدالفتاح. (۱۴۱۷). العناوین الفقهیه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- خوانساری نجفی، موسی. (۱۳۷۳). رساله فی قاعده نفی ضرر. قم: مکتبه المحمديه.
- رمضان زاده، ام البنین؛ چوپانی مرسى، حبیب الله؛ زرقی، موسی و عباسی، محمود. (۱۳۹۷). آمیزش نامتعارف و پیامدهای فقهی آن. مجله فقه پزشکی، ۴ (۳۴ و ۳۵)، ۹۲-۱۰۲.



- روشن، محمد. (۱۳۹۳). حقوق خانواده. تهران: انتشارات جنگل، جاودانه.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۴۱۵). الرسائل الاربع. قم: مدرسه امام صادق (ع).
- شاهین فرد، خاطره؛ نظری توکلی، سعید؛ عمانی سامانی، رضا و عابدینی، احمد. (۱۳۹۵). شمول پذیری قاعده لا حرج نسبت به حرج های غیر جسمانی و پیامدهای فقهی آن. مجله فقه پزشکی، ۸ (۲۶ و ۲۷)، ۲۵۵-۲۶۱. Doi:10.5349/22037/mfj.v8i27-26.15349
- شیروی، عبدالحسین. (۱۳۹۷). حقوق خانواده. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه ها (سمت). طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: مکتبه المرتضویه الاحیاء الآثار الجعفریه. صانعی، مهدی. (۱۳۷۷). رفع حرج در شریعت اسلام. مشهد: نشریه دانشکده الهیات مشهد.
- صفایی، حسین؛ امامی، اسدالله. (۱۳۹۵). مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر میزان.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). حقوق مدنی خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۴). قواعد فقه بخش مدنی ۲. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم اسلامی دانشگاه ها (سمت).
- محمدی، ابوالحسن. (۱۳۸۵). قواعد فقه. تهران: نشر میزان.
- مصطفوی، سید محمد کاظم. (۱۴۲۱). مانه قاعده الفقهیه. قم: دفتر انتشارات الاسلامی.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر کشاف. قم: بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴). کتاب النکاح. قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱). القواعد الفقهیه. قم: مدرسه الامام امیرالمومنین.
- نائینی، محمد حسین. (۱۳۷۶). فوائد الاصول. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية.
- تقیی، ابوالقاسم. (۱۳۸۶). سوء استفاده از حق از منظر فقه امامیه و حقوق ایران. مجله ندای صادق (فقه و حقوق خانواده)، ۱۲ (۴۷)، ۳۸-۶۰. [link]Doi:10.30497/flj.2008.67999
- سایت های اینترنتی: سایت پژوهشگاه قوه قضائیه به آدرس <https://ara.jri.ac.ir>

References

- Holy Quran. (1994). Translated by Nasser Makarem Shirazi. Qom: Dar al-Qur'an al-Karim. [Text in Arabic]
- Ibn Athir, M. (n. d.). *Al-Nahaye fi Gharib al-Hadith*. Qom: Ismailian Press Institute. [Text in Arabic]
- Ibn Faris, A. (2005). *Al-Maqais al-Lagheh Dictionary*. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [Text in Arabic]
- Ibn Manzoor, M. (1994). *Lasan al-Arab*. Beirut: Dar al-Fikr Taba'ah and Al-Nashar and Al-Tawzi'ah. [Text in Arabic]
- Esfahani, H. (1993). *Vocabulary of the Qur'an*. Lebanon: Dar al-Alam- Al-Dar al-Shamiya. [Text in Arabic]
- Irvani, B. (2007). *Introductory courses in Al-Qa'za al-Fiqhiyyah*. Qom: Dar al-Fiqh Lal-Tabaateh and Al-Nashar. [Text in Arabic]
- Ansari, M. (1998). *Faraid al-Assul*. Qom: Jamal al-Fikr al-Islami. [Text in Arabic]
- Babouye Qomi, M. (1996). *Al-Muqnaq*. Qom: Imam Hadi Institute (A. S.). [Text in Arabic]

- Bojnordi, S. H. (1998). *Al-Quwaed al-Fiqhiyyah*. Qom: Al-Hadi publication. [Text in Arabic]
- Hosseini Shirazi, S. M. (1994). *Al-Fiqh, Al-Qasas Al-Fiqhiyyah*. Qom: Imam Reza Institute (A. S.). [Text in Arabic]
- Hosseini Maraghi, S. M. (1996). *Al-Anawin al-Faqhiyyah*. Qom: Al-Nashar al-Islami Institute. [Text in Arabic]
- Khansari Najafi, M. (1994). *Treatise on the principle of negation of harm*. Tehran: Al-Mohamdiyeh School. [Text in Arabic]
- Ramzanzadeh, U. , Chopani Morsi, H. , Zarghi, M. , & Abbasi, M. (2017). Unconventional intercourse and its jurisprudential consequences. *Journal of Medical Figh*, 10 (35-34), 91–102. <https://doi.org/10.22037/mfj.v10i35-34.21230>[link] [Text in Persian]
- Roshan, M. (2014). *Family Law*. Tehran: Jungle Publications, Javadane. [Text in Persian]
- Sobhani Tabrizi, J. (1996). *Al-Rashay al-Arba*. Qom: Imam Sadiq (A. S.) School. [Text in Arabic]
- Shahin Fard, K. , Nazari Tavakoli, S. , Amani Samani, R. , & Abdini, A. (2016). The inclusiveness of the rule of no harm to non-physical harms and its jurisprudential consequences. *Journal of Medical Figh*, 8 (27-26), 225–261. <https://doi.org/10.22037/mfj.v8i27-26.15349>[Text in persian]
- Shiravi, A. (2017). *Family Law*. Tehran: Organization for Studying and Compiling Books of Islamic Sciences in Universities (Samt).
- Tusi, A. J. M. (2008). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Umamiyyah*. Tehran: Al-Mortazawiyya School of Al-Ahya Al-Aqti al-Jaafariyyah. [Text in Arabic]
- Sanei, M. (1998). *Rifa Harj in Islamic Sharia*. Mashhad: Mashhad Faculty of Theology. [Text in Persian]
- Safai, H. , & Emami, A. (2016). *Summary of Family Law*. Tehran: Mizan Publishing House. [Text in Persian]
- Farahidi, K. (2008). *Kitab al-Ain*. Qom: Hijrat Publishing. [Text in Arabic]
- Katouzian, N. (2006). *Family Civil Rights*. Tehran: Publishing Company. [Text in Persian]
- Koelini, A. (2007). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya. [Text in Arabic]
- Mohaghegh Damad, S. M. (2005). *Rules of Jurisprudence, Madani Section 2*. Tehran: Organization for the Study and Compilation of Books of Islamic Sciences of Universities (Samt). [Text in Persian]
- Mohammadi, A. (2006). *Jurisprudence Rules*. Tehran: Mizan Publishing House. [Text in Persian]
- Mustafavi, S. M. K. (2002). *Ma'e al-Faqhiyyah*. Qom: Al-Islami Publications Office. [Text in Arabic]
- Mughniyeh, M. (1999). *Translation of Tafsir Keshaf*. Qom: Bostan Kitab. [Text in Arabic]
- Makarem Shirazi, N. (2005). *Kitab al-Nikah*. Qom: Imam Ali Ibn Abi Talib School Publications. [Text in Arabic]



- Makarem Shirazi, N. (1992). *Al-Qawama al-Fiqhiyyah*. Qom: Madrasa al-Imam Amir al-Momenin. [Text in Arabic]
- Naini, M. (1997). *The Benefits of al-Asul*. Qom: Jama'at al-Madrasin in Al-Hawza Al-Alamiya. [Text in Arabic]
- Naqibi, A. (2007). Abuse of rights from the perspective of Imami jurisprudence and Iranian law. *Naday Sadegh Journal (Jurisprudence and Family Law)*, 12 (47), 38–60. <https://doi.org/10.30497/flj.2008.67999>[link] [Text in Persian] Judiciary Research Institute. (n. d.). Retrieved from <https://ara.jri.ac.ir>





Original Research

Developing A Curriculum Model For Female Imprisoned Clients: A Qualitative Investigation

Akram Alimardani ¹

¹. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Faculty of Human Resources, Amin Police University, Tehran, Iran.(Corresponding Author) Alimardaniak01@gmail.com

Background and Purpose

Implementation of policies and programs aimed at empowering female clients within the Prisons Organization can be achieved through the utilization of a suitable curriculum and adherence to a locally relevant model. Hence, it is imperative to identify the essential and suitable subjects for all imprisoned individuals, particularly female inmates, who represent the focal population of this study. This necessitates a thorough and precise examination, employing established methodologies, to formulate and put together training programs with a well-defined and fitting curriculum (based on identified needs) and requisite content. The significance of education within prisons is underscored by Article 79 of the organization's by-laws, which highlights the provision of specialized and specialized training courses, as well as different cultural and educational programs, to all imprisoned clients. The findings of Larijani and Alimardani (2019) also underscore the imperative of providing training programs for incarcerated women. The present study aims to develop a specialized curricular model tailored for imprisoned women.

Method

The present investigation is classified as applied research in terms of its objective, and it adopts a qualitative research approach specifically focused on inductive theme analysis. Following the end of the interviews, the content analysis was conducted utilizing the Themematic Network Analysis approach proposed by Attride-Stirling (2001). The study encompassed three separate categories: global themes, organizing themes, and basic themes.

Data was gathered from a sample of four prisons, namely Tehran, Ahvaz, Kerman, and Tabriz prisons, comprising a total of 72 participants until data saturation was achieved.



Results

The results indicated that the curriculum model developed for female clients consists of five dimensions, nine components, and 66 sub-components, as outlined in Table 1.

Table 1. The coefficients and significance of the indirect effects of emotion control on marital adjustment

Global themes	Organizing themes	Basic themes	Number of basic themes
Social skill	Life skill	Tolerance increase training, hope in life and vitality, anger management, sociability and adjustment, problem-solving skills, decision-making techniques, stress management, self-esteem improvement training, Assertive training, lifestyle, self-awareness, emotion management and empathy, thinking training, present moment focus training, adaptability, self-motivation, mind control, self-confidence enhancement,	18
	Communication skill	Effective individual and social communication, effective family relationship	4
	Role expectations	Parenting in prison, marital relationships inside prison, maintaining the family epicenter,	3
Hygiene and Health	Health and Treatment	Understanding public health in prison, women's particular diseases, Learning about chronic and noncommunicable diseases, as well as their treatments, such as cancer, Learning about infectious diseases like as corona, AIDS, and hepatitis and preventing epidemics, as well as addiction prevention and treatment.	5
	Mental health	Religious therapy and religious and moral education, understanding symptoms of mental illnesses such as depression and anxiety.	2

Global themes	Organizing themes	Basic themes	Number of basic themes
Familiarity with prison	Life in prison	Rules and responsibilities of prisoners, the introduction of prison officers, post-incarceration protections for prisoners and their families, prisoners' fundamental rights, internal prison and ward regulations, and personal security.	16
	Women-specific harms	Social and familial rejection and disapproval, the obligation to maintain familial communication, inadequate legal knowledge, familial estrangement, physical distress resulting from psychosis, psychopathological conditions in female clients, women being influenced by external factors, feminine traits, the sense of confinement, transmission of criminal and delinquent knowledge, decreased tolerance levels, the depressive impact on their dependent children, normalization of female absence within the family, heightened violence among their dependent children, and the breakdown of family cohesion.	6
Legal information	Legal and judicial knowledge	Legal and criminal laws, knowledge of substance-related crimes and their punishments, the judicial process, case follow-up, check and promissory note regulations, and the conditions for suspending the execution of the sentence.	6
Educational information	Cultural and educational	Memorizing the Quran, gaining familiarity with Quranic concepts and teachings, rulings, Islamic ethics, planning for leisure time, and free-time activities.	6



The findings in the table above indicate that emotional control indirectly influences marital adjustment, mediated through marital intimacy ($p\text{-value} < .05$).

Discussion & Conclusion

The findings indicate that the dimension of "social skill," consisting of 25 basic themes, achieved the highest ranking in comparison to the other dimensions. The findings presented in this study align with the research conducted by Samari (2016). On the other hand, within this specific dimension, the life skill component, consisting of 18 basic themes, holds the most prominent place among the many components.

All three groups of participants placed significant emphasis on the importance of attending the life skill training component. Furthermore, the present findings align with the research conducted by Farahnejad, Mohammadi, and Khorsandi (2019), which emphasizes the significance of life skills training in mitigating abnormal and risky conduct among imprisoned individuals. Baldwin (2018) has confirmed additional elements within this dimension, such as role expectations, emphasizing the maternal role.

Roshanpour and Aghajani (2019) demonstrated a statistically significant correlation between social marginalization and recidivism. "Familiarity with prison" is another dimension. The respondents also underlined that providing accurate information regarding prison life, circumstances, and harm has a substantial impact on the mental health of female clients.

Article 109 of the Prisons Organization's bylaws clearly emphasizes teaching prisoners upon arrival and developing and making available to them a manual detailing the prisoner's rights and legal duties. Many individuals within the target community, including managers, prison guards, and experts, strongly emphasize the effectiveness of utilizing Quranic teachings, Islamic ethics, and religious therapy as valuable tools for maintaining and improving the mental well-being of prisoners. These practices also contribute to increasing their sense of hope and purpose in life. The results indicated that social skill training is the most crucial dimension, followed by familiarization with prisons. Additionally, the women in the target community emphasized the importance of increasing their awareness of gender roles and their connection to the institution of the family as a social unit. Some specific themes that were highlighted include parenting in prison, maintaining marital relationships while imprisoned, and maintaining the family unit as the center of their lives.

These findings highlight the fact that playing female roles is a significant concern and priority for women in all forms, conditions, and situations. Holding educational programs aimed at preventing the negative effects of separation from family and the harm associated with prison can have a

positive impact on the mental health of female prisoners. Based on the information provided above, the extracted model can be instrumental in developing a comprehensive and focused educational program and content that aligns with the unique dimensions and circumstances of the women's prison.

Ethical considerations

Compliance with research ethics: Ethical considerations were upheld throughout the research process. This included clearly communicating the purpose of the study to the participants, allowing sufficient time for interviews, providing additional explanations for any unclear questions, and ensuring accurate understanding by repeating the interviewees' answers. Special attention was given to maintaining confidentiality, particularly for female clients.

Funding. The current study was not funded by any organization or person.

Authors' Contribution: This article has written by the author.

Conflict of interest: The author declared no conflict of interest with any person or organization.

Acknowledgements: I would like to express my gratitude to the managers, employees, and women clients of the Prisons Organization and the prisons within the target community. Their participation and valuable insights greatly assisted me in conducting this research. Thank you for your support and cooperation

Data Availability: Data supporting this study are not publicly available. Please contact Alimardaniak01@gmail.com

References

- Roushanpour, M., Mohseni, R., & Aghajani, H. (2020). A Sociological Explanation of the Causes of Social Exclusion of Female Prisoners and Its Effect on the Return to Imprisonment Cycle (Case Study of Prisons in Lorestan Province). *Women Studies*, 11(34), 1-35. doi: 10.30465/ws.2021.22048.2462
- Head of the Judiciary. (2021). Prisons and Security and Corrective Measures Organization.
- Sameri, H. (2016). Investigating the role of cultural and social education in empowering imprisoned women after release (a case study). The Second National Conference On The Women's Place In Entrepreneurship and Sustainable Development
- Farahnejad, A., Mohammadi, R., & Khorsandi Yamchi, A. (2019). Evaluating the effectiveness of life skills training in prisons. *Journal of Social Order*, 12(4) 169-198.
- Larijani, M., & Alimardani, A. (2019). Investigating wardership, corrective and educational processes in Tehran women's prison and providing a specific model for women's prison. A research project commissioned by the Prisons and Security and Corrective Measures Organization. self-efficacy and marital adjustment levels of parents of disabled individuals: Parents of disabled individuals. *International Journal of Curriculum and Instruction*, 14(1), 378-403. [Link]



طراحی الگوی محتوای آموزش مددجویان زن، مطالعه‌ای کیفی

اکرم علیمردانی*^۱

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۴

چکیده

ایجاد شرایط مناسب آموزشی و تربیتی در زندان‌ها و بندهای خاص زنان به‌عنوان یک روش پیشگیری می‌تواند بسیار مؤثر باشد. هدف پژوهش حاضر طراحی الگوی محتوای آموزشی مددجویان زن با رویکردی استقرائی، از نوع کیفی اکتشافی بود. بر این اساس کشور به ۴ منطقه جغرافیایی تقسیم شد. جامعه هدف ۴ زندان مرکزی استان‌های تهران، اهواز، کرمان و تبریز بود. مشارکت‌کنندگان شامل ۳۷ مددجوی زن، ۴ رئیس زندان، ۳۱ کارشناس و مراقب بود. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه نیمه ساخت‌یافته تا اشباع داده و گروه کانونی انجام شد؛ که داده‌های آن با استفاده از تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از یافته‌های پژوهش ۳۶۴ مفهوم در زمینه مؤلفه‌های آموزشی استخراج شد. پس از تلفیق مفاهیم مشترک از طریق طبقه‌بندی مضامین، الگوی محتوای آموزشی حاصل، دارای ۵ بعد (مهارت اجتماعی، بهداشت و سلامت، آشنایی با زندان، اطلاعات حقوقی و پرورشی)، ۹ مؤلفه (مهارت زندگی، مهارت ارتباط، انتظارات نقشی، بهداشت و درمان، سلامت روان، زندگی در زندان، آسیب‌های خاص زنان، دانش حقوقی- قضایی و فرهنگی- تربیتی) و ۹۱ زیر مؤلفه شد. همچنین مؤلفه مهارت زندگی با ۱۸ زیر مؤلفه و آسیب‌های خاص زنان با ۱۶ زیر مؤلفه از مهم‌ترین موضوعات محتوای آموزشی شدند. نتایج نشان داد محتوای برخاسته از نیازهای آموزشی و الگوی مفهومی تدوین‌شده می‌تواند نقش بسزایی در ارائه یک آموزش هدفمند و همه‌جانبه برای این گروه از زنان ایفا کند.

نوع مقاله: پژوهشی اصیل

واژگان کلیدی

طراحی الگو، مددجویان زن،
محتوای آموزشی، زنان
زندانی

ارجاع به مقاله:

علیمردانی، اکرم. (۱۴۰۳). طراحی الگوی محتوای آموزش مددجویان زن، مطالعه‌ای کیفی. *مطالعات زن و خانواده*، ۱۲(۲)، ۱۶۸-۱۹۷. DOI: 10.22051/jwfs.2023.43573.2973

^۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده منابع انسانی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Alimardaniak01@gmail.com

مقدمه

یافته‌های جرم‌شناختی مختلف ناشی از موقعیت‌ها و بزه‌شناختی نشان داده‌اند که برخی افراد به دلیل خصوصیات خاص زیست اجتماعی، بیشتر از سایرین در معرض بزه‌دیدگی شناختی و روان‌شناختی قرار دارند. زنان به دلیل ضعف قوای جسمانی خاص که در آن به‌سرمی‌برند در این چارچوب قرار می‌گیرند (صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۳). این در حالی است که در این میان زنان نیمی از جامعه را تشکیل داده و سلامت آنان یکی از شاخص‌های توسعه است. توانمندسازی زنان فرایندی است که طی آن زنان برای غلبه بر موانع پیشرفتشان فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند که باعث تسلط آن بر تعیین سرنوشتشان می‌شود (کاظمی زاده و همکاران، ۱۳۹۴). به این منظور آموزش یکی از روش‌های مؤثر ارتقاء توانمندی زنان است که توجه ویژه به آن می‌تواند تلاشی کارآمد در جهت سلامت و پیشرفت زنان باشد (طغرانکار، ۱۳۸۶). ضرورت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که طراحی و اجرای دوره‌های آموزشی، خاص زنانه باشد که دارای شرایط اجتماعی، روحی و روانی ویژه به دلیل طی دوران محکومیت خود در زندان‌ها هستند.

صاحب‌نظران از جمله کرد میرزا (۱۳۹۲)؛ حسینچاری و همکاران (۱۳۹۲)؛ نژاد سبزی (۱۳۹۲) بر این باور هستند که کارکرد اصلی زندان، بازسازی زندگی عادی فرد مجرم و بازگشت زن زندانی به کانون خانواده است تا بتواند به دور از اعمال مجرمانه پاسخگوی وظایفی باشد که جامعه از او به‌عنوان یک دختر، همسر، مادر و مانند آن انتظار دارد. بلدوین^۱ (۲۰۱۸) نشان داد احساسات مادران و نقش مادری در فضای زندان تحت تأثیر قرار می‌گیرد و آسیب‌های عاطفی و آشفتگی احساس شده در مادران و روابط آن‌ها با فرزندان وجود دارد. از سوی دیگر جوهانستون^۲ (۲۰۰۶) نیز در پژوهشی با عنوان «زندانی کردن زنان و تأثیر آن بر فرزند پروری» به بررسی این تأثیر در دو سطح کوتاه‌مدت و بلندمدت پرداخت. تمایل به رفتار بزهکارانه میان فرزندان، تضعیف کنترل فرزندان و اقتدار خانواده، در بلندمدت و احساس خجالت، انزوای اجتماعی، تضعیف تعلق‌خاطر به والدین و افزایش خطر سوءاستفاده از کودکان در کوتاه‌مدت دیده شده است. مقتدر انجم و بیجاری (۱۳۹۶) نشان دادند که بهزیستی روان‌شناختی بین مددجویان زن زندان قزل‌حصار پایین است. مظاهری و همکارانش (۱۳۹۰) نیز دریافتند، اختلالات شخصیتی چون رفتار ضداجتماعی، وابستگی دارویی، پرخاشگری به ترتیب

^۱. Baldwin

^۲. Johnston



شایع‌ترین اختلالات شخصیت زندانیان زن بودند. شیوع بالای این اختلالات نیاز به تدابیر پیشگیرانه و مراقبت‌های بهداشت روانی دارد. سامری (۱۳۹۶) و فرح نژاد و همکارانش (۱۳۹۹) نیز در پژوهش خود نشان دادند آموزش تغییر نگرش زندانیان زن، آموزش مهارت‌های اجتماعی، ایجاد تعاونی‌ها اصلی‌ترین کارها جهت رسیدن و تقویت توانمندسازی زنان در زندان است. همچنین شرکت در دوره آموزش مهارت‌های زندگی به زندانیان ضمن افزایش دانش آن‌ها در این زمینه درواکنش مثبت به مهارت‌های زندگی، بهبود قابلیت کاربردی این مهارت‌ها در جهت کاهش رفتارهای ناهنجار و پرخطر و تحقق اهداف مهارت‌های زندگی مؤثر است. توجه به روش مؤثر پیشگیری یعنی آموزش می‌تواند بسیار کارآمد باشد و ایجاد شرایط مناسب آموزشی و تربیتی در زندان‌ها و بندهای خاص زنان می‌تواند روند فوق را تسهیل کند. ازجمله نکات موردتوجه در امر بازپروری مددجویان زن و توانمندسازی آن‌ها آموزش است. عمادزاده (۱۳۸۲) در پژوهشی نشان داد که بازده اجتماعی آموزش زنان بیشتر از مردان است. چراکه زنان آموزش‌دیده نقش مهمی در ارتقاء سطح بهداشت، سلامت و پیشرفت تحصیلی فرزندان خود ایفا می‌کنند.

براساس نیازهای احصاء شده، در کشورهای مختلف دنیا، برنامه‌های زیادی ویژه توان بخشی و توانمندسازی زندانیان، خصوصاً مددجویان زن طراحی و اجرا می‌شود. برنامه‌های رفتاردرمانی، فرهنگی، ورزشی، بهداشتی و درمانی، اشتغال‌زایی، آموزشی و درمان اعتیاد نقش مهمی را در بهبود امنیت عمومی ایفا می‌کنند. این برنامه‌ها موجب کاهش تداوم تکرار جرم و رفتار مجرمانه در زندان می‌شود. پژوهش‌هایی که در مورد نتایج این برنامه‌ها انجام شده، حاکی از آثار مثبت آن‌ها بر زندانیان است (مشیر، ۱۳۹۵).

سازمان زندان‌ها بنا به تأکید اسناد بالادستی سازمان، سال‌هاست که مبادرت به آموزش‌های مختلف برای زندانیان ازجمله مددجویان زن می‌نماید و در قالب برنامه‌هایی مدون به امر آموزش در حوزه‌هایی چون سوادآموزی، آموزش رسمی و عالی، عقیدتی، قرآن، مهارت زندگی، مهارت‌های فنی و حرفه‌ای و مانند آن مبادرت می‌ورزد و به‌طور مستمر نیز درصدد اصلاح و بهبود برنامه‌های آموزشی خود است، لیکن اکثر مطالب، کتاب‌ها و محتوای ارائه‌شده عمومی است و به مسائلی که خاص مددجویان زن و نیاز آن‌ها باشد نمی‌پردازد. در محتواهای موجود به مطالبی که به‌طور عملی در محیط زندان با آن روبرو شوند، کمتر توجه شده‌است که این امر خود سبب افزایش اضطراب و به خطر افتادن سلامت روان

مددجویان به خصوص هنگام ورود به محیط ناآشنای زندان می‌شود. سیگل (۱۳۸۵) نیز تأکید داشته است که حبس شدن برای زنان اضطراب و خشم بسیاری را موجب می‌شود چراکه آن‌ها از خانواده و افرادی که آن‌ها را دوست دارند، جدا شده‌اند و نمی‌توانند نقش واقعی خود را به‌عنوان یک زن ایفا کنند. از سوی دیگر مددجویان زن به دلیل نادیده‌گرفته‌شدن در میان جمعیت کثیر مردان زندانی، آسیب‌پذیری بیشتری را تجربه می‌کنند. از این روی بر احتمال متهم شدن دوباره آن‌ها اثر می‌گذارد. روشن پور و آقاجانی (۱۳۹۹)؛ معظمی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود دریافتند که بین میزان عدم پذیرش در خانواده و محیط اجتماعی رابطه معکوس وجود دارد. به عبارتی هر چه میزان پذیرش زندانی از سوی خانواده و محیط اجتماعی پس از آزادی کمتر باشد امکان بازگشت دوباره بیشتر خواهد بود. همچنین نتایج مطالعه‌ای نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ تعداد محکومین دادگاه‌های کشور با حدود ۳۵۶٪ رشد مواجه‌بوده که در این میان، تعداد زنان محکوم در این دوره حدود ۴۵ برابر رشد داشته‌است (سراج زاده و نوربخش، ۱۳۸۷). از طرف دیگر بررسی پیشینه کیفری در زندان نشان‌دهنده بالا بودن میزان بازگشت زندانیان حدوداً ۷۰ درصد به جرم‌هاست. این درحالی‌است که در این میان زنان نیمی از جامعه را تشکیل داده‌اند، بنابراین شناخت نیازها و ویژگی‌های روانی، عاطفی و توانایی ایشان در ابعاد اجتماعی و اقتصادی اهمیت فراوانی دارد (طغرانکار، ۱۳۸۶) تا بر آن اساس برنامه‌های توانمندسازی ازجمله آموزش شکل گیرد، در این میان پرداختن به آموزش مددجویان زن که آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه زنان محسوب می‌شوند از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌شود.

باعنایت به مطالب فوق و نیز توجه به نتایج حاصل از پژوهش لاریجانی و علیمردانی (۱۳۹۸) در خصوص ضرورت توجه به آموزش مددجویان زن و همچنین سیاست‌ها و برنامه‌های حاکم بر سازمان زندان‌ها برای توانمندسازی مددجویان زن، پرداختن به امر آموزش زنان و تدوین محتوای آموزشی مناسب، با تبعیت از الگویی بومی دارای اهمیت بالایی است زیرا این زنان دارای شرایط اجتماعی، روحی و روانی خاص به‌دلیل طی دوران محکومیت خود در زندان‌ها هستند. لذا ضرورت دارد با یک نگاه مویشکافانه و دقیق با استفاده از روش‌های استاندارد به شناسایی موضوعات موردنیاز و مناسب برای کلیه زندانی‌ها بخصوص مددجویان زن که جامعه هدف این پژوهش هستند پرداخت تا با برنامه‌ای دقیق و مناسب (مبتنی بر نیازها) نسبت به طراحی دوره‌های آموزشی و به طبع تدوین محتوای لازم اقدام شود. امر مهمی که طبق بررسی‌های انجام‌شده، تاکنون مغفول مانده است و منجر به کاهش جامعیت و کیفیت



محتوای موجود آموزش مددجویان زن شده است. آموزش افراد به ایجاد شایستگی در آن‌ها کمک می‌کند، به شرطی که براساس نیاز واقعی آنان طراحی و اجرا شود.

در تأکید به امر آموزش در زندان‌ها بند پ از ماده ۷ آئین‌نامه سازمان زندان‌ها ابلاغی ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ تأکید دارد: «واحد اصلاح و تربیت به منظور اجرای برنامه‌های اصلاح و تربیت، مدیریت و برنامه‌ریزی در امور آموزشی، فرهنگی، تربیتی، مذهبی، هنری، ورزشی، حرفه‌آموزی و اشتغال باهدف باز اجتماعی کردن، توانمندسازی زندانیان و حمایت مادی و معنوی از آن‌ها و مانند آن فعالیت کند» و از سوی دیگر ماده ۶۲ همین آئین‌نامه تأکید دارد «رئیس مؤسسه یا با تفویض وی، مسئول واحد امور قضایی یا مسئول بخش تشخیص، روزانه در ابتدای وقت اداری با زندانیان تازه‌وارد ملاقات می‌کند و با تفهیم حقوق و تکالیف زندانیان سایر ضوابط و مقررات را به نحو فردی یا گروهی و متناسب با وضعیت تحصیلی و سنی به آن‌ها آموزش می‌دهد. این آموزش از طرق مختلف مانند نمایش فیلم، نصب بنر، تهیه و توزیع جزوه‌های آموزشی ارائه می‌شود». همچنین ماده ۷۹ آئین‌نامه فوق سازمان را مکلف کرده است تا همه زندانیان و مددجویان از دوره‌های آموزشی تخصصی و تفکیکی و برنامه‌های متنوع فرهنگی و تربیتی و مانند آن برخوردار شوند.

باتوجه به موارد ذکر شده بدیهی است تمرکز بر تولید محتوای آموزشی در زندان از اولویت‌های مهم متولیان آن محسوب می‌شود. در این راستا پژوهش پیش روی در نظر دارد الگوی محتوای آموزشی خاص مددجویان زن را که گروهی از جامعه زندانیان محسوب می‌شوند را تدوین کند. به این منظور، محتوای آموزشی از دیدگاه خبرگان سازمانی و مددجویان زن در قالب مضامین فراگیر، مضامین سازمان‌دهنده و مضامین پایه؛ شناسایی شد و مورد تحلیل قرارگرفت و در نهایت با استفاده از یافته‌ها الگوی محتوای آموزشی مددجویان زن معرفی شد.

روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر اکتشافی است و باتوجه به هدف، کاربردی و از نظر داده در زمره پژوهش‌های کیفی از نوع تحلیل مضمون به شیوه استقرایی است که در آن ضمن بررسی اسناد و مدارک، جهت تحلیل مضمون مصاحبه‌های پیاده‌شده توسط پژوهشگر تحلیل شده است. به منظور پاسخ به پرسش‌های پژوهش، فرایند تحلیل محتوا بر مبنای طبقه‌بندی مضمون از دیدگاه اترید استرلینگ (۲۰۰۱) به سه شکل فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه انجام شد.

در ادامه زندان‌های استانی در ۴ منطقه جغرافیای کشور به‌عنوان جامعه هدف که همگی دارای بند نسوان با جمعیت قابل قبول بالای ۵۰ نفر بودند انتخاب شدند. مددجویان زن، روسای این زندان‌ها به همراه معاونین، کارشناسان و مراقبین زندان‌های تهران، اهواز، کرمان و تبریز جامعه مورد مطالعه بودند. در بخش مطالعه اسنادی نیز تا حد امکان تمامی اسناد بالادستی، قوانینی، آئین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و همچنین مدارک مربوط به نحوه اجرای برنامه‌های آموزش و توانمندسازی زندانیان بخصوص مددجویان زن طی هماهنگی‌های لازم با مدیران سازمان زندان‌ها جمع‌آوری و مورد مطالعه قرار گرفت.

شیوه انتخاب مشارکت‌کنندگان در مورد مددجویان زن به روش تصادفی ساده با در نظر گرفتن تنوع در وضعیت تأهل، سن، مدرک تحصیلی، نوع جرم و مجازات و دارای فرزند همراه یا بیرون از زندان و همچنین بدون فرزند می‌شد البته زندانیان واجد شرایط داوطلب در اولویت مصاحبه بودند. شیوه انتخاب مشارکت‌کنندگان در مورد کارشناسان و مراقبین زندان به صورت عمدی بود که در پی آن کارشناسان و خبرگان مورد نظر با مشورت رئیس زندان و بر اساس میزان اشراف و آگاهی نسبت به موضوع و البته آمادگی خود فرد انتخاب شدند، هر ۴ نفر رئیس زندان نیز جز مشارکت‌کنندگان بودند.

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

مشارکت‌کنندگان به تفکیک تکنیک جمع‌آوری اطلاعات/فراوانی			زندان مورد مطالعه
گروه کانونی/نفر	مصاحبه		
	روسای زندان/نفر	زنان زندانی/نفر	
۷	۱	۵	تبریز
۶	۱	۱۰	اهواز
۷	۱	۱۱	تهران
۱۱	۱	۱۱	کرمان
۳۱	۴	۳۷	جمع

ابزار پژوهش

جهت جمع‌آوری اطلاعات از بحث گروهی متمرکز (FGD) با خبرگان و کارشناسان زندان (با لحاظ کردن تنوع شغلی) و همچنین مصاحبه‌های عمیق با رؤسای زندان و مصاحبه نیمه ساختاریافته با تعدادی از مددجویان زن استفاده شد. به این منظور پژوهشگر پس از اخذ مجوزهای لازم و هماهنگی با مسئولین ذی‌ربط به همراه دستیار خود در زندان‌های مورد مطالعه حضور پیدا کرد و نسبت به



جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز مبادرت کرد. مدت‌زمان مصاحبه با افراد بین ۲۵ تا ۹۰ دقیقه بود و طی ۳ ماه مصاحبه‌ها تکمیل و جمع‌آوری شد. برای تأمین روایی و پایایی از روش لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) که مشتمل بر شاخص‌های چهارگانه قابلیت اعتبار، قابلیت ثبات، قابلیت تائید پذیری و قابلیت انتقال‌پذیری است، استفاده شد. برای کسب قابلیت اعتبار؛ تلاش شد تا مشارکت‌کنندگان با حداکثر تنوع تجربیات انتخاب شوند، لذا هم از مدیران، کارشناسان زندان و نیز زندانیان استفاده شد. نمونه‌گیری تا رسیدن داده‌ها به حد اشباع ادامه یافت. لازم به ذکر است که زندانیان مورد مطالعه علاقه خاصی برای انجام مصاحبه با تیم پژوهش نشان می‌دادند و نیاز به متقاعدسازی برای مصاحبه احساس نشد؛ و نیز به‌منظور روایی محتوی از پانل خبرگان (تیم پژوهش) برای حمایت از تولید مفهوم یا موضوعات مضامین و نیز بازبینی توسط مشارکت‌کننده‌ها استفاده شد. به این منظور متن مصاحبه و کدهای استخراج‌شده تا حد امکان به مشارکت‌کنندگان ارائه شد و آن‌ها درباره صحت و سقم آن اظهار نظر می‌کردند و در شرایط داشتن هرگونه مغایرت، مراتب مورد توجه و بررسی قرار می‌گرفت. همچنین پژوهشگر مواردی را که مبهم بود یا منظور مشارکت‌کننده به درستی درک نمی‌شد از طریق تماس تلفنی و ایمیل شفاف‌سازی کرد.

به منظور دست‌یابی به قابلیت ثبات؛ از حسابرسی تحقیق یعنی بررسی دقیق داده‌ها توسط یک ناظر خارجی جهت افزایش میزان ثبات پژوهش استفاده شد. برای دستیابی به قابلیت تأییدپذیری، فرایند انجام کار در اختیار چند تن از مدیران سازمان زندان‌ها و خبرگان آشنا با موضوع پژوهش قرار داده شد تا صحت نحوه انجام پژوهش تأیید شود. در آخر برای سنجش قابلیت انتقال‌پذیری؛ پژوهشگر تلاش کرد با ارائه یافته‌های غنی و دقیق همراه با نقل قول‌های مناسب، قابلیت انتقال‌پذیری را افزایش دهد.

شیوه اجرای پژوهش

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، با اجرای فرایند تحلیل مضمون، شبکه مضامین رضایت بخشی در قالب جدول مضامین ابتدایی تهیه شد و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. حاصل آن منجر به استخراج مفاهیم آموزشی و با تلفیق و ادغام مفاهیم و نیز طبقه‌بندی آن‌ها مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر از منظر مددجویان زن، مراقبین و کارشناسان زندان و نیز رؤسای زندان شد که به تفصیل در جداول شماره ۲، ۳ و ۴ آمده است.

یافته‌ها

محتوای آموزشی از دیدگاه مددجویان زن

در سطح یکم محتوای آموزشی، فرایند تحلیل مضامین طبق جدول شماره ۲ بیانگر این است که ۳۴ مضمون پایه مشترک به ۹ مضمون سازمان‌دهنده اصلی شامل: مهارت زندگی، مهارت ارتباط، انتظارات نقشی، سلامت روان، بهداشت و درمان، زندگی در زندان، آسیب‌های محیط زندان، دانش حقوقی قضایی و فرهنگی و تربیتی تبدیل شدند. مضامین سازمان‌دهنده استخراج‌شده نیز به ۴ مضمون فراگیر مهارت اجتماعی، بهداشت و سلامت، آشنایی با زندان، آموزش‌های تکمیلی تبدیل شدند.

جدول ۲. نتایج تحلیل مضامین سطح اول محتوای آموزش مددجویان زن

سطح اول محتوای آموزشی	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
مهارت‌های زندگی از دیدگاه مددجویان زن	مهارت اجتماعی	مهارت ارتباط	سازگاری و قدرت انطباق، ارتباط مؤثر با خانواده، خود مهارت زندگی برانگیختگی، کنترل ذهن، ارتقاء اعتمادبه‌نفس، مهار و کنترل خشم، خود ایمنی (۷ مضمون)
	بهداشت و سلامت	انتظارات نقشی	مهارت کلامی، مهارت ارتباط فردی و اجتماعی (۳ مضمون)
	سلامت	فرزند پروری در زندان، همسر داری از درون زندان، حفظ کانون خانوادگی، آموزش مهارت‌های خانوادگی (۴ مضمون)	آشنایی با علائم بیماری‌های روانی مثل افسردگی، اضطراب (۱ مضمون)
	بهداشت و سلامت	بهداشت و درمان	بهداشت عمومی در زندان، آشنایی با بیماری‌های واگیردار مثل ایدز و هپاتیت، پیشگیری از اعتیاد علائم و درمان آن (۳ مضمون)
	آشنایی با زندان	زندگی در زندان	مقررات داخلی زندان و بندها، خود ایمنی (۲ مضمون)
	آشنایی با زندان	آسیب‌های محیط زندان	حس دربند بودن، انتقال دانش جرم و خلاف، کاهش آستان تحمل، افسردگی فرزندان همراه، عادی شدن غیبت زن در خانواده، افزایش خشونت فرزندان همراه، ازهم‌پاشیدگی کانون خانواده (۷ مضمون)
	آموزش‌های تکمیلی	دانش حقوقی و قضایی	مقررات چک سفته، شرایط توقف اجرای حکم، روند پیگیری پرونده (۳ مضمون)
	فرهنگی و	فرهنگی و	حفظ قرآن، آشنایی با مفاهیم و آموزه‌های قرآنی،



تربیتی احکام، اخلاق اسلامی (۴ مضمون)

نمونه‌ای از مصاحبه‌های مددجویان زن مرتبط با مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده در جدول شماره ۳ آورده شده است.

جدول ۳. نمونه‌هایی از مصاحبه‌های مددجویان زن به تفکیک مضامین

نقل قول	عنوان مضمون		کد مصاحبه‌شونده
	سازمان دهنده	فراگیر	
دعوا و درگیری در زندان وجود داد، پس آموزش کنترل خشم و کنترل هیجانات لازم است		مهارت اجتماعی	۳ تهران
آموزش بهداشت فردی مثل استفاده از حمام، مایع دستشویی بعد از استفاده از سرویس، استفاده از وسایل بهداشتی در شرایط خاص، برس و مسواک خود را به کسی ندهند، مرتب کردن محل استراحت و زندگی و...		بهداشت و سلامت	۲ اهواز
زندانیان باید یاد بگیرند اسرار خود را به کسی نگویند، برای کسی درد دل نکنند، از وسایل دیگران بدون اجازه استفاده نکنند و...		آشنایی با زندان	۱ کرمان
آموزش مسائل قضایی برای افرادی که تازه وارد زندان شده اند مثل (فرایند پرونده قضایی در مجامع قضایی، چگونگی پی گیری پرونده، فرصت‌های قضایی و قانونی، نحوه حل و فصل پرونده، نحوه رسیدگی، پیامدهای مثبت و منفی پیگیری قانونی پرونده و ...) ضروری است.		آموزش‌های تکمیلی	۱ تبریز
لازم داریم برای ایجاد بهداشت روانی و برانگیختگی در زندانیان زن، آموزش ایجاد انگیزه، بازآفرینی و کنترل ذهنی در زندان داده شود.	مهارت زندگی		۱ تبریز
به ما یاد بدید چطور از ناامیدی دوری کنیم و چطور می‌تونیم با زندانی‌ها و مراقبین رفتار کنیم و کارا مونو از شون پیگیری کنیم کلاس‌هایی در مورد چگونه صحبت کردن، طرز رفتار بزارید	مهارت ارتباط		۵ تهران
دادن ملاقات طولانی مدت به زنان باعث حفظ زندگی خانوادگی می‌شود، عادی شدن غیبت خانم‌ها از منزل آسیب‌زاست و خانواده غیبت زن را می‌پذیرد و کم‌کم توسط همسر و بچه‌ها فراموش می‌شویم	انتظارات نقشی		۲ تهران
آموزش بهداشت فردی و عمومی به زندانیان، خیلی از زندانیان از ظرف شور به جای دست شور استفاده می‌کنند. علائم مریضی‌های مخصوص زنان و ایدز و	بهداشت و درمان		۶ کرمان

نقل قول	عنوان مضمون		کد مصاحبه‌شونده
	سازمان دهنده	فراگیر	
هیأتیت رو به ما یاد بدید. من نمی‌توانستم بخوابم هم‌بندی‌ها می‌گن قرص بخوریم خوبه، اما روان‌شناس گفت نه نخور. کتاب به خون حرفاتو بنویس و بعدمی تونی بخوابی. زندانیان باید یاد بگیرند در زندان به‌موقع سخن بگویند، برای کسی پول خرج نکنند، کارت اعتباری خود را به کسی ندهند و هیچ‌کس قابل اعتماد نیست. آموزش خطرات و آسیب‌های زندان به زندانیان زن بخصوص تازه‌واردها از جمله کلاه‌برداری مالی، اغفال دختران جوان توسط افراد دارای خانه فساد، تنش‌های موجود در زندان و دعوها و درگیری زندانیان زندانیان باید بدانند چگونه کار پرونده‌ها را پیش ببرند آموزش اون لازم است اونجوری زندانی‌ها آروم ترمی-شن من یه چیز رو اعتراف کنم، صادقانه. من خیلی از غسل‌ها رو بلد نبودم. اینجا [در کلاس‌های احکام] یاد گرفتم. واقعاً عالی بود. برای زندانیان کلاس آموزش اخلاق گذاشته شود چون خیلی دروغ می‌گویند	سلامت روان زندگی در زندان آسیب‌های خاص زنان دانش حقوقی و قضایی فرهنگی و تربیتی	۸ تهران ۴ اهواز ۱ اهواز ۱۱ تهران ۱۰ و ۱۱ کرمان	

محتوای آموزشی از دیدگاه معاونین و کارشناسان زندان

تحلیل یافته‌های حاصل از گروه‌های کانونی با کارشناسان و معاونین زندان در ۴ زندان جامعه هدف در سطح دوم محتوای آموزشی، طبق جدول شماره ۴ بیانگر این است که ۳۷ مضمون پایه مشترک به ۷ مضمون سازمان‌دهنده اصلی شامل: مهارت زندگی، مهارت ارتباط، انتظارات نقشی، بهداشت و درمان، زندگی در زندان، آسیب‌های محیط زندان، اطلاعات حقوقی تبدیل شدند. مضامین سازمان‌دهنده استخراج‌شده نیز به ۴ مضمون فراگیر مهارت اجتماعی، بهداشت و سلامت، آشنایی با زندان و دانش حقوقی - قضایی تبدیل شدند.


جدول ۴. نتایج تحلیل مضامین سطح دوم محتوای آموزش مددجویان زن

سطح دوم محتوای آموزشی	مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
محتوای آموزش مددجویان زن از دیدگاه کارشناسان و معاونین زندان.		مهارت زندگی	کنترل خشم، جامعه‌پذیری و سازگاری، اعتماد به نفس، مهارت حل مسئله، روش تصمیم‌گیری، کنترل استرس، آموزش عزت نفس، مهارت نه گفتن، سبک زندگی، خودشناسی، کنترل هیجان و همدلی، آموزش تفکر، آموزش تمرکز به زمان حال (۱۳ مضمون)
	مهارت اجتماعی	مهارت ارتباط	مهارت کلامی، مسائل رفتاری، مهارت ارتباط مؤثر (۳ مضمون)
		انتظارات نقشی	فرزند پروری در زندان، همسر داری از درون زندان، (۲ مضمون)
	بهداشت و سلامت	بهداشت و درمان	آشنایی با بهداشت عمومی، بیماری‌های خاص زنان، آشنایی با بیماری‌های مزمن، آشنایی با بیماری‌های غیر واگیر و درمان آن‌ها مثل سرطان، آشنایی با بیماری‌های واگیردار مثل کرونا و جلوگیری از همه‌گیری آن (۵ مضمون)
	آشنایی با زندان	زندگی در زندان	معرفی متولیان زندان، قوانین و تکالیف زندان، حمایت‌های بعد از زندان از زندانیان و خانواده‌های آن‌ها، حقوق اولیه زندانی، برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت، روش سپری کردن اوقات فراغت (۶ مضمون)
		آسیب‌های خاص	جدایی از خانواده، ناراحتی جسمی ناشی از سایکوز، ضرورت توجه به آرامش روحی زنان زندانی، تحت نفوذ بودن زنان، ویژگی زنانه، (۵ مضمون)
	اطلاعات حقوقی	مددجویان زن دانش حقوقی - قضایی	اطلاعات حقوقی نامناسب، فرایند قضایی، روند پیگیری پرونده (۳ مضمون)

نمونه‌ای از مطالب بیان‌شده در گروه‌های کانونی توسط کارشناسان و مراقبین زندان، مرتبط با مضامین فراگیر و سازمان دهنده در جدول شماره ۵ آورده شده است.

جدول ۵. نمونه‌هایی از مصاحبه گروه کانونی (کارشناسان و مراقبین زندان) به تفکیک مضامین

گروه کانونی	عنوان مضمون		نقل قول
	فراگیر	سازمان دهنده	
کرمان	مهارت اجتماعی		خانم‌ها بیشتر تحت تأثیر همسر، پدر، مادر جرم می‌کنند و آموزش مهارت نه گفتن برای خانم‌ها ضروری است.

آموزش بهداشت فردی و جمعی و آموزش زندگی در محیط‌های جمعی و برای مثال استفاده از چشم‌پند و گوش بند لازم است	بهداشت و سلامت	اهواز
تمام مقررات زندان به زندانی در روز نخست گفته شود و تأکید شود کرد که زندگی در زندان زندگی در موقعیت بحرانی است و واقعیت زندان تشریح شود مثل آسیب‌های زندان. حلقه مفقوده در زندان، آن چیزی است که زندانی برای زندگی در زندان باید بداند ...	آشنایی با زندان	کرمان و تهران
حلقه مفقوده در زندان، آن چیزی است که زندانی برای زندگی در زندان باید بداند ... گذراندن اوقات فراغت در زندان از اهمیت زیادی برخوردار است و اوقات فراغت همدلانه بسیار مفید است یعنی روش گذراندن اوقات فراغت را با میل خود انتخاب کنند و در این خصوص آموزش ببینند.	پرورشی	تهران
آموزش ۱۰ مهارت زندگی برای آن‌ها ضروری است. برای خانم‌های زندانی علاوه بر نیازهای آموزشی مردان، آموزش مهارت نه گفتن و خودآگاهی ضروری است.	مهارت زندگی	تبریز و اهواز
آموزش مهارت‌های ارتباط کلامی و غیرکلامی به خصوص با سایر زندانیان اهمیت زیادی دارد.	مهارت ارتباط	اهواز
برون‌ریزی عاطفی زنان به لحاظ تفاوت عاطفی در بین زنان بیشتر از مردان است، از مجازات جایگزین به جای زندان برای زنان استفاده شود. مشکلات زنان بیشتر از ناحیه مردان است و درگیری احساسی زیاد دارند.	انتظارات نقشی	تهران و اهواز
از آموزش‌های مربوط به بیماری‌های زنان غافل شدیم، عقب‌نشینی کردیم. سرطان‌های زنان را نادیده داریم می‌گیریم. نگاهی به بیماری‌های بدخیمی و کسرس برست (سرطان سینه) نداریم	بهداشت و درمان	کرمان
از نکاتی که به زندانیان گفته می‌شود این است که روی تخت هم نخوابند، عاشق و بشقاب خود را به کسی ندهند، باهم حمام نروند، زیاد باکسی در اینجا دوستی نکنند و ارتباط صمیمی و نزدیک برقرار نکنند، از پرونده هم چیزی نگویند.	زندگی در زندان	تبریز
جدایی از خانواده برای زندانیان زن بزرگ‌ترین آسیب است و باید به آن‌ها آموزش‌های لازم در مورد کاهش این مشکل را داد.	آسیب خاص زنان	اهواز
آموزش کلاسیک حقوقی نیاز ندارند بلکه آموزش در مورد تکرار جرم از نظر حقوقی گفته شود، هیچ کدام از زندانیان ما آگاهی از جرم را حتی ندارند و مجازات یک جرم را نمی‌دانند چیه.	اطلاعات حقوقی - قضایی	اهواز و کرمان

محتوای آموزشی از دیدگاه رؤسای زندان

تحلیل یافته‌های حاصل از مصاحبه با رؤسای زندان در ۴ زندان جامعه هدف در سطح سوم محتوای آموزشی، طبق جدول شماره ۶ بیانگر این است که ۱۹ مضمون پایه مشترک به ۸ مضمون سازمان‌دهنده اصلی شامل: مهارت زندگی، مهارت ارتباط، انتظارات نقشی، سلامت روان، بهداشت و درمان، زندگی در زندان، آسیب‌های محیط زندان، اطلاعات حقوقی تبدیل شدند. مضامین سازمان‌دهنده استخراج شده نیز به ۴ مضمون فراگیر مهارت اجتماعی، بهداشت و سلامت، آشنایی با زندان، اطلاعات حقوقی تبدیل شدند.



جدول ۶. نتایج تحلیل مضامین سطح سوم محتوای آموزش (رؤسای زندان)

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده	مضامین فراگیر	سطح سوم محتوای آموزشی
آموزش افزایش آستانه تحمل، خودشناسی، امید به زندگی و نشاط (۳ مضمون)	مهارت زندگی		محتوای آموزش مددجویان زن از دیدگاه رؤسای زندان
مهارت ارتباط فردی و اجتماعی مؤثر (۲ مضمون)	مهارت ارتباط	مهارت اجتماعی	
فرزند پروری در زندان، همسر داری از درون زندان، (۲ مضمون)	انتظارات نقشی		
آشنایی با بهداشت عمومی، بیماری‌های خاص زنان، آشنایی با بیماری‌های مزمن و غیر واگیر و واگیردار و درمان آن‌ها (۴ مضمون)	بهداشت و درمان	بهداشت و سلامتی	
اجرای دین درمانی و آموزش‌های دینی و اخلاقی (۳ مضمون)	سلامت روان		
قوانین و تکالیف زندان (۱ مضمون)	زندگی در زندان	آشنایی با زندان	
طرد اجتماعی و خانوادگی و عدم پذیرش آن‌ها، التزام به ارتباط با خانواده (۲ مضمون)	آسیب‌های خاص زنان زندانی		
قوانین حقوقی و کیفری، آگاهی از جرائم مربوط به مواد و مجازات آن‌ها (۲ مضمون)	دانش حقوقی و قضایی	اطلاعات حقوقی	

نمونه‌ای از مطالب بیان شده در مصاحبه با رؤسای زندان، مرتبط با مضامین استخراج شده در سطوح مهارت اجتماعی، بهداشت و سلامت، آشنایی با زندان و اطلاعات حقوقی در جدول شماره ۷ آورده شده است.

جدول ۷. نمونه‌هایی از مصاحبه با رؤسای زندان به تفکیک مضامین

مضامین	عنوان مضمون	نقل قول
مضامین شونده	فراگیر	سازمان دهنده
تبریز	مهارت اجتماعی	امیدواری در زنان خیلی کم است و آموزش امید به زندگی و نشاط مفید است
تبریز	بهداشت و سلامت	دین درمانی در مورد آن‌ها بسیار تأثیرگذار است...
کرمان و تهران	آشنایی با زندان	آشنایی با متولیان زندان بخصوص رابط قضایی و چگونگی دسترسی و طرح مشکلات با آن‌ها لازم است
اهواز	دانش حقوقی	عواقب جرائم حتماً باید آموزش داده شود (مجازات‌ها)

تهربز و اهواز	مهارت زندگی	امیدواری در زنان خیلی کم است و آموزش امید به زندگی و نشاط مفید است
تهران	مهارت ارتباط	آموزش مهارت ارتباط کلامی و غیرکلامی بخصوص باهم بندها و کارکنان مهم است زیرا تعداد قابل توجهی از درگیری بین زندانیان به دلیل عدم رعایت است برای زنان برقراری ارتباط با خانواده بسیار حیاتی است، شناخت موقعیت و ارزش های خود مثلاً به خاطر بچه هایشان هم که شده حاضر نشوند دوباره به زندان بیایند
کرمان	بهداشت و درمان	آموزش بهداشت عمومی و علائم و پیشگیری از بیماری های واگیر دارد و غیر واگیردار بخصوص بیماری های خاص زنان ضروری است اما نباید اطلاعات از حدی بالاتر رود زیرا باعث سوءاستفاده می شود
تهربز	سلامت روان	آموزش های دینی و اخلاقی و اشتغال برای زنان زندانی دارای اهمیت است بخصوص دین درمانی در مورد زندانیان زن بسیار تأثیرگذار است
اهواز	زندگی در زندان	آموزش افزایش آستانه تحمل، قوانین و مقررات زندان، آشنایی با روش های بیان درخواست و مشکلات خود به مسئولین زندان ضروری است
کرمان	آسیب خاص زنان	خانم ها مظلوم واقع شده اند و پذیرش اجتماع و خانواده در مورد مددجویان زن پس از آزادی و در زمان حبس حتی خیلی کمتر از مردان است.
تهران	دانش حقوقی- قضایی	عواقب جرائم حتماً باید آموزش داده شود (مجازات ها)

در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، مبنی بر الگوی محتوای آموزشی مددجویان زن چگونه است؟ یافته های زیر به دست آمد:

نتایج حاصل از تحلیل یافته ها نشان داد این الگو دارای ۵ بعد (مهارت اجتماعی، بهداشت و سلامت، آشنایی با زندان، اطلاعات حقوقی و پرورشی) و ۹ مؤلفه (مهارت زندگی، مهارت ارتباط، انتظارات نقشی، بهداشت و درمان، سلامت روان، زندگی در زندان، آسیب های خاص زنان زندانی، دانش حقوقی-قضایی و فرهنگی- تربیتی) و ۶۶ زیرمؤلفه است. این نتایج در جدول شماره ۸ نشان داده شده است.



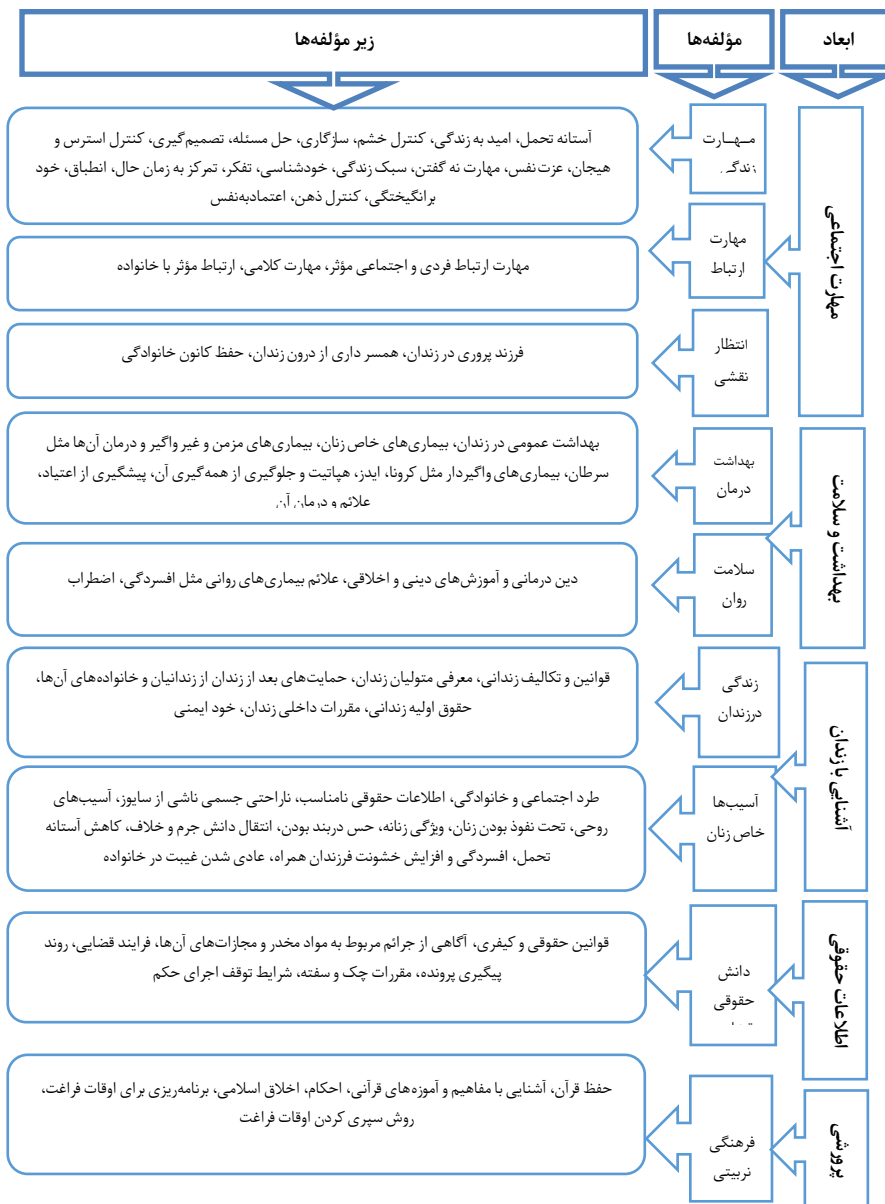
جدول ۸. جمع‌بندی مضامین محتوای آموزشی در سه سطح

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	تعداد مضامین پایه
مهارت اجتماعی	مهارت زندگی	آموزش افزایش آستانه تحمل، امید به زندگی و نشاط، کنترل خشم، جامعه‌پذیری و سازگاری، مهارت حل مسئله، روش تصمیم‌گیری، کنترل استرس، آموزش عزت‌نفس، مهارت نه گفتن، سبک زندگی، خودشناسی، کنترل هیجان و همدلی، آموزش تفکر، آموزش تمرکز به زمان حال، قدرت انطباق، خود برانگیختگی، کنترل ذهن، ارتقاء اعتماد به نفس،	۱۸
	مهارت ارتباط	مهارت ارتباط فردی و اجتماعی مؤثر، مهارت کلامی، ارتباط مؤثر با خانواده	۴
بهداشت و سلامت	انتظارات نقشی	فرزند پروری در زندان، همسر داری از درون زندان، حفظ کانون خانوادگی،	۳
	بهداشت و درمان	آشنایی با بهداشت عمومی در زندان، بیماری‌های خاص زنان، آشنایی با بیماری‌های مزمن و غیر واگیر و درمان آن‌ها مثل سرطان، آشنایی با بیماری‌های واگیردار مثل کرونا، ایدز، هپاتیت و جلوگیری از همه‌گیری آن، پیشگیری از اعتیاد، علائم و درمان آن	۵
	سلامت روان	آموزش دین درمانی و آموزش‌های دینی و اخلاقی، آشنایی با علائم بیماری‌های روانی مثل افسردگی، اضطراب	۲
آشنایی با زندان	زندگی در زندان	قوانین و تکالیف زندانی، معرفی متولیان زندان، حمایت‌های بعد از زندان از زندانیان و خانواده‌های آن‌ها، حقوق اولیه زندانی، مقررات داخلی زندان و بندها، خود ایمنی	۶۸
	آسیب‌های خاص زنان زندانی	طرد اجتماعی و خانوادگی و عدم پذیرش آن‌ها، التزام به ارتباط با خانواده، اطلاعات حقوقی نامناسب، جدایی از خانواده، ناراحتی جسمی ناشی از سایکوز، آسیب‌های روحی مددجویان زن، تحت نفوذ بودن زنان، ویژگی زنانه، حس در بند بودن، انتقال دانش جرم و خلاف، کاهش آستان تحمل، افسردگی فرزندان همراه، عادی شدن غیبت زن در خانواده، افزایش خشونت فرزندان همراه، ازهم‌پاشیدگی کانون خانواده	۱۶
اطلاعات حقوقی	دانش حقوقی - قضایی	قوانین حقوقی و کیفری، آگاهی از جرائم مربوط به مواد و مجازات‌های آن‌ها، فرایند قضایی، روند پیگیری پرونده، مقررات چک و سفته، شرایط توقف اجرای حکم	۶

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه	تعداد مضامین پایه
پرورشی	فرهنگی- تربیتی	حفظ قرآن، آشنایی با مفاهیم و آموزه های قرآنی، احکام، اخلاق اسلامی، برنامه ریزی برای اوقات فراغت، روش سپری کردن اوقات فراغت	۶

بحث و نتیجه گیری

بدون شک ورود به دنیای ناشناخته زندان، به ویژه برای زنانی که تجربه نخست زندانی شدن آن‌ها است، ممکن است پرتش، استرس‌زا و آسیب‌زا باشد و موجبات کاهش سلامت روان آن‌ها را فراهم آورد. بازپروری مجرمان زندانی و اصلاح رفتار آنان در ایجاد مصونیت هر چه بیشتر زندانیان در برابر آسیب‌پذیری‌های اخلاقی و پیشگیری از ارتکاب دوباره جرم اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. به خصوص آنکه پژوهشگران از جمله زارعی پور و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند با توجه به پایین بودن سلامت معنوی مددجویان زن و ارتباط آن با شدت جرم، لازم است سیاست‌های ارتقای سلامت معنوی در زندانیان که منطبق بر شواهد نیز باشد، به کار گرفته شود تا به دین طریق هم دیگر ابعاد سلامت زندانیان ارتقا یابد و هم از وقوع دوباره جرم پیشگیری شود. از این روی توجه به مددجویان زن، به علت ویژگی‌های جسمی و روحی خاص زنانه و نقش‌های اجتماعی چون مادری و همسری، از حساسیت‌های بیشتری برخوردار است و به یاری بیشتری برای سپری کردن دوران محکومیت و پس از آن، باز سازگاری اجتماعی نیاز دارند. در این راستا یکی از وظایف کارکنان شاغل در مؤسسه کیفری، آموزش حقوق و تکالیف قانونی محکومان و متهمان و تفهیم مستمر این حقوق و تکالیف به افراد تازه وارد است. تدوین محتوای آموزشی متناسب با نیاز مددجویان زن می‌تواند کمک شایان توجهی به آن‌ها در سپری کردن دوران محکومیت و ورود به دنیای جدید و ناشناخته زندان داشته باشد. با عنایت به مطالب فوق هدف پژوهش حاضر طراحی الگوی محتوای آموزشی برای مددجویان زن بود. همان‌گونه که در شکل شماره ۱ آورده شده است محتوای آموزشی مددجویان زن شامل ۵ بعد، ۹ مؤلفه و ۶۶ زیر مؤلفه است؛ بنابراین پژوهش حاضر تلاش کرد یک الگوی مفهومی مناسب برای تدوین محتوای آموزشی مددجویان زن ارائه کند.



شکل ۱. الگوی مفهومی

همان‌گونه که در شکل شماره ۱ آمده است در الگوی فوق بعد «مهارت اجتماعی» با ۲۵ مضمون پایه در رتبه نخست نسبت به سایر ابعاد قرار دارد و می‌توان نتیجه گرفت در طراحی محتوای آموزشی مددجویان زن می‌بایست بر مهارت‌های اجتماعی تأکید بیشتری شود؛ این یافته‌ها نتایج پژوهش سامری (۱۳۹۶) را مورد تأیید قرار داده است وی نشان داد آموزش تغییر نگرش زندانیان زن، آموزش خودآگاهی،

اصلی‌ترین کارها جهت رسیدن و تقویت توانمندسازی زنان دربند زندان است. از سوی دیگر در همین بعد مؤلفه مهارت زندگی با ۱۸ مضمون پایه در بالاترین رتبه مؤلفه‌های این بعد قرار دارد. توجه به مؤلفه آموزش مهارت زندگی توسط هر سه گروه مورد مطالعه (مددجویان زن، روسای زندان و مراقبین و کارشناسان زندان) تأکید ویژه شده بود. همچنین این یافته‌ها مؤید نتایج حاصل از پژوهش فرح نژاد، محمدی و خرسندی (۱۳۹۹) مبنی بر اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی و تأثیر آن بر کاهش رفتارهای نابهنجار و پرخطر در زندانیان است. مؤلفه‌های دیگر این بعد از جمله انتظارات نقشی بخصوص نقش مادری توسط پژوهش بلدوین (۲۰۱۸) مورد تأیید است. وی نشان داد، احساسات مادران و نقش مادری در فضای زندان تحت تأثیر قرار می‌گیرد و آسیب‌های عاطفی و آشفتگی احساس شده توسط مادران و اختلال در روابط مادر و فرزند برای مددجویان زن اجتناب‌ناپذیر است. از سوی دیگر جوهانستون (۲۰۰۶) نیز نشان داد این رابطه در دو سطح کوتاه‌مدت و بلندمدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تمایل به رفتار بزهکارانه در میان فرزندان، تضعیف کنترل فرزندان و اقتدار خانواده، در بلندمدت و احساس خجالت، انزوای اجتماعی، تضعیف تعلق‌خاطر به والدین و افزایش خطر سوءاستفاده از کودکان در کوتاه‌مدت دیده شده است. همچنین معظمی، شیرو و صالحی (۱۳۹۴) نیز دریافتند که هر چه میزان پذیرش زندانی از سوی خانواده و محیط اجتماعی پس از آزادی کمتر باشد امکان بازگشت مجدد بیشتر خواهد بود. روشن پور و آقاجانی (۱۳۹۹) نیز نشان دادند رابطه معناداری بین طرد اجتماعی و بازگشت به زندان وجود دارد. یافته‌های پژوهش حاضر نیز به طرد اجتماعی و خانوادگی به عنوان یکی از آسیب‌های مهم اشاره دارد.

بعد دیگر که به لحاظ فراوانی مضامین پایه در رتبه دوم قرار دارد، بعد «آشنایی با زندان» است. بدون شک برای ورود به هر محیط جدید و ناآشنایی نیاز به دریافت یکسری اطلاعات موثق و قابل استناد است. مصاحبه‌شوندگان نیز تأکید داشتند دادن اطلاعات مناسب در مورد زندگی در زندان، شرایط و آسیب‌های آن، تأثیر قابل توجهی بر سلامت روان مددجویان زن دارد. این در حالی است که ماده ۶۲ آئین‌نامه سازمان زندان‌ها ابلاغی سال ۱۴۰۰ نیز در تأکید این موضوع آورده است: مسئولین زندان، روزانه در ابتدای وقت اداری با زندانیان تازه‌وارد ملاقات بکنند و با تفهیم حقوق و تکالیف زندانیان اعم از ضوابط امنیتی، بهداشتی، رفاهی و انضباطی و مانند آن نسبت به آموزش و آگاه‌سازی زندانیان به‌طور مستمر اقدام نمایند. همچنین در طول دوره از طرق مختلف مانند نمایش فیلم، نصب بنر، تهیه و توزیع جزوه‌های آموزشی مقررات و حقوق و تکالیف زندانیان به آن‌ها یادآوری گردد. همچنین بند ۱۰۹ ماده ۱۰۹



نیز به صراحت اشاره دارد که: به منظور آموزش، ترویج و رعایت حقوق متهمان بازداشتی و زندانیان، معاونت سلامت اصلاح و تربیت می‌بایست نسبت به تهیه کتابچه راهنما متضمن حقوق و تکالیف قانونی زندانی و قرار دادن آن در اختیار زندانی اقدام نماید. البته در این بعد مؤلفه آسیب‌های زندان با ۱۸ مضمون پایه در رتبه برتر قرار دارد؛ که این امر حاکی از اهمیت آموزش آسیب‌های زندان به زندانیان دارد. این آسیب‌ها را می‌توان به آسیب‌های محیط داخل زندان و آسیب‌های وضعی ناشی از زندانی شدن دسته‌بندی کرد.

بعد سوم الگو به لحاظ تعداد مضامین پایه (۷ مضمون پایه)، بعد «بهداشت و سلامت» است. این بعد دارای دو مؤلفه بهداشت و درمان و سلامت روان است؛ که مؤلفه بهداشت و درمان با ۵ مضمون پایه از اهمیت بیشتری برخوردار است. با توجه به زندگی در محیط بسته و ارتباط تنگاتنگ زندانیان با یکدیگر زیر مؤلفه بهداشت عمومی و آشنایی با بیماری‌های واگیردار به خصوص در دوران شیوع بیماری کرونا از درجه اهمیت بیشتری برخوردار شود و حتی خود زندانیان به لزوم آموزش آن توسط متولیان حوزه بهداشت و سلامت زندان و رعایت آن از سوی کلیه زندانیان تأکید بسیاری داشتند. زیر مؤلفه بعدی این بعد، سلامت روان با ۲ مضمون پایه است. وجود مشکلات مربوط به سلامت روان در زندانیان توسط پژوهش‌مظاهری و همکارانش (۱۳۹۰) نیز مورد تأیید قرار گرفته است که باید توسط مسئولین زندان مدنظر قرار گیرد زیرا عدم توجه به آن ضمن ایجاد اختلالات قابل توجه در فرایند زندان بانی، در درازمدت می‌تواند منجر به آسیب جدی به سلامت جسمی بیمار زندانی و سایر هم‌بندان آن شود. نکته قابل توجه دیگر در مورد زیرمؤلفه سلامت روان این است که اکثر افراد جامعه هدف بخصوص رؤسا و مراقبین و کارشناسان زندان بر این تأکید داشتند که کمک گرفتن از آموزه‌های قرآنی، مباحث اخلاق اسلامی و به‌طور کلی دین درمانی می‌تواند در حفظ و ارتقاء سلامت روان زندانیان و افزایش امید به زندگی آن‌ها بسیار تأثیرگذار باشد، لیکن توجه به این نکته حائز اهمیت است که این آموزش‌ها بعد از مدتی برای زندانیانی که زمان محکومیت طولانی دارند تکرار می‌شود، لذا بکر بودن مطالب متناسب با شرایط زندانیان از اهمیت بسیاری برخوردار است.

ابعاد دیگر الگو به ترتیب اطلاعات حقوقی و پرورشی هر یک با ۶ مضمون پایه هستند. در بعد اطلاعات حقوقی جامعه هدف بر دانش حقوقی - قضایی تأکید داشت و از این‌بین نیز فرایند قضایی پیگیری پرونده و شرایط توقف اجرای حکم مدنظر بود. این در حالی است که مدیران و کارشناسان زندان بر این باور بودند که آگاهی از شرایط پرونده قضایی و نیز روند رسیدگی و پیگیری آن تأثیر قابل توجهی

در سلامت و بهداشت روان مددجویان زن دارد. در بعد پرورشی به عنوان آخرین بعد الگو، مؤلفه فرهنگی- تربیتی از اهمیت بیشتری برخوردار بود. در این بعد نیز حفظ قرآن، آشنایی با مفاهیم و آموزه های قرآنی، احکام، اخلاق اسلامی و در کنار آن ها برنامه ریزی مناسب برای سپری کردن اوقات فراغت دارای اهمیت بود.

در انتها می توان گفت هرچند ماهیت پژوهش در زندان به لحاظ مسائل امنیتی و قوانین محدودکننده حاکم بر این جوامع و ضرورت اخذ مجوزهای سازمانی برای تعامل با مشارکت کنندگان، زمان بر و گاهی فرسایشی است لیکن کاربردی بودن نتایج حاصل می تواند امیدبخش باشد. به خصوص در مورد این پژوهش که اجرای نتایج آن می تواند در توانمندسازی مددجویان زن اثرگذار باشد. در نهایت می توان نتیجه گرفت که مهم ترین محتوا از نظر جامعه هدف مربوط به مهارت اجتماعی با تأکید بر مهارت زندگی، مهارت ارتباط و آشنایی مددجویان زن با انتظارات نقشی است. آنچه حائز اهمیت است این است که زنان جامعه هدف بر افزایش آگاهی خود در نقش هایی تأکید داشتند که وابسته به جنسیت و مربوط به نهاد خانواده بود. مضامینی چون: فرزند پروری در زندان، همسر داری از درون زندان و حفظ کانون خانوادگی. این یافته ها بر این نکته تأکید دارد که برای زنان در هر کسوت، شرایط و موقعیتی، ایفای نقش های زنانه چون مادری و همسری از دغدغه ها و اولویت های آن ها محسوب می شود. از سوی دیگر با توجه به فراوانی شاخص های احصاء شده می توان دریافت که یکی دیگر از اولویت های مهم جامعه هدف آشنایی با زندان، به خصوص آسیب های زندان است و بدیهی است توجه به تدوین محتوای مناسب برای توانمندسازی مددجویان زن می تواند اثر قابل توجهی در ارتقا سلامت روان و جسم زندانیان داشته باشد. لذا ضروری است ساعات آموزش بیشتری به این مباحث اختصاص پیدا کند.

در کشورهای مختلف دنیا، برنامه های زیادی ویژه توان بخشی و توانمندسازی زندانیان، خصوصاً مددجویان زن طراحی و اجرا می شود. برنامه های رفتاردرمانی، فرهنگی، ورزشی، بهداشتی و درمانی، اشتغال زایی، آموزشی و درمان اعتیاد که نقش مهمی در بهبود امنیت عمومی دارند. این برنامه ها موجب کاهش تداوم تکرار جرم و رفتار مجرمانه در زندان می شود. پژوهش هایی که در مورد نتایج این برنامه ها انجام شده، حاکی از آثار مثبت آن ها بر زندانیان است (مشیر، ۱۳۹۵). براین اساس و با عنایت به مطالب فوق مضامین پایه استخراج شده می تواند نقش به سزایی در طراحی یک آموزش هدفمند و همه جانبه متناسب با ابعاد وجودی و شرایط حاکم بر زندان زنان ایفا کند.



از محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به نوع طرح پژوهش و روش کیفی آن اشاره کرد که باعث می‌شود نتایج این پژوهش را نتوان قاطعانه تعمیم داد؛ به این منظور می‌توان با انجام پژوهشی آمیخته و افزایش جمعیت آماری این محدودیت را برطرف کرد. انتخاب مشارکت‌کنندگان از بین مددجویان زندان‌های استانی بدون مطالعه مددجویان زندان‌های شهرستانی، یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش بود. هرچند در گروه کانونی از کارشناسان و مراقبان شاغل در زندان شهرستان‌های هر استان نیز استفاده شد. به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود در پژوهشی ضمن مدنظر قرار دادن نتایج پژوهش حاضر، نسبت به تدوین محتوای مناسب برای مددجویان زن و کارکنان شاغل در بند زنان اقدام کنند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش: مسائل اخلاقی از جمله توضیح هدف پژوهش برای شرکت‌کنندگان، دادن زمان کافی به هر شرکت‌کننده برای مصاحبه، توضیحات اضافه در مورد سؤال‌ها در صورت نیاز، تکرار پاسخ مصاحبه‌شوندگان به منظور اطمینان از دریافت صحیح منظور آن‌ها به خصوص در مورد مددجویان زن، اطمینان به شرکت‌کنندگان از محرمانه ماندن اطلاعات شخصی آن‌ها رعایت شد.

حامی مالی: این پژوهش بدون حامی مالی و با هزینه شخصی نویسندگان انجام شده است.

تضاد منافع: این پژوهش با منافع شخص یا سازمانی منافات ندارد.

تشکر و قدردانی: از مدیران و کارکنان سازمان زندان‌ها و نیز زندان‌های جامعه هدف و مددجویان زن مشارکت‌کننده در این پژوهش که با حسن نظر خود پژوهشگر را در این پژوهش یاری دادند کمال تشکر و قدردانی را دارد.

دسترسی به داده‌ها: داده‌هایی که از این مطالعه پشتیبانی می‌کنند به دلیل عمومی نبودن داده‌ها در قابل دسترس نیست. در صورت تقاضا با ایمیل Alimardaniak01@gmail.com تماس بگیرید.

منابع

- حسینیچاری، مسعود. (۱۳۹۲). پیامدهای زندان بر سلامت عمومی زنان زندانی بر مبنای روانشناسی مثبت نگر زندان‌های استان کرمان و یزد. طرح پژوهشی به سفارش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور.
- روشن پور، محبتی، محسنی، رضا علی و آقاجانی، حسین. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی عوامل طرد اجتماعی زندانیان زن و اثر آن بر چرخه بازگشت به زندان (مورد مطالعه زندان‌های استان لرستان). پژوهش‌نامه زنان، ۱۱(۳۴)، ۱-۳۵. doi: 10.30465/ws.2021.22048.2462 [لینک]

رئیس قوه قضائیه. (۱۴۰۰). آئین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور. [لینک]

زارعی پور، مرادعلی، نرمایون، نوشین، محمودی، حسن، جدگال، خیرمحمد و زارع، فاطمه. (۱۳۹۶). بررسی سلامت معنوی و ارتباط آن با جرم در مددجویان زن شهرستان ارومیه (سال ۱۳۹۵). پژوهش در دین و سلامت، ۴(۱)، ۳۳-۲۲.

doi.org/10.22037/jrrh.v4i1.16011 [لینک]

سامری، هدا. (۱۳۹۶). بررسی نقش آموزش‌های فرهنگی، اجتماعی در توانمندسازی زنان زندانی پس از آزادی (مطالعه موردی). دومین همایش ملی جایگاه زنان در کارآفرینی و توسعه پایدار. [لینک]

سراج‌زاده، حسن و نوربخش، افروز. (۱۳۸۷). بررسی رابطه توسعه اقتصادی و اجتماعی با جرم زنان در ایران. مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۱۸(۶)، ۳۱-۵۴. doi.org/10.22051/JWSPS.2008.1360 [لینک]

سیگل، لاری جی. (۱۳۸۵). جرم‌شناسی. ترجمه یاشار سیف الهی، تهران، انتشارات معاونت آگاهی ناجا. صادقی فسنایی، سهیلا، میرحسینی، زهرا. (۱۳۹۳). تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان از زندان پس از آزادی. فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۱۲(۳)، ۳۴۲-۳۴۵. doi.org/10.22059/jwdp.2014. [لینک]

طغرانکار، حسن. (۱۳۸۶). جایگزین‌های حبس در قلمرو نظام عدالت کیفری زنان. ماهنامه اصلاح و تربیت، ۵۵(۴)، ۱۸-۱۵. [لینک]

عماد زاده، مصطفی. (۱۳۸۲). اهمیت سرمایه‌گذاری در آموزش زنان. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، ۱(۷)، ۱۴۰-۱۱۵. [لینک]

فرح نژاد، امیر، محمدی، رضا و خرسندی یامچی، اکبر. (۱۳۹۹). ارزشیابی اثربخشی آموزش مهارت‌های زندگی در زندان‌ها. انتظام اجتماعی، ۱۲(۴)، ۱۶۹-۱۹۸. doi.org/DOR:20.1001.1.20086024.1399.12.4.7.0 [لینک]

کاظم‌زاده، صبا، فاضلی نسب، بهمن و محمدی، صیاد. (۱۳۹۴). نقش زن در سلامت خانواده و جامعه. اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری. [لینک]

کردمیرزا، عزت اله. (۱۳۹۲). بررسی تبعات زندان برای زنان زندانی. طرح پژوهشی به سفارش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور.

لاریجانی، مهسا و علیمردانی، اکرم. (۱۳۹۹). بررسی فرایندهای زندانبانی، اصلاحی و تربیتی در زندان زنان تهران و ارائه الگوی خاص برای زندان زنان. طرح پژوهشی به سفارش سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور.

مشیر، زهرا سادات. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی زندان زنان. چاپ اول، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران. مظاهری، مهرداد، خلیقی، نسرین، رقیبی، مهوش و سرابندی، حسن. (۱۳۹۰). شیوع اختلالات شخصیت در میان زندانبانان

زن زندان زاهدان. مجله تحقیقات علوم پزشکی زاهدان (طیب شرق)، ۱۳(۳)، ۵۹-۴۶. [لینک]

معظمی، شهلا، شیروی، مهسا و صالحی، معصومه. (۱۳۹۴). تأثیر زندان بر تکرار جرم زنان. دانش نامه حقوق و سیاست، ۱۱(۲۳)، ۵۸-۳۹. [لینک]

مقتدری انجم، زهرا و فرح بیجاری، اعظم. (۱۳۹۶). بررسی بهزیستی روان‌شناختی زنان زندانبان (مطالعه موردی: زندان قزل‌حصار). کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه. [لینک]



نژاد سبزی، پروانه. (۱۳۹۲). بررسی تبعات زندان برای مددجویان زن در استان لرستان. طرح پژوهشی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور.

References

- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405, doi/abs/10.1177/146879410100100307. [link]
- Baldwin, A, Sobolewska, A, & Capper, T. (2020). Pregnant in prison: An integrative literature review. *Women and Birth*, 33(1), 41-50, doi/abs/10.1177/146879410100100307. [link]
- Emadzadeh, M. (2003). The importance of investing in women's education. *Journal of Women in Development and Politics*, 1(7)115-140. (text in persian) [link]
- Farahnejad, A, Mohammadi, R & Khorsandi Yamchi, A. (2020). Evaluating the Effectiveness of Life Skills Teaching in Prisons. *Entezam - e - Ejtemaei*, 12(4), 169-198. (text in persian) [link]
- Head of the Judiciary. (2021). The executive charter of the organization of prisons and security and educational measures of the country. (text in persian) [link]
- Hosseinchari, M. (2012). The consequences of prison on the general health of female prisoners based on positive psychology in Kerman and Yazd province prisons. A research project commissioned by the Organization of Prisons and Provisional and Educational Measures of the country. (text in Persian)
- Johnston, D. (2006). The wrong road: Efforts to understand the effects of parental crime and incarceration. *Criminology & Public Policy*, 5(4), 703-719, doi/abs/10.1111/j.1745-9133.2006.00414. [link]
- Kazemzadeh, S, Fazli Nasab, B & Mohammadi, S. (2015). The role of women in the health of the family and society. The first international conference on management, economics, accounting and educational sciences, Sari. (text in persian) [link]
- Kurdmirza, I. (2013). *Examining the consequences of prison for women prisoners*. A research project commissioned by the Organization of Prisons and Provisional and Educational Measures of the country. (text in persian)
- Larijani, M & Alimardani, Ak. (2020). *Investigating prison, correctional and educational processes in Tehran women's prison and presenting a specific model for women's prison*. A research project commissioned by the Organization of Prisons and Provisional and Educational Measures of the country. (text in persian)
- Lincoln, Y. S, & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. sage. [link]
- Mazaheri, M, Khaleghi, N, Rakibi, M & Sarabandi, H. (2011). Prevalence of personality disorders among female prisoners in Zahedan prison. *Zahedan Medical Sciences Research Journal (Taib Sharq)* 13(3) 46-49. (text in persian) [link]
- Moazzami, Sh, Shiravi, M & Salehi, M. (2014). The effect of prison on women's recidivism. *Journal of Law and Politics*, 11(23)39-58. (text in persian) [link]
- Moqtadari Anjam, Z & Farah Bijari, A. (2016). *Investigating the psychological well-being of female prisoners (case study: Qezal-Hesar prison)*. International congress on the role of women in family and community health. (text in persian) [link]

- Moshir, Z. S. (2017). *Sociology of Women's Prisons*. first edition, Sociologists Publications, Tehran. (text in persian)
- Nejad sabzi, p. (2012). *Examining the consequences of prison for female clients in Lorestan province*. The research plan of the organization of prisons and security and educational measures of the country. (text in persian)
- Roshanpour, M, Mohseni, R A & Aghajani, H. (2019). A Sociological Explanation of the Causes of Social Exclusion of Female Prisoners and Its Effect on the Return to Imprisonment Cycle (Case Study of Prisons in Lorestan Province). *Research Journal of Women*, 11(34) 1-35. (text in persian) [link]
- Sadeghi Fasai, S, Mirhosseini, Z. (2013). Sociological analysis of narratives of women from prison after release. *Journal of Women in Development and Politics*, 12(3) 345-362. (text in persian) [link]
- Samari, H. (2016). Investigating the role of cultural and social education in empowering imprisoned women after release (case study). The second national conference on the position of women in entrepreneurship and sustainable development. (text in persian) [link]
- Siegel, Larry J. (2016). *Criminology*. Translated by Yashar Seif Elahi, Tehran, Naja Vice-Chancellor Publications. (text in persian)
- Sirajzadeh, S.H ; Seraj-zade & Nurbakhsh, A. (2008). Examining the Relationship of Socio-economic Development and Female Crime in Iran. *Social Psychological Studies of Women*, 18(6), 31-54. (text in persian) [link]
- Taghrankar, H. (2006). Alternatives to imprisonment in the realm of women's criminal justice system. *Correction and Education Monthly*, 55(4)15-18. (text in persian) [link]
- Zareipour, M A, Narmayon, N, Mahmoudi, H, Jadgal, KhM & Zare, F. (2016). Investigating Spiritual Health and its Relation to Crime among Female Prisoners in Urmia. *Research in religion and health*, 4(1), 22-33. (text in persian) [link]



اسامی داوران شماره تابستان ۱۴۰۳

زهرآل اسحق خنینی

عضوبیات علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه الزهراء (س)

شهره روشنی

عضوبیات علمی پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهراء (س)

نعمیه ذوالفقاری

مدرس گروه حقوق، دانشگاه سمنان

ناهید حسینی

عضوبیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم نظامی امین

مریم بنامان

عضوبیات علمی گروه مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، دانشگاه الزهراء (س)

رقیه السادات مؤمن

عضوبیات علمی، گروه حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)

فریادانگان

عضوبیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه علوم نظامی امین

زهره خسروی

عضوبیات علمی گروه روان شناسی دانشگاه الزهراء (س)

فاطمه پورمحبیان

عضوبیات علمی گروه حقوق، دانشگاه الزهراء (س)

غلامرضا رجبی

عضوبیات علمی گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز

صغری ابراهیمی قوام

عضوبیات علمی گروه روان شناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

اعظم فرح بجاری

عضوبیات علمی گروه روان شناسی، دانشگاه الزهراء (س)



P-ISSN: 2008-9384
E-ISSN: 2538-2004

Woman and Family Studies

Quarterly Journal of Woman and Family Studies
Alzahra University, Women Research Center
Volume 12, Issue 2, Serial 33, Summer 2024

